

# ره توشه

راهیان نور

متون آموزشی

«قرآن، آداب و اخلاق، اعتقادات، احکام و ضمیمه»

ویژه مقطع ابتدایی (۱)

«ستاد طرح تابستانی هجرت»

«شناسنامه»

نام کتاب: ره توشه راهیان نور (متون آموزشی ویژه مقطع ابتدایی)

گردآورنده: مرکز تربیت مریّی کودکان و نوجوانان

ناشر: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم - امور استانها

حروفچینی و صفحه آرایی: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

چاپ، لیتوگرافی و صحافی: چاپخانه سازمان اقتصادی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

نوبت چاپ: اول / تیرماه ۱۳۷۴

تیراژ: ۳۵۰۰ جلد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



## فهرست کلی کتاب

۷-۹	مقدمه
۹-۹۱	روخوانی و مقاہیم قرآنی
۹۱-۱۴۳	اخلاق و آداب
۱۴۳-۲۲۵	اعتقادات
۲۲۵-۲۸۷	احکام
۲۸۷-۳۰۳	ضمیمه



## پیشگفتار

### بسمه تعالیٰ

قلم زدن برای کودکان، نوجوانان از حساسیت و ظرافت فوق العاده‌ای  
برخوردار است.

نویسنده تا با زوایای شگفت انگیز و تو در توی ذهن کودک و نوجوان آشنا  
نباشد در کوچه پس کوچه‌های دنیای حسی -تخیلی آنان سردرگم خواهد ماند  
کودکان و نوجوانان گلهای لطیف باغ آفرینشند، و دست خدای حکیم، جسم و  
جانشان را ز ظرافت و حساسیت سرشه است. آنان زود رنجند و شکستنی و  
بیشه‌های حاصل خیز روحشان آماده پذیرش هر بذری که دست با غبان حیات در  
آن بیفشارند و مباد که این بذر خار باشد و خنطل به بار آرد لذا بر روحانیان متعهد  
و نویسنده‌گان دردمند است که به غنای فکری، اعتقادی این گروه سنی بیشتر  
بیندیشند و از سرمایه‌های عظیم که میراث دار فرهنگ فردای این مرز و بومند  
غفلت نکنند .

در این مسیر، و با هدف ارتقای فکری -فرهنگی این قشر عظیم مرکز تربیت  
مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم دست به انتشار  
اولین سری از جزووه‌های آموزشی خوبیش زده است. در این رابطه، تذکر نکاتی

چند ضروری است.

۱- این جزوای در فرصتی اندک گردآوری و تدوین شده است.

۲- وجود کاستیهای کوچک و بزرگ - همانگونه که در کارهایی از این دست طبیعی می نماید - با فرصتی چنین و کاری چنان، دور از انتظار نخواهد بود.

۳- اهمیت آشنائی کودکان و نوجوانان با فرهنگ اسلامی، در حیطه قرآن - احکام - اخلاق و عقائد بر هیچ یک از متولیان فرهنگی و تربیتی کشور پوشیده نیست حال با در نظر گرفتن این مسئله که در این عرصه الگوهای چندان موفقی تاکنون ارائه نشده امید است، کتاب حاضر تا حدودی بتواند این خلاً را پر کند.

مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان  
دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم

# روخوانی

و

# مفاهیم قرآنی

گردآورنده

مرکز تریست مری کودکان و نوجوانان

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیہ قم



## فهرست

۱۲	مقدمه
۱۷	درس اول - اهمیت و لزوم یادگیری قرآن کریم
۲۴	درس دوم - نقش صدایها و علامتها در فهم کلمات - ممعاً
۳۰	درس سوم - حرکات کشیده - ممعاً - چگونگی جمع آوری قرآن کریم
۳۷	درس چهارم - داستان - آداب قرائت - ممعاً
۴۴	درس پنجم - تشدید - ممعاً - داستانهای قرآنی
۵۰	درس ششم - تنوین - ولايت در قرآن کریم - داستان غدیر - ممعاً
۵۵	درس هفتم - داستان حضرت ابراهیم - مدّ - ممعاً
۶۰	درس هشتم - حروف ناخوانا - ممعاً - فروع دین در قرآن کریم
۶۵	درس نهم - حروف ناخوانا - ممعاً - نواهی در قرآن کریم
۷۰	درس دهم - وقف - سوره شناسی
۷۷	درس یازدهم - وقف - معاً - سوره شناسی



## مقدمه

«وقال الرسول يا رب ان قومي اتخدوا هذا القرآن مهجوراً»:

در آن روز فرستاده الهی گوید: ای پروردگار من، هر آینه پیروان من این قرآن را مترونک قرار دادند.

(قرآن / ۳۲)

براستی آیا پیروان قرآن کریم تا کنون حق گرانقدر این کلام الهی را دانسته و از عهدہ عمل به قوانین آن برآمده اند؟! چه باید کرد تا در روز واپسین ما از قدرنشناسان قرآن نباشیم؟

توانایی مردم مسلمان به قرائت قرآن حداقل انتظاری است که در این زمینه وجود دارد. با تعطیل مدارس و افزونی اوقات فراغت داشش آموزان و از طرفی علاقه مندی جدی والدین آنها برای آموختن قرآن، جا دارد که برادران روحانی و دیگر مریبان فرصت را غنیمت شمرده، امیدهای آینده مملکت اسلامی را در این زمینه یاری کنند.

مجموعه حاضر که از طرف گروه قرآن مرکز تربیت مریبی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم تهیه شده است تلاشی هر چند ناچیز در راه خدمت به قرآن می باشد. از آنجا که برادران دانش آموز دبستانی در کلاس‌های سوم و چهارم و پنجم قواعد روخوانی را فرا گرفته اند و ای بسا که تابستان یا ماه رمضان گذشته با قواعد روخوانی بهتر از قبل آشنا شده اند لذا در این نوشتار بر آن نیستیم که کتابی در زمینه آموزش قرآن ارائه دهیم بلکه در پی ارائه مواد لازم برای یک جلسه قرآن شامل مرور قواعد روخوانی، معتمدّها و مفاهیم قرآنی می باشیم. از این رو آنچه مهم است روان

خوانی دانش آموزان و آشنائی با مفاهیم قرآنی می‌باشد. بقیه موضوعات مطرح شده، در خدمت این هدف و برای رفع خستگی و ایجاد نشاط به کار گرفته می‌شود.

این جزو شامل یازده درس و هر درس دربردارنده چند مطلب (قواعد، مفاهیم، معماً و تمرين) است. در مرور قواعد هدف یاد آوری است و در مفاهیم نیز بیشتر نظر به شناخت قرآن و آشنا کردن دانش آموز با این کتاب آسمانی است.

هر چند در کلاس مطالب درخور فهم و ذهن مخاطبان بیان می‌شود ولی مطالب عنوان شده در اینجا در مرحله نخست برای اطلاع برادران مربی گردآوری شده است. معمها همه قرآنی است اما برای احتراز از تکرار و یکنواختی آنها، تعدادی معماهای دیگر ضمیمه شده است. انتخاب پا مربیان محترم است. (پیرامون معماهای قرآنی کتبی نیز تألیف شده است).

تمرينها به دو صورت: «همخوانی اول و همخوانی دوم» و «فرد خوانی» در نظر گرفته شده است. در همخوانی اول، استاد با تکیه به علامتهاهی مرور شده، با تأثی و تأمل می‌خواند و دانش آموزان تکرار می‌کنند. البته در جلسات اول، خوانند بیشتر به تفکیک (بخشن بخش) صورت می‌گیرد. در فردخوانی، دانش آموز می‌خواند و استاد یا یکی از دانش آموزان (به انتخاب استاد). غلطهای او را تذکر می‌دهند.

این دروس دارای چهار ضمیمه اند: ۱- برخی معماهای قرآنی برای استفاده مربیان محترم. ۲- احادیث مربوط به قرآن کریم برای استفاده آنان. ۳- مطالبی پیرامون حفظ قرآن کریم چهت دانش آموزانی که برای حفظ قرآن کریم اظهار علاقه می‌کنند. مطالب ارائه شده در این باره از بعضی کتابهای مربوط به این امر جمع آوری شده است که به مربیان محترم تقدیم می‌گردد تا در موقعیت مناسب در جلساتی جداگانه به این مهم بپردازنند. لازم به یادآوری است که این ضمیمه‌ها در پایان کتاب آمده است.

۴- تعدادی سرود قرآنی.

### تذکرات

- ۱- جزوی حاضر برای تعلیم قرآن به لحن عربی تنظیم شده است ولی از آنجا که هدف روانخوانی است در مقطع دبستان ساخت گیری نمی‌شود.
- ۲- مربیان محترم نوارهای قرآنی (مخصوصاً از قاریان نوجوان ایرانی و نوار تحقیقی

خلیل الحصري و . . . همراه داشته باشند تا برای آموزش و ایجاد شوق و رغبت بیشتر در کلاس از آنها استفاده کنند.

۳- با بردن رادیو در سر کلاس دانش آموزان را با برنامه های رادیو قرآن آشناسازید. (البته در صورتی که موج رادیو قرآن در آن منطقه دریافت شود.)

۴- ضمن توجه به مناسب بودن مکان و زمان برگزاری کلاسها، در فرستهای مختلف از سرودها و شعرهای ضمیمه، نوارها یا اشعاری که در زمینه قرآن در دسترس است، استفاده گردد.

۵- بحث اشباع «هاء ضمير» و همچنین «تبديل واو مدي به ضمه در بعضی از کلمات» در درس مستقل مطرح نشده زیرا موارد اشباع هاء ضمير محمولاً با علامتی در کلمه همراه است که می شود تذکر داد و همچنین موارد تبدیل واو مدي به ضمه، محدود می باشد که قابل تذکر است.

۶- در تمرین قرائت اگر از جزءی ام استفاده نشود بهتر است. چون اغلب دانش آموزان بعضی از سور آن را حفظ هستند. از این رو نمی شود محک سنجش قرائت آنان قرار گیرد.

۷- ممکن است سطح بعضی از کلاسها خیلی پایین باشد و نیاز به تدریس روخوانی داشته باشد. بدین سبب پیشنهاد می شود کتاب آموزش قرآن سطح یک و دو را به همراه داشته باشد.

به امید تو فیض بیشتر



## درس اول

### اهمیت و لزوم یادگیری قرآن کریم

#### موضوعات:

- \* بیان اهمیت قرآن کریم، لزوم یادگیری آن و ذکر حدیث؟
- \* از کجا و چگونه آمده است؟ بعثت انبیاء، پیامبران صاحب کتاب-پیامبر اسلام و قرآن کریم، فرشته‌ای که وحی را می‌آورد.
- \* ضرورت کتابت قرآن
- \* مروری بر حروف الفباء منظور تشخیص حروف شناسی شاگردان
- \* معمماً
- \* همخوانی سوره حمد
- \* پرسشها

توجه - شیوه اجرایی این جلسات نباید به صورت خطابه و سخنرانی باشد بلکه باید با کمک ابزارهایی مثل پرسش و پاسخ، لحن داستانی، سرگرمی، معمماً که در کنترل کلاس و نشاط دانش آموزان بسیار مفید است، در بهره وری هرچه بیشتر آن کوشید.

(بعد از بسم الله و احوال پرسی به شاگردان) مربی از شاگردان می‌پرسد چرا به این کلاس آمده‌اند؟ جواب خواهند داد: برای یادگیری قرآن. آنگاه می‌پرسد:

برای چه باید قرآن بگیریم؟ (پس از جوابهای مختلف دانش آموزان، مربی شاگردانی را که جواب مناسب داده اند تشویق می کند و در مورد اهمیت قرآن و لزوم بگیری دستورهای آن برای عمل کردن، مطالبی مطرح می نماید. مثلاً: چون قرآن کتاب دینی ماست برای آشنایی شدن به دستورهای الهی آن باید زبانش را بیاموزیم و با عمل خود در ترد خداوند از بهترین ها شویم (مربی در حال صحبت کردن آمده نوشتند بعضی از بهترینها مثل بهترین کتاب، دوست، همسایه، تفریح و بازی - با کشیدن تصویری جالب - سؤال و جواب با شاگردان را آغاز می کند و در پایان می پرسد: )

**بـهـتـرـیـن مـسـلـمـانـ کـیـسـتـ؟** در حدیث فرموده اند: **خـیـرـکـمـ مـنـ تـعـلـمـ الـقـرـآنـ وـعـلـمـهـ** (حدیث بر روی تخته نوشته می شود و مربی ابتدا خود و سپس به صورت همخوانی با بچه ها آن را می خواند و بعد از چند نفر از بچه های کلاس، حدیث و ترجمه آن را بپرسد). برای اینکه حدیث بهتر در ذهن شاگردان ثبت شود می توان با روش استفاده از کارتها، آن را اجرا کرد. برای این منظور هر قسمت از حدیث را در کارتی جداگانه و پشت آن ترجمه اش را می نویسیم؛ مثلاً: خیرکم بهترین شما مربی با نشان دادن رو و پشت کارت از بچه ها می خواهد آن را بخوانند. به این ترتیب یکایک کلمات حدیث را با ترجمه یاد می گیرند. مربی می تواند این چند کارت را به دست چند نفر از بچه ها بدهد و از دیگری بخواهد که جمله حدیث را با ردیف کردن بچه های کارت به دست، کامل کند.

### قرآن از کجا و چگونه آمده است؟

خداآوند تعالی برای هدایت انسانها از بین آنها شایسته ترین افراد را انتخاب نموده و به عنوان پیامبر به هر قومی در زمانهای خاص معرفی کرده است. شمار این پیامبران (از شاگردان می پرسیم) ۱۲۴ هزار نفر بوده است که اوّلین آنها (از

شاگردان پرسیده می شود) حضرت آدم(ع) و آخرین آنها و...؟ حضرت محمد(ص) است و در میان این ۱۲۴ هزار پیامبر پنج پیامبر اولوالعزم<sup>۱</sup> اند. اسامی آنها با کتاب آسمانی که آورده اند...؟ به ترتیب ذیل است:

۱- حضرت نوح(ع) ۲- حضرت ابراهیم(ع)- صحف ۳- حضرت موسی(ع)- تورات ۴- حضرت عیسی(ع)- انجیل ۵- حضرت محمد(ص)- قرآن- در این کتابها دستورهای خداوند برای سعادتمند شدن پیروان هر پیامبر آمده است. پیامبر اسلام وقتی به پیامبری مبعوث شد (سن پیامبر(ص) و مکان مبعوث شدن...) خداوند به وسیله یکی از ملائکه که نامش (نام این ملک را می توان به صورت سؤال مسابقه ای از بچه ها پرسید و امتیاز داد) جبرئیل است به پیامبر اسلام وحی می کرد و پیامبر هم آن را برای مردم قرائت می فرمود و امیر المؤمنین علی(ع) و عده ای دیگر از یاران پیامبر آن را می نوشتند<sup>۲</sup> اگر قرآن نوشته نمی شد...! در اینجا می توان آثار منفی نوشته نشدن قرآن را از شاگردان پرسید و برای نشان دادن مصونیت نداشتن «نقل سینه به سینه» از تحریف را با برنامه جالبی اجرا کرد؛ به این ترتیب که مربی یکی از شاگردان را فرامی خواند و پیامی دو سه جمله ای به او می گوید و خود نیز پیام را یادداشت می کند. آنگاه فرد دیگری را انتخاب کرده، به نفر اول می گوید پیام را در گوش دیگری آهسته بگوید و آن دیگری به سومی؛ تا چند نفر که اجرا شد به نفر آخری می گوید پیام را روی تخته بنویس. غالباً این پیام شفاهی با آنچه مربی به اولین نفر گفته تفاوت خواهد داشت پس مربی پیام نخست را هم روی تخته می نویسد. تغییری که در این پیام پیدا شده است اثبات می کند که نقل سینه به سینه نمی تواند پیامی را از آسیب حفظ کند. در نتیجه ارزش کتابت پیام نمودار می گردد.

۱- با معنی اولوالعزم در کتاب دینی سال دوم دبستان آشنا شده اند.

۲- شمار کاتبان وحی در زمان رسول الله مورد اختلاف نویسندها اهل فن است که در کتب تاریخ قرآن بدان اشاره شده است.

پس اگر قرآن نوشته نمی شد ما به دستورهای سازنده اسلام که برای سعادت زندگی ما ضروری است دسترسی نداشیم و از داستانهای گذشتگان که در آن نقل شده، بی خبر بودیم . . .

نوشتن قرآن در زمان حضرت رسول اکرم (ص) تحت نظارت مستقیم آن حضرت انجام شد. با توجه به کمبود امکانات برای نوشتن در آن زمان، کار کتابت قرآن ارزش بسیار زیادی دارد و از نعمتهای بزرگ الهی بر ماست و ما برای شکرگزاری از نعمت لازم می دانیم که حداقل روخوانی این کتاب را کامل و بدون غلط بدانیم.

بحث قواعد از اینجا آغاز می شود؛ دانش آموزان حروف الفبا و اسمی آنها را در کلاس اوّل دبستان خوانده اند. از این رو، تعلیم حروف الفبای عربی ضروری ندارد؛ جز آنکه باید افراد حاضر در جلسه را با پرسشهایی آزمود و پس از رفع اشتباهات جزئی، بحثهای بعدی را آغاز کرد.

مربی: خوشبختانه تمام حروف الفبای عربی در الفبای فارسی موجود است و شما اسم حروف الفبای فارسی را در سال اوّل دبستان یاد گرفتید. از طرفی قواعد روخوانی قرآن را در کلاس سوم و چهارم و پنجم<sup>۱</sup> یا با شرکت در جلسات قرآن، فرا گرفته اید.

برای همین ما فقط این قواعد را مرور می کنیم و بیشتر به تمرین می پردازیم. درس امروز یادآوری حروف الفباست. اکثر شاگردان حروف الفبا را به ترتیب حفظ هستند. به همین علت برای بالا بردن ضریب اطمینان آزمایش، مربی

۱ در کتاب قرآن سوم دبستان حرکتها و علامتها تا آخر تنوین مطرح شده است.  
در کتاب چهارم ای او همراه وقف در بحثهای نزول قرآن، داستان ابرهه و سپاه فیل سوارش، نماز و ترجمه آن آمده است.  
در کتاب پنجم صدای ای او مد حروف ناخوانا، همزه، وقف و داستان حضرت صالح و قوم ثمود، حضرت هود و عاد، فضیلت خاندان پیامبر و داستان حضرت نوح ذکر شده است.

حروف را در هم می‌نویسد. البته برای اینکه خود او در این کار سر در گم نشود می‌تواند حروف را به ترتیب ایجاد جداً جداً بنویسد.

با رسیدن به حروف «ضیغ» هر ۲۸ حرف نوشته شده است. هدف از اجرای این قسمت تشخیص حروف شناسی شاگردان است.

حروف الفباء به صورت درهم روی تخته نوشته و از بچه‌ها نام آنها پرسیده می‌شود. (برای جلب نظر بیشتر بچه‌ها، مریبی می‌تواند حروف الفباء را از قبل روی کارت نوشته، از آنها در کلاس استفاده کند؛ که هم موجب صرفه جویی در وقت و هم باعث سرگرمی بچه‌ها می‌شود.)

پس از آن نوبت طرح معماست. معماهای این جلسه عبارت است از: چه چیزی در اسلام بیشتر از قرآن و چه چیزی در قرآن بیشتر از اسلام است؟<sup>۱</sup> بعد از طرح معما، سوره حمد در کلاس همخوانی می‌شود؛ در حالی که شاگردان هر یک به قرآن‌های خود توجه دارند.

- جلسه با صلوات قرآنی ختم می‌شود:

الْهَمْ صَلَّى وَسَلَّمَ وَزَدَ وَبَارِكَ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ وَآلِهِ الْأَطْهَارِ

۱- معماهای دیگری را ضمیمه این دروس تقدیم کرده‌ایم.

## پرسشها:

۱- برای آشنا شدن به دستورهای خداوند متعال چه باید کرد؟

۲- عبارت زیر را تکمیل کنید:

بهرترین مسلمان کسی است که . . . . .

۳- خدای متعال چگونه وسیله هدایت انسانها را فراهم کرده است؟

۴- نام هر پیامبر را به کتاب آسمانی خودش وصل کنید:

زبور	حضرت محمد(ص)
------	--------------

صحف	حضرت عیسی(ع)
-----	--------------

تورات	حضرت موسی(ع)
-------	--------------

انجیل	حضرت ابراهیم(ع)
-------	-----------------

قرآن	حضرت داود(ع)
------	--------------

۵- نام فرشته‌ای که آیات قرآن کریم را به پیامبر می‌رساند؟

۶- اگر قرآن نوشته نمی‌شد چه مشکلی پیش می‌آمد؟

۷- وظیفه ما در مقابل قرآن چیست؟

## درس دوّم

### موضوعات:

- \* نقش تعیین کننده صدایها در فهمیدن معنی کلمه
- \* چرا کلمات قرآن باید علامت داشته باشد؟
- \* صدای فتحه — (با تمرین)
- \* صدای کسره — (با تمرین)
- \* صدای ضمه — (با تمرین)
- \* معمّا
- \* بیان اهمیت رعایت آداب برای حضور در جلسات خاص
- \* بعضی از آداب قرائت قرآن
- \* پرسشها

بعد از سلام و احوالپرسی، مربی کلمه «کرم» را روی تخته می‌نویسد و از شاگردان می‌خواهد که آن را بخوانند. هر کسی چیزی می‌خواند، (کرم - کُرم<sup>۱</sup> - کَرم - کِرم) سپس می‌پرسد: وقتی حروف (تشکیل دهنده) در این کلمات یکی است چه چیزی باعث تغییر معنی آنها می‌شود؟ شاگردان خواهند گفت صدایها. مربی در مورد اهمیّت صدایها در کلمات به زبان ساده سخن می‌گوید و اضافه

---

۱- نوعی فلز است.

می‌کند که در زبان فارسی و بلکه عربی، علامتهاهی که صدایها را می‌فهماند روی کلمات گذاشته نمی‌شود ولی در قرآن حتماً باید این علامتها را روی کلمات باشد. (چه کسی می‌داند چرا؟ شاگردان جوابهای خواهند داد و مربی پاسخها را تکمیل خواهد کرد که مثلاً) چون مسلمانان مناطق مختلف جهان به زبان عربی آشنا نیستند برای اینکه معنی کلمات عوض نشود حتماً باید علامتها را روی کلمات قرآنی نوشه شود و برای همین هم خواندن قرآن خیلی راحت است شاید ما بعضی از کلمات فارسی را نتوانیم بخوانیم ولی کلمات قرآنی را بیشتر و بهتر می‌توانیم بخوانیم.

آنگاه از بچه‌ها می‌خواهد که آماده یک مسافرت شوند؛ به چند سال قبل یعنی کلاس اوّل دبستان. تا صدایهای را که آنجا خوانده‌اند یادآوری شود. مربی شکل (آ-) را روی تخته می‌کشد و از بچه‌ها می‌پرسد که اسم این چیست؟ شاگردان جواب خواهند داد: آ اوّل- آ دوم مربی: مثل چی؟

**شاگردان:** (مثلاً) آنار، سبد. مربی: این صدا را در درس قرآن دبستان هم خوانده‌اید؟ **شاگردان:** بله. مربی: اسم این صدا چیست؟ **شاگردان:** فتحه مربی (این شکل (ـ) را روی تخته می‌کشد و از شاگردان می‌پرسد): اسمش چیه؟

بچه‌ها: فتحه

صدایش چیه؟

آ:

(این پرسش چند بار تکرار می‌شود و مقداری پیرامون حروف الفبا و صدای فتحه تمرين می‌شود.<sup>۱</sup> در انجام اين تمرين می‌توان از روش مرحوم نيرزاده استفاده کرد؛ بدین گونه:

مربی: ت با آ چی میشه؟

**شاگردان:** ت ت ت می‌شه.

۱- در اختصاص دادن وقت به این تمرينات دقت شود تا برای بخشهاي دیگر فرصت باقی باشد. قابل تذکر است که در اين جلسات بيشترین عنایت، بر خواندن از روی قرآن است.

بلند بگو که ... با چی ... چی میشه

باز هم بگو که ...

محکم بگو که ...

درست بگو که ...

این تمرین در ابتدا با تکرار یک حرف و سپس برای تکمیل یک کلمه انجام  
می‌گیرد؛ مثلاً:

### نصر

شاغردان: نَنَنَ می شه نون با آچی میشه؟

شاغردان: صَصَصَ می شه صاد با آچی میشه؟

شاغردان: رَرَرَ می شه ربا آچی میشه؟

شاغردان: نَصَرَ می شه همه با هم چی میشه؟

مربی می تواند برای یکی دو کلمه دیگر از شاغردان کلاس برای اجراء دعوت  
کند.

بعد از تمرین، وی این شکل را (—) روی تخته می کشد و می گوید: این  
صدارا در قرآن خوانده اید؛ اسمش چیه؟ مثلاً خواهند گفت: کسره. صداش  
چیه؟ در اینجا اغلب لحن فارسی را خواهند گفت. مربی می گوید: این صدا با  
فارسی فرق می کند. آنگاه وی شکل «ای» را روی تخته می نویسد و می پرسد:  
صدای آن چیست؟ ... سپس از آنها می خواهد که همین صدا (ای) را کوتاه  
بگویند؛ که همان صدای کسره است. بعد از آن اشاره به شکل — و اسم و  
صدای آن می کند.

مربی تذکر خواهد داد که در فارسی هم کلماتی داریم که در آن کسره صدای  
«ای» می دهد؛ مثل: خیابان، بیابان، پیاز، خیار و ...

در پایان این قسمت چند حرف از الفباء روشی که در — گفته شد و نیز  
کلمات ابل و آقم به صورتی که در فتحه گذشت، تمرین می شود.

صدای بعدی صدای <sup>۱</sup> است. (مربی اشاره می کند که این صدا را در کتاب قرآن یاد گرفته اید. تکیه بر کتاب قرآن باعث یادآوری مطالب آن کلاس می شود.) اسمش چیه؟ شاگردان: ضمه، صداش چیه؟ شاگردان به صورت صدای <sup>۱</sup> در فارسی - که اغلب با اشباع خوانده می شود که تلفظ می کنند؛ که مربی تذکر می دهد در قرآن این صدا با فارسی فرق دارد. آنگاه شکل (او) را روی تخته می نویسد و از شاگردان می خواهد تلفظ کنند. بعد از آنها می خواهد به صورت کوتاه تلفظ کنند. آنگاه می گوید صدای ضمه، همان صدای «او کوتاه» است.

در آخر به طور مجدد چند بار صدا و اسم آن حرکت را از آنها می پرسد. دقیق شود که شاگردان ضمه را به صورت «او» کوتاه بگویند. چه آنکه ضمه در کلمات فارسی (مثل هلو، بلور و بلوک) با اشباع تلفظ می شوند. آنگاه با بعضی از حروف و کلمات - مانند تمرين در فتحه و کسره - تمرين شود؛ کلماتی مثل نذر <sup>۲</sup> تلث <sup>۳</sup> جعل <sup>۴</sup> (تمرين کلمات در صورتی است که کلاس ظرفیت داشته باشد. در غیر این صورت این کلمات تفکیک شده (بخش بخش) تمرين می شود. كما این که اگر کلاس خیلی ضعیف باشد مرور قواعد روخوانی به تدریس قواعد روخوانی تبدیل می شود).

(حال برای رفع خستگی، زمان طرح معما است.)

### معما

اسم سه سوره که در آنها نقطه نباشد؟

### آنگاه، طرح مفاهیم قرآنی:

مربی: آیا شده تا حالا به جایی دعوت بشوید و خیلی هم از رفتن به آنجا خوشحال باشید و قبل از رفتن به آنجا لباس مرتب بپوشید و دست و صورت را

تمیز بشویید...؟

گاهی اوقات ما یک سلسله آداب را برای حضور در جلسه‌ای رعایت می‌کنیم  
مثلًا لباس مرتب می‌پوشیم و... .

(به بچه‌ها فرصت داده می‌شود این آداب را بگویند و مربی آنها را می‌نویسد و  
اگر کسی خاطره‌آموزنده‌ای دارد نقل کند و مربی جنبه‌های سازنده آن را تشریح  
کند). بچه‌های عزیز! وقتی ما قرآن می‌خوانیم خداوند با ما صحبت می‌کند و  
وقتی نماز می‌خوانیم ما با او صحبت می‌کنیم.

(این مطلب را می‌توان به صورت سؤال و جواب اجرا کرد). همان طور که در  
نماز یک سری آداب را رعایت می‌کنیم (ضمن اینکه آداب نماز را می‌پرسد زود از  
آن رد می‌شود. چون در بخش احکام به آن پرداخته می‌شود). در هنگام قرائت  
قرآن هم باید آدبی را رعایت کنیم؛ از جمله... . (بچه‌ها جواب دهند و روی  
تخته یادداشت شود).

### بخشی از آداب قرائت قرآن:

۱ - با وضو باشیم چون دست زدن بدون وضو به نوشته‌های قرآن حرام  
است.

*لَا يَمْسِهُ الْمَطْهُورُونَ*

۲ - با ادب بنشینیم و به قرآن احترام بگذاریم. چون در حالتی قرار داریم که  
خداوند می‌خواهد با ما صحبت کند.

۳ - دهان ما تمیز باشد (مسواك) چون به وسیله آن با خدا سخن می‌گوییم و  
کلام خدارا می‌خوانیم. قال الرضا(ع) عن آبائه قال رسول الله(ص):  
*أَفَوَاهُكُمْ طُرُقٌ مِّنْ طُرُقِ رَبِّكُمْ فَنَظِفُهُا*

۴- رو به قبله بنشینیم

۵- قبل از شروع قرائت صلوات بفرستیم و **أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ** بگوییم  
خداآوند در قرآن می فرماید : **فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ...**<sup>۱</sup>

۶- قرآن را با آرامی بخوانیم و در معنای آن دقت کنیم. چون غرض اصلی از  
یادگیری قرآن آن است که با دستورهای آن آشنا شویم و بدانها عمل کنیم.

۷- هنگامی که کسی قرآن می خواند ساكت باشیم و گوش فرادهیم.

**وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَعِذُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرَحَّمُونَ<sup>۲</sup>**

۸- وقتی جلسه قرآن به پایان رسید صلوات قرآنی بفرستیم.

اللهم صل و سلم وزد و بارک علی رسول الله واله الاطهار

(بعد از طرح این آداب مربی بر اجرای آن تأکید می کند و در جلسات آینده نیز  
در اجرای آنها دقت می کند.)

### تمرین

**همخوانی**- ابتدا استاد و به دنبال آن شاگردان قرائت می کنند (این قسمت از  
همخوانی با تکیه بر شناخت صدایها صورت می پذیرد. استاد در هر قسمت  
توضیحات کامل می دهد. ) بعد تمرین شاگردان به صورت انفرادی است (در این  
قسمت یکی از شاگردان برای غلط گیری انتخاب می شود و کسی هم به عنوان  
غلط گیر دوم)

**همخوانی**- این بار استاد یکی از شاگردان ورزیده تر را انتخاب می کند تا قرائت  
کند و دیگران تکرار کنند. (باید حواس همه جمع باشد که اگر او غلط خواند کسی  
تکرار نکند. البته می شود از نوار تحقیق اساتید قرائت استفاده کرد. )

۱- سوره حجر، آیه ۹۸

۲- اعراف آیه ۲۰۴

## پرسشها

- ۱- نقش صدایها در کلمات چیست؟
- ۲- در کلمه عَبَدَ چه علامتی روی حروف آن است؟
- ۳- حروف کلمه ابل چه علامتی دارند؟
- ۴- حروف کلمه عَبَدَ چه علامتی دارند؟
- ۵- حروفی را که علامت ضمه دارند داخل دایره قرار دهید:  
 تَصِلُّ      لَفْضَيِّ      بَهْتَ  
 ـ ـ ـ ـ ـ ـ
- ۶- کدام یک از صدایهای زیر با فارسی فرق دارد  
 ـ ـ ـ ـ ـ ـ
- ۷- چند مورد از آداب قرائت قرآن را بنویسید.

## درس سوم

### موضوعات

- \* موری کوتاه از جلسات قبل و نقش صداها در فهم معانی کلمات
- \* الف مدی
- \* بیان فرق صدای الف مدی در هشت حرف
  - \* یا مدی
  - \* واو مدی
  - \* معماً
- \* همخوانی و صداشناسی عملی در قرآن
  - \* تمرین
- \* جمع آوری و قسمت بندی قرآن
  - \* تمرین
- \* همخوانی

در این جلسه بار دیگر بر نقش صداها در فهمیدن معنای کلمات قرآن تأکید می شود. پس از آن مربی یکی از حروف الفبا را با صدای — می نویسد (مثالاً سـ) و از دانش آموزان می خواهد که آن را به گونه عادی و سپس با دو برابر کشش تلفظ و تکرار کنند. آنگاه با گچ رنگی الفی را کنار آن حرف می نویسد (سا) و می گوید در قرآن هر جا کنار فتحه الف قرار گرفت صدای فتحه دو برابر کشیده می شود.

بعد دست خود را روی الف گرفته، از دانش آموزان می‌خواهد تلفظ کنند. (با صدای کوتاه) و بعد دست را برداشته، . . . (با صدای کشیده) چند بار تلفظ و تکرار کنند. پس از آموزش کامل می‌گوید: نام این صدا (آ) فتحه کشیده است و به آن الف مدّی هم می‌گویند. اما می‌دانید چرا به آن فتحه کشیده می‌گویند؟

. . . بچه‌ها: چون صدای فتحه را می‌کشیم مربی: پس الف مدّی چیست؟

بچه‌ها: فتحه کشیده. مربی: شکل الف مدّی به این صورت آ است و گاهی هم چون الف نمی‌تواند جای آن را بگیرد بدین شکل کوچک می‌کنند: ـ مثل مسکن<sup>۱</sup> گاهی فتحه هم روی پای خودش می‌ایستد و چون نمی‌تواند با الف بزرگتر مبارزه کند طرح دوستی ریخته، به صورت الف کوچولو در کنار آن قرار می‌گیرد؛ این گونه: ـ و زمانی هم که زورش به الف کوچکتر می‌رسد او را بیرون می‌کند و خودش تنها می‌شود: ـ پس الف مدّی به چهار شکل نمایش داده می‌شود: ـ، ـ، ـ، ـ مثلاً: ساسَ ساسَ

مربی در حالی که بر تخته سیاه می‌نویسد «آـ آـ»، می‌پرسد: آیا در کلاس اول صدای «آ» را به یاد دارید؟

اسم این دو (آ، ا) چیست؟ . . . بچه‌ها: آوّل آدوم مربی (با ذکر داستانی تخیلی): بچه‌ها! دیدید که ما در صدای کوتاه دو صدای ـ و ـ را از صدای فارسی آن که با اشباع بود جدا کردیم. وقتی اینجا هم خواستیم صدای الف مدّی را از «آ» در فارسی جدا کنیم سرو صدای «آ» در آمد و گفت نمی‌گذارم. گفتم که صدا «ای» و «او» را مثل فارسی می‌کنیم. گفت به من ربطی ندارد، من صدای خودم را می‌خواهم.

بالاخره با بحثهای زیاد قرار شد که از میان حروف تعدادی داوطلب بشوند. در این میان فقط هشت حرف برای صدای «آ» اعلام آمادگی کردند. آنها عبارت اند از: «خـ-صـ-ضـ-طـ-ظـ-غـ-قـ-رـ». بقیه حروف گفتند که توان آن را ندارند و بنابر این صلح برقرار شد. طبق این قرارداد ما در الف مدّی هر وقت به این هشت

حرف رسیدیم، آنها را مثل فارسی اداء می کنیم.  
حال باید تمام آن هشت حرف و بعضی از کلمات (مثلًا: مالها - بعضاک) را با  
دانش آموزان به صورت دسته جمعی یا انفرادی تکرار و تمرین کرد.<sup>۱</sup>

### یادآوری صدای «ای»:

بحث از کشش صدای کسره شروع می شود. به این صورت که مربی یک حرف (مثلًا: ج) را با کسره می نویسد و از بچه ها می خواهد که آن را بدون کشیدن صدا (اشباع) تلفظ کنند. سپس چندبار، دو برابر بکشند. آن وقت با گچ رنگی «ی» به آن وصل می کند. (جی) و می گوید: «ی» بعد از کسره باعث دو برابر کشش صدای آن می شود و آسم آن را هم کسره کشیده و «یاء مدي» می گویند. اما چرا «یاء مدي» می نامند؟ ... بچه ها: چون کسره، کشیده می شود. این مطلب بدین صورت چندبار تمرین می شود که: دست روی «ی» گذاشته، از آنها خواسته شود تلفظ کنند بعد دست را برداشته، تا تلفظ کنند. مربی: یاء مدي به چند شکل نمایش داده می شود: ۱ - «ای» ۲ - «ای»، که کسره روی پای خود ایستاده است. ۳ - «ای»

### یادآوری

#### صدای «او»:

در اینجا نیز به شیوه قبل حرفی (مثلًا: سُ ) با ضمه نوشته می شود و از شاگردان می خواهیم آن را در ابتدا با صدای کوتاه و چند بار با صدای کشیده (سو) تلفظ و تمرین کنند. آنگاه توضیح داده می شود که واو باعث دو برابر کشیده شدن صدای ضمه می گردد. بعد دست را روی واو گذاشته، کوتاه تلفظ می کنند؛

<sup>۱</sup>- برای آموزش بهتر تلفظ این حروف در الف مدي، در هر جلسه یادآوری لازم است، خوب است این هشت حرف در کنار تخته نوشته شود.

دست را برداشته، صدا را دو برابر می کشند. اسم این صدا ضمه کشیده یا واو مدی است.

حال باید با بعضی از کلمات (مثلاً: رسول، یوفون) مطالب را مرور کرد بخش‌های این کلمات با فاصله از هم نوشته می شوند تا خواندن برای دانش آموز راحت باشد.

مربی با اشاره به شکل «او» و «ای» می پرسد: اسمش چیه؟ صداش چیه؟

### معما:

نام سوره ای از قرآن که اسم یکی از اصول دین هم هست؟

### تمرین کلاسی

**همخوانی** - مربی با تکیه بر صدای خوانده شده خود بخواند و شاگردان تکرار کنند. در ضمن، موضوع آداب قرائت که در جلسه قبل گفته شد، فراموش نشود. (در حالی که قرآن در مقابل همه گشوده است و بچه‌ها آماده تمرین هستند مربی بحث مفاهیم قرآن را در مورد جمع آوری و کیفیت تقسیم‌بندی آیات و سوره، آغاز می کند.)

قرآن کریم گنجینه‌ای از معارف و احکام و پر ارزشترین پشتونه زندگی مادی و معنوی مسلمانان جهان است. پیامبر اکرم بارها در مورد قرآن سفارش کرده است و چندین بار فرمودند: من پس از خود دو چیز گرانبها نزد شما به یادگار می گذارم: کتاب خدا و عترت من. (إِنَّ تَارِكَ فِيْكُمُ الْقَرْآنَ كِتَابَ اللَّهِ وَعَرْتَةً). این حدیث را می توان از همان روش استفاده از کارت‌ها که در جلسه اول گفته شد در کلاس اجرا کرد. نزول قرآن در شب قدر - که یکی از شب‌های ماه رمضان است - آغاز شد. (می توان در مورد شب قدر از بچه‌ها پرسشهایی کرد). بعد از آن بتدریج آیات بر پیامبر نازل می شد.

چرا بتدریج . . . ؟ چون حوادث و مسائل مختلف در جامعه اسلامی به تدریج پیش می آمد و از طرفی مسلمانان وقت کافی می خواستند تا قوانین و دستورهای آن را اجرا یا آیات آن را حفظ کنند. تمام آیات قرآن با حضور شخص پیامبر اکرم (ص) و همراهی حضرت علی (ع) جمع آوری شد و به امر خود پیامبر تقسیمات قرآن انجام گرفت. ما وقتی قرآن را از اول ورق بزنیم می بینیم با بسم الله شروع می شود. بعد از یک صفحه مثلاً یک بسم الله دیگر دارد. (مربی از شاگردان می خواهد که همه صفحه اول قرآن را بیاورند. آنگاه سوره حمد را به آنها نشان دهد.)

فاصله هر بسم الله الرحمن الرحيم تا بسم الله الرحمن الرحيم دیگر را یک سوره می گویند. قرآن به ۱۱۴ سوره تقسیم شده و برای هر سوره ای اسمی قرار داده اند.

البته بعضی از سوره ها چند اسم دارند. اسم سوره ها بر اساس مطالب داخل آن انتخاب شده است. مثلاً سوره حمد ( . . . چرا حمد نام دارد؟) چون در آیات اول آن خدا را حمد و ستایش می کنیم. سوره بقره ( . . . چرا بقره نام دارد؟) به دلیل اینکه در آن از داستان گاو بنی اسرائیل سخن گفته شده است. در صورت امکان می توان آن داستان را تعریف کرد. باید دقت داشت که داستان به گونه ای تعریف شود که کلاس جذب شده، سرتا پا گوش باشدند.

سوره از نظر لغت یعنی متزلت، شرف و علامت. و مراد از سوره در قرآن یعنی مجموعه کلماتی که بین دو بسم الله قرار دارد. فقط در یک سوره آن بسم الله نیامده است.

چون در آن سوره سخن از تنبیه و اظهار بیزاری از دشمنان اسلام است و خشم خدار از نسبت به آنها می رساند و این موضوع با بسم الله الرحمن الرحيم که نشانه صلح و دوستی و محبت است تناسب ندارد. اما چطور است که یک سوره بسم الله ندارد و باز قرآن ۱۱۴ بسم الله دارد؟

... چون سوره نمل دو بسم الله الرحمن الرحيم دارد! اما چطور؟ (بهتر است بچه ها برای یافتن سوره در قرآن، خود تلاش کنند. در پایان، مربی برای پیدا کردن شماره سوره یا صفحه آن در قرآن کیفیت استفاده از فهرست را به شاگردان می آموزد.)

به قرآنها مقابله خود نگاه کنید. در هر سوره قرآن به جملاتی برخورد می کنید که یک عددی در آخر آن نوشته شده است. هر یک از این جملات را آیه می گویند. آیه در لغت یعنی علامت، نشانه جماعت، امر عجیب و شگفت آور. ولی در قرآن به قسمتی از سوره گفته می شود که از سوی پیامبر (ص) مشخص شده و در قرآتها با گذاشتن شماره معلوم گشته است. شمار آیات قرآن ۲۳۶ عدد است. بعضی از آیات خیلی طولانی اند؛ مثل آیه ۲۸۲ سوره بقره و بعضی خیلی کوچک اند؛ مثل آیه ۶۴ سوره الرحمن بچه ها هر دو آیه را بیابند.

تقسیم دیگر قرآن به جزء است. از این نظر قرآن ۳۰ جزء دارد. (مربی صفحات یک جزء و شیوه پیدا کردن هر جزء را به آنها نشان می دهد و به حفظ جزء سی ام تشویقشان می کند.)

هر جزء دارای چهار حزب است. بنابر این سی جزء قرآن ۱۲۰ حزب دارد. (طريقه تفہیم این تقسیم را می توان به صورت نمودار درختی روی تخته هم انجام داد. ولی آنچه مهم است اینکه آنها بتوانند خود در قرآن این تقسیمات را تشخیص بدھند.)

بعد از بیان تقسیمات قرآن تمرین تکخوانی شروع می شود. (در قرائت باید قواعد مرور شده رعایت شود). بعد همخوانی دوم انجام می گیرد و استاد یا یکی از بچه ها و یا نوار می خواند و دیگران جواب می دهند. جلسه با صلوات مخصوص قرآنی ختم می شود.

### پرسشها

۱- نام علامتهاي زير را بنويسيد

ـ ـ ـ اـ او

۲- در کدام يك از حروف زير الـف مدـى مثل فارسي تلفظ مـى شـود

خ □ د □ ر □ ش □ ق □

۳- کلمات زير را به صورت بخش بخش بنويسيد

كتـابـ خـتـمـ ضـصـحـيـهـاـ

۴- دو چيز گرانبها که پيامبر(ص) برای ما يادگار گذاشته است. چيست؟

۵- جمع آوري و تقسيمات قرآن از سوي چه کسی انجام شد؟

۶- قرآن چند سوره دارد؟

۷- قرآن چند بسم الله الرحمن الرحيم دارد؟

۸- در قرآن چند آيه وجود دارد؟

۹- قرآن از چند جزء تشکيل شده است؟ .

## درس چهارم

### موضوعات:

- \* ایجاد شوق قاری شدن در شاگردان
  - \* آداب قبل از شروع قرائت
  - \* آداب ضمن قرائت
  - \* آداب بعد از قرائت
  - \* یادآوری درس سکون
  - \* معمای
  - \* تمرین همخوانی اول
  - \* تمرین فردخوانی
  - \* تمرین همخوانی دوم
- قاری موفق

(مناسب است که درابتدا برای ایجاد علاقه در شاگردان به منظور اهتمام به قرآن و قرائت آن قطعه‌ای داستان گونه را مطرح کرد. مثلاً:)

آن روز مجید در دنیای دیگری سیر می‌کرد. دیشب از همکلاسی اش مهدی شنیده بود که قرار است بزودی برای زیارت خانه خدا و مدینه پیامبر (ص) به عنوان تشویق سفر کند. چون او در مدرسه و بلکه در سطح استان قاری نمونه قرآن شده بود.

از آن پس صدای دلنشیز قرآن برای او طور دیگری بود. در حالی که پیاده رو

خیابان را طی می کرد صدای دلنواز قاری قرآن که او هم معلوم بود نوجوانی مثل خود اوست - نظرش را سخت به خود مشغول داشت.

با خودش فکر می کرد آیا من می توانم روزی این طور قرآن بخوانم؟ آرام آرام  
قدمهایش به سمت مسجدی که در آن حوالی بود کشیده شد.

بیکباره از همه آنچه در اطرافش می گذشت غافل شد و خود را قاری قرآنی دید  
که همه متظر او در مسجد نشسته اند جمعیت داخل مسجد موج می زد. قسمت  
جلو مسجد کنار محراب جایگاه قرائت قرآن با دسته گلهای بسیار زیبا تزیین شده  
بود. مجری برنامه اعلام کرد: اکنون از برادر مجید رحمت نیا دعوت می شود  
برای قرائت قرآن به جایگاه تشریف بیاورند. مردم صلوات فرستادند. مجید که  
بدنش داغ شده و احساس عجیبی پیدا کرده بود به طرف جایگاه حرکت کرد. ابتدا  
کمی دستپاچه شد ولی خیلی زود به خودش گفت: بابا هیچی نیست هول نشو،  
حرفهای استاد را فراموش نکن، کلام خدا را خواندن که هول شدن ندارد.  
خداآوند قاری کلام خود را دوست دارد و از لغزشها محافظت می کند. در جای  
مخصوصی نشست. مقداری از آب لیوان خورد. مسجد سراسر سکوت شده  
بود. آرامش خاصی به او دست داد دیگر پایش نمی لرزید. او این آرامش را با یاد و  
ذکر خدا به دست آورد.

با سرفه ای گلویش را صاف کرد و گفت...! هنوز زمزمه اش  
تمام نشده بود که احساس دردی در پای خود کرد و به دنبال آن صدای فریاد مردی  
را که می گفت بچه جان حواس است کجاست، شنید. مرد از دوچرخه اش پیاده شد.  
در حالی که خود او از دوچرخه سواری در پیاده رو شرمنده بود به مجید نزدیک شد  
و از اینکه به او آسیبی نرسیده بود، خیلی خوشحال شد. سر مجید را بوسید و  
دوچرخه اش را به دست گرفت و به راهش ادامه داد.

مجید که از پاره شدن رشته افکارش غمگین شده بود به داخل مسجد رفت.  
چه پیشامدی! در تابلوی اعلانات نوشته بود: جلسه قرائت قرآن فردا شب بعد از

نماز مغرب و عشا برقرار است. با خوشحالی به خانه رفت و مطلب را با مادرش در میان گذاشت. آنها از تصمیم او برشکت در جلسات قرآن استقبال کردند. فردا شب هنگام نماز مغرب مجید و پدرش به مسجد آمدند پس از نماز استاد قرآن حضور تازه واردان را خوشامد گفت. مجید که از خوشحالی در پوست خود نمی‌گنجید امیدوار بود که پدرش به او اجازه بدهد همیشه به این جلسات بیاید.

آن شب یکایک افراد عضو جلسه و برخی از مهمانها که داوطلب بودند قرائت کردند مجید پس از آن جلسه به ضعفهای خود در قرائت پی‌برد. او با صحبت‌هایی که بعد از برنامه با اعضای جلسه داشت فهمید که آنها علاوه بر آموزش قرآن در اینجا در خانه هم از نوارهای آموزشی-بخصوص از رادیو قرآن استفاده می‌کنند. ولی او دوست داشت بداند قاری چه آداب و شرایطی را باید رعایت کند تا قاری موفقی گردد. ما در اینجا برای کمک کردن به مجید و امثال او مواردی از آن آداب و شرایط را ذکر می‌کنیم. این موارد در سه محور: قبل از قرائت، در ضمن قرائت و بعد از قرائت مطرح می‌شوند.

### قبل از شروع قرائت

مسواک: امام صادق(ع) می‌فرماید: رسول خدا(ص) زمانی (به یاران خود) فرمود: راه (و جاده) قرآن را پاکیزه گردانید. سؤال شد: ای فرستاده خدا! جاده قرآن کدام است؟ فرمود: دهان پرسیدند: چگونه؟ فرمود: با مسواك کردن.<sup>۱</sup>

وضو: لا يسأله المظہرون<sup>۲</sup>

تمیز بودن مکان قرائت.

نشستن رو به قبله

۱ - بحار به نقل از الحیة.

۲ - الواقعه . ۷۹

بنا گذاشتن بر تدبیر در قرآن برای حاصل شدن شرح صدر و نور قلب<sup>۱</sup>  
 خالص کردن نیت که برای رضای خدا بخواند  
 دعای مخصوص شروع قرائت<sup>۲</sup>  
 صلوٰات  
 گفتن «اعوذ بالله من الشیطان الرّجیم»  
 (قابل تذکر است که همه این موارد لازم نیست برای دانش آموزان ابتدائی گفته  
 شود.)

در ضمن قرائت قران  
 رعایت ادب  
 قرآن را از روی آن خواندن  
 خواندن با صوت زیبا قال الٰی(ص). لکل شی حلیه و حلیه القرآن الصوت الحسن<sup>۳</sup>  
 با تأثی و تأمل (ترتیل) خواندن ورتل القرآن ترتیلاً<sup>۴</sup>  
 اداء کامل حروف  
 خدا را ناظر دانستن  
 با خصوع و خشوع نشستن به گونه ای که خدا را ناظر بیند  
 در رسیدن به آیات تنزیه خداوند را با کلماتی مثل سبحانه و تعالی، تبارک و تعالی،  
 جلت عظمته یاد کند  
 متأثر گردیدن از آیات عذاب  
 توجه به مواضع قرآنی و تفکر در عجایب آن

۱ - کافی، ج ۲، ص ۴۲۸ - معانی الاخبار، ص ۶۷.

۲ - کافی، ج ۲، ص ۴۱۷.

۳ - کافی ج ۴ ص ۴۲۰.

۴ - مزمول.

تدبر و تفکر: رسول خدا(ص) فرموده است: وای به حال کسی که آیات الهی را به زبان آورد ولی در آنها تدبیر نکند<sup>۱</sup>.  
 اگر شنووندۀ قرآن است، خود سکوت کند. و اذا قرئ القرآن فاستمعوا له وانصتوا  
 لعلکم تفلحون<sup>۲</sup>

### بعد از قرائت

دعای بعد از قرائت  
 صلوات قرآنی فرستادن  
 عمل به محاکمات قرآن و دستورها و اوامر و نواهی آن  
 تصمیم بر یاد دادن قرآن به دیگران  
 مواظبت از اعضاي بدن که هر کدام راه خطاطرونده  
 گوش خطاطوندند. مثلًاً غیبت نشنود.  
 زیان غیبت نکند و دروغ نگوید.  
 پا. . . . . قدمی در غیر رضایت خدا برندارد.  
 تمرین مداوم برای خبره شدن در قرائت  
 باید ابتدا به بهترین وجه روخوانی قرآن را بالحن عربی فرا بگیریم و آنگاه به  
 تجوید و حفظ آن اهتمام ورزیم. (قواعد حفظ را جداگانه آورده ایم)

### یادآوری درس سکون

مربی کلمات دو حرفی (مثل: مَن - سَر - تَن) را روی تخته می نویسد و با هم می خوانند. آنگاه حرف و صدای آن را تتفکیک می کند من مَن. مربی: میم چه صدایی دارد؟ . . . آنون چه صدایی؟ هیچی، در فارسی روی حروف بی صدا

- 
- ۱- مجمع البیان- نقل از قرآن در احادیث اسلامی.
  - ۲- اعراف ۲۰۴.

هیچ علامتی نمی گذارند ولی در قرآن روی این حرف این علامت «» قرار دارد. اسم این علامت سکون است و حرفی که این علامت را دارد ساکن می نامند (مربی برای تفهیم یک بخش بودن ساکن با صدای ما قبل خود کلمه را به صورت جدا می نویسد؛ این گونه: مَنْ. وی از بچه ها می خواهد که مَ- را تلفظ کنند و بعد نْ را. اما «ن» تلفظ نمی شود مگر...؟ با صدای قبل از خود؛ این طور: مَنْ. بنابر این حرف ساکن با صدای قبل از خود یک بخش را تشکیل می دهد. (تمرین با کلمات یک بخشی و دو بخشی مثل: -آلْمُ-تَشْرَحْ-لَكَ-صَدْرَكُ)

**نتیجه:** ۱- حرف ساکن در اوّل کلمه خوانده نمی شود ۲- حرف ساکن به کمک حرف صدادار قبل از خود خوانده می شود ۳- حرف ساکن با حرف قبل از خود یک بخش به حساب می آید.

### (معماً)

این عدد چه چیزهایی از قرآن را بیان می کند؟

۱۱۴\_۳۰-۱۲۰

### تعربین

**همخوانی اوّل** - با تکیه بر صداشناسی همراه با توضیحات استاد فردخوانی - با توجه به موقعیت کلاس همه یا بعضی از افراد می خوانند. (غلط گیر می تواند از میان خود شاگردان انتخاب شود.)

**همخوان دوم** - به کمک یکی از شاگردان، خود استاد یا با استفاده از نوار. - در پایان، صلووات قرآن.

## پرسشها:

- ۱- دو مورد از آداب قبل از شروع قرائت را بگویید.
- ۲- دو مورد از آداب ضمن قرائت را بنویسید.
- ۳- دو مورد از آداب بعد از قرائت را بگویید. . .
- ۴- اسم این علامت چیست و حرفی که این علامت را دارد چه نام دارد؟
- ۵- جملات صحیح را با علامت  مشخص کنید:
  - حرف ساکن بنهای خوانده می شود.
  - حرف ساکن به کمک صدای قبل از خود خوانده می شود.
  - حرف ساکن در وسط و آخر کلمه واقع می شود.

## درس پنجم

موضوعات:

\* یادآوری درس تشدید و حروف شمسی و قمری

\* معماً

\* داستانهای قرآنی برای چیست؟

\* داستان حضرت ابراهیم (بخش اول)

دوران کودکی

دعوت مردم

شکستن بتها

انداخته شدن در آتش

\* پرسشها

مربی یکی از کلماتی را که حرف مشدّد دارد روی تخته می نویسد. (مثالاً دقت) از شاگردان می خواهد که آن را بخوانند. بعد می پرسد: چند بخش است؟ می گویند: دو بخش و می خواهد که هر بخش را از نظر صداقت‌گیری کنند (د — ق — ق — ت) صدای های بخش اول: د ق

بخش دوم: ق ت. چه حرفی در این کلمه تکرار شده است؟

... : قاف. اوّل چه علامتی داشت؟ سکون. بعد چه علامتی پیدا کرد؟

فتحه. برای اینکه این حروف دوبار تکرار و نوشته نشوند حرف اوّل را که ساکن

است در داخل حرف دوم قرار داده، این علامت را (۲) روی حرف دوم قرار می‌دهند نام این علامت تشدید است و وقتی روی یک حرف قرار می‌گیرد آن را بشدت تلفظ می‌کنیم.

مطلوب فوق بار دیگر بر کلمه «دقّت» و همچنین «شدّت - صلّ - مسخرّ و ایاک» با سؤال از بچه‌ها، تمرین شود.

[مربی در اینجا می‌تواند (ال) در الف و لام را در حروف شمسی و قمری مطرح کند و آن را با بیانی که برای شاگردان جذاب باشد ارائه دهد؛ مثلاً: بچه‌های عزیز! وقتی سر و کله تشدید پیدا شد بعضی از حروف الفبا دوست داشتند که همیشه تشدید را مثل تاج روی سر خود حفظ کنند. ولی همین طوری نمی‌شود هر کسی هر چیزی را خواست به او داد. برای همین، بعد از مدت‌ها تحقیق درباره صلاحیت حروف الفبا آنها را به دو قسمت مساوی تقسیم کردند و به یک دسته گفتند: اگر قبل از شما الف و لام (ال) باید شما تشدید بگیرید. این حروف عبارت بودند از: ت، ث، د، ذ، ر، ز، س، ش، ص، ض، ط، ظ، ل، ن، اوّلین کلمه‌ای که تشدید پذیرفت اولش حرف شن داشت و آن «الشمس» بود. بر طبق این تقسیم بندی «ش» باید تشدید بگیرد و هر حرکتی که قبل از (ال) بخواهد به آن وصل شود از روی (ال) پریده، به شین وصل می‌شود.

یک مسئله و آن اینکه اگر هیچ حرکتی قبل از (ال) نباشد به طور موقت الف فتحه می‌گیرد و کلمه باز هم با تشدید خوانده می‌شود. مثل **الشمس** [پس از آن، این حروف را، حروف شمسی نامیدند.

برای دسته دیگر حروف الفبا چنین حکم شد که: هرگاه قبل از شما «ال» قرار گرفت، هرگز تشدید نپذیرید و با «ال» خوانده شوید. آنها عبارت بودند از: ا، ب، ج، ح، خ، ع، غ، ف، ق، ک، م، و، ه، ی. اولین مثال برای حروف قمری در فارسی کلمه «القمر» بود. به همین سبب به این حروف قمری گفته شد.

خلاصه آنکه: حروف شمسی حروفی است که لام قبل از آنها خوانده نمی‌شود و این حروف خود تشدید دارند، مثل الْرَّحْمَن. و حروف قمری تشدید نمی‌گیرند و لام خوانده می‌شود، مثل العالَمِين (هنگام نوشتمن مثال روی تخته، لام در حروف شمسی با گچ رنگی نوشته شود).  
همخوانی اوّل - با توجه به قواعد خوانده شده در این درس و دروس سابق انجام گردد.

### معما

اوّلین سوره جزء سی ام قرآن؟

### داستانهای قرآن

قسمتهایی از قرآن کریم به بیان زندگی پیامبران و اقوام گذشته اختصاص دارد. راستی چرا قرآن داستان نقل می‌کند؟ هدف قرآن در این مجموعه عظیم آیات، داستانسرایی یا سرگرمی و اندوختن اطلاعات تاریخی نیست. بلکه هدف هدایت، راهنمایی و تربیت جوامع بشری است. قرآن با بیان سرگذشت گذشتگان در پی این است که ما با دقت و اندیشه و مطالعه در زندگی آنها درس عبرت گرفته، در زندگی خود دچار لغش و اشتباه نشویم و با سرمشق قرار دادن آن درسها رشد و تکامل یابیم. خداوند تعالی در قرآن به پیامبر می‌فرماید: فاقصُ القصص لعلَّهُم يَتَفَكَّرُون.<sup>۱</sup>

قرآن در آیه آخر سوره یوسف می‌فرماید.

لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِّأَلْبَابِ مَا كَانَ حَدِيثًا يَفْتَرِي وَلَكِنْ تَصْدِيقَ الَّذِي

بَيْنَ يَدِيهِ وَ تَفْصِيلٌ كُلَّ شَيْءٍ وَهَدِيٌّ وَ رَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يَؤْمِنُون.

داستان قرآنی این جلسه درباره حضرت ابراهیم(ع) است.

ابراهیم(ع) در سرزمین بابل<sup>۱</sup> (در نزد بعضی: شهر اور از کشور بابل) تولد یافت. سرزمینی که از سرزمینهای شگفت‌آمیز جهان بود و حکومتی نیرومند و در عین حال ظالم و جبار بر آن سلطه داشت پادشاه آن زمان نمرود بن کشان بود. او خود را خدای بابل معرفی می‌کرد. منجمان تولد شخصی را که با قدرت او مبارزه خواهد کرد به او خبر دادند. به همین علت از طرف نمرود همه زادو ولدها کترل می‌شد. مادر ابراهیم(ع) از ترس مأموران نمرود، فرزند خود را در غار به دنیا آورد و تا سیزده سالگی همانجا پرورش داد او بعد از رسیدن به سن نوجوانی از غار بیرون آمد و نزد عمویش آزر رفت. آزر او را به همراه فرزندانش برای فروش بتهای زیبایی که می‌ساخت فرستاد و ابراهیم با بستن طناب به گردن بتها و کشیدن آنها بر روی زمین بتها را سخت به تمسخر گرفت.

در اینکه ابراهیم(ع) در چه سنی به پیامبری رسید اطلاع دقیقی در دست نداریم ولی همین قدر از آیات ۴۱ و ۴۲ سوره مریم (واذکر فی الكتاب ابراهیم انه كان صديقاً نبياً اذ قال لابيه يا ابت لم تعبد مالا يسمع ولا يصر ولا يغنى عنك شيئاً) استفاده می‌شود که او به هنگامی که با عمویش آزر به بحث پرداخت به مقام نبوت رسیده بود. و این قبل از در آتش انداختن وی بوده که بعضی از مورخان او را در آن حال، شانزده ساله دانسته‌اند. ابراهیم(ع) در سنین نوجوانی رسالت را بردوش گرفت. بارها وی با عمویش آزر به بحث پرداخته است ولی آزر ایمان نمی‌آورد. ابراهیم(ع) که ایمان قوی و مستحکم داشت از پای نمی‌نشست و پیوسته با خدای خود به راز و نیاز مشغول بود.

روزی ابراهیم(ع) از خدا خواست که زنده کردن مردگان را به او نشان بدهد و

۱- بابل شهری قدیمی در منطقه بین النهرین از بزرگترین مناطق مشرق زمین در قدیم بوده است المنجد بخش اعلام.

۲- تفسیر نمونه، ج، ۱، ص ۴۰۱.

این را برای اطمینان قلبی تقاضا کرده بود. خداوند دستور داد که چهار پرنده را سربرد و گوشهای آنها را با هم مخلوط سازد... (ادامه داستان)

سخنان ابراهیم در مردم بت پرست که گرفتار جهل بودند کمتر اثر می کرد. تا اینکه زمان انجام مأموریت بزرگ فرا رسید. نمرودیان برای اجرای مراسم عید مخصوصی از شهر خارج شدند و بتخانه را بدون نگهبان رها ساختند. ابراهیم پای به میان بتخانه گذاشت بعد دست به تبر برد و بتها را در هم خرد کرد. و تبر را بر دوش بت بزرگ انداخت.

وقتی مردم به شهر بازگشتند با صحنه عجیب در بتخانه مواجه شدند. ابراهیم به علت سابقه ای که داشت متهم شد. او را به بتخانه فرا خواندند. گفتند بتها را چرا شکستی؟ گفت: بت بزرگ شکسته است، چون تبر روی دوش اوست، از او بپرسید. آنها گفتند: بتها که حرف نمی زنند! پس ابراهیم(ع) دلیل قوی خود را ارائه کرد که چرا خدایی را که به شما خیری نمی رساند، می پرسی؟! قاضی نمرود حکم داد که ابراهیم را باید بسوزانند و برای همین هم هیزمهای زیادی به اندازه یک تپه بزرگ جمع کردند و آن را آتش زدند. حرارت به حدی بود که کسی نمی توانست نزدیک شود. از این رو تصمیم گرفتند ابراهیم را با منجنیق به آتش بیندازند. (به علت طولانی بودن داستان، ادامه آن در یکی از جلسات دیگر تعریف می شود.)

تمرین فردهخوانی (مربی با توجه به قواعد گذشته افرادی را به عنوان قاری و افراد دیگری (یا خود) را به عنوان غلط گیر انتخاب می کند)

**همخوانی دوم** - (شاگردان ورزیده کلاس، معلم یا نوار می توانند خواننده باشند).

صلوات قرآنی

## پرسشها:

۱- کدام یک از موارد زیر بخش بخش کلمه و الشَّمْسِ می باشد؟

والشَّفْسِ

والشَّشْمْسِ

۲- جمله زیر را تکمیل کنید:

حروف شمسی حروفی هستند که لام قبل از آنها خوانده ..... .

۳- در مقابل داستانهای قرآن ما چه وظیفه‌ای داریم

درس عبرت بگیریم.

□ سرمشتی خود قرار دهیم تا باعث رشد و تکامل ما شود.

□ با تأمل در آن دچار لغزش در زندگی نشویم.

□ هر سه مورد صحیح است.

۴- پادشاه زمان حضرت ابراهیم(ع) چه کسی بود؟

اسکندر

فرعون

نمرود

نادرشاه

۵- چرا ابراهیم(ع) بت بزرگ را نشکست؟

۱- زورش نمی رسید.

۲- تا بتواند دلیل خداشناسی بیاورد

۳- برای اینکه از مردم اعتراف بگیرد که بتها کاری نمی توانند بکنند.

۴- ۲ و ۳ صحیح است

درس ششم

موضوعات:

- \* یادآوری تنوین
  - \* همخوانی
  - \* جانشینی حضرت علی(ع)، ضرورت وجود امام، قطعی بودن انتخاب  
جانشین از طرف پیامبر(ص)
  - \* داستان غدیر خم
  - \* معماً
  - \* تمرین فرد خوانی
  - \* تمرین همخوانی
  - \* پرسشها

سه حرف با سه صدای کوتاه (—) روی تخته نوشته شود تا شاگردان تلفظ کنند؛ مثلاً: ۱- آنگاه با نون ساکن در کنار هریک تلفظ شود. آری، در قرآن به کلماتی بر می خوریم که آخر آنها نون ساکن تلفظ می شود ولی هرچه بگردیم پیدایش نمی کنیم) این نون ساکن در تلفظ می آید ولی در نوشتمن خیر. (مثلاً در فارسی می گوییم: اصلاً، فرضًا و حقیقتة) به جای نون ساکن حرکتی مثل حرکت قبل به کلمه اضافه می شود آن ا ان ا ان ا این نون ساکن تسویه نام دارد.

اسم این تنوین‌ها عبارت است از

ن + ن = تنوین فتحه

ن + ن = تنوین کسره

ن + ن = تنوین ضمه

(مربی برای تمرین یک بار دست روی حرکت اضافی که جانشین نون ساکن شده می‌گذارد و می‌خواهد که تلفظ کند و یک بار دست روی نون ساکن می‌گذارد و... بعد از چند بار تمرین کردن نون ساکن را پاک می‌کند و یک بار دیگر تلفظ می‌کند.)

تفکر - در تنوین فتحه گاهی بعد از تنوین «الف» قرار می‌گیرد: فَوْمَا و وَكَاهِي هم «ی» مثل هُدَى. این الف و یاء خوانده نمی‌شوند.

مثال:

ذكر که خوانده می‌شود ذکر ن

ایات أیات ایات ن

عین عَيْنٌ عین ن

همخوانی اوّل - در این همخوانی که برای تشخیص علامتهای خوانده شده در آیات قرآن است آیة ۵۸ سوره نساء بسیار مناسب است: يَا إِيَّاهَا الَّذِينَ آمَنُوا أطِيعُوا اللَّهَ وَ أطِيعُوا الرَّسُولَ وَ اولى الامر منكم

(یکی از بچه‌ها معنی فارسی آیه را از روی قرآن بخواند و مربی از شاگردان پرسد: اوّلی الامر یعنی چه؟ آنگاه اشاره به جلسه اوّل کند که در آنجا گفته شد خداوند برای هدایت مردم پیامبران را فرستاد (لحن داستانی باشد) و به پیامبر کتاب داد. پیامبر با استفاده از این کتاب و ارتباط با خداوند احکام را به مردم می‌گفت ... اما آیا در کتاب پیامبر همه احکام به طور صریح و روشن بیان شده است؟

اگر بیان می شد حجم کتاب چقدر می شد؟) کتاب قرآن مجموعه ای از احکام کلی را بیان فرموده است در زمان خود رسول خدا(ص)، آن حضرت احکام را با استفاده از قرآن و ارتباط با عالم غیب بیان می فرمودند اماً بعد از پیامبر چه؟ برای ادامه رهبری و هدایت انسانها و بیان احکام فردی در هر زمان لازم است تا کار پیامبر را انجام بدهد. این فرد چه کسی می تواند باشد؟ باید دارای ویژگیهای حضرت رسول(ص) (غیر از مقام نبوّت) باشد. یعنی اصلاً اهل حقیقی که خدا کوچولو هم نباشد. با خدا ارتباط محکم داشته باشد و غیب را آنجا که خدا بخواهد بداند. آیا پیامبر اسلام کسی را معرفی کرده است؟

آیا پیامبری که می دانست بعد از او دشمنان و منافقان چیزهایی را به دروغ داخل اسلام می کنند و باید کسی باشد که حقایق را بیان کند، چه طور می شود کسی را انتخاب نکرده باشد!

پیامبری که برای همه مناطق استاندار و فرماندار معین می فرمود آیا می شود برای امت اسلامی بعد از خود کسی را معین نکرده باشد!

پیامبری که هر گاه از مدینه - هر چند موقت - خارج می شد یک نفر را به جانشینی انتخاب می کرد آیا می شود برای زمانی که امت اسلامی را برای همیشه ترک می کند جانشین معین نکرده باشد! به تاریخ مراجعه می کنیم. (داستان غدیر خم ذکر می شود و حدیث معروف «من کنت مولاہ فهذا علی مولاہ» روی تخته نوشته شود و بچه ها به حفظ آن تشویق شوند).

### معقا

سوره ای هستم به معنای زمان که سه آیه دارم ولی چهار راه خوشبختی را بیان می کنم.

## تعریف

**فردخوانی**- آیه ۳ سوره مائدہ درباره غدیر انتخاب شود:

الیوم يش الذین کفروا من دینکم فلا تخشوهن و اخشون الیوم اکلمت لكم دینکم و اتممت علیکم نعمتی و رضیت لكم الاسلام دیناً کمی درباره شأن نزول آیه توضیح داده شود.

- همخوانی دوم

- صلوات قرآنی

## پرسشها:

۱- کدام جمله زیر درباره تنوین درست است

الف- تنوین نون ساکنی است که در وسط کلمه می آید و نوشته نمی شود ولی خوانده می شود.

ب- تنوین نون ساکنی است که در آخر کلمه می آید، نوشته می شود و خوانده نمی شود.

ج- تنوین نون ساکنی است که در آخر کلمه می آید، نوشته نمی شود ولی خوانده می شود.

د- هیچ کدام صحیح نیست.

۲- چرا بعد از پیامبر نیاز به امام داریم؟

۳- از کجا می دانیم پیامبر(ص) حتماً کسی را به جانشینی انتخاب کرده است؟

۴- پیامبر در روز غدیر چه جمله‌ای در مورد علی(ع) فرمود؟

۵- خلاصه‌ای از داستان روز غدیر خم را بنویسید.

## درس هفتم

### موضوعات:

- \* ادامه داستان حضرت ابراهیم (نجات از آتش - هجرت ابراهیم به سوی شام - برخورد با ستاره پرستان و . . . )
- \* یادآوری مباحث مذکور
- \* همخوانی اول
- \* معماً
- \* تمرین فردخوانی
- \* همخوانی دوم
- \* پرسشها

(ابتدا دنباله داستان حضرت ابراهیم را تعریف می کنیم و قبل از آن می توان خلاصه قسمت اول و پیامهای آن را از بچه ها پرسید) صدای هلهله و شادی مردمی که دور آتش جمع شده بودند به هوا بلند بود.

نمرود و جمیعی بر فراز سکویی، دلشاد نشسته بودند. صدایی از جمیعت بلند شد که سزای کسی که به خدایان ما توهین کند همین است! دیگران با فریادهایشان سخنان او را تأیید کردند. منجنيق بالای آتش قرار گرفت و ابراهیم را به داخل آن انداخت. غریبو شادی مردم به اوج خود رسید و اندکی بعد همه ساکت شدند تا شاید صدای ضجه های ابراهیم را بشنوند و دلشان خنک شود. ولی صدایی

نمی‌آمد! لحظاتی گذشت و نمرود در بالای سکو از روی تخت مخصوص خود نیم خیز شد تا بهتر ببیند. ناگهان چشمانش را دست کشید...! نکند خواب هستم! ابراهیم در میان آتش نشسته است! باورش نمی‌شد توی دلش گفت عجب خدایی داری! همه‌مه در میان مردم آغاز شد. آرام به هم می‌گفتند آتش او را نسوزاند، حقانیت سخنان ابراهیم برای آنها کاملاً روشن شده بود ولی لجاجت و دشمنی باعث شد که جز عده‌کمی دعوت ابراهیم را نپذیرند. نمرود ابراهیم را احضار کرد و از او پرسید: خدای تو کیست که این قدرت را دارد؟ ابراهیم به معروفی خدای خود پرداخت و گفت: خدای من می‌میراند و زنده می‌کند. نمرود گفت: من هم این کار را می‌کنم. آنگاه دو زندانی را دستور داد آوردند یکی را آزاد کرد و دیگری را کشت! ابراهیم گفت: اگر راست می‌گویی آن را که کشتی زنده کن! خدای من هر روز خورشید را از مشرق طالع می‌سازد، تو اگر قدرت داری آن را از مغرب بیاور! نمرود که بسیار درمانده و خشمگین شده بود دستور اخراج ابراهیم از آن سرزمین را صادر کرد.

ابراهیم با همسرش ساره و تعدادی گوسفند و مقداری اموال به طرف شام و فلسطین حرکت کرد. در میان راه یکی از حکمرانان برای او مزاحمت ایجاد کرد ولی وقتی معجزه‌ای از حضرت ابراهیم دیدزنبی را به نام هاجر به ساره داد تا در کارها کمک او باشد. (بهتر است از عنوان کنیز و نوکر استفاده نشود) ابراهیم در مسیر خود به قومی برخورد که ستاره پرست بودند. برای اینکه بهتر بتواند اساس عقیده آنها را باطل سازد ابتدا خود را موافق مذهب آنها نشان داد به همین علت وقتی شب فرارسید و ستارگان درخشیدند، گفت: این ستاره خدای من است! ولی پس از چند ساعت ستاره ناپدید شد. ابراهیم گفت ستاره ای که غروب کند خدای من نیست. پس ماه ظاهر شد. ابراهیم گفت: این خدای من است! پس از مدتی ماه هم غروب کرد. ابراهیم گفت: این را هم خدای خود نمی‌دانم. صبح خورشید طلوع کرد و ابراهیم نظری به عظمت و نورانیت آن کرد و گفت:

این خدای من است این بزرگتر است . ولی چون در هنگام مغرب خورشید غروب کرد ابراهیم از آن هم بیزاری جست و گفت : من خدایی را می پرستم که آفریننده همه این موجودات است . مردم آن منطقه با اینکه هیچ جوابی در رد دلایل محکم ابراهیم نداشتند حرفهای او را قبول نکردند ؛ جز عده کمی از آنها .

سرانجام ابراهیم به سرزمین شام رسید . . . (با توجه به جو کلاس می توانید قسمتی دیگر از داستان را ادامه دهید ؛ از جمله ازدواج ابراهیم با هاجر به درخواست ساره که اولاد نداشت ؛ ناراحتی ساره و کوچ دادن ابراهیم ، هاجر و اسماعیل را به سرزمین بی آب و علف منی ؛ آب در آمدن از زیرپای اسماعیل مأموریت ذبح اسماعیل برای ابراهیم ؛ ساختن خانه کعبه و به جا آوردن حج .)

### یادآوری مباحث مذکور

(هدف از طرح بحث مذکور آشنازی با علامت آن در فرائت قرآن است ! اما انواع آن در کتب تجوید بحث می شود .) برای هر یک از صدایهای کشیده یک مثال می نویسیم که سبب مذکور آن موجود باشد ؛ مثل : جاء جیء سُوَّ آنگاه از دانش آموزان می خواهیم که آنها را بخوانند (صدایهای کشیده به صورت پرسش و پاسخ مرور شود .) مربی : در قرآن علامتی (—) هست که اگر روی صدای کشیده (الف ، یاء و واو مدی) قرار گیرد آن صدایها بیشتر کشیده می شود . علامت مذکور روی صدایها می گذاریم در کشیده شدن صدایها شاگردان را راهنمایی می کنیم ؛ مثلاً یکی از دستهای را کشیده نگاه می داریم .

میزان مذکور تا جایی است که دست با حرکت عادی به حالت افتاده برسد .)

تصریف : الله يجتی اليه من يشاء و يهدی اليه من ينیب .<sup>۱</sup>

(برای صرفه جویی در وقت مرور صدایها و علامتها از روی کارت باشد تا

نیازی به نوشتن روی تخته نباشد.)

**همخوانی اول** - با تأمل و تأثیر برای شناخت صدایها و علامتهای خوانده شده، می‌باشد. (باید توجه داشت که هدف درست خواندن است گرچه به صورت تفکیک و بخش بخش باشد. وقتی آنها به این روش ورزیده شدند می‌توانند به صورت یکسره بخوانند.)

### معماً

سوره‌ای از قرآن مجید است که اگر بدون هاء از آخر بخوانیم نام کشوری است. در همسایگی ایران که اکثر مردم ایران به موجب ویژگی خاص مذهبی آن شوق دیدار آن را دارند.

- تمرین فردخوانی

- همخوانی دوم

- صلوات قرآنی

## پرسشها

۱- مردم با دیدن ابراهیم در آتش و پی بردن به حقانیت او چه عکس العملی نشان دادند؟

الف- همه ایمان آورdenد.

ب- نمرود را کشتند.

ج- عده زیادی از روی لجاجت و دشمنی ایمان نیاوردن و عده کمی ایمان آوردن.

د- هیچ کس ایمان نیاورد.

۲- نمرود بعد از بحث با ابراهیم چه تصمیمی گرفت؟

الف- ابراهیم را پیامبری از طرف خدا خواند.

ب- دستور قتل او را صادر کرد.

ج- او را از آن سرزمین اخراج کرد.

د- او را زندانی کرد.

۳- دلیل ابراهیم به خدابودن خورشید و ستارگان چه بود؟

۴- علامت مذکور چه تأثیری در کلمه دارد؟

## درس هشتم

### موضوعات:

- \* بیان حروف ناخوانا (پایه و کرسی الف مدی، لام در حروف شمسی)
- \* همخوانی اول
- \* معماً
- \* آیات قرآن درباره بعضی از فروع دین (نماز، روزه، خمس، زکات، حج،  
جهاد، امریبه معروف و نهی از منکر)
- \* تمرین فردخوانی
- \* همخوانی دوم

(این جلسه و جلسه بعد مربوط به حروف ناخوانا است. از حروف ناخوانا «لام» را در بحث تشدید مرور کردیم. چون بعضی از شاگردان ممکن است در مدرسه هنوز به این درسها نرسیده باشند دقت بیشتری شود. در این جلسه پایه و کرسی الف مدی را به زبان داستانی بیان می کنیم و کلماتی از زبان فارسی را که در آن حروف ناخوانا به کار رفته است برای تفهیم بهتر ذکر می کنیم.)

در قرآن بعضی از حروف نوشته می شوند ولی خوانده نمی شوند و این خود حکایتی دارد. حکایت از این قرار است: ما در قرآن دو تا کوچولو داریم، یکی از خانواده صداها و یکی از خانواده حروف الفبا. یکی الف کوچولو که همان فتح کشیده است (در درس الف مدی شکلهای الف مدی یادگرفته شد در اینجا می شود

از بچه‌ها پرسید که الف مدّی چند شکل داشت ا ا ا ا) و دیگری همزه (ء) این دو برای اینکه در لایه لای حروفها گم نشوند تقاضای صندلی کردند که روی آن بشینند. تقاضای آنها قبول شد و چند صندلی به آنها داده شد که در جاهای مناسب بر لایه لای آن می‌نشینند. البته در کتابها به این صندلی پایه و کرسی هم گفته می‌شود.

ما در این درس صندلیهای الف مدّی را شناسایی می‌کنیم:

**الف کوچولو گاهی روی «و» می‌نشیند:** مثل صلوٰة و گاهی روی «ی-ب»: مثل: عیسیٰ ضُحْیَهَا البته وقتی روی «ی» فرار بگیرد نقطه آن حذف می‌شود.

حرف «لام» را هم در بحث تشدید گفتیم که اگر قبل از حروف شمسی (...؟) فرار بگیرد، خوانده نمی‌شود.

پس یا دمان باشد که و-ی-ل-بعضی وقتی نوشته می‌شوند و خوانده نمی‌شوند.

**همخوانی اول-با** توجه به حروف ناخوانای گفته شده انجام می‌گیرد.

### معماً

اسم دو سوره که با حرف (ر) شروع می‌شوند?  
حال آیات قرآن را که بیانگر فروع دین است ذکر می‌کنیم:

## ١ - نهار

اَقِمُ الصِّلَاةَ اَنَ الصِّلَاةَ تَهْيَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرِ اللَّهِ اَكْبَرُ<sup>١</sup>

## ٢ - روزه

يَا ايُّهَا الَّذِينَ آتَيْنَاكُمُ الْعِلْمَ كَمَا كَتَبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لِعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ<sup>٢</sup>

## ٣ - خمس

وَاعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خَمْسَهُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلَّهِ الْقَرِبَى وَالْيَتَامَى  
وَالْمَسَاكِينُ وَابْنُ السَّبِيلِ إِنْ كَتَمْتُمْ بِاللَّهِ<sup>٣</sup>

## ٤ - زكات

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَوْنَةِ فَاعْلُوْنَ<sup>٤</sup>  
خَدْمَنَ امْوَالَهُمْ صَدَقَةٌ تَطْهِيرٌ وَتَزْكِيَّةٌ بِهَا<sup>٥</sup>

## ٥ - حج

وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجَّةُ الْبَيْتِ مِنْ اسْتِطَاعَتْ أَيْهَا سَبِيلًا<sup>٦</sup>

## ٦ - جهاد

انْفَرُوا خَفَافًا وَثَقَالًا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفَسُهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ  
كُمْ تَعْلَمُونَ<sup>٧</sup>

## ٧ - امر به معروف

نَهَى از منکر

١ - عنکبوت، ٤٥.

٢ - بقره، ١٨٣.

٣ - انفال، ٤.

٤ - مؤمنون، ٤.

٥ - توبه ، ١٠٣.

٦ - آل عمران ، ٩٧.

٧ - توبه . ٤١.

ولتكن منكم امة يدعون الى الخير ويأمرون بالمعروف وينهون عن المنكر واولئك هم

المفلحون<sup>۱</sup>

قاری قرآن وقتی موفق و مورد عنایت پروردگار است که در عمل به دستورهای قرآن کوشان و سرمشق دیگران باشد. مثل امام حسن و امام حسین(ع) که در آموزش وضو به آن مرد بزرگسال از مصاديق عملی امر به معروف بودند. آنها با تذکر مستقیم رفتار نکردند چون این روش هم برای خود شخص سنگین است و هم برای دیگران پس چه خوب است با عمل نیکو سرمشق دیگران باشیم.

- تمرین فردخوانی

- تمرین همخوانی

- پایان جلسه با صلوات قرآنی

---

۱ - آل عمران، ۱۰۴.

## پرسشها:

۱- کدام دسته از حروف زیر پایه و کرسی فتح کشیده (الف مدی) اند.

الف- (ر-و-ی-ی)

ب- (ل-و-ی)

ج- (و-ی-ی)

د- هیچکدام

۲- پایه و صندلی الف مدی (فتحه کشیده) هنگام قرائت به چه صدایی خوانده

می شود؟

ب- ضمه

الف- فتحه

د- هیچ صدا

ج- کسره

۳- قبل از کدام دسته از حروف زیر لام خوانده نمی شود؟

الف- (ت-ث-د-ر-ط-ظ-ل)

ب- (ج-ح-خ-ك-ل-م)

ج- (ذ-ز-س-ش-ص-ض-ن)

د- الف و ج صحیح است

۴- چهار مورد از اصول عملی که در قرآن هم آمده است، بیان کنید.

۵- دو مورد از امر به معروف عملی که تاکنون انجام داده یا شاهد انجام آن از

طرف دیگران بوده اید بیان کنید.

## درس نهم

### موضوعات:

- \* نگاهی به حروف ناخوانا (پایه و کرسی همزه، الف جمع و همزه وصل)
- \* معماً
- \* نواهی در قرآن (با توضیح).
- \* پرسشها

می خواهیم پایه (کرسی) همزه، الف جمع و همزه وصل را بشناسیم. در جلسه قبل با اصطلاح ناخوانا و کرسی که ما از آن تعییر به صندلی کردیم آشنا شدید، به آقا همزه کوچولو که برای جا گرفتن در میان حروف تقاضای صندلی کرده بود، چهار تا صندلی دادیم (وی یا) تا در هر جا که مناسب بود از آنها استفاده کند. البته همزه کوچولو مثل الف کوچولو در بعضی جاها به تنهایی هم می آید. مثال همزه با کرسیهای مختلف:

مُؤْمِنٌ - يُبَدِّيُءُ - تُسَأَلُونَ - سَأَلَ

(طریقه تمرین به این صورت است که دست روی کرسی همزه قرار می دهیم و از شاگردان می خواهیم که تلفظ کنند. بعد دست را بر می داریم تا تلفظ کنند. شاگردان ملاحظه خواهند کرد که بودن و نبودن کرسی تأثیری در تلفظ کلمه ندارد.)

الف هنگامی ناخواناست که در آخر کلمه واقع شده و علامتی نداشته باشد.  
(ذکر واو جمع لازم نیست). مثل: *الذين آمنوا* گاهی الف در اول کلمه است ولی

در هنگام قرائت به سبب اینکه نسبت به کلمه وسط واقع شده خواننده نمی‌شود. در اکثر قرآنها روی آن را این حالت یک صاد کوچک (آ) می‌گذارند (مثل «رب العالمین») این صاد علامت آن است که الف خواننده نمی‌شود. اسم این الف را همزه وصل می‌گویند. چون هنگام وصل شدن کلمه قبلی به آن، خواننده نمی‌شود. هرچند اگر در اوّل کلام واقع شود خواننده می‌شود. (مربی اصطلاح «حروف والی» را مطرح کند و در قرائت و غلطگیری و راهنمایی شاگردان خود هم از این اصطلاح استفاده می‌کند؛ مثلاً می‌گوید خواننده نمی‌شود چون از حروف والی است.). پس حروف ناخوانا چهار تا شد: «والی» (والی) که در این شعر آمده است:

به به بین چه عالیه چون از حروف والیه

نوشته می‌شه خواننده نمی‌شه

همخوانی اوّل (جای خاصی از قرآن را پیشنهاد نمی‌کنیم مگر با بحث مفاهیم مناسب باشد و الا خود مربی از هرجای قرآن که برای قرائت شروع کرده است می‌تواند ادامه دهد)

## معما

چهار سوره که اوّلشان کلمه قل دارد و به چهار قل معروف هستند نام ببرید.

(در جلسه قبل «باید» هایی که در قرآن آمده بود آوردهیم. در این جلسه نباید ها را ذکر می‌کنیم البته مربی برای سرگرمی کلاس می‌تواند آنها را روی کارت نوشته، دو کارت را از پشت به هم چسبیده نگه دارد. یک طرف را نشان می‌دهد بچه‌ها به تناسب آنچه نوشته شده می‌گویند باید یا نباید. با چرخاندن سریع کارتها

---

۱ - از کتاب آموزش روخوانی قرآن دوره پایانی نهضت سواد آموزی. (موردی هم اضافه شده است)

بچه ها دچار اشتباه می شوند و این باعث سرگرمی خواهد شد.)

١ - سهل انکاری در خواندن نهادز

فوبیل للملصين الذين هم في صلاتهم ساهون<sup>١</sup>

٢ - بی احترامی به پدر و مادر

فلا تقل لهما اف<sup>٢</sup>

٣ - تکبر

ولا تنش في الأرض مرحًا إنك لن تخرق الأرض ولن تبلغ الجبال طولاً<sup>٣</sup>

٤ - تفسخ

يا ايها الذين آمنوا لا يسخر قوم من قوم عسى ان يكونوا خيراً منهم ولا نساء من نساء

عسى ان يكنّ خيراً منهان ولا تابنوا بالألقاب بش الاسم الفسوق بعد الاعيان ومن

لم يتبع فارلك هم الظالمون<sup>٤</sup>

٥ - عیجویی

ولا تلمزوا<sup>٥</sup>

٦ - لقب زشت

ولا تابنوا بالألقاب<sup>٦</sup>

٧ - بدکمانی

يا ايها الذين آمنوا اجتبووا كثيراً من الظن ان بعض الظن اثم.<sup>٧</sup>

٨ - تجسس

ولا تجسسوا<sup>٨</sup>

٩ - غیبت

١ - ماعون، ٤.

٢ - اسراء، ٢٣.

٣ - اسراء، ٣٧.

٤ - حجرات، ١١.

٥ - حجرات، ١٢.

و لا يغتب بعضكم بعضاً ایحب احدكم ان يأكل لحم أخيه ميتا فكر هتموه<sup>۱</sup>

۱۰ - دروغ

ويل يومئذ للمكذبين<sup>۲</sup>

(لازم نیست تمام موارد در کلاس مطرح شود. گزینش آیات و شیوه‌های اجرا  
به عهدهٔ مربی است.)

- تمرین فردخوانی

- همخوانی دوم

- صلووات قرآنی

۱ - حجرات، ۱۲

۲ - مرسلات، ۱۵

## پرسشها

۱- کدامیک از موارد زیر می تواند کرسی همزه باشد؟

الف- (ی-و-ك)      ب- (ی-ي-و-ا)

ج- (ر-ی-و)      د- هیچ کدام

۲- جمله زیر را تکمیل کنید:

..... همزه وصل در وسط دو کلمه خوانده .. . . . .

۳- در کلمه دَعْوَةٌ پایه الف مدی چیست؟

الف- (ا)      ب- (ی)

ج- (ع)      د- (و)

۴- در کلمه انّما التَّوْيَةٌ چند حرف ناخوانا به کار رفته است؟

۱- سه حرف      ۲- دو حرف

۳- چهار حرف      ۴- یک حرف

۵- سه مورد از کارهایی که به فرمان قرآن نباید انجام بدھیم نام ببرید.

درس دهم

موضوعات:

- \* وقف (وقف به سکون، وقف بدون تغییر)
  - \* سوره شناسی
  - \* آشنایی با سوره والعصر
  - \* تمرين در کلاس
  - \* پرسشها

وقف

(نخست مرتبی برای مرور علامتها خوانده شده از شاگردان می خواهد  
علامتها را نام ببرند و او بر تخته بنویسد). صدای کوتاه  $\text{ـ}$ ، صدای کشیده  
ای او تنوین  $\text{ـ}$ ،  $\text{ـ}$   
در هنگام تلاوت آیات طولانی قرآن برای نفس تازه کردن یا به موجب رسیدن  
به آخر آیه، قرائت قطع می شود که در اینجا به آن وقف (باز ایستادن از قرائت)  
می گویند. در این حال آخر آن کلمه یکی از علامتهای بالا را دارد.  
این علامتها در هنگام وقف چه وضعیتی پیدا می کنند؟ آیا اصلاً تغییر نخواهد  
کرد؟ مثلاً بسم الله الرحمن الرحيم (روی تخته نوشته شود). آخرش (...؟)  
کسره دارد و ما (به چه صورت تلفظ می کنیم؟) به صورت سکون تلفظ می کنیم.  
نتیجه اینکه موقع وقف کردن، آخر بعضی از کلمات تغیراتی می کند. حال

بیینیم هریک از این علامتها چه تغییری می‌کنند.

بعضی جاها باید آخر کلمه ساکن شود. گاهی هیچ تغییری نمی‌کند و زمانی تبدیل به چیز دیگری می‌شود.

جاهايی که هنگام وقف آخر کلمه ساکن می‌شود:

۱- در وقف ساکن باید شود.

۲- آخر کلمه صدای کوتاه باشد.

۳- آخر کلمه تنوین کسره باشد.

۴- آخر کلمه تنوین ضمه باشد.

۵- آخر کلمه هاء گرد باشد.

۶- آخر کلمه مشدّ باشد.

مثالها ۱- الحمد لله رب العالمين — العالمين

۲- الرحمن الرحيم — الرحيم

۳- واياك نستعين — نستعين

۴- ولیال عزّ — عزّ

۵- حکیم — حکیم

۶- معه — معه

۷- بالحق — بالحق

کلماتی که آخرشان هنگام وقف تغییری نمی‌کنند:

الف- اگر آخر کلمه ساکن باشد؛

مثل: قُمْ فَاندُرْ

ب- آخر کلمه حروف مدّی باشد:

فَانطَلَقا

وَادْخُلُى جَتَّى

وَلَا تُسْرُفُوا

## همخوانی اول - با تکیه بر قواعد خواننده شده در جلسه

### معماً

سوره‌ای از قرآن را نام بیرید که اگر با حذف حرف اول، از آخرش خواننده شود بهترین غذای کودک می‌شود؟

### سوره شناسی

بعضی از سوره‌ها مناسب با حادثه یا موضوعی نازل شده‌اند که اصطلاحاً به آن حادثه شأن نزول گفته می‌شود سوره‌هایی که در مکه نازل شده، مکی و آنها که در مدینه نازل شده مدنی می‌گویند.<sup>۱</sup> در قرآنها ابتدای هر سوره مکی یا مدنی بودن آن نوشته شده است (مربی باید به دانش آموزان نشان بدهد).

از آنجا که بعضی از سوره‌ها بخصوص سوره‌های کوچک آخر قرآن در بردارنده برخی موضوعات است به بعضی از این سوره‌ها اشاره‌ای خواهیم کرد.

### آشنایی با سوره عصر

۱- معنی سوره ..... روزگار
۲- محل نزول ..... مکه
۳- چندمین سوره ..... ۱۰۳
۴- تعداد آیه ..... ۳
۵- شماره جزء ..... ۳۰
۶- ترتیب نزول ..... ۱۳

۱- اهل فن ملاکهای دیگری را هم برای مکی یا مدنی بودن طرح کرده‌اند.

## «سفارش به حق و صبر»

و تو اصوا بالحق و تو اصوا بالصبر<sup>۱</sup>

کلمه «عصر» چندین معنی دارد. هنگام غروب آفتاب یا یک بخش از دوران تاریخ را عصر می‌گویند. چنانکه زمانه‌ای را که ما در آن زندگی می‌کنیم عصر حاضر می‌گویند. خداوند در این سوره به «عصر» سوگند می‌خورد، تا همه مردم ارزش وقت را بدانند. هر دقیقه‌ای که انسان از دست می‌دهد دیگر نمی‌تواند آن را دوباره به دست آورد.

مردم می‌گویند «وقت طلاست» یعنی اگر وقتان را بیهوده تلف کنید در حقیقت مثل این است که طلا و پولتان را از دست داده‌اید. ولی وقت از طلا هم با ارزشتر است، چون وقت همان عمر انسان است که از دست می‌رود و دیگر به دست نمی‌آید.

پس نباید عمر خود را برای هر چیزی صرف کنیم. تنها چیزی که ارزش دارد انسان عمرش را برای آن صرف کند، ایمان به خدا و کارنیک و عمل صالح است.

خداوند در این سوره می‌فرماید:

تنها کسانی در عمر خود ضرر نمی‌کنند که با ایمان باشند و کارهای نیک انجام دهند؛ هم‌دیگر را به انجام کارنیک و طرفداری از حق و راستی سفارش کنند.

کارنیک شامل همه کارهای خوب انسان است که برای رضایت خدا انجام شود. در این صورت، درس خواندن و آموختن دانش هم کارنیک است. یاد گرفتن علم و معرفت یکی از بزرگترین کارهای نیک است، چون باعث کمک به مردم و پیشرفت جوامع مسلمانان و حتی همه مردم جهان می‌شود.

۱ - والعصر، آیه ۳.

### چه کسانی خوشبخت هستند؟

کسانی که هر چهار برنامه سوره عصر را سرمشق زندگی خود قرار دهند:

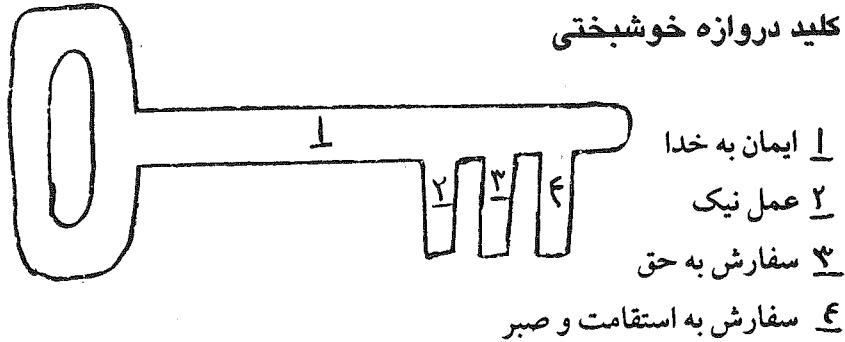
۱ - به خدا ایمان داشته باشند.

۲ - عمل نیک و صالح انجام دهند.

۳ - نه تنها خود کار نیک بکنند بلکه دیگران را هم سفارش به انجام کار نیک بکنند.

۴ - در ایمان به خدا و عمل صالح پایدار باشند و دیگران را هم به بردبازی و استقامت در راه حق سفارش کنند.

### کلید دروازه خوشبختی



۱ ایمان به خدا

۲ عمل نیک

۳ سفارش به حق

۴ سفارش به استقامت و صبر

(با طرح شکل‌هایی این گونه مطالب پر محتوای این سوره شریف را تجسم بخشید).

- تمرین فرد خوانی

- همخوانی دوم

- پایان با صلوات قرآنی

## پرسشها

۱- اگر در آخر کلمه‌ای یکی از علامتها <sup>۱</sup> وجود داشته باشد به هنگام وقف چه تغییری می‌کند؟

الف- تبدیل به الف مدی می‌شود.

ب- ساکن می‌شود.

ج- بعضی ساکن و بعضی تغییر نمی‌کند.

د- حذف می‌شود.

۲- اگر در آخر کلمه علامتها <sup>۱</sup> و <sup>۲</sup> باشد به هنگام وقف چگونه می‌شود.

الف- تغییری نمی‌کند

ب- ساکن می‌شود.

ج- تبدیل می‌شود.

د- حذف می‌شود.

۳- در کدام یک از موارد زیر وقف به سکون رخ می‌دهد؟

الف- کلمه‌ای که آخرش صدای کوتاه باشد.

ب- کلمه‌ای که آخرش تنوین کسره یا ضمه باشد.

ج- کلمه‌ای که آخرش تشدید داشته باشد.

د- هر سه مورد صحیح است.

۴- کدامیک از موارد زیر به هنگام وقف تغییری نمی‌کند؟

الف- کلمه‌ای که آخرش الف مدی باشد.

ب- کلمه‌ای که آخرش الف ساکن باشد

ج- کلمه‌ای که آخرش الف صدای کوتاه باشد.

د- الف و ب صحیح است.

۵- سوره های مکی و مدنی یعنی چه؟

الف- به سوره هایی که در مکه نوشته شده است مکی و آن که در مدینه نوشته شده مدنی گویند.

ب- ..... نازل شده ..... نازل

ج- هر دو صحیح است.

۶- کدامیک از موارد زیر در مورد شماره سوره / آیه / مکی یا مدنی بودن سوره والعصر صحیح است؟

الف- ۳/۱۰۲ / مکی

ب- ۳/۱۰۳ / مدنی

ج- ۳/۱۰۳ / مکی

د- ۴/۱۰۳ / مکی

۷- برای خوبی بخت شدن و ضرر نکردن کدام یک از موارد زیر را باید دارا باشیم؟

الف- ایمان به خدا

ب- انجام عمل نیک

ج- سفارش به حق و صبر

د- هر سه مورد صحیح است.

## درس یازدهم

موضوعات:

\* وقف (ابدا)

\* همخوانی اول

\* معمّا

\* سوره شناسی (سوره ماعون)

\* تمرین فردخوانی

\* همخوانی دوم

گفته‌یم که در وقف گاهی باید آخر کلمه ساکن شود (...؟) ولی در مواردی آخر کلمه تبدیل می‌شود.

در کلماتی که آخرشان تنوین فتحه - که روی الف نشسته - وجود دارد به هنگام

وقف، تنوین تبدیل به الف می‌شود:

اعناباً — اعناباً<sup>۱</sup>

هُدْيٰ — هُدْيٰ

اگر در آخر کلمه تاء گرد (ةـ) باشد هنگام وقف تبدیل به هاء ساکن (هـ)

می‌شود:

حَىٰ عَلَى الْصِّلْوَةِ — الْصِّلْوَةِ

دَكَّةٌ وَاحِدَةٌ — دَكَّةٌ

اگر آخر کلمه (ی) مفتوح و حرکت قبل از آن کسره باشد به هنگام وقف «ی» تبدیل به کسره کشیده می شود:

نعمتی — نعمتی

اگر واو مفتوح در آخر کلمه و قبل از آن ضمه باشد به هنگام وقف به واو مدی تبدیل می شود:

هو — هو

نبُلوا — نبُلوا

همخوانی اول - (مربی باید دقت کند که موارد بخوبی تفهیم شود. و ای بسا این همخوانی کمی وقت گیر باشد.)

### معما

سوره ای از قرآن که اگر حرف اوّلش را برداری به معنی بیابان بی آب و علف می شود؟

### آشنایی با سوره ماعون

تعداد آیه	٧
شماره سوره	١٠٧
مکه	محل نزول
ترتیب نزول	١٧
شماره جزء	٣٠

### معنی سوره

ماعون از معن (بروزن شان) به معنی چیز کم. بسیاری از مفسران معتقدند که منظور از آن در اینجا اشیاء جزئی است که مردم مخصوصاً همسایه ها از یکدیگر به

عنوان عاریه یا تملک می‌گیرند؛ مانند مقداری نمک، آب، کبریت، یا... در این سوره کوتاه مجموعه‌ای از صفات ناپسند که در هر کس باشد نشانهٔ بی‌ایمانی و پستی اوست ذکر شده است. قابل توجه اینکه قرآن همه آنها را پس از صفاتی بر می‌شمرد که تکذیب دین (به متن جزایا روز جزا) از فرد سر می‌زند؛ تحقیر یتیمان، ترک اطعام گرسنگان، غفلت از نماز، ریاکاری و همکاری نکردن با مردم حتی در دادن و سایل کوچک زندگی، این مجموعه صفات را تشکیل می‌دهد.<sup>۱</sup> (لحن بیان در مورد یتیم طوری نباشد که احیاناً اگر یتیمی در کلاس هست، رنجیده شود.)

### درسهای سوره ماعون

به یاد روز قیامت و حسابرسی آن باشیم.  
 با کسانی که پدر یا مادر خود را از دست داده اند به ملایمت رفتار کنیم.  
 دیگران را به اطعام بیچارگان تشویق کنیم.  
 نماز را اول وقت بخوانیم و در انجام آن سهل انگاری نکنیم.  
 ریا و خودنمایی را از خود دور کنیم.  
 اگر چیزی کم ارزش ولی ضروری را از ما درخواست کردند آن را از دیگران دریغ نکنیم.

۱ - تفسیر نمونه، ج ۲۷

(بر محورهایی از این سوره شریفه که مناسب سن دبستان می‌باشد بیشتر تکیه شود؛ از جمله اهمیت دادن به نماز اوّل وقت که باعث خیرات و برکات در زندگی شخصی فرد است و نیز دوری از ریا که بسیار مضر است . پیامبر اکرم(ص) فرمود : سیاتی زمان علی الناس تختیت فیه سرائر هم و تحسن فیه علانیتهم طمعاً فی الدنيا لا يریدون به ما عند ربهم، یکون دینهم ریاء، لا يخالطهم خوف، یعمهم الله بعقاب فیه عونه دعاء الفرق فلا يستجيب لهم<sup>۱</sup>) و همچنین تشویق کردن آنها به بهره‌مند ساختن دیگران از امکاناتی که در اختیار دارند؛ یعنی بخیل نباشند.

- تمرین فردخوانی

- همخوانی دوم

(توجه : در صفحات بعضی از قرآنها به علاماتی بر می‌خوریم که در زمینه وقف معانی خاص دارند این علامات لازم نیست برای دانش آموزان گفته شود ولی از آنجا که شاید آنها از مرتب پرسند توضیح آن در ذیل می‌آید .

م: وقف لازم یا وقف تام

ط (قف) : جایی که وقف کردن بهتر است (وقف مطلق)

ج: وقف جائز الطرفین جایی که وقف و عدم وقف جایز است .

ص (صلی) : وقف مُرْخَص جایی که وقف نکردن بهتر است .

لا: وقف قبیح جایی که نباید وقف کرد .

ز: وقف مجوز جایی که می‌توان وقف کرد ولی در شروع همچنان کلمه وقف شده دوباره تکرار می‌شود .

پرسشها:

۱- آیه «وجنات الْفَافَا» چگونه وقف می شود؟

الف- تبدیل به الف مدی می شود.

ب- تبدیل به حرکت کوتاه فتحه می شود.

ج- تبدیل به یاء مدی می شود.

د- ساکن می شود.

۲- کلمه «نَارٌ مُوَصَّدَةٌ» چگونه وقف می شود؟

الف- ساکن می شود

ج- تبدیل به صدای کشید(و) می شود.

د- الف و ب صحیح است.

۳- کلمه «نَعْتَى» چگونه وقف می شود؟

الف- تبدیل به الف مدی می شود.

ب- ساکن می شود.

ج- تبدیل به یاء مدی می شود.

د- فتحه حذف می شود.

۴- آخر عبارت «لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ» چگونه وقف می شود؟

الف- واو حذف می شود.

ب- واو ساکن می شود.

ج- واو به واو مدی تبدیل می شود.

۵- سوره ماعون چند آیه دارد و چند مین سوره قرآن است؟ مکی است یا مدنی؟

الف- ۸/۱۰۶ مکی

ب- ۷/۱۰۷ مکی

ج- ۷/۱۰۹ مکی

۶- سوره ماعون در کدام جزء قرار دارد؟

الف- جزء اول

ب- جزء ۲۹

ج- جزء ۳۰

د- جزء ۲۸

۷- ذکر کنید. دو چیز که نشانه بی اعتقادی به آخرت است و در سوره ماعون به

آن اشاره شده

## جواب معماها

### جواب معماهای جلسه

اول: ..... در اسلام حروف و در قرآن نقطه

دوم: ..... والعصر - حمد - محمد

سوم: ..... توحید

چهارم: ..... آیه / حزب / جزء / سوره

پنجم: ..... سوره نبا

ششم: ..... سوره والعصر

هفتم: ..... عراق - قارعه

هشتم: ..... رعد - روم - رحمن

نهم: ..... سوره توحید - ناس - فلق - کافرون

دهم: ..... سوره قریش

یازدهم: ..... سوره تکویر

رهنمایی جان ما	بـه بـه از قـرآن مـا
دلکش است و دلنشیـن	ایـن کـتاب نـازنـین
مـی دـهـد جـان رـا شـفـا	مـی دـهـد دـل رـا صـفـا
مـایـه عـزـت بـود	سـرـبـه سـرـرـحـمـت بـود
راـسـتـی مشـکـل گـشـاست	بـرـهـمـه درـدـی دـوـاست
عالـم اـز او روـشـن اـسـت	مشـعـلـی نـور اـفـکـن اـسـت
معـجزـی پـیـغـمـبـر اـسـت	خـوـانـدـنـش جـان پـرـور اـسـت
جانـمـاـقـرـبـان اوـ	ماـهـمـه خـواـهـان اوـ
آـفـرـیـنـ، صـدـآـفـرـیـنـ	بـرـکـتابـی اـینـچـنـینـ

\*\*\*

### قرآن بخوان

قرآن بخوان	با تو گـرـخـواـهـی سـخـن گـوـید خـدا
قرآن بخوان	تا شـوـدـرـوح تـوـبـاـحـقـ آـشـنا
قرآن بخوان	ای بـشـرـیـاد خـدا آـرامـش دـل مـی دـهـد
قرآن بخوان	درـدـمـنـدان رـا بـوـدـقـرـآن دـوا
قرآن بخوان	دامـهـا گـسـتـرـدـه شـيـطـان درـمـسـيرـ عمرـ تو
قرآن بخوان	تاـکـهـ اـيمـنـ باـشـیـ اـزـ اـينـ دـامـهـا
قرآن بخوان	رتـلـ الـقـرـآن تـرـتـيلـانـ نـدـايـ رـحـمـتـ اـسـتـ.
قرآن بخوان	مـی دـهـدـ قـرـآنـ بـهـ جـانـ وـدـلـ صـفـا
قرآن بخوان	عـترـتـ اـحـمـدـ زـقـرـآنـشـ نـمـی گـرـددـ جـدا
قرآن بخوان	تاـبـیـابـیـ معـنـیـ اـینـ نـکـتـهـ رـا

گفت پیغمبر که بی دین است هر کس بی حیاست  
تاشود روح تو پابند حیا  
ای که روحت سخت پابند غم دنیا شده  
می کند قرآن تو را از غم رها

1

جانم فدای قرآن	بشنو نوای قرآن
باشد برای قرآن	این گوهر جوانی

بنگر زما صفارا	بابا ببین تومارا
از لابه لای قرآن	بگرفته ام و فارا

کلام حق شنیده	فرزند نور دیده
از درس‌های قرآن	جان جهان خریده

شیرین و دلنشیں است	درس کہ درس دین است
برنامہ‌های قرآن	آیین ما چنین است

در موقع جدایی  
مارا بود خدایی  
در روز بی نوایی  
آن هم خدای قرآن

## قرآن

باغی که در آن بهار پیداست  
بر سبزه و سبزه زار پیداست

یک باغ بزرگ می‌شناسم  
سی شاپرک قشنگ در باغ

\*

سرشار زعطر یا سمنه است.  
زعتر گل و سبزه و چمنه است

هر گوشه و هر کنار این باغ  
از عطر گل محمدی تا

\*

روییده در آن نهال لبخند  
سرشار ز آیه خداوند

این باغ بزرگ، باغ شادی است  
هر برگ و گل و درخت آن هست

\*

از خوبی و عشق و مهر و ایمان  
این باغ بزرگ هست قرآن

این باغ بزرگ هدیه دارد  
این باغ بزرگ مهریان است

جعفر ابراهیمی

## کلام آسمانی

تبهترین کتابی  
تومثل آفتابی

تبهترین کلامی  
در آسمان دلهای

\*

نوید رستگاری است  
پر از گل و قناری است

تمام سوره هایت  
و باغ آیه هایت

\*

برای من گشودی

پناه من توبودی

توراز زندگی را

در اوج بی‌پناهی

با باغ آیه‌هایت

به چهارده روایت

مرا بخوان همیشه

که خوانمت چو حافظ

گرفته از تو زیور

همای سایه گستر

چرا که شعر حافظ

تویی برای شاعر

همیشه با تو بودن

سرودها سرودن

چقدر با شکوه است

پیامها گرفتن

### اسدالله شعبانی

که جان و روان را کند شادمان  
از او زنده راه و ره روزگار  
خداراز جان و زدل بینده ایم  
کلام خداوند جان آفرین  
هر آن کس که حامی قرآن بود  
بدین بوم و بر، زنده یک تن مباد  
مسلمان بیدار مازنده باد

خوشابانگ قرآن و آهنگ آن  
سراسر همه حکم پروردگار  
همه حکم او را پذیرنده ایم  
جهان را نماید بهشت برین  
دلش روشن از نور ایمان بود  
چو قرآن نباشد تن من مباد  
گروه فدا کار مازنده باد

\*\*\*

همه اهل ایمانیم	ما پیر و قرآنیم
شام و سحر بخوانیم	قرآن خود را باید
معنای آن بدانیم	کوشش کنیم همیشه
از آن جدانمانیم	حکمش عمل نموده
بر دیگران رسانیم	آیات پاک آن را
آزاد باش ای قرآن	گوییم از دل و جان
دلشاد باش ای قرآن	از ما پیروان خود
چون آفتاب رخسان	قرآن بود به عالم
گردد به عالم آسان	هر مشکلی ز قرآن
گردد جهان گلستان	گر، امر آن بخوانیم
بی رهبری قرآن	ویران زمانه گردد
آزاد باش ای قرآن	گوییم از دل و جان
دلشاد باش ای قرآن	از ما پیروان خود
وی قادر توانا	ای کردگار دانا
داریم مان تقاضا	از درگهت همیشه
روشن نمای دلها	صاحب زمان عیان کن
اندر تمام دنیا	ترویج حق نماید
حق گردد آشکارا	عالی شود گلستان
آزاد باش ای قرآن	گوییم از دل و جان
دلشاد باش ای قرآن	از ما پیروان خود

\*\*\*

جلسات قرآن معمولاً با شعر (مناجات)، دعا و یا هر دوی آن به پایان می‌پذیرد.

مادر این قسمت از کتاب، هر دو برنامهٔ پایانی را می‌آوریم.

### مناجات

یارب یارب یارب	کودکان و نوجوانان
مردو زنها و جوانان	با کلامت آشنا کن
یارب آمین یارب آمین	
یارب آمین یارب آمین	
یارب یارب یارب	از عمل بر حکم قرآن
بر تمام مسلمینت	فتح و پیروزی عطا کن
یارب آمین (چهار بار)	
یارب یارب یارب	حجت بر حق خود را
به رای جاد عدالت	آشکارا بهر ما کن
یارب آمین (چهار بار)	
یارب یارب یارب	رهبر بیدار مارا
مفتخر بر فتح و نصرت	بر تمام اشقيا کن
یارب آمین (چهار بار)	
یارب یارب یارب	دشمنان دین مارا
بر نزاع و جنگ با هم	حق پاکان مبتلا کن
یارب آمین (چهار بار)	
یارب یارب یارب	به رنابودی دشمن
اندرین سنگر تو بermen	دیده بینا عطا کن
یارب آمین (چهار بار)	

یارب یارب یارب	علم و ایمان و شهامت
کار و پیکار و شهادت	قسمت این جمع ما کن
یارب آمین (چهار بار)	
یارب یارب یارب	حق رزمندگان راهت
حق خلق بی پناهت	استجابت این دعا کن
یارب آمین (چهار بار)	

三

دعای ختم قرآن

اللهم نور قلوبنا بالقرآن  
واصلاح امورنا بالقرآن  
وأيده قائدنا بالقرآن  
اللهم عجل فرج مولانا بالقرآن  
وفى القبر مونسأ وانيسا  
وفى الجنة رفيقا وشفيقا  
صل على محمد واله  
وزين اخلاقنا بالقرآن  
واشف مرضانا بالقرآن  
واغفر موتانا بالقرآن  
اللهم اجعل القرآن لنا في الدنيا فرينا  
وفى القيمة شافعاً وشفينا  
بحق محمد واله

三



# اخلاق و آداب

گردد آورند

مرکز تربیت مریض کودکان و نوجوانان

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم



## فهرست

۹۰	مقدمه: ویژگیهای بحث کودکان و نوجوانان
۹۹	درس اول و دوم: راستگویی
۱۰۸	درس سوم و چهارم: نظم و نظافت
۱۱۷	درس پنجم و ششم: تمثیر
۱۲۴	درس هفتم و هشتم: دوست
۱۳۱	درس نهم: کمک و یاری
۱۳۶	درس دهم: سرگرمی



## مقدمه

### (ویژگیهای مباحث کودکان و نوجوانان)

بسم الله الرحمن الرحيم

کودکان و نوجوانان عزیز به عنوان امانتهای الهی هستند که مریبان محترم باید در قبال تمامی حیثیات و جهات مختلف زندگی آنان احساس مسئولیت خاص داشته باشند برخورد با این قشر بسیار ظرفی و حساس است و دقت و هشیاری و آگاهی فوق العاده و همه جانبه‌ای را می‌طلبد. به همین جهت لازم دیدیم نکاتی را قبل از مطرح ساختن موضوعات یادآور شویم.

۱- مفید و گزیده بودن موضوع بحث: موضوعاتی که از طرف مریبان و مبلغان محترم برای دانش آموزان مطرح می‌شود باید سنجیده و مناسب با حال و آینده آنان باشد. مسائلی که برای سعادت دنیا و آخرت آنان لازم و ضروری باشد و جواب گوی نیازهای واقعی آنها باشد. مطالب برای دانش آموزان باید از استواری و حقانیت کامل برخوردار باشد، بطوریکه هرچه سن کودک بالاتر می‌ردد نطفه حق در اندیشه او بارورتر گردد.

این توهمندی در ذهن بعضی افراد وجود دارد که انسان هر چه کوچکتر و کم سن و سالتر باشد، ارتباط علمی و عملی و تربیتی با اوی آسانتر و از پیچیدگی کمتری برخوردار است و برایین اساس معتقدند که ارائه برنامه برای افراد بزرگسال نیازمند آمادگی و ظرفیهای خاصی است ولی کار با خردسال از چنان حساسیتی برخوردار نیست، گرچه

بزرگسال در مقابل خوب و بد و یاقوت و ضعف رفتار و گفتار ما عکس العمل آنی و آشکار از خود بروز می‌دهد، لکن چه بسان تأثیر کار مار وی آنان چندان عمقی و با اهمیت نباشد. بخلاف بزرگسال‌ها اثر کار ما روی کودکان (سازنده یا مخرب) در سرنوشت و آینده زندگی آنان باقی می‌ماند.

بنابراین باید از طرح سخنان بی‌پایه و سست یا خلاف واقع برای دانش آموزان به شدت پرهیز نمود و بر صحیح و واقعی و عملی بودن مطالب تاکید خاص ورزید.

۲ - جا افتادن و حفظ انسجام مباحثت: مربی باید بر موضوع بحث بالاتر از سطح مطالبی که می‌خواهد به دانش آموزان عرضه کند تسلط و اشراف داشته باشد. بدین معنی که مربیان گرامی باید جهت تشکیل کلاس صرفاً به مطالعه و آماده کردن مطالبی پردازند که همانها را می‌خواهند برای دانش آموزان مطرح کنند؛ بلکه باید با روح بحث بصورت دقیق آشنا و مأتوس باشند.

۳ - برخورداری از بیان و شیوه مهارت‌های بکارگیری: پس از اینکه مربی تسلط کافی بر محتوای پیام و اغراض و مقاصد خاص آنان پیدا کرد، نوبت آن می‌رسد که پیام خویش را با استفاده از شیوه‌ها و قالبهای مناسب در خور فهم و علاقه دانش آموزان قرار دهد. باید قالبهای متنوع و ابزارهای گوناگون را به کار گرفت تا بحث از گیرایی و جذابیت کافی برخوردار باشد. استفاده از هنر، اعم از طراحی، نقاشی، خطاطی، شعر، نمایش، کاردستی و غیره. و بهره گیری از روش‌هایی از قبیل جدول، لطیفه . . . و به کار بردن ابزارهای آموزشی می‌تواند کار را شیرین و دلنشیین کند. لکن نکته‌ای که قابل ذکر است اینکه از شیوه بحث عادی و جدی و به کار بردن استدلال عقلی (البته در حد درک دانش آموزان) باید غفلت نمود.

۴ - حساسیت روح کودک: آخرین نکته اینکه کودک دارای روحی حساس و گیرنده‌ای دقیق است که کوچکترین و ریزترین مسائل را درخود ثبت می‌کند. کودک از تمامی مسائل علمی و اخلاقی و عملی و حوادثی که در اطراف خود مشاهده می‌کند، ولو به صورت ناخودآگاه، تأثیر می‌پذیرد و لذا باید در برخورد با کودکان این ظرافت روحی و حساسیت فوق العاده را مد نظر داشت و آنان را چون یک انسان کامل و تمام، اما با جهه‌ای کوچک، به شمار آورد که دارای قدرت درک و فهم و احساس و تمام خصوصیات انسانی است و از تسامح در ارتباط با کودک پرهیز کرد.

### نکاتی درباره موضوعات مطرح شده در این جزو

- ۱- مری قبل از طرح مطالب در کلاس باید مطالب برای او حلاجی شده باشد.
- ۲- داستانها را با پرداخت بیشتر آب و تاب داده تا جذایت بیشتری داشته باشد.
- ۳- جدولها را اگر توانستید اجرا کنید، البته از قبل روی آنها مطالعه داشته باشید، اگر نمی توانید مطرح نکنید.
- ۴- انتقادات شما را پذیرا هستیم. آنها را به آدرس: قم، چهار راه شهدا، مرکز تربیت مری کودکان و نوجوانان، گروه اخلاق انتقال دهید.



## درس اول و دوم

### راستگویی

بچه های عزیز سلام.

- ۱- اگر توانستید بگویید بهترین عضو انسان کدام است؟ چرا؟
- ۲- حال بگویید بدترین عضو کدام است؟ چرا؟
- ۳- دوست دارید همیشه عزیز باشید؟
- ۴- آیا دوست دارید یک فرد مسلمان و مؤمن باشید؟

[مریمی عزیز برای جواب دو سؤال اول ابتدا می تواند قصه لقمان حکیم را مطرح نموده که اربابش به او گفت: گوسفندی را بکش و بهترین عضو آن را برايم بیاور لقمان گوسفندی را کشت و زبان آن را آورد. روز دیگر به او گفت گوسفندی را بکش و بدترین عضو آن را برايم بیاور. لقمان گوسفندی را کشت و باز زبان آن را آورد. ارباب گفت: گفتم بهترین عضو، زبان را آورده گفتم بدترین عضو، باز زبان آورده؟ لقمان گفت: زبان وسیله ای است که با آن گناهانی انجام می گیرد که سرچشمه همه گناهان هستند مانند دروغگویی؛ و همه خوبیها نیز از آن سرچشمه می گیرد.

راه دیگر این که چند کارت تهیه شود و روی یکی از آنها عکس زبان کشیده شود و روی بقیه کارتها کارهای خوب و بد را که زبان انجام می دهد نوشت مانند:

.....	درس خواندن	سلام کردن	راستگویی
.....	غیبت	بدگویی	دروغ

اول کارت زبان نشان داده شود، سپس کارتهای دیگر را که در هم هستند نشان کودکان داده و پرسید، کدام کار خوب است، کدام بد. بعد از چند دفعه، آن وقت علت خوب و بد بودن کارها را از بچه ها پرسید و به آنها کمک نمود تا به جواب کامل برسند.

اما برای جواب دو سؤال دوم هشت کارت تهیه نموده روی کارتها این کلمات نوشته شود:

جلیل <sup>۱</sup>	مُكْرِمٌ	الصادق	انَّ
الایمان <sup>۲</sup>	وَدِعَامَةٌ	الاسْلَامٌ	عِمَادٌ

و در پشت کارتها ترجمه آنها و با تکرار آنها بچه ها دو حدیث را حفظ می کنند. [

فهمیدیم که راستگویی یکی از فایده های این است که پیش همه عزیز هستیم یکی دیگر از فایده های آن اینکه هر وقت حرفی را بزنیم، همه حرف ما را قبول می کنند و می گویند او فرد راستگویی است.

### و اما ضرر های دrog گویی،

اول: دیگر عزیز نیستیم.

دوم: مثل چوپان دروغگو می شویم و دیگر کسی حرف ما را قبول نمی کند.

۱ - میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۸۷، حدیث ۱۰۱۹۲.

۲ - میزان الحکمة، ج ۵، ص ۲۸۷، حدیث ۱۰۱۸۵.

س	م	ر	ا	ت	ی	ر	الله
ن	گ	ب	ه	ت	ی	ا	
د	ا	ی	ش	ج	و	ا	

مربی این شکل را کشیده و می‌گوید: بچه‌ها، اگر می‌خواهید به طرف خدا بروید باید حتماً این راه را طی کنید. حال بیایید بینیم این راه چه راهی است؟ (رمز جدول عدد ۳ است؛ یعنی از خانه اول بالا سمت راست شروع کرده و از خانه بعدی شروع به شمارش می‌کنیم. سه خانه سه خانه به جلو رفته حروف را باداشت می‌کنیم تا جمله مورد نظر بدست آید: راستگویی راه نجات می‌باشد.

- تذکر: ۱- باید در نظر داشت خانه اول سمت راست بالا شمرده نمی‌شود.  
 ۲- اینکه باید جدول را دور زد یعنی از اول جدول وقتی به آخر رسیدید باز از اول شروع کنیدتا پیام جدول بدست آید.

پیام جدول ترجمة حدیثی از امام علی علیه السلام است که می‌فرمایند:  
**«الصَّدُقُ يُنْجِيكَ»<sup>۱</sup>.**

برای اینکه این پیام بهتر روشن شود این حکایت ذکر شود.  
 شبی که پیامبر(ص) خواستند از مکه هجرت کنند، ابوذر پیامبر(ص) را در پارچه‌ای پیچیده بر دوش خود گذاشت و به طرف خارج شهر مکه به راه افتاد. کفار او را دیدند پرسیدند: ابوذر چه حمل می‌کنی؟ ابوذر گفت محمد(ص) را. کفار گفتند: او را بین در چنین موقعی ما را مستخره می‌کند و گذاشتند تا ابوذر برود.

۱- میزان الحکمه، ج ۵، ص ۲۸۵، حدیث ۱۰۱۶۵.

وقتی از منطقه خطر گذشتند، ابوذر پیامبر(ص) را زمین گذاشت.  
بله، ابوذر با یک کلام راست توانست جان پیامبر(ص) را نجات دهد.

### داستان «ضبط صوت»

بابا، همیشه از آقای اکبری خیلی تعریف می کرد. می گفت: آقای اکبری یک دستگاه ضبط صوت دارد. هر وقت دوست داشته باشد؛ صدا توی آن ضبط می کند. خیلی از بچه های فامیل و محلشان توی ضبط صوت او خوانده اند خود آقای اکبری هم توی ضبط صوتش آواز خوانده. نمی دانید چه صدای قشنگی دارد.

از بابا می پرسیدم: بابا خودت هم صدای آقای اکبری را از ضبط صوت شنیده ای؟

بابا گفت: نه، خودش می گوید صدایش خیلی خوب است.  
مادرم چند بار به بابا گفت که یک روز آقای اکبری را به خانه مان دعوت کنیم  
بالاخره هم بابا یک روز این کار را کرد.

عصر یک روز تابستان، مادر توی حیاط زیلو پهن کرد. سماور را هم روشن کرد. بابا هم رفت میوه گرفت.

بابه صدا درآمدن در حیاط، فهمیدیم که آقای اکبری آمده. آقای اکبری یک چمدان بزرگ دست گرفته بود. چمدان را کنار دیوار گذاشت و نشست. خیلی دلم می خواست آقای اکبری هرچه زودتر در چمدان را باز کند.

خلاصه، آقای اکبری بعد از خوردن کلی میوه و چای، در چمدان را باز کرد.  
تازه فهمیدیم آن چمدان نیست، خود دستگاه ضبط صوت است.

ضبط صوت دو تا حلقه نواری بزرگ داشت که وقتی دستگاه را روشن می کردند، این حلقه ها می چرخیدند و نوار از دور یکی باز می شد و به دور آن یکی می پیچید. آقای اکبری دو شاخه ضبط صوت را به پریز زد و گفت: حالا،

ضبط صوت را امتحان می کیم.

بعد ضبط صوت را روشن کرد. حلقه نوارهای بزرگ هم چرخید. بعضی وقتها سرعت نوارها کم می شد و آقای اکبری با دست نوار را می چرخاند آقای اکبری میکروفون را جلوی من گذاشت و گفت: بگوییک دو سه چهار آزمایش می کنم.

من خجالت کشیدم و گوشها یم داغ شد. بابا کلله اش را به میکروفون نزدیک کرد و گفت: یک، دو، سه . . . وقتی آقای اکبری نوار را با کمک دست به عقب برگرداند، صدای بابا دو باره از توی ضبط آمد: یک، دو، سه . . . همه بلند خنده دیدیم. آقای اکبری رو به من کرد و گفت: خوب آقا کمال حالا دوست داری چی بخوانی؟

گفتن: نمی دانم.

بابا گفت: هرچی دوست داری بخوان.

آقای اکبری دو باره دستگاه ضبط صوت را روشن کرد. من با صدای لرزانی شروع کردم به خواندن: رفتم به باگی، دیدم کلاگی، کلاغ زاغی، سنگی برداشتم، رفتم به سویش . . .

آهای! به دادم برسید! این آدم می خواهد مرا بکشد! به دادم برسید! یکدفعه سر و کله همسایمان از بالای دیوار پیدا شد. بابا، از همانجا داد زد: بپر توی حیاط ما.

علی آقا از دیوار پرید توی حیاط. از آن طرف صدای جیغ و فریاد زن و بچه هایش بلند شد. بعد از علی آقا، جوانی از بالای دیوار سرک کشید و گفت: می کُشمت! نمی گذارم زنده یمانی! همین الان . . .

ولی هنوز حرفش تمام نشده بود که چند نفر او را پایین کشیدند. مادرم رفت و زود برای علی آقا یک لیوان آب خنک آورد. علی آقا آب را خورد و گفت: خدا را شکر! . بعد روی زیلو نشست. رنگش پریله بود و عرق از سر و رویش سر ازیر

شده بود.

بابا پرسید: چی شده علی آقا؟ این سرو صدا برای چه بود؟  
علی آقا آهی کشید و گفت: آن جوانک برادرزنم بود به خاطر کاری حرفمن  
شده بود، می خواست مرا بکُشید.

هنوز حرف علی آقا تمام نشده بود که در زدند. رفتم و در را باز کردم. یکدفعه  
چندتا مرد یا الله ی گفتند و آمدند توی حیاط آن جوان هم همراهشان بود، ولی  
دیگر آرام شده بود.

یکی از مردها که انکار از قوم و خویشهای علی آقا بود، گفت: تو جای پسر  
علی آقایی . . . . چرا همچین کاری کردی! چرا گفتی که می خواهی او را بکشی!  
جوان سرش را پایین انداخت و گفت: من کی گفتم که می خواهم او را  
بُکشم؟

علی آقا داد زد: به خدا گفتی، به پیغمبر گفتی! آقایان نگفت?  
بابام گفت: حالا هرچی بوده گذشته. دنیا ارزش ندارد. صلحات بفرستید و  
تمامش کنید!

- من که گذشت می کنم! اما چرا باز هم دروغ می گوید؟ شمارا به خدا،  
نگفت که مرا می کشد؟

جوان گفت: نه؛ نگفتم! نگفتم!

یکدفعه آقای اکبری که تا این وقت ساكت بود، گفت: صبر کنید آن معلوم  
می شود کی راست می گوید، کی دروغ.

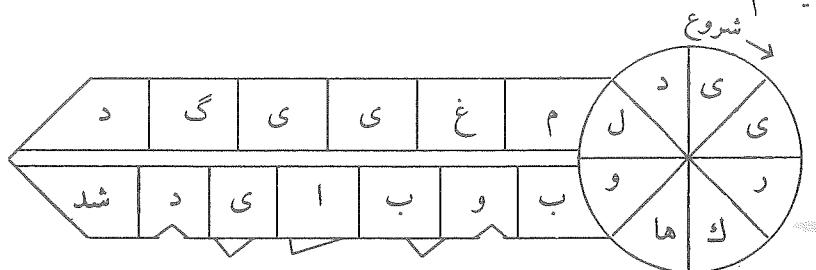
بعد، نوار ضبط صوت را برگرداند و ضبط را روشن کرد. قبل از هر چیز،  
صدای لرزان من شنیده شد که می خواندم؛ اما وسط شعرخواندن من صدای  
علی آقا و جیغ و فریادزن و بچه هایش آمد. بعد از این صدای بابا آمد و جوان که  
فریاد می زد: می کشمت.

با شنیدن این صدا، همه سکوت کردند. مردها، جوان را وادار کردند تا از

علی آقا معدرت بخواهد. او هم با علی آقا روبوسی کرد و از خانه ما رفتند. در حال رفتن، جوان به عقب سر بر گرداند و چپ چپ آقای اکبری رانگاه کرد. معلوم بود که از کار او خیلی عصبانی شده.

بعد از رفتن آنها، آقای اکبری دوباره مارا دور ضبط صوت جمع کرد. خوشحال بودم که برای اولین بار، صدای خودم را از توی ضبط صوت

شنیده ام<sup>۱</sup>.



#### راهنمایی کلید:

- ۱- از حرف د شروع کرده، سه خانه سه خانه جلو رفته، حروف را یاداشت نمایید.
- ۲- جهت حرکت مشخص شده وقتی که دایره تمام شد از حرف م ادامه دهید.
- ۳- حرف اول د شمرده نمی شود.
- ۴- پیام جدول: «دروغ گویی کلید بدیها می باشد».
- ۵- این پیام ترجمه حدیثی از امام حسن عسکری است که می فرمایند:  
**جَعَلْتُ الْخَيَّاثَ فِي يَتِ وَجْهِ مَفْتَاحِ الْكِذْبِ**<sup>۲</sup>.
- ۶- پس از رسیدن به پیام جدول می توان در رابطه با این حدیث و ترجمه آن توضیحاتی را داد؛ البته توضیحاتی که در حد فهم کودکان باشد.

۱- حکایهای کمال، (تصدیق دو چرخه) حکایت دوم.

۲- میزان الحکمة، ج ۸ ص ۳۴۴، ۱۷۱۱۰، حدیث ۱۷۱۱۰.

## پرسشها

- ۱- حدیث زیر را کامل کنید.  
الصدق ..... الاسلام و ..... الایمان.
- ۲- راستگویی ..... اسلام است و ..... ایمان می باشد.  
کلید بدیها چیست؟
- ۳- به نظر شما در قصه چه کسی دروغ گفت؟ و چگونه دروغ او را همه فهمیدند؟
- ۴- این جمله را کامل کنید.  
راستگویی ..... است.

## احادیث برای استفاده بیشتر مردمان

– الصدق روح الكلام . (امير المؤمنين عليه السلام)

**الصدق أخو العدل.**

الصدق صلاح كل شيء والكذب فساد كل شيء.

**ـ (تعلموا الصدق قبل الحديث).** (امام محمد باقر عليه السلام)

**الصدق عmad الإسلام ودعاة الأيمان** . (امير المؤمنين على عليه السلام)

الصدق أمانةُ اللسان وحليةُ الاعيال.

**— (ان الصادق مكرم جليل وأن الكاذب لم يأن ذليل).**

منبع احاديث بالاميزان الحكمة، ج ٥، باب الصدق

**«الكذب باب من أبواب النفاق».** (أمير المؤمنين، علي، عليه السلام)

(انَّ الْكَذِبَ خَرَابٌ لِلْإِعْانِ).  
(امام محمد ياقوت عليه السلام)

(شَرُّ الْقَوْلِ الْكَذِبُ). (امير المؤمنين، عليه السلام)

**(اعياد الكذب يورث الفقر).**

منبع احادیث بالا میزان الحکمة ج ۸ باب الکذب.

## درس سوم و چهارم

### نظم و نظافت

#### «چگونگی نظم در دانش آموزان»

- ۱- نظم زمانی؛ مانند: وقت مطالعه، وقت خواب، وقت تفریح، وقت آموزش و درس، وقت مهمانی، وقت بازی، وقت عبادت، وقت تحصیل و... .
- ۲- نظم مکانی؛ مانند: در مکان درس و تحصیل (مدرسه)، در مکان استراحت (رختخواب)، در مکان تفریح و گردش (پارک، سینما، صحراء...)، در مکان دید و بازدید اقوام و مردم (منزل)، در مکان بازی (زمین بازی، کوچه و... .)، در مکان عبادت (نمایخانه - مسجد - نماز جمعه)، در وسائل نقلیه (ماشین، اتوبوس، قطار و... .) در مکان کار (معازه... .) و... .
- ۳- نظم عرفی؛ مانند: در دوستیها (نظم و ترتیب در رفت و آمد و کنترل برخوردها، حفظ اسرار و تداوم پیوندها و... .)، در آداب و رسوم و... .

#### اثرات بی نظمی

- ۱- اتلاف و هدر دادن نیروی انسانی (اعم از وقت و استعداد)؛
- ۲- از دست دادن امکانات مادی و موقعیتهای مناسب؛
- ۳- پایین آمدن میزان بازدهی کارها؛
- ۴- ایجاد آشفتگی فکری و روحی (سرگردانی).

مربی حدود ۱۰ دقیقه از کلاس که گذشت به مناسبت بحث این تذکر را می‌دهد: «به دوستانی که دیر آمده‌اند تذکر داده می‌شود، خیلی از موفقیت‌های مادی و معنوی انسان در گرو نظم و انضباط می‌باشد.» و سپس به ادامه بحث می‌پردازد.

نظم و نظافت را باید با تشریفات و لوکس گرایی اشتباه گرفت. همچنین بی‌نظمی و آلودگی را نیز نمی‌توان با فقر و نداری قرین دانست. خانه و لباس را نیز می‌توان تمیز و منظم نگاه داشت.

پس نظم و نظافت با سادگی منافات ندارد. غالباً افراد مرفه شرایط زندگی خویش را با این عناوین توجیه می‌کنند. چون پراکنده‌گیهای زندگی مانع از ایجاد نظم در کارها می‌شود؛ به برنامه درآوردن تمام شوون زندگی نیازمند اراده قوی و شرایط مناسب می‌باشد. لذا بهتر است: نظم و برنامه‌ریزی را از اجزاء کوچک کارهای زندگی شروع کرده و به تدریج دامنه آن را گسترش داد تا کل امور را شامل شود. تصمیم قاطع و جدی برای برنامه‌ریزی همه جانبه، توسط افراد عادی، سنگ بزرگ برداشتن است و غالباً به اجرا در نمی‌آید. چه بسا تکرار آن موجب دلسربدی و یأس نسبت به اصل نظم و برنامه‌ریزی می‌شود. از جمله موارد دیگر نظم، نظم فکری است که تأثیر متقابل نظم فکری و عملی باعث نظم در کل زندگی می‌شود و . . . .

## «دو باره وقت زدپر»

پس این برادرم کو  
لباس و دفترم کو  
کتاب دیگرم کو  
کلید و چادرم کو  
بگرد آن طرف را  
دو باره وقت زدپر

حسن حسن کجایی  
که تاز او بپرسم  
کتاب و کفش و عینک  
مداد و کیف و جوراب  
بگرد این طرف را  
شلختگی همین است

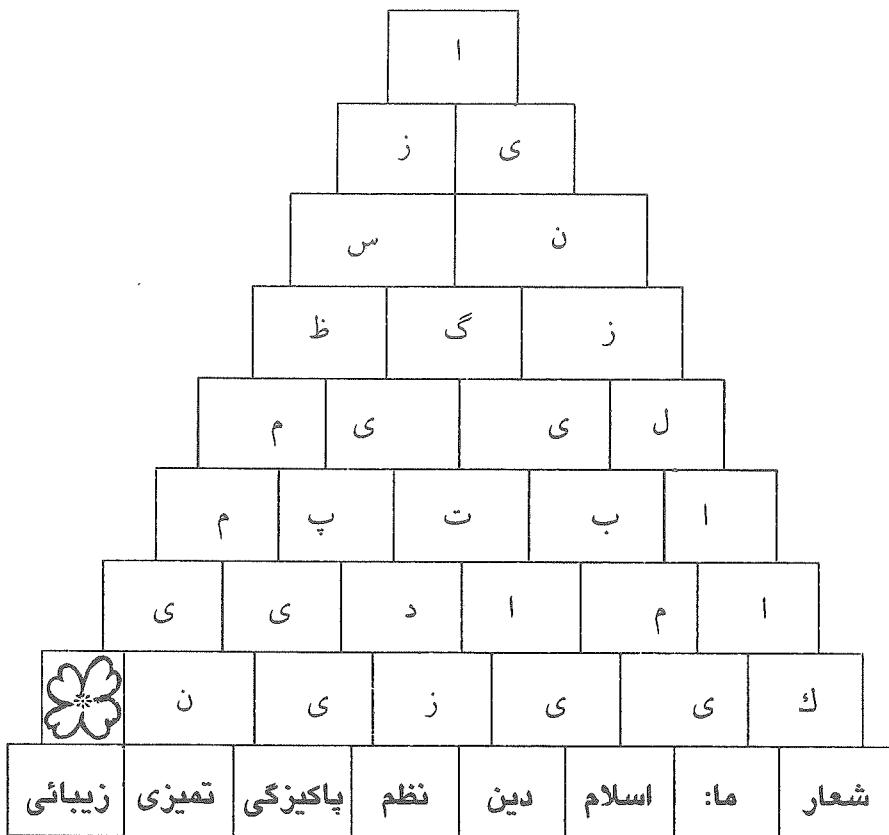
\*\*\*

کجاست؟ گوشہ در  
دو باره باز خواهر  
کنار آن سماور  
کنار کفش مادر  
بگرد بار دیگر  
دو باره وقت زدپر<sup>۱</sup>

کتاب و چادر آنجاست  
نشسته روی کیف  
مداد و عینکت هست  
لباس و دفترت هست  
بگرد ساعتی را  
به هر کجا بزن سر

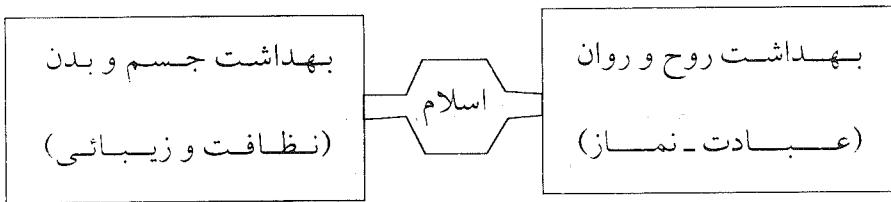
۱ - مصطفی رحماندوست.

شعار ما در این جدول گنجانده شده، با رمز ۴ به آن بررسید.  
«توجه: گل شمرده نمی‌شود. پیام جدول را مربی، بعد از حل جدول  
توسط دانش آموزان در ستون آخر می‌نویسد.»



قال علي (ع): «الذبیر قبل العمل يؤمّنك من الندم»<sup>١</sup>

تدبیر قبیل از کار باعث ایمن شدن ازیشیمانی است.



دین اسلام، همانگونه که به روح و روان توجه دارد، به جسم و بدن هم توجه داشته است. دین اسلام علاوه بر شعار پاکیزگی، در عمل هم التزام و پذیرش پاکیزه بودن و نظافت کردن را طلب می کند. همانگونه که باطن آدمی نیاز به آلایش و پاکی دارد، ظاهر آدمی هم نیاز به زیبائی و پیراستن دارد.

پیامبر اکرم (ص) : «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ النَّاسِكَ النَّظِيفَ». <sup>۱</sup>

ترجمه: خداوند انسان عبادت کننده و پاکیزه را دوست دارد.

پیامبر اسلام (ص) در حدیثی به نکته مهم و قابل توجهی اشاره می کنند:

۱- «بنیان اسلام را خداوند بر تمیزی و پاکی و زیبائی قرار داده است؛

۲- نظافت و بهداشت تا حد توانایی و عدم اهمال در کار تمیزی و نظافت؛

۳- بهشت جایگاه افراد پاک و تمیز است. «تَنْضَفُوا بِكُلِّ مَا أَسْطَعْتُمْ؛ فَإِنَّ اللَّهَ تَعَالَى بَنَى الْإِسْلَامَ عَلَى النَّظَافَةِ وَلَنْ يُدْخِلَ الْجَنَّةَ إِلَّا كُلُّ نَظِيفٍ». <sup>۲</sup>



۱- میزان الحكمه، ج ۱۰ ص ۹۲.

۲- میزان الحكمه، ج ۱۰ ص ۹۳.

پیام آلو دگی	پیام نظافت
۱- بیماری و شلختگی؛	۱- سلامتی و تندرستی؛
۲- اندوه و زشتی؛	۲- زیبایی و نشاط؛
۳- بی نظمی و بی برنامه بودن؛	۳- نظم و ترتیب؛
۴- حمل میکروب و کثافت؛	۴- پاکی و تمیزی؛
۵- نشانه ضعف ایمان ولا البالی گری؛	۵- نشانه ایمان و تدین؛
۶- علامت نادانی و سوء اخلاق؛	۶- علامت تعقل و ادب؛
۷- کمبود روحی و عاطفی؛	۷- کمال انسانی و معنوی؛
۸- پیروی از دستورات شیطان؛	۸- پیروی از سنت معصومین؛
۹- جایگاه آلو دگان در جهنم؛	۹- جایگاه پاکان در بهشت؛
۱۰- دشمنی و کراحت خدا با آلو دگان.	۱۰- دوستی خدا با پاکیزگان.

### «توصیه های بهداشتی»

- ۱- در آداب اسلامی توصیه های زیادی در خصوص نظافت در روز جمعه شده است. به عنوان مثال، استحمام در این روز (اشارة به مستحبات از جمله غسل مستحبی روز جمعه)، ناخن گرفتن و . . . .
- ۲- آداب غذا خوردن: توصیه های زیادی در خصوص شستن دست و صورت قبل از غذا، پرخوری ممنوع، غذای داغ مکروه، غذا جویده بشود، کشیدن دست از غذا در وقت سیری، پاک کردن ته بشقاب و ظروف، شستن میوه ها و شستن صورت و دست بعد از غذا.
- ۳- در آداب استفاده از حوله، شانه و مسواك شخصی، استفاده از صابون برای شستن بعد از هر کاری، صحیح زود ورزش کردن و هفته ای دویار حمام کردن.  
(در صورت امکان مربی نقاشی خمیر دندان  و مسواك 

را می کشد؛ و یا از دانش آموزان می خواهد خمیر دندان و مسوакی را درست کنند و به کلاس بیاورند.)

۴- در آداب مدرسه و کلاس: استفاده از لیوان شخصی، حوله شخصی، مسواك شخصی، ریختن زباله در سطل آشغال، خودداری از مصرف تنقلات و خوراکیهای غیر بهداشتی در مسیر راه.

۵- در آداب نماز: .. . . . .

۶- در آداب زیارت: .. . . . .

**«به مناسب بحث نظافت»**

- جملات وارونه -

این جملات را از آخر به اول بخوانید:

دارد آب کیلو ۵۰ کیلوئی ۷۰ فردیک.

می دهنده تشكیل آب را آبدار میوه های وزن٪۹۵

است آب، گیاهان وزن٪۸۰ تا٪۷۰ دانشمندان بعضی بقول.

می باشد نظافت عامل پگانه و گوارانو شیدنی و غذا آورنده پدید آب.

است حیات رمز آب، است بدن در خون همچون زمین در آب.

**مسابقه**

۱- چند ضرب المثل که در آن لفظ (آب) به کار رفته باشد نام ببرید.

۲- چند کلمه که با پیشوند (آب) شروع می شود نام ببرید.

۳- چند کلمه که آخر آن آب آمده ذکر کنید.

۴- چند شعر که در آن لفظ آب به کار رفته باشد بنویسید.

## پرسشها

۱- برای نظم زمانی دو مثال بزنید.

۲- بی نظمی چه اثری دارد؟ یک مورد بنویسید.

۳- حدیث را کامل کنید.

التدیر قبل ..... یؤمنك من ..

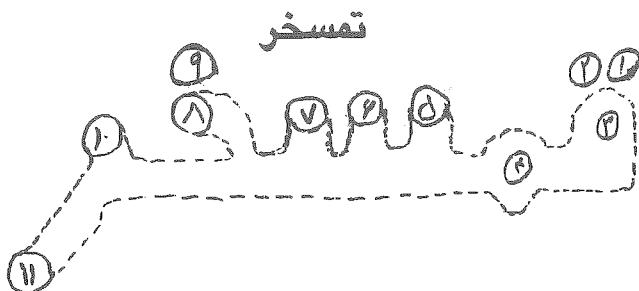
تدیر قبل از ..... باعث ..... می شود.

۴- دو پیام نظافت را بنویسید.

۵- دو پیام و ضرر آگوچی را بنویسید.

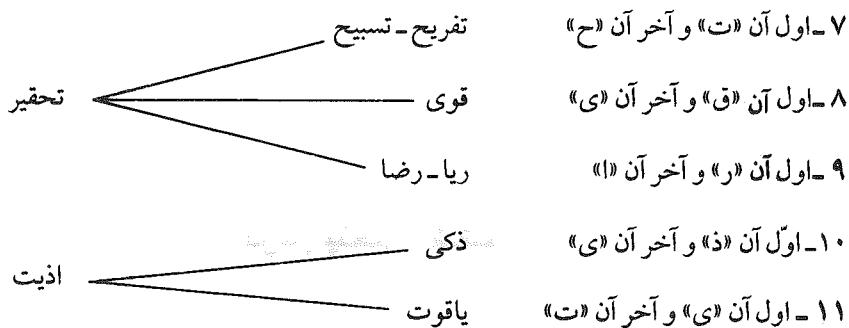
۶- یک توصیه بهداشتی اسلام را بنویسید.

## درس پنجم و ششم



مربی با رسم اشکال فوق سؤالاتی پیرامون قواعد هندسی مانند محیط و مساحت آنها از دانش آموزان کرده و سپس از آنها می خواهد کلمه ای که اول آن «غ» و آخر آن «ی» باشد بگویند و جالبترین کلمه را انتخاب و در شکل شماره یک (۱) بنویسد و بقیه کلمات را نیز به طریق زیر سؤال کرده و در اشکال به ترتیب شماره بنویسد:

- |      |                            |   |        |
|------|----------------------------|---|--------|
| غیبت | ۱- اول آن «غ» و آخر آن «ی» | ↔ | غنى    |
|      | ۲- اول آن «ب» و آخر آن «ت» | ↔ | بيروت  |
| نهمت | ۳- اول آن «ت» آخر آن «هـ»  | ↔ | تيشه   |
|      | ۴- اول آن «م» و آخر آن «ت» | ↔ | مقاومة |
| دروع | ۵- اول آن «د» و آخر آن «ر» | ↔ | داور   |
|      | ۶- اول آن «و» و آخر آن «خ» | ↔ | وزع    |



**توضیح:** جوابها را دانش آموزان می‌گویند و جوابهای فوق صرفاً پیشنهادی و جهت آمادگی ذهنی مردمیان می‌باشد. سپس مربی، در صورت امکان، با ربط کلمات به یکدیگر جمله با معنی و بحث مناسبی را به نحو اختصار بیان می‌کند و از دانش آموزان می‌خواهد، حروف اول و آخر کلمات را به هم متصل کرده و جواب را که یافته‌نده، غاییت، تهمت، دروغ، تحقیر، اذیت، مطالب زیر را توضیح

دهد:

اعتیاد فسادی است که چندین جرم دیگر را به دنبال دارد. از جمله سرقت «برای تهیه پول مواد مخدر»، آدم کشی «در موارد قاچاق» و آزار و اذیت خانواده و مردم. گناهان فوق نیز به دنبال گناهی به نام «تمسخر» می‌آید که به جای گفتن نام «تمسخر» خطوط نقطه چین در طرح را تکمیل می‌کند تا خود دانش آموزان بگویند «تمسخر» و در ادامه بحث، این که چگونه تمسخر گناهان فوق را به دنبال دارد توضیح می‌دهد.

(بعد از این برنامه، مربی آیه زیر از قرآن را با خط خوش همراه با ترجمه و ذکر مأخذ می‌نویسد و چندین بار تکرار می‌کند و فرصتی هم می‌دهد تا دانش آموزان در دفتر خود بنویسنده).

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آتُوكُمْ الْأَيْسُخْرَ قَوْمٌ مِّنْ قَوْمٍ عَسَى أَنْ يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ»<sup>۱</sup>

ترجمه: هیچکس حق ندارد کسی را مسخره کند. چه بسا فرد مسخره شده بهتر از فرد مسخره کننده باشد.

(توضیح: در ترجمه آن قسمت را که مربوط به بحث است ترجمه می‌کنیم تا باعث خستگی نشود.)

(یادآوری: دانش آموزان مقطع چهارم داستان با این آیه مختصر آشنایی در کتاب دینی پیدا کرده‌اند. و این می‌تواند زمینه خوبی باشد تا مری بتواند بهتر روی این موضوع بحث کند.)

(مری می‌تواند این داستان را عیناً حفظ کرده و با آب و تاب فراوان برای دانش آموزان نقل کند. البته در ضمن داستان اگر تخته هم داریم، تصاویر ساده‌ای از داستان را طراحی می‌کنیم و یا حداقل نام افرادی که در داستان نقش دارند در موعده مقرر می‌نویسیم، تا برای بچه‌ها حالت سمعی و بصری پیدا کند و از جذابیت بیشتری برخوردار شود. پس با تیتر درشت نام داستان را می‌نویسیم و شروع به نقل داستان می‌نماییم. «۱۵ دقیقه»)

### «داستان خواب»

مرد، ناگهان از خواب پرید، با پشت دستش، چندبار چشمهاش را مالید و در یک چشم به هم زدن، خود را به بیرون اتاق کشاند، بهت زده به آسمان نگاه کرد. سپیدهٔ صبح، کم کم از آن طرف آسمان دامن می‌گستراند و ستاره‌ها رنگ می‌باختند. در حالی که زیر لب حرفهایی را می‌جوید، با سرعت به طرف چاه آب رفت سطل را از آب پُر کرد. آستین‌ها را بالا زد و وضو گرفت. بعد، سطل را به کناری انداخت و با شتاب از در بیرون زد. مرد، تمام نیروی خود را در پاهاش جمع کرده بود و با سرعت، کوچه‌ها و میدان گاههای شهر را پشت سر می‌گذاشت. نسیم خنک صبحگاهی، صورتش را نوازش می‌داد و موهای سپید و بلندش را به بازی گرفته بود. اماً مرد از درون می‌سوخت و خُنکای صبح، در

پوست او گم می شد. کوچه خلوت بود و مرد صدایی جُز قدمهای خود نمی شنید، خیلی دلش می خواست مثل روزهای پیش، وقتی از پیچ کوچه ای می پیچید، مردانی را بینید که با تبسّمی بر لب به یکدیگر سلام می کنند و همه، رو به یک مقصد می شتابند.

اماً امروز، او جامانده بود و زیر لب خود را سرزنش می کرد. نگاهی به آسمان کرد و به سرعت قدمهایش افزود در سایه روش نور ماه، دیوارهای «مسجد النبی» پیدا بود. وقتی به نزدیک مسجد رسید، صدای مکبّر را از درون مسجد شنید، با عجله وارد مسجد شد. نعلینش را به کناری گذاشت و خود را با عجله به جماعت رساند. مردم پشت سر پیامبر(ص) در صفحهای منظم و متراکم به نماز ایستاده بودند. برای چند لحظه، آتش درونش دو باره شعله ور شد. او همیشه پشت سر پیامبر(ص)، در صف اول به نماز می ایستاد، اماً امروز.....

وقتی جمعیّت به رکوع رفت، او هم فوراً اقتدا کرد. رکعت دوم جماعت بود. او مجبور شد رکعت دوم نمازش را تنها بخواند. نمازش که تمام شد، همانجا نشست، جمعیّت، فشرده و درهم نشسته بودند. همه چشمها را به لبان پیامبر دوخته بودند و گوشها را به کلام او سپرده بودند. مرد، احساس کرد صدای پیامبر را به خوبی نمی شنود. جای اصلی او، همیشه کنار منبر پیامبر بود. هر روز بعد از نماز، نزدیک پیامبر می نشست و هیچ کس بین او و پیامبر قرار نمی گرفت. از جای برخاست و از صف آخر به طرف صف اول حرکت کرد، با دو دستش جمعیّت را کنار می زد و راهی برای خود باز می کرد. جمعیّت زیادی را پشت سر گذاشت و بالآخره به نزدیک پیامبر رسید. فقط یک جوان بین او و پیامبر قرار گرفته بود. اگر او هم راهش می داد «ثابت بن قیس» به آنچه دلش می خواست می رسید و در جای همیشگی اش می نشست ثابت چهره جوان را از نظر گذراند. جوان چهره آشنایی برای او نداشت و او را تا بحال در جلوی صف ندیده بود. موهای فر و مشکی جوان از زیر چفیه سفیدش بیرون زده بود و غرق در کلام

پیامبر بود. ثابت، جوان را نکان داد تا شاید جایش را به او بدهد. اما کشتن روح جوان، در دریای کلام پیامبر شناور بود و به ثابت توجّهی نداشت. ثابت، نگاهی به جمیعت انداخت همه چشمها متوجه رسول خدا بود. همانطور مانده بود، عده‌ای از مردم، سرهای خود را به این طرف و آن طرف می‌کشاندند تا موفق به دیدن پیامبر شوند. ثابت به ناچار نشست سخنان پیامبر تمام شد، سکوت حاکم بر جماعت، جایش را به همه‌مهه داد. مردم نیرو و نشاطی تازه گرفته بودند. عده‌ای برای بوسیدن دست پیامبر، نزد ایشان می‌رفتند. ثابت، با نگاهی خشم‌آمود، رو به جوان کرد و پرسید: «تو کیستی؟!». جوان طبق رسم عرب، پدر و مادر خود را به ثابت معرفی کرد. ثابت لبخند تمسخر آمیزی کرد و در حالی که با دست به جوان اشاره می‌کرد، رو به جمیعت دور و بُر خود کرد و گفت:

«من پدر و مادر این جوان را می‌شناسم». همه چشمها به طرف ثابت چرخید و گوشها به سوی او تیز شد. بعد ثابت رو به جوان کرد و گفت: «پدر و مادر تو از بدنام‌ترین افراد در زمان جاهلیّت بودند». جوان تا این حرف را شنید، چهره سیزه‌اش، سیاه شد و چشمهاش، از عصبانیت گشاد شد و ابروهاش، درهم گره خورد. جوان از شرم سرش را پائین انداخت. ثابت احساس کرد مرهمی، بر زخم دل خود گذاشته است و آبی سرد، برآتشی که از سحرگاه در دلش روشن بوده، ریخته است. خوشحال شد و سرش را بالا گرفت پچ پچی در میان جمیعت افتاد. مردم دوتا دوتا و سه تاسه تا، با هم حرف می‌زدند، و هر کس، چیزی می‌گفت، یکی پرسید: «چرا ثابت آن مرد مسلمان را تحیر کرد؟» پیرمردی چفیه خود را جابجا کرد و گفت: «نمی‌دانم، شاید کسی مثل «ثابت بن قیس» که همیشه همراه و همگام پیامبر است حقّ دارد که دیگری را مسخره کند!». چشمها، به طرف پیامبر بود و انگار جواب سؤال خود را از رسول خدا می‌خواستند. هیچ کس، نمی‌دانست که پیامبر چه خواهد گفت، آیا به ثابت، مردی که سالها همراه او بود، خطابی خواهد کرد؟ پیامبر ساكت بودند و انگار به سخن مهمی گوش

می دادند، این حالت روحانی پیامبر اکرم (ص)، برای مردم آشنا بود، و بارها شاهد این صحنه شگفت انگیز بودند. همیشه بعد از این آرامش، پیامبر آیاتی جدید از خداوند به مردم ابلاغ می کردند، پیامبر، سرش را به طرف ثابت چرخاند. مردم ساکت و متظر بودند. ثابت صدای قلب خود را می شنید و هیجان وجودش را فراگرفته بود. پیامبر فرمودند: «ای ثابت بن قیس به خاطر کار ناپسندی که انجام دادی و مسلمانی را تحریر و مسخره کردی، هم اکنون این آیه نازل شد. هیچ کس حق ندارد کسی دیگر را مسخره کند، . . . ثابت، سرش را از شرم پائین انداخت و هیچ نگفت. (مریم اشاره به آیه اول بحث می کند.)

### «جدول»

(آخرین برنامه جدول می باشد. مریم ابتدا ج' ول را می کشد و خانه ها را پُر می کند. این کارهارا دانش آموزان به همراه مریم تکمیل می کنند تا جدول کشیده و پُر شود. سپس مریم رمز جدول را می گوید. آنگاه دانش آموزان مشغول حل جدول می شوند. نفرات اول را مورد تشویق قرار می دهیم).  
رمز جدول پنج می باشد که در پایان این پیام در می آید: «مسخره کردن دیگران کار زشت است. »

ك	ي	ك	م
گ	ر	س	ت
د	خ	ا	ا
	ر	ر	ر
ن	ا	ز	ت
ش	ن	د	ه

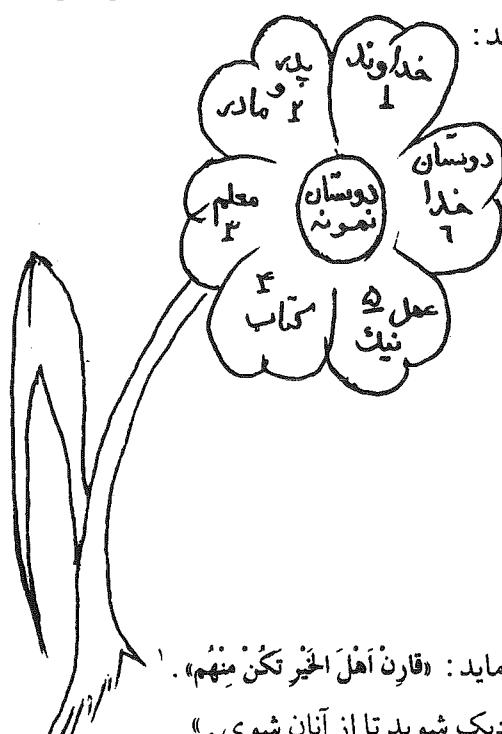
### پرسشها

- ۱- با مسخره کردن دیگران انسان چه گناهی انجام می دهد.
  - ۲- در داستان، چرا جوان را مسخره کردند و پیامبر چه فرمودند؟
  - ۳- تمسخر یعنی چه؟
  - ۴- جمله را کامل کنید.
- مسخره کردن دیگران . . . . است.

## درس هفتم و هشتم

### «دوست»

مربی با کشیدن گل بر روی تخته دوستان نمونه را در داخل گل می نویسد و به دانش آموز اش معرفی می کند:



حضرت علی(ع) می فرماید: «قَارِئُ الْخَيْرٍ تَكُنْ مِّنْهُمْ». ۱  
ترجمه: «با اهل خیر نزدیک شوید تا از آنان شوی.»

حضرت علی(ع) در اهمیت دوست می فرماید: فرزندم

..... «سَلْ عَنِ الرَّفِيقِ قَبْلَ الطَّرِيقِ».<sup>۱</sup>

دانش آموزان بارمز ۴ به ترجمه حديث که در جدول گنجانده شده پی می برند.

خ	ر	و	د	ن
س	س	ا	س	و
س	ت	ت	ه	پ

از قالبهای مناسب برای درج پیامها نقطه گذاری می باشد. مربی پیامی را که می خواهد به دانش آموزان منتقل کند، در قالب متن تهیه می کند. سپس آن را بدون نقطه چاپ می کند و آن را به عنوان مسابقه بین دانش آموزان برگزار می کند. به این نمونه در باره عوامل استمرار دوستی توجه کنید.

«بسم الله الرحمن الرحيم»

کلاس:

نام و نام خانوادگی:

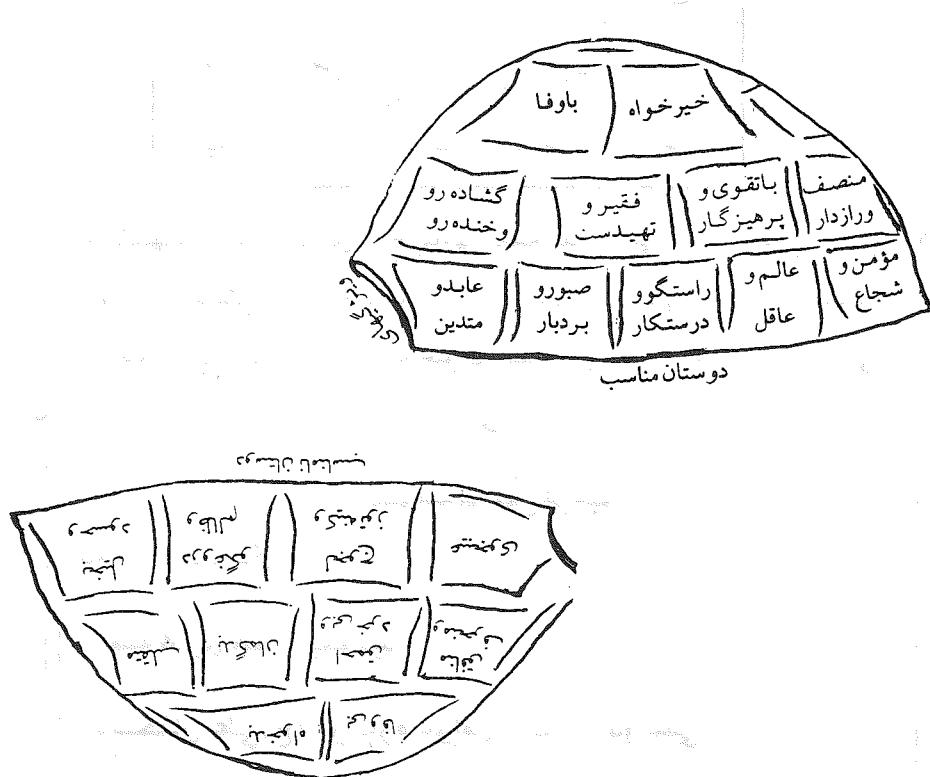
نقطه گذاری کنید و بخوانید.

«سخنان علی(ع) در باره عوامل استمرار دوستی»

هرگاه انسان دوست حوب و سایسه‌ای سدا کرد، سراوارسی او را ار دست دهد. و ناید مواطن ناسد که مادا این دوستی ارس برود. حوس احلافی، دوست داسس دیگران، فراموس کردن بدیهای دوستان، مدارا کردن تا دوست، دیدار حوب و مسائب داسس و معابر سکو و مصاحب حوب و سیدیده داسس و انصاف، برح و مهرنایی موح اسمرار و اسحکام دوستی می سود.»

۱ - غرر، جلد ۱. حدیث ۴۷، ص ۳۵۸.

مربی دولالک لاك پشت را مانند شکل زير می کشد خانه هاي لاك بالارا با ويزگيهای دوست مناسب و لاك پاين را با ويزگيهای دوست نامناسب، با کمک دانش آموزان، پر می کند. در ضمن توضیحاتی می دهد.



شیر دوست

پند دادن به دوست پنهانی	عزّت دوست خواستن باشد
لیک با بودن کسان دیگر	حرمت دوست کاستن باشد

«شہریار»

همچو آیینه رو به رو گوید  
پشت سر رفته مو به مو گوید

دوست باید که جمله عیب مرا  
نه که چون شانه با هزار زبان

## انواع دوستان

- مربی، در قالب طنز، انواع دوستان ناباب را به دانش آموزان معرفی می کند.
- ۱- دوستان پرکاهی (هر جائی و بی محتوى و بی بندوبار)؛
  - ۲- دوستان شکمی (که رفیق دیگران در مال و خوراکیها هستند)؛
  - ۳- دوستان زنبوری (همانند زنبور به دیگران نیش و متلک می زند)؛
  - ۴- دوستان بوقلمونی (همانند بوقلمون، ملوّن و رنگارنگ هستند)؛
  - ۵- دوستان جنگی (دعوای و جنجال به پاکن و آشویگر هستند)؛
  - ۶- دوستان پارسالی (به کسانیکه دوستی آنان کمنگ و بی تفاوت شده باشد)؛
  - ۷- دوستان آینه ای (همانند آینه بیان کننده صحیح عیب دوستان هستند)؛ «از جمله دوستان خوب هستند.
  - ۸- دوستان پروانه ای (همانند پروانه به دور انسان می چرخند). «از جمله دوستان خوب هستند.»

## دوستان خوب

بالای شهر، تا چشم کار می کرد، کوه بود، کوهها مثل دانه های زنجیر به یکدیگر وصل شده بودند. در پایی یکی از این کوههای بزرگ چشمۀ کوچکی وجود داشت که آب زلالی از آن می جوشید، در اطراف آن همه جا سبز و خرم بود. آن جا محل خیلی خوبی برای زندگی بسیاری از حیوانات بود. در این سبزه زار، در بالای آن میان شاخه های انبوه درختی یک پرنده زیبایی برای خودش لانه ساخته بود و با بچه هایش در آن زندگی می کرد. تقریباً ده، دوازده متر آن طرفتر از نهر، مورچه ها برای خودشان لانه درست کرده بودند و در آن زندگی می کردند. مورچه ها و پرنده زیبا باهم دوست بودند و هر روز صبح به هم سلام

در میان مورچه‌ها، یک مورچه سیاه و زرنگی بود که بیشتر با پرنده زیبا دوست بود. . . . تا این که یک روز نزدیک عصر، یک شکارچی به آن جا رسید. او از صبح خسته و عصبانی، چیزی بدست نیاورده بود. شکارچی به کنار نهر رفت و دست و صورتش را شست وزیر سایه دلنواز درخت کمی استراحت کرد تا این که یکمرتبه صدای ضعیفی به گوش شکارچی رسید. خوب گوش کرد، اشتباه نکرده بود. صدای پرنده بود. شکارچی از جایش بلند شد و بالای درخت رانگاه کرد و بالاخره پرنده زیبا را دید، دیگر برای او فرصتی از این بهتر پیدا نمی‌شد. مرد خم شد و تفنگش را برداشت و آهسته به راه افتاد تا در جای مناسبی به سوی پرنده تیراندازی کند. شکارچی همینطور یواش، یواش آمد و از کنار مورچه سیاه گذشت و چندمتر آنطرف تر روی زمین نشست. مورچه سیاه از وقتیکه این مرد به آن جا آمده بود، فهمیده بود، دوستش را دیده و می‌خواهد به سویش تیر بزند. بیچاره پرنده قشنگ از همه جایی خبر بود و حالا دیگر مرد شکارچی روی زمین نشسته بود و تفنگش را بالا آورده و به طرف پرنده نشانه رفته بود. مورچه سیاه خیلی تند به طرف شکارچی حرکت کرد و به او رسید. او آنقدر تند آمده بود که پاهایش می‌لرزید و نفسش به شماره افتاده بود، اما فرصت برای استراحت نبود. چون شکارچی می‌خواست ماشه تفنگ را بکشد مورچه کوچک نفس زنان از روی کفش شکارچی بالا رفت و به سرعت خود را به ساق پای او رسانید و با تمام نیروئی که در بدن داشت گاز محکمی گرفت. دست شکارچی لرزید و تیرش از کنار گردن پرنده رد شد. پرنده زیبا در حالیکه رنگش پریده بود و قلب کوچکش از ترس به شدت می‌زاد از روی شاخه درخت پرکشید و از آن جا دور شد. شکارچی با عصبانیت دستش را بر روی پای خود کشید، گوشه دست او به مورچه سیاه خورد و او را بروی زمین پرت کرد. مرد نگاهی به پای خود و بر روی زمین کرد ولی خدا را شکر که در این موقع مورچه زیر یک برگ افتاد و شکارچی او را ندید. تمام بدن مورچه درد گرفته بود و نمی‌توانست راه برود او افتان و خیزان به

راه برود او افتان و خیزان به هر ترتیبی بود خود را به نزدیکی لانه رسانید. عده‌ای از مورچه‌ها که او را به آن حال دیدند به کمکش آمدند و چند دقیقه بعد مورچه سیاه در داخل لانه جریان را برای دوستان خود تعریف کرد. همه به او آفرین گفتند و به معالجه اش پرداختند. روز بعد پرنده زیبا از جریان با خبر شد و از مورچه سیاه عیادت و تشکر کرد. تا اینکه یک روز، دشمنان مورچه‌ها به لانه شان حمله می‌کنند و درگیری سختی بین مورچه‌ها و آنها در می‌گیرد. مورچه‌ها موفق می‌شوند، دشمنان را از لانه شان فراری دهند و تانهر آب به عقب برانند چند مورچه زرنگ از جمله مورچه سیاه، آنها را در کنار نهر آب محاصره می‌کنند تا ضربه نهائی را بر آنها وارد کنند. مورچه‌ها آنها را به درون آب می‌اندازند در موقع افتادن، دشمنان چند مورچه از جمله مورچه سیاه را با خود به آب می‌برند. با این حمله، پیروزی به اردوگاه مورچگان می‌آید اماً چیزی به غرق شدن مورچه سیاه و دوستاش باقی نمانده بود که پرنده زیبا برگ درختی را می‌آورد و به درون آب جلوی مورچه‌ها می‌اندازد و آنها سوار برگ می‌شوند و به طرف خشکی می‌آینند.

## پرسشها

۱- حدیث را کامل کنید.

قارن ..... تکن .....

۲- دو ویژگی دوست خوب را بنویسید.

۳- دو ویژگی دوست نامناسب را بنویسید.

۴- دو نوع دوست نایاب را بگویید.

## درس نهم

### کمک و یاری

#### کارت و احادیث

مربی با استفاده از کارت می تواند، احادیث کوتاه را به دانش آموزان یاد دهد.

مانند: روی کارت عین حدیث نوشته می شود:

المظلوم	نصرة	العدل	احسن	على (ع)
---------	------	-------	------	---------

پشت کارت ترجمه حدیث نوشته می شود:

ستمديده	كمک به	دادگرى	بهترین	فرمودند
---------	--------	--------	--------	---------

مربی درباره حدیث توضیح می دهد و مصاديق کمک و یاری را بیان می کند.

مانند: پدر و مادر، دوستان، همکلاسی، همسایه و . . . .

#### «احادیث دیگر جهت استفادهٔ مربی»

قال علی(ع): «مَنْ آتَرَ عَلَى نَفْسِهِ اسْتَحْقَ أَسْمَ الْفَضِيلَةِ».

هر کس که از خود بگذرد و دیگری را بر خود مقدم دارد شایسته برتری است.

قال علی(ع): «الآيُّ ثَانٍ شَيْءَةُ الْأَبْوَارِ». از خود گذشتگی یا بخشش از خصلتها نیکوکاران است.

### مسابقه: - کدام سوره - کدام آیه

حضرت علی(ع) و خانواده بزرگوارش روزه نذری می گیرند، در وقت افطاری محتاجی به در خانه می آید و طلب غذا می کند. با این که آنها نیاز شدید به غذا برای افطاری داشتند، اما غذای آن شب خود را در راه خدا می دهند و خود و خانواده با ظرف آبی افطار می کنند. این جریان در سه روز متوالی اتفاق می افتد و آنها غذای خود را هر وعده به فقیری و یتیمی و اسیری می بخشنند و خود با دهان روزه، گرسنه می مانند. بدین ترتیب سوره ای در مقام فضیلت و مرتبه حضرت علی(ع) و خاندان بزرگوارش که از خود گذشتگی و ایثار نشان داده بودند نازل شد. شما نام سوره و آیه ای که در فضیلت حضرت علی(ع) و خاندان او نازل شد را بگوئید.

### «کارت بازی»

مریبی با استفاده از کارت برنامه را ادامه می دهد. برای این کار، از مقوایی رنگی، کارتهای یک دستی درست می کند. در یک طرف کارت موارد مثبت از کمک کردن را می نویسد، و در طرف دیگر مواردی که نباید کمک کرد را می نویسد. مانند: به کی کمک کنیم، به کی کمک نکنیم. قسمت روی کارت «به کی کمک کنیم» آن طرف کارت «به کی کمک نکنیم»

شیطان	پدر و مادر
بی ادب	دوستان
دزد	همکلاسی
منافق	فقراء

دشمن	همسایه
آمریکا	فلسطین
.....	.....

### «دوچرخه، عmad»

عماد یک دوچرخه دارد که با آن بازی می‌کند. یک روز عmad با دوچرخه اش به دیدن پسر عمومی خود می‌رفت. بعد از این که مقداری راه رفت، عmad خسته شد و از دوچرخه پایین آمد تا کمی استراحت کند. ناگهان پستچی شهر که خیلی خسته شده بود با کیفی پر از نامه به آن جا رسید، پستچی وقتی دوچرخه عmad را دید با خودش گفت: اگر من هم یک دوچرخه داشتم اینقدر خسته نمی‌شدم. عmad صدای پای پستچی را شنید از جای خود بلند شد. او پستچی را ناراحت دید، دوچرخه خود را به او داد تا نامه‌ها را برساند. عmad گفت: «من می‌توانم پیاده بروم تو دوچرخه را بگیر و بعد آن را کنار پستخانه بگذار.» عmad از اینکه کار خوبی انجام داده بود و توانسته بود به یک نفر کمک کند، خوشحال شد. او خدا را شکر کرد. و پیاده به خانه عمویش به راه افتاد تا به خانه عمویش رسید. عmad برای اینکه پسر عموهایش را خوشحال کند. دوچرخه را که کنار پستخانه بود به آنها داد تا به گردش بروند.

وقتی بچه‌ها به خانه آمدند کمی بعد عmad از همه آنها خدا حافظی کرد و سوار دوچرخه شد و به طرف خانه خودشان حرکت کرد. همین طور که می‌رفت، چشمش به یک ماشین افتاد که خراب شده بود و مردی مشغول درست کردن آن بود. وقتی عmad نزدیک شد، فهمید آن مرد دکتر است و می‌خواهد ماشین خود را درست کند تا با عجله به منزل بیماری برود و یک کودک را از مرگ نجات دهد. عmad گفت: «آقای دکتر، دوچرخه من را بگیر تا هرچه زودتر به منزل آن بیمار

بروید. » و عmad در حالیکه باران شروع به باریدن کرده بود، پیاده به راه افتاد و از اینکه توانسته بود برای نجات یک کودک بیمار کمک کند، خدا را سپاس گفت. صبح روز بعد دکتر با یک دوچرخه نو و قشنگ به دیدن عmad رفت و آن را به عmad داد عmad با تعجب گفت: «این دوچرخه مال من نیست!» دکتر با مهربانی گفت: «چون تو جان آن کودک را نجات دادی، پدر او این دوچرخه را به تو هدیه کرده است. » عmad با خوشحالی هدیه را قبول کرد.

پرسشها

۱- کامل کنید.

..... نصرة ..... احسن

..... کمک ..... بهترین

۲- به چه کسانی باید کمک کرد؟ دو مورد بنویسید.

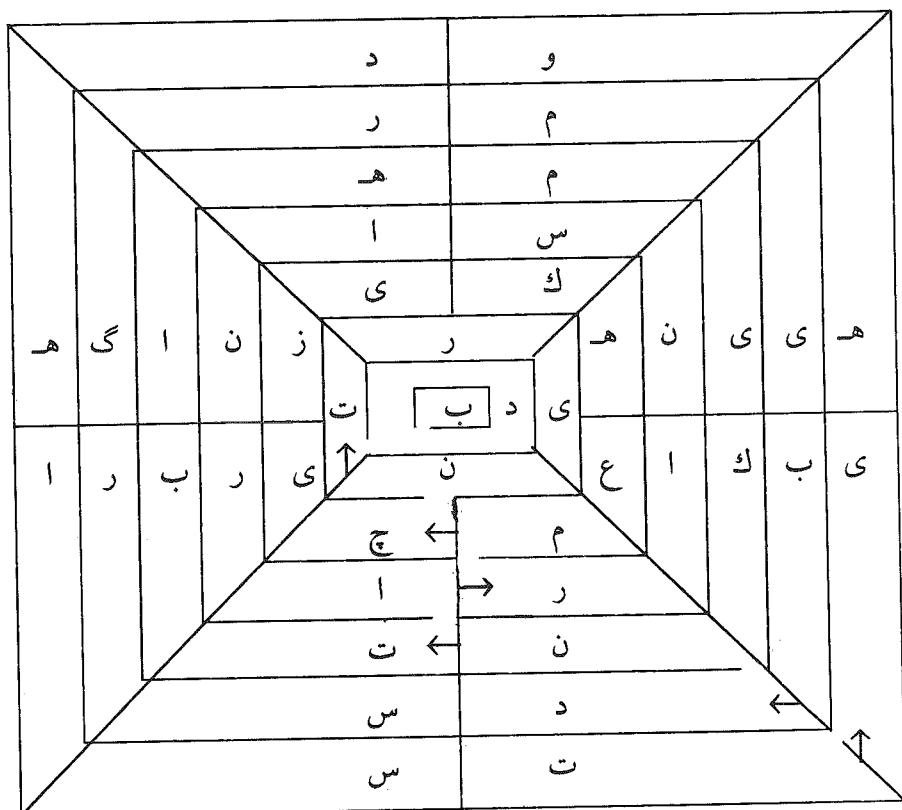
۳- به چه کسانی نباید کمک کرد؟ دو مورد بنویسید.

۴- کامل کنید.

الایثار ..... الابرار .....

## درس دهم

### «سرگرمی»

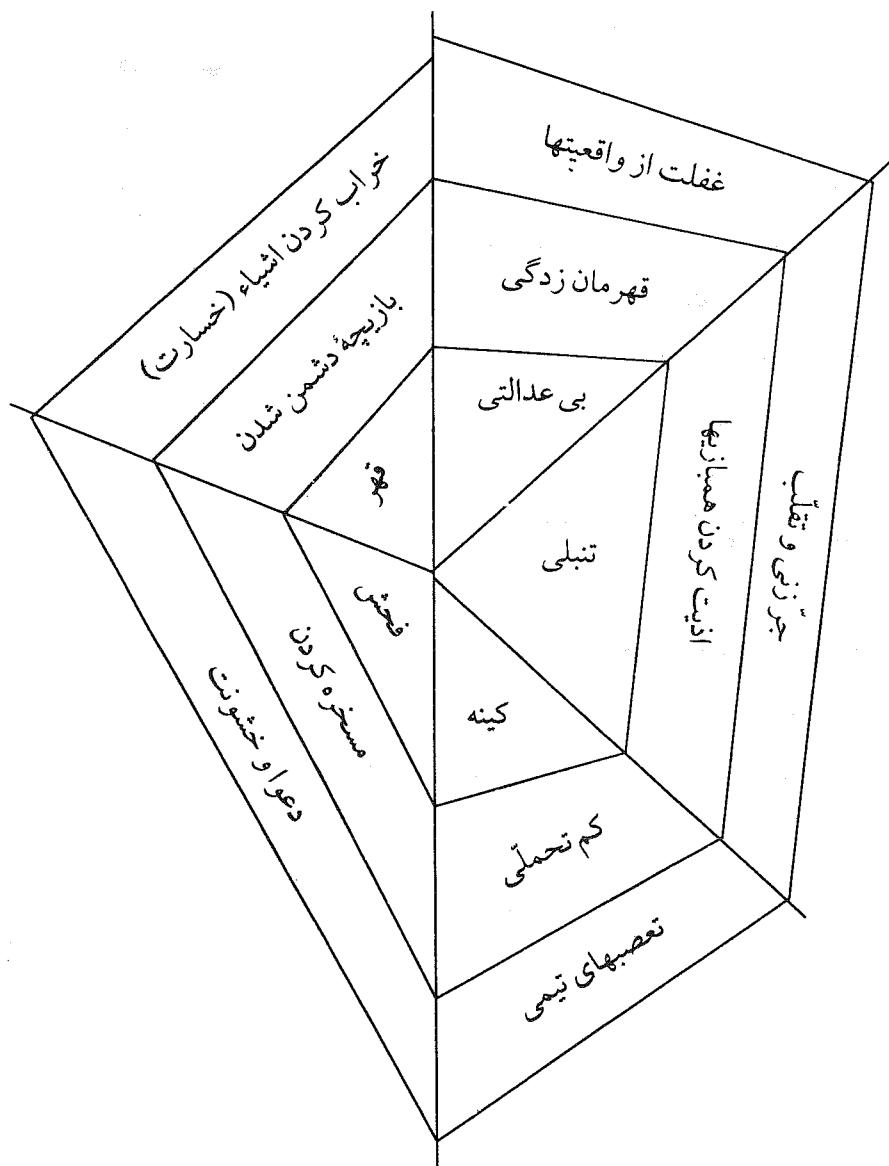


با کمی دقّت از مرکز شروع کرده و دنبال فلش حرکت کنید، به پام جدول می رسد.

### «سوگرمی‌های بیهوده»

همانگونه که مربیان گرامی می‌دانند بازی و سرگرمی برای کودکان و نوجوانان همیشه به معنای اتلاف وقت و بیهودگی نیست و می‌توان زمینه بسیار جدی و آموزنده‌ای در آن بوجود آورد. بدیهی است همانطور که به وسیله بازی می‌توان مفاهیم و ارزش‌های اساسی آموزشی و تربیتی را برای بچه‌ها ارائه نمود؛ عکس آن نیز ممکن است، یعنی بازی می‌تواند وسیله‌ای برای تخریب فکر و ذهن و اخلاق بچه‌ها باشد. و در نهایت روح پوچی و بی تعهدی را بوجود آنان حاکم گرداند. اگر بازی، خوب هدایت نشود و یا خدای نخواسته در خدمت اهداف باطل قرار گیرد مضرات زیادی درپی خواهد داشت. متأسفانه استکبار جهانی در جوامع بشری از همین زمینه استفاده کرده و فعالانه از مجرای بازیها و سرگرمی‌های بیهوده و متنوع وارد شده است و از این عامل جهت تخریب و انهدام پایه‌های شخصیت فردی و اجتماعی مردم بخصوص مسلمین بهره می‌گیرد.

مربیان محترم می‌توانند ضمن شمردن مضرات سرگرمی‌های بیهوده، تار عنکبوتی زیر را کشیده و از دانش آموزان بخواهند مضرات سرگرمی‌ها و بازیهای بیهوده و نکاتی را که در بازی باید مواظب بود گرفتار آن نشویم بگویند و در داخل تار عنکبوت بنویسند.



### داستان: شرینی هرگبار (پرداخت به عهده مربی است)

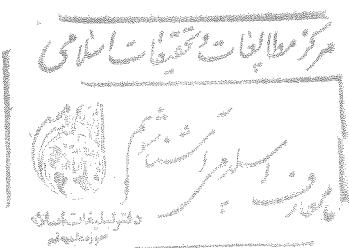
آفتاب بالا آمده بود و گرمای طاقت فرسا و گرسنگی و تشنگی آزارش می‌داد. اطرافش را تنها تپه‌های شن و بیابان لخت احاطه کرده بود جای ماندن نبود. هر آن ممکن بود دسته‌ای راهزن سر برستند و او را که تنها و بی‌پناه بود بکشند باید هرچه زودتر خود را به کاروان می‌رساند. در دل به کاروان و کاروانسالار، که او را تنها گذاشته و رفته بودند، ناسزا می‌گفت. با خودش فکر می‌کرد، وقتی به کاروان رسید چگونه این ناجوانمردی آنها را تلافی کند. اصلاً فکر نمی‌کرد، شاید تقصیر از خودش باشد. عادت به تنها بی و سختی نداشت و همیشه می‌خواست خوش بگذراند. به خاطر اینکه مدام کارهایش را به دوش دیگران می‌انداخت و فقط به فکر آسایش خودش بود. کسی دل خوشی از وی نداشت و همه از او دوری می‌جستند. به خاطر همین خوشگذرانی بود که شب قبل خنکی بام کاروانسرا را بر گرمای درون اتاقها و ایوانها ترجیع داده و تک و تنها به پشت بام رفته و خوابیده بود. صبح هم خوشخوابی کار دستش داده بود و با سروصدای زنگ شترها و کاروانیان بیدار نشده بود و جامانده بود. حال چاره‌ای نداشت جز آنکه به تنها از روی ردپای قافله راه را پیش گیرد، شاید به کاروان برسد. ساعتی راه رفته بود، اما از قافله خبری نبود. تا چشم کار می‌کرد شن بود و بوته‌های خشک. از تشنگی جانش به لب رسیده بود و ترس از تنها بی کلافه اش کرده بود... به سختی حرکت می‌کرد. دیگر از خستگی قدرت گام برداشتن نداشت. ناگهان از دور چشمش به سیاهی انبوهی افتاد. اول خیال کرد سراب است اما وقتی نزدیکتر شد مطمئن گشت سیاهی نیست. در دل آن بیابان هولناک یک بیشه سرسبز وجود داشت. برق امید در دلش جرقه زد. با خود اندیشید، حتماً قافله در همین بیشه توقف کرده است. از شادی در پوست خود نمی‌گنجید. قدمهایش را تندتر کرد،

اماً با نهایت تعجب دید مسیر جای پای کاروان به بیشه نمی رود؛ بلکه آن را دور می زند و از کنارش می گذرد. با خودش گفت: این کاروان‌سالار با خوشی و تفریح مردم دشمن است و تصمیم گرفت وارد بیشه شود. چشم‌هه زلال و گوارابی در وسط بیشه بود. تا توانست از آن نوشید و سپس به آبتنی پرداخت، حالا نوبت آن بود که گردشی کند و احیاناً غذایی بدست بیاورد. موقع بیرون آمدن از آب بر لب چشم‌هه جای پای حیوانی را دید. خوب دقّت کرد فهمید جای پای شیر است. ابتدا ترسید اماً با خود گفت: شاید جای پای شیر نباشد یا این که اتفاقی از اینجا گذشته است، نباید خود را دل نگران کنم و مشغول گردش و خوردن میوه‌های خوشمزه درختان شد، اما هر قدمی بر می داشت جای پای شیر و استخوانهای جانورانی که شکار شیر شده بودند را مشاهده می کرد. اماً خوشی مهلت فکر کردن را از او گرفته بود. در اوج لذت و خوشی بود که ناگهان صدای غرش سهمگینی او را درجا می‌خکوب کرد. بله در چند قدمی او شیر بزرگ و خشمگینی بوی چشم دوخته بود. دیگر جای ماندن نبود با قدرت تمام پا به فرار گذاشت و شیر گرسنه هم به دنبالش. بعد از تعقیب و گریز بسیار، دیگر خستگی بر وی چیره شده بود که ناگهان چاهی را در برابر خویش دید. دست به طناب گرفت و از آن پایین رفت. شیر که می دید شکار از دستش گریخته، خشمگین بر سر چاه به انتظار بیرون آمدن جوان نشست جوان که از خطر شیر فعل‌آرسته بود، مشغول پایین رفتن از چاه شد تا بینند راه فراری پیدا می کند یا نه؟ مقداری که پایین رفت، صدای وحشتناکی از ته چاه شنید. مار بزرگ و تنومندی دهانش را باز کرده و آماده بلعیدن بود. دو باره از طناب بالا رفت، نه پایین برایش امن بود و نه بالای چاه. در فکر یافتن راه نجاتی بود که افتادن چند سنگ ریزه او را به خود آورد به بالای سر خود نگاه کرد. خوب که دقّت کرد دو موش را، که یکی سفید و دیگری سیاه بودند دید که به سرعت مشغول جویدن طناب هستند و هر آن ممکن بود طناب پاره شده و او در چاه سرنگون شود و در کام مار عظیم الجثه فرو رود دستانش را به

دیوار چاه کشید شاید دستگیره یا حفره‌ای پیدا کند که دستش به مایع چسبنده‌ای برخورد کرد آن را به دهان برد. بسیار شیرین بود. رد آن را گرفت متوجه شد. مقداری عسل است که از کندوی زنبوران چاری شده است، خود را به کندو رسانید و آنجا را پر از عسل دید. سرگرم خوردن عسلها شد. زنبورها که وی را مشغول دست درازی به کندو می‌دیدند با خشم به وی حمله کرده و او را آماج نیشهای خود نمودند، اما او که شفته شیرینی و طعم عسل بود نمی‌توانست از آن دل بکند و به همین خاطر گاهی با زنبورها جدال می‌کرد و آنها را می‌راند و گاه از کندو عسل می‌خورد. جوان غرق در جدال و کشمکش با زنبورها و دستبرد به کندوی عسل بود و غافل از خطرات پیرامون خود. که ناگهان طناب از هم گسیخت و او را به قعر چاه فرستاد و نصیب مار گرمنه شد.

**پرسشها**

- ۱- دو مورد از سرگرمیهای بیهوده را بنویسید.
- ۲- دو نتیجه از سرگرمیهای بیهوده را بنویسید.
- ۳- داستان شیرینی مرگبار، حال چگونه افرادی را بیان می کند؟
- ۴- چند نمونه از سرگرمیهای بیهوده پیرامون زندگی خود را بنویسید.



# اعتقادات

گردآورنده

مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیہ قم



## فهرست

۱۴۹	.....	مقدمه
درس اول: خداشناسی (دلائل وجود خدا)		
۱۵۱	.....	دلیل اول پرواز هواپیما.
۱۵۲	.....	خداشناسی پیرزن
۱۵۲	.....	دلیل دوم زندگی مورچه
۱۵۳	.....	داستان بنا و بنای
۱۵۵	.....	داستان کشتنی بی ناخدا
۱۵۶	.....	خدای یکتا (شعر)
۱۵۷	.....	پرسش
درس دوم: خداشناسی صفات خدا		
۱۵۸	.....	توحید
۱۵۹	.....	خدا دیده نمی شود
۱۵۹	.....	خدا دیده نمی شود (داستان)
۱۶۰	.....	خدا در همه جاست (داستان)
۱۶۱	.....	خدا دیده نمی شود (داستان)
۱۶۱	.....	خدا مهربان است
۱۶۲	.....	مهریانی و لطف خدا (داستان)
درس سوم: پرسش خداشناسی صفات خدا		
۱۶۴	.....	خدا تواناست
۱۶۴	.....	توانایی خدا (داستان)

۱۶۵	خدا دانست
۱۶۵	خداوند بی نیاز است
۱۶۶	خداوند عادل است
۱۶۷	خدا (شعر)
۱۶۸	پرسش

### درس چهارم: نبوت

۱۶۹	اصل نبوت
۱۶۹	یک تمثیل
۱۷۲	معجزه
۱۷۳	پیامبر دروغین (لطیفه)
۱۷۴	پرسش

### درس پنجم- صفات انبیاء

۱۷۵	یک طرح زیبا
۱۷۷	صفات انبیاء
۱۷۸	پیامران اولوا العزم
۱۷۹	پرسش

### درس ششم- صفات پیامبر اسلام(ص)

۱۸۰	پیامبری حضرت محمد(ص)
۱۸۰	زندگی آن حضرت
۱۸۱	معجزه آن حضرت
۱۸۱	بعضی از صفات آن حضرت رفتار با کردکان
۱۸۲	رفتار با مردم
۱۸۲	وفادرای در عهد و پیمان
۱۸۲	گذشت و بخشش حضرت محمد(ص)
۱۸۳	خاتم پیامران
۱۸۴	پرسش

### درس هفتم- معاد ۱

۱۸۵	معنی معاد
۱۸۵	یک تمثیل
۱۸۷	باز هم به یاد مدرسه

۱۸۷	عالی بزرخ
۱۸۸	نمودار دنیا بزرخ آخرت
۱۸۹	پرسش

### درس هشتم معاد ۲

۱۹۰	راه رسیدن به بهشت
۱۹۰	جدول
۱۹۱	فرزند بهشتی
۱۹۱	یادی از بهشت
۱۹۳	پرسش

### درس نهم - امامت ۱

۱۹۵	معنی امامت
۱۹۵	کشتنی نجات
۱۹۷	عید غدیر خم
۱۹۸	دوازده امام (شعر)
۲۰۰	پرسش

### درس دهم - امامت ۲

۲۰۱	طرح ستارگان امامت
۲۰۲	امام اول
۲۰۲	داستان
۲۰۳	همه امامان ما شجاع بودند.
۲۰۳	امام دوم
۲۰۴	داستان
۲۰۵	همه امامان ما خوش اخلاق و با گذشت بودند
۲۰۵	امام سوم
۲۰۵	داستان
۲۰۷	همه امامان ما در راه حفظ دین فداکاری می کردند
۲۰۸	پرسش

### درس یازدهم - امامت ۳

۲۰۹	امام چهارم
۲۰۹	همه امامان ما در عبادت خدا می کوشیدند

۲۱۰	امام پنجم
۲۱۰	داستان
۲۱۱	همه امامان ما کار و تلاش می کردند
۲۱۱	امام ششم
۲۱۱	امامان از همه مردم داناتر و عالم تر بودند.
۲۱۱	امام هفتم
۲۱۲	داستان
۲۱۲	امامان ما از غیب خبر داشتند.
۲۱۲	امامان ما مردم را تربیت می کردند
۲۱۳	پرسش

#### درس دوازدهم - امامت ۴

۲۱۴	امام هشتم
۲۱۴	داستان
۲۱۵	امامان ما زندگی ساده داشتند
۲۱۵	امام نهم
۲۱۶	امامان ما توطئه های دشمنان را خشی می کردند
۲۱۶	امام دهم
۲۱۶	داستان
۲۱۷	امامان ما در نزد خدا عزیزند، هر چه از خدا بخواهند به آنها می دهد.
۲۱۷	امام یازدهم
۲۱۷	داستان
۲۱۸	امامان ما به نیازمندان کمک می کردند
۲۱۹	پرسش

#### درس سیزدهم - امامت ۵

۲۲۰	امام دوازدهم - اسامی آن حضرت
۲۲۰	داستان زندگی
۲۲۲	امامان ما بیان کننده احکام و اجراء کننده قوانین الهی بودند
۲۲۲	مهدی یا (شعر)
۲۲۲	یک سؤال و یک جواب
۲۲۳	ولایت فقیه

## مقدمه

آموزش اصول عقاید دارای اهمیت بسیار است. زیرا اصول عقاید هر مکتب، پایه و اساس و اصل آن مکتب است که اگر این پایه محکم باشد، اجزای دیگر را می‌توان بر آن استوار کرد.

اگر آحاد جامعه اسلامی ما، و به طور کلی مسلمانان سراسر دنیا، پایه‌های اعتقادی خود را محکم کنند هیچ دشمنی به هیچ شکلی قدرت شکست دادن آنها را نخواهد داشت.

طرح مسائل اعتقادی برای تمام سطوح فکری جامعه، کاری است بس لازم و مهم؛ اما بیان اینگونه مسائل برای نوجوانان، علاوه بر اهمیت و لزوم، بسیار ظریف و مشکل است. زیرا باید مسائل مورد نیاز عقلی و کلامی و فلسفی را به صورتی ساده و روان و جذاب برای آنان طرح کرد تا ضمن انتقال مطالب به آنها، شعله‌ای از عشق و علاقه به اینگونه مطالب در وجود آنان افروخته گردد و خود به دنبال مطالعه و تحقیق بروند.

جزوه‌ای که در پیش روی دارید در همین زمینه تدوین گردیده و سعی شده تا مطالبی که مورد نیاز این سطح فکری است جمع آوری گردد و از طرح مسائلی که برای آنان مشکل بوده و ممکن است باعث کج فهمی یا زدگی شود اجتناب گردیده است. حتی المقدور سعی شده است بیان مطالب، در قالب داستان و تمثیل باشد و اگر در جاهایی مطالب به صورت مستقیم بیان گردیده لازم است عزیزان مریبی خود برای آن داستان یا مثالی تهیه نمایند. زیرا بیان مطالب برای کودک و نوجوان اگر بصورت غیر

مستقیم باشد مؤثرتر خواهد بود.

تذکراتی که در پاورپری ها آمده است، به منظور ایجاد جذابیت در بیان مطالب است که سزاوار است به آنها توجه گردد.

اگر بعضی از مطالب اصلاً ذکر نشده و یا به صورت خیلی مختصر بیان شده است، صرفاً جهت جلوگیری از ایجاد شباهه و سوء تفاهم و یا عدم کشش ذهنی مخاطبین این سطح بوده است.

در خاتمه از کلیه مربیان عزیز تقاضا داریم، کلیه نظرات خود، پیرامون این سری درسها را منتقل نموده تا مورد استفاده تهیه کنندگان قرار گیرد.

#### گروه تحقیقاتی عقاید

مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان

دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه' قم

## درس اول

### خدا شناسی

چند دلیل :

#### دلیل اول (پرواز هواییما)

اگر هواییما را در آسمان ، در حال پرواز بینید چه نتیجه‌ای می‌گیرید؟ می‌فهمیم که این هواییما دستگاه‌هایش سالم و دارای سوخت (بنزین) است و یک خلبان ماهر یا یک دستگاه کنترل آن را هدایت می‌کند. زیرا محال است بدون این ویژگیها پرواز کند.

در دنیا بی که ما زندگی می‌کنیم همه چیز در حال حرکت است، شما همین الان که اینجا نشسته اید با سرعت زیادی در حال حرکت هستید؛ زیرا روی کره زمین هستید و کره زمین با سرعت زیادی در حرکت است ولی ما آن را احساس نمی‌کنیم. چون همه چیز با آن در حرکت است. مثل زمانی که سوار اتوبوس باشیم وقتی که اتوبوس در حرکت است تا زمانی که ما به بیرون نگاه نکنیم حرکت آن را احساس نمی‌کنیم.

همینطور کرات آسمانی دیگر، مثل ماه، مشتری، مریخ و میلیون‌ها کره دیگر با سرعت زیاد در یک مسیر منظم در حرکت هستند.

وزن هر یک از این کرات آنقدر زیاد است که قابل محاسبه دقیق نیست. مسلم

است که چنین اجسام سنگینی اگر بخواهند حرکت کنند، نیاز به نیروی فوق العاده زیادی دارند تا آنها را به حرکت درآورد. اگر قدرت و نیروی نبود که این اجسام سنگین را به حرکت درآورد و در مسیر خود هدایت کند، آیا چنین حرکتی امکان داشت؟ پس این کرات آسمانی برای حرکت خود به حرکت دهنده نیاز دارند. او کیست؟

### داستانی در این زمینه

روزی حضرت علی(ع) با گروهی از یاران خود از راهی می گذشتند به پیره زنی رسیدند که با یک چرخ نخ ریسمی، از پنجه نخ درست می کرد. حضرت علی(ع) پس از سلام و احوالپرسی از او پرسید: مادر، خدا را چگونه شناختی؟ پیزدن دست از چرخ برداشت، چرخ بعد از چند دور حرکت، ایستاد: پیزدن گفت: من از راه این چرخ خدا را شناخته ام، زیرا تازمانی که با دست خود آن را حرکت می دهم کار می کند و اگر از آن دست برذارم، از حرکت می ایستد. پس این آسمان و زمین هم گرداننده ای دارد که اگر او نباشد دیگر این آسمان و زمین حرکت نخواهد کرد و شب و روزی نخواهد بود.

### دلیل دوم (زنگی مورچه)

آیا تاکنون حرکت دسته جمعی مورچه ها را دیده اید که چطور بدون این که خط کشی یا تابلو و علامتی داشته باشند در یک صفحه منظم در حال حمل کالا هستند و مواد غذایی را به انبار لانه حمل می کنند، با هم تصادف نمی کنند، پاروی پای هم نمی گذارند، لانه خود را گم نمی کنند و ... وقتی مورچه ای دانه ای را حمل می کند بعضی از مورچه ها که مسئولیت بازرگی را بر عهده دارند می آیند و دانه را بازرگی می کنند؛ اگر فاسد باشد اجازه

نمی دهند که دانه فاسد به داخل لانه برد شود و به آورنده آن دستور می دهند که آن را به جای دور دستی ببرد.<sup>۱</sup>

دانه های سالم را به دو نیم می کنند تا سبز نشود. مورچه ها در طول سال از دانه های ذخیره شده برای غذای خود استفاده می کنند. به این صورت که اول دانه ها را خرد می کنند؛ سپس آن را به صورت ترشی و مایع در آورده و آنگاه مصرف می کنند.

راستی، چه کسی این موجودات ریز را آفریده و آنها را تعلیم داده تا این چنین منظم باشند؟ چه کسی به آنها گفته است به فکر بهداشت باشند؟ چه کسی به آنها این نیرو را داده است که یک دانه گندم را که چند برابر خودشان وزن دارند حمل کنند؟

### داستان - بنا و بنّا

در زمان قدیم پادشاهی بود که به خدا ایمان نداشت؛ اما وزیری داشت که خدابرست بود. هر چه وزیر برای اثبات وجود خدا دلیل می آورد، شاه قبول نمی کرد. تا این که وزیر دستور داد در یک بیابان دورافتاده که هیچ ساختمان و درختی نبود یک ساختمان خیلی خوب ساختند و اطراف آن را درختکاری کرده و جویهای آب در زیر درختان جاری سازند.

زمانی که ساختمان و باغها آماده شد، یک روز وزیر پادشاه را به شکار دعوت کرد و طوری برنامه ریزی نمود که مسیر پادشاه از نزدیکی آن ساختمان و باغها باشد.

وقتی که نگاه پادشاه به آن ساختمان و آبادانی آنجا افتاد از وزیر پرسید، در زمانهای گذشته که برای شکار به این جا می آمدیم چنین ساختمانی نبود! چه کسی

۱- هستی بخش، ص ۷۰-۷۳.

اینها را ساخته است؟

وزیر در جواب گفت: قربان اینها خود به خود بوجود آمده اند!

پادشاه برآشافت و گفت، مرا مسخره می کنی؟ این چه حرفی است که می زنی، آیا می شود که اینها خود به خود بوجود آمده باشند و این ساختمان زیبا خود به خود ساخته شده باشد؟

وزیر در جواب گفت: وقتی بنای این ساختمان محقق و کوچک بدون بنا غیر ممکن باشد چگونه می شود که بنای آسمانها و زمین و موجودات بسیار زیبایی که روی آن هستند بدون آفریدگار باشند.

پادشاه متوجه شده و به وجود خدا و آفریدگار اعتراف کرد.<sup>۱</sup>

### منظاره

یکی از بزرگان دین با یک نفر کافر بحث می کرد آن عالم دینی می گفت: هر چیزی که در این جهان است آفریده خداست. ولی آن مرد کافر می گفت: نه اینها به خدا احتیاجی ندارند و خود به خود بوجود آمده اند.

آن مرد خدا شناس گفت: شما برگ توت را در نظر بگیرید که همه برگهای آن مثل هم هستند، ولی همین برگ توت را اگر کرم ابریشم بخورد تبدیل به پیله ابریشم می شود! و اگر زنبور عسل آن را بخورد تبدیل به عسل خواهد شد و اگر آهو آنرا بخورد تبدیل به مشک و عطر خواهد شد و اگر گوسفند آن را بخورد تبدیل به سرگین خواهد شد با اینکه یک چیز بیشتر نیست پس این که در شکم هر یک از این موجودات تبدیل به چیزی می شود معلوم می شود که به تقدیر یک آفریننده و خالق حکیم است.

۱ - مربی می تواند از بچه ها که این داستان را بصورت تئاتر اجرا کنند. سی مقاله - / ض استادی . ۴۲۱

### کشتی بی ناخدا؟!!

علی بن میثم به حسن بن سهل وارد شد. دید یکی از منکرین خدا در آنجا است و گروهی اطراف او را گرفته اند. علی بن میثم<sup>۱</sup> همه را متوجه خود کرد و گفت: امروز مطلب بسیار عجیبی دیدم.

گفتند: چه دیدی؟

گفت: کشتی کوچکی را دیدم که بدون ناخدا مردم را از این طرف آب به آن طرف می برد!

آن شخص طبیعی رو کرد به حسن بن سهل و گفت گویا این مرد دیوانه است!

حسن بن سهل گفت: چطور؟

گفت: برای این که می گوید چند قطعه چوب بی عقل و شعور مردم را به مقصدشان می رساند.

علی بن میثم گفت: من دیوانه ام که می گویم کشتی کوچکی، بدون کشتیان حرکت می کند و مردم را به مقصد می رساند یا آن کسی که می گوید این کشتی عظیم جهان هستی بدون کشتیان حکیم و دانا و توانا اداره می شود!

۱ - مربی می تواند از بجهه ها بخواهد که این داستان را بصورت تئاتر اجرا کنند. سی مقاله، رضا استادی ص ۴۲۱.

## خدای یکتا

از آب و باد و صحراء  
 از آن کبوتری که  
 نشسته بر بام ما  
 پرسیدم و شنیدم  
 راز وجود آنها  
 این قصه را می‌گفتند  
 اما نه بازیانها  
 نیافریده مارا  
 به جزی خدای یکتا

(سرود ایمان، از گلچین گرگانی.)

### پرسش

- ۱ - مورچه چطور به ما درس خداشناسی می دهد؟
- ۲ - وزیر از ساختن ساختمان در صحرای منظوری داشت؟

## درس دوم

### صفات خدا

#### توحید: (خدا یکی است)

بچه ها! یک ضرب المثل بگویید که کلمات آش و آشپز در آن باشد.  
آشپز که دوتا شد آش یا شور می شود یا بی نمک. چه کسی می تواند آن را معنا  
کند؟ (مربی از بچه ها می خواهد تا معنی آنرا بیان کنند)  
اگر اتومبیل دو راننده داشته باشد که در دست هر کدام یک فرمان باشد و زیر  
پای هر کدام هم گاز و ترمز باشد، فکر می کنید چه اتفاقی می افتد؟ (مربی از  
بچه ها می خواهد تا جواب دهند).  
معلوم است که از اتوبوس کسی جان سالم بدر نمی برد. چون یکی می خواهد  
تند براند و دیگری کند. یکی می خواهد از این سمت حرکت کند و دیگری از آن  
سمت و ...

آیا تا بحال فکر کرده اید که اگر این جهان پهناور به جای یک خدا، دو خدا یا  
بیشتر داشت چه می شد؟ بله! دیگر از این نظم خبری نبود. الان تمام کارهای دنیا  
روی یک نظم و قانون دقیق است. پیدایش شب و روز، روییدن گیاهان، رشد  
کردن موجودات و ...

اما اگر خدا شریک داشت، خدا اراده می کرد که ساعت ۵ آفتاب طلوع کند،  
ولی شریک او می گفت: نه، خورشید باید ساعت ۱۰ طلوع کند. آن وقت نظم

بهم می خورد و ما باید یک روز قبل از ساعت ۵ نماز می خواندیم روز دیگر قبل از ساعت ۱۰ و تمام زندگی ما به هم می خورد.  
از این نظم موجود در جهان می فهمیم که این جهان فقط یک نظام دارد و خداوند هیچگونه شریکی ندارد.<sup>۱</sup>

### خدا دیده نمی شود:

همه ما دوست داریم خدا را بینیم، اما خدا دیده نمی شود. چون جسم نیست تا دیده شود. خیلی از چیزها هستند که دیده نمی شوند<sup>۲</sup>؛ مثل: نیروی آهن ربا. شما آهن ربا را می بینید اما نیروی آن را نمی بینید. به همین خاطر اگر دو قطعه آهن را که یکی آهن ریاست و دیگری آهن ربا نیست، در کنار هم بگذارید، تا امتحان نکنید نمی توانید بفهمید کدامیک آهن ریاست. یا مثلاً جریان برق قابل دیدن نیست. به همین خاطر اگر به سیم برق نگاه کنید نمی توانید بفهمید که در آن برق وجود دارد یا نه، باید با فازمتر امتحان کنید. (یا کلید برق را بزنید). درد قابل دیدن نیست، عقل را نمی شود دید، جاذبه زمین را نمی شود دید؛ بلکه باید آنها را از نشانه هایشان شناخت.

خدا را نمی شود دید و باید او را از راه نشانه هایش شناخت.

### داستان

#### خدا دیده نمی شود:

**روزی یک معلم کافر در کلاس درس رو به بچه ها کرد و گفت: بچه ها این**

- ۱- مریض دو نفر از بچه هارا صدا کند و از آنها بخواهد که با هم یک گچ را گرفته و مطالبی را که او می گوید روى تخته بنویسند یا یک نقاشی بکشند. بدیهی است که خیلی بد خط ترازو وقی که به تنهایی می نویسند خواهند نوشت از اینجا نتیجه بگیرد که این همه زیبایی موجود در جهان ضمانتاً باید نقاش واحدی داشته باشد.
- ۲- مریض می تواند آهن ربا، سیم برق و فازمتر و وسائل دیگری به سر کلاس پرورد، و نامرئی بودن نیروی آهن ربا - جریان الکتریستیهر را توضیح دهد.

کتاب را می بینید؟

بچه ها : بله .

معلم : پس این کتاب وجود دارد ! بعد گفت : آیا این مداد را می بینید ؟

بچه ها : بله .

معلم : پس این مداد وجود دارد ! بعد گفت آیا این میز را می بینید ؟

بچه ها : بله معلم : پس وجود دارد .

معلم : بچه ها ، خدا را می بینید ؟

بچه ها : نخیر . معلم : پس وجود ندارد .

در همین لحظه یک دانش آموز مؤمن و دانا از جای خود برخاست و گفت :

بچه ها شما عقل معلم را می بینید ؟

بچه ها : نخیر . دانش آموز گفت : پس معلم عقل ندارد .

معلم شرمنده شد و سرش را به زیر انداخت . بعد از مدتی سرش را بلند کرده و گفت : بچه ها بیخشید . من اشتباه کردم . خدا وجود دارد ، ولی دیده نمی شود . خیلی چیزها هستند که وجود دارند ، ولی دیده نمی شوند . مثل عقل ، و باید آنها را از راه نشانه هایشان شناخت .<sup>۱</sup>

خدا در همه جاست .

شخصی از کودکی پرسید : اگر گفتی خدا کجاست ، یک اشرفی بتو خواهم داد .

آن طفل در جواب گفت : اگر گفتی خدا در کجا نیست ، من دو اشرفی به شما خواهم داد .

(نمونه معارف اسلام ، ج ۳ ، ص ۲۴۹)

۱- مربی می تواند این دو داستان را به صورت تاتر به وسیله بچه ها اجرا کند و نتیجه بگیرد .

### داستان

مرد دانایی، از راهی عبور می‌کرد، دو نفر را در حال نزاع دید، پرسید: چه اتفاقی افتاده است؟ یکی از آها گفت: این شخص می‌گوید خدایی را که با چشم دیده نمی‌شود قبول ندارم.

آن مرد دانا کلوخی برداشته و به کمر منکر خدا زد. فریاد آخ او بلند شد و اعتراض کرد، چرا می‌زنی، کمرم را شکستی خیلی درد می‌کند و...

مرد دانا در جواب گفت: من دردی را که دیده نمی‌شود قبول ندارم.

آن شخص با این عمل متوجه شد که خیلی از چیزها وجود دارند ولی دیده نمی‌شوند. مثل همین درد که دیده نمی‌شود، ولی وجود دارد و از آثارش به وجودش پی‌می‌بریم.

خدا هم وجود دارد ولی دیده نمی‌شود.<sup>۱</sup>

### خدمه‌بان است:

اگر شما یک نقاشی زیبا بکشید، یا یک کاردستی بسازید، آن را دوست ندارید؟ اگر عکسی از یک منظره زیبا بگیرید به آن علاقه نخواهید داشت؟ چرا؟ بله، انسان وقتی چیزی را می‌سازد؛ یا اثری را به وجود می‌آورد؛ آن را دوست دارد. چون این اثر به او ارتباط دارد.

خداآوند هم چون همه چیز را خودش خلق کرده است. بنابر این همه را دوست دارد. انسانهارا، گلهارا،... و حتی حیوانات را.

مخصوصاً خداوند بچه‌ها را خیلی دوست دارد. زیرا بچه‌ها پاک و بی‌گناهند. پیامبران وقتی می‌خواستند برای باران دعا کنند دستور می‌دادند تا مردم

۱ - نظیر این داستان بین ابوحنیفه وبهلوی اتفاق افتاده است.

بچه هایشان را هم برای دعا کردن بیاورند. زیرا خداوند بچه ها را دوست دارد و دعای آنها را قبول می کند.<sup>۱</sup>

### مهربانی و لطف خداوند (داستان)

مرد صیادی از میان جنگلی می گذشت؛ ناگاه گنجشکی را دید که روی درخت نشسته ولی اضطراب بی اندازه ای دارد، و جیک جیک می کند. مرد صیاد خوب دقت کرد، دید آن حیوان هر چند ثانیه می رود و بر می گردد و یک برگ را به طرف آشیانه آورده تا اینکه دور تا دور لانه خود را با آن برگهای مخصوص پر نمود و خودش روی شاخه درخت مجاور نشست و لی صیاد هنوز علت اضطراب آن حیوان را نمی داند پس از دقت و جستجوی زیاد متوجه شد مار سیاهی قصد حمله به آشیانه گنجشک را دارد و از درخت بالا می رود و گنجشک روی شاخه دیگر به انتظار نتیجه نشسته است.

در این حال صیاد دید مار به آشیانه گنجشک نزدیک شد، ولی همینکه بوی برگ ها به مشام مار رسید کم کم به عقب برگشت و افتاد معلوم شده که آن برگها برای آن مار سم کشنده بوده است.

پند تاریخ، ج ۱، ص ۹

---

۱- روز قبل مریض از بچه ها بخواهد که کاردستی یا مجسمه یا نقاشی درست کرده بیاورند. بعد از بچه هایی که کارشان زیباتر است پرسد، آیا دوست دارند که من کار او را خراب کنم یا نقاشی اش را پاره کنم؟ مسلمًا جواب می دهند: نه، در اینجا نتیجه گیری کند لطف خدا به بندگانش را.

پرسش:

- ۱- اگر بیش از یک خدا داشتیم چه می شد؟
- ۲- چند چیز را که وجود دارند ولی دیده نمی شوند نام ببرید؟
- ۳- چرا خدا مهریان است؟

## درس سوم

### قدرت خدا

#### خدا تواناست

آیا تابحال به کوه پیمایی رفته اید؟ شکل و اندازه کوهها با هم مختلف است! در بعضی از کوهها صخره هایی وجود دارد که اگر سالیان دراز هزاران سنگ تراش با وسایل پیشرفته بخواهند چنین سنگهای بزرگی را بتراسند نمی توانند. چه کسی این سنگها را تراشیده و چه کسی آنها را روی هم قرار داده است، و به این شکل زیبانگه داشته است؟

آری، اینها نمونه ای از قدرت و توانایی خداست. اگر ما بخواهیم یک کوه را با تمام کره زمین مقایسه کنیم خیلی ناچیز است؛ آن وقت خدا چقدر قدرت دارد که تمام کره زمین را ایجاد کرده است. باز اگر بخواهیم بیشتر متوجه قدرت او بشویم زمین را مقایسه کنیم با کل جهان؛ آن وقت متوجه می شویم که خداوند چقدر تواناست.<sup>۱</sup>

#### توانایی خدا (داستان)

قسمتی از ناخن‌های ادیسون در آزمایشگاه قطع شد!، دوست مهندس او

---

۱- مریمی می تواند اگر کوه در اطراف محل تبلیغ او هست، بچه هارا به دیدن کوه برد و این مطالب را در آنها بیان کند.

به دیدنش آمد و بر این حادثه تأسف خورد و گفت خیلی حیف شد که این اتفاق افتاد!

ادیسون گفت: به زودی به پزشک حاذقی مراجعه می‌کنم و او ناخن مرا بعد از چهل روز به من برمی‌گردازد!

مهندس از روی تعجب پرسید آن پزشک حاذق کیست؟

ادیسون جواب داد: خدا.

(داستانهایی از خداشناسی)

### خدا دانست

خداوند از همه چیز و همه جا خبر دارد. برای این که خدا همه چیز را آفریده است. پس از همه چیز خبر داد. × حتی اگر مورچه‌ای در دل سنگ سیاه در شب حرکت کند، به آن هم علم دارد.<sup>۱</sup>

### خداوند بی نیاز است

اگر کسی چیزی نداشته باشد و از مردم درخواست کند که به او بدهند نیازمند است. مثل آن فقیری که پول ندارد و به دیگران می‌گوید به من کمک کنید! اما کسی که همه چیز داشته باشد و همه چیز را خودش آفریده و هر وقت هم بخواهد می‌تواند چیزهای دیگری بیافریند، و همه دستشان را پیش او دراز می‌کنند تا چیزی به آنها بدهد، به چه کسی نیازمند است؟ پس خداوند از همه بی نیاز است.

۱ - مربی از یکی بچه‌ها که کیف دارد می‌خواهد که محتویات کیفیش را خالی کرده و دوباره با دقت تمام آنها را در کیف بگذارد. آنگاه از او پرسید که چه چیزهایی در کیف دارد و یا کجاست؟ مسلماً جواب درست می‌دهد برای اینکه خودش آنها را گذاشته، پس خدا هم که همه چیز را خودش آفریده و هر چیزی را در جای خودش قرار داده است از همه اطلاع دارد.

### خدا عادل است

اگر معلمی در امتحان به تمام دانش آموزان کلاس، از در سخوان تا تبل و بی سواد، نمره ۲۰ بدهد؛ چطور معلمی است؟ و اگر معلمی در امتحان به تمام دانش آموزان نمره صفر بدهد؛ چطور معلمی است؟ هیچ کدام، زیرا معلم خوب کسی است که نمره‌ای را که حق هر دانش آموز است به او بدهد. و اگر به همه ۲۰ بدهد ظلم کرده و اگر به همه هم صفر بدهد باز هم ظلم کرده است.

این که میگوئیم خدا عادل است یعنی این که خداوند هیچ گاه زحمات و کارهای هیچ یک از بندگانش را نادیده نمی‌گیرد و پاداش و جزایی که به آنها می‌دهد، مطابق کار و تلاشی است که کرده‌اند. و هریک از گناهکاران را بیشتر از گناهشان تنبیه نمی‌کند.<sup>۱</sup>

---

۱- مربی می‌تواند یک تکلیف از دانش آموزان بخواهد و ابتداءً همه تکالیف را نمره صفر بدهد و بعد همه را نمره ۲۰ بدهد و بعد هر کسی را بر طبق حق خود نمره بدهد و نتیجه گیری کند که عدل بهتر است و عدل چیست.

## خدا

تو خدای بی شریکی تویگانه‌ای و دانا

تو که خوب و مهربانی توکه پاکی و توانا

\*\*\*

تو در آن زمان که نامی زجهان نبود، بودی

در بسته جهان را به جهانیان گشودی

\*\*\*

توبه گوش ابر خواندی که از آسمان ببارد

توبه آفتاب گفتی به زمین قدم گذارد

\*\*\*

توبه چشم‌هیاد دادی زدل زمین بجوشد

به گیاه تشنه گفتی که از آب آن بنوشد

\*\*\*

توبه ژاله امر کردی که به برگ گل نشیند

به خزان اجازه دادی که گل از چمن بچیند

\*\*\*

به هزار نقش زیبا گل و سبزه را کشیدی

شب و روز و کوه و دریا همه را تو آفریدی

\*\*\*

تو که ای، چه ای، کجاي؟! به خدا هر آنچه هستي

تو، خدا، همیشه بودی تو، خدا، همیشه هستی.<sup>۱</sup>

«ناصر علی اکبر سلطان»

<sup>۱</sup> مرتبی از بچه‌ها بخواهد تا شعر را حفظ کرده و بصورت دست‌جمعی بصورت سرود بخوانند.

پرسش:

- ۱- دلیل توانایی خدا چیست؟
- ۲- چرا خدا داناست؟
- ۳- چگونه خداوند عادل است؟

## درس چهارم

### اصل نبوت

#### یک تمثیل

از طرف مدیر دبستان<sup>۱</sup> اعلام شده است که همه بچه ها فردا باید در اردو شرکت کنند، هیچ کس همراه خود چیزی نیاورد (خوراکی وسائل بازی - کتاب و...).

همه بچه ها خوشحال می شوند، بعضی از بچه ها از خوشحالی خوابشان نمی برد، یا اگر شب بخوابند از پدر و مادر خود می خواهند که صبح زود آنها را بیدار کنند، یا ساعت زنگ دار بالای سر شان می گذارند تا به موقع بیدار شوند.

صبح روز بعد، همه بچه ها آماده رفتن اردو به دبستان آمده اند، ماشین ها آمده اند تا آنها را سوار کنند. با صدای زنگ مدرسه همگی صفحه می بندند و بعد منظم و مرتب به طرف اتوبوس حرکت کرده سوار می شوند.

ماشین حرکت می کند و بعد از مدتی به محل اردوگاه می رسد. ترمز کرده و می ایستد، راننده از جای خود بلند می شود و درب ماشین را باز می کند: بچه ها همه به سلامت پیاده می شوند و ماشین بر می گردد. برای چند لحظه بچه ها شلوغ می کنند و می خندند، اما ناگهان همه ناراحت می شوند. چرا؟

برای اینکه هیچ یک از مسئولین مدرسه به همراه آنان نیامده است؛ والان

۱- مربی می تواند این تمثیل را خودش در یک اردو اجراء نماید با در نظر گرفتن سایر جواب و نقش نبوت را نتیجه گیری کند.

آنها نمی دانند چه باید بکنند، کجا بروند، کجا استراحت کنند، غذا کجاست، اگر خطری پیش آمد چه کنند؟ تا کی اینجا هستند و بعد با چه وسیله‌ای باید برگردند؟

همه از مدیر مدرسه عصبانی هستند که چرا کسی را به همراه آنان نفرستاده است؟ نه مربی، نه معلم... کم ناراحتی بچه‌ها زیاد می‌شود، چند نفر در گوش و کنار مشغول گریه‌اند و دیگران هم...

ناگهان از دور یک ماشین پیدا می‌شود؛ همه ماشین را به همدیگر نشان می‌دهند. ماشین نزدیک و نزدیک‌تر می‌شود؛ یک تاکسی است. به بچه‌ها می‌رسد؛ می‌ایستد. یک نفر از آن پیاده می‌شود و تاکسی بر می‌گردد. بچه‌ها تاکنون او را ندیده‌اند، آن مرد به طرف بچه‌ها می‌آید و می‌گوید؛ بچه‌ها! همه جمع شوید! زودتر! همه جمع می‌شوند.

بچه‌ها سلام علیکم، آقای مدیر جلسه داشتند و نتوانستند بیایند بقیه معلمان و مربیان هم نتوانستند بیایند، به همین خاطر مرا فرستاده‌اند تا در خدمت شما باشم و شما را در این اردو راهنمایی کنم!

چند نفر از بچه‌های زرنگ در گوش همدیگر می‌گویند: ما این آقا را ندیده‌ایم، اورانمی‌شناسیم، نکند نقشه‌ای داشته باشد... و یکی از آنها می‌گوید: آقا ما شمارانمی‌شناسیم؛ از کجا بدایم که شماراست می‌گوئید؟ بقیه بچه‌ها هم حرف اوراتأید می‌کنند، آقا اجازه، ما شمارانمی‌شناسیم آقا... آقا...

آن مرد با مهربانی لبخندی می‌زند و می‌گوید آفرین بر شما بچه‌های خوب و زرنگ، حرف بسیار خوبی زدید؛ من به شما حقّ می‌دهم که چنین چیزی را از من بخواهید. بله، آقای مدیر هم به همین خاطر به من یک معرفی نامه داده‌اند که هم امضاء مدیر و هم مهر مدرسه را دارد. و آنگاه ورقه را درآورده به بچه‌ها نشان می‌دهد. بچه‌ها می‌بینند که دست خط مدیر مدرسه است؛ امضاء هم امضاء

اوست؟ مهر هم مهر دبستان است؛ همه خوشحال می‌شوند و با کمال میل به راهنمایی‌ها و دستورات او گوش می‌دهند و تا عصر یک روز بیاد ماندنی را می‌گذرانند.

آری برای یک اردی یک روزه حتماً باید یک مربی و یک راهنمای باشد. آیا برای زندگی چندین ساله در این جهان خداوند باید برای راهنمایی ما مربی و راهنمای بفرستد؟

خداوند متعال برای راهنمایی و هدایت همه انسانها پیامبران را فرستاده است و اگر آنها نبودند ما نمی‌دانستیم چطور زندگی کنیم؟ چه کارهایی خوب است؟ چه کارهایی بد است؟ فرستادن پیامبران، همان اصل نبوت است.

از داستان قبل نتیجه گرفته شد که حتماً باید همراه داشش آموزان که به اردو رفته‌اند، یک مربی برود و آنها را راهنمایی کند؟ چرا؟

برای این که جاهایی را که نمی‌دانند به آنها یاد بدهد و آنها را از انجام کارهای خطرناک باز دارد و نگذارد که به جاهای خطرناک بروند تا دچار مشکلات نشوند و مشکلات آنان را حل نماید.

خوب از این وظیفه‌ای که بر عهده دارد معلوم می‌شود که مربی باید همه جای این اردوگاه را بداند و خودش به دنبال خطرات نرود. (عصمت). چون اگر خودش گرفتار خطری شد، چطور می‌تواند دیگران را از خطر نجات دهد؟ در مورد فرستادگان خدا هم همینظور است. که آنها باید از همه مطالبی که مردم به آن نیاز دارند آگاه باشند و خداوند مسائلی را که نمی‌دانند به آنها می‌گوید و اطلاعات لازم را در اختیار آنان می‌گذارد (وحی). و ثانیاً چون برای راهنمایی و هدایت مردم آمده‌اند، باید خودشان دچار خطرات، گناهان و لغزش‌ها نباشند که این را عصمت<sup>۱</sup> پیامبران می‌گوئیم. آیا اگر پیامبری خودش دروغ بگوید،

۱ - مربی می‌تواند برای روشن شدن «عصمت» داستانهایی از زندگی پیامبران نقل کند مثل داستان حضرت یوسف (برای پسرها). داستان حضرت محمد و امین بودن او حتی قبل از پیامبری.

می تواند از دیگران بخواهد که دروغگو نباشند؟ پس معلوم می شود که پیامبران واقعی هیچ گونه گناهی را انجام نمی دهند و اگر دیدیم کسی که می گوید من پیامبر هستم گناهی را انجام می دهد، معلوم می شود که پیامبر واقعی نیست.

### معجزه:

در داستان قبل گفته شد که دانش آموزانی که به اردو رفته بودند، تا نامه مدیر دبستان و مهر و امضاء او را ندیدند به حرفهای آن مرد گوش ندادند. چرا؟ برای اینکه ممکن بود آن مرد دروغ بگوید و در نتیجه برای آنها خطراتی به وجود بیاورد. پس بسیار کار خوبی کردند که از او خواستند معرفی نامه نشان بدهند.

در مورد فرستادگان خداوند هم همینطور است که گاهی، یک نفر دروغگو برای فریب دادن و گمراه کردن مردم، خود را پیغمبر معرفی می کند، اما دروغ می گوید. به همین خاطر خداوند به فرستادگان خود معرفی نامه هایی داده است. آن معرفی نامه معجزه است. و پیامبر واقعی باید معجزه داشته باشد؛ یعنی باید کاری انجام دهد که انسانهای دیگر نتوانند انجام دهند.

خداوند به پیامبران واقعی قدرت داده است تا کارهایی که دیگران نمی توانند انجام دهند، آنها انجام دهند؛ مثل اینکه به حضرت عیسی قدرت داده بود تا مرده را زنده کند، یا کور را شفا دهد و بینا کند، یا به حضرت موسی قدرت داد تا چوبیدستی خود را به اژدها تبدیل کند، یا به حضرت صالح قدرت داد تا یک شتر زنده را از میان کوه درآورد، و....

راه دیگر شناخت پیامبران واقعی آن است که پیامبر قبل از او آمدنش را خبر می دهد مثلاً حضرت عیسی علیه السلام از آمدن پیامبری به نام حضرت محمد(ص) خبر داده بود و حتی نشانه های ظاهری که در اندام آن حضرت بود.

بیان نموده بود.<sup>۱</sup>

#### اطلیفه:

در زمانهای قدیم آدم شکمومی ادعای پیغمبری کرد. خبر این ادعا در همه جا پخش شده و به گوش پادشاه و وزیر او هم رسید. وزیر که فردانایی بود او را دستگیر کرده و به آشپزخانه دربار فرستاد که در آنجا بهترین غذاها درست می‌شد و به آشپزها گفت: این مرد هر غذایی را خواست بخورد با او کاری نداشته باشد. بعد از چند روز وزیر آن پیغمبر دروغین را خواست واز او پرسید: آیا به تازگی از طرف خدا به تو وحی نشده است؟

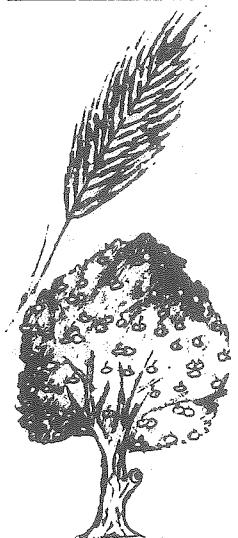
پیغمبر دروغین در جواب گفت: چرا، به تازگی وحی رسید که از این آشپزخانه بیرون مرو!

۱ - مریم می‌تواند داستانهایی از راهب‌های مسیحی که در برخورد با حضرت محمد(ص) نشانه‌هایی را که حضرت مسیح(ع) درباره ایشان گفته بود در ایشان دیده و مسلمان شدن را بیان نماید.

پرسش:

- ۱ - اگر مدیر دبستان برای اردوی بچه‌ها، مربی نمی‌فرستاد چه می‌شد؟
- ۲ - راه شناخت پیامبران واقعی از پیامبران دروغین چیست؟
- ۳ - چرا افراد نادان و گناهکار نمی‌توانند پیامبر باشند؟
- ۴ - پیامبران چیزهایی را که نمی‌دانند چگونه یاد می‌گیرند؟ (وحی)

خوشه گندم



دانه گندم

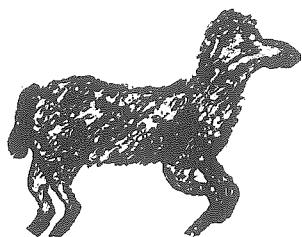


درخت سیب

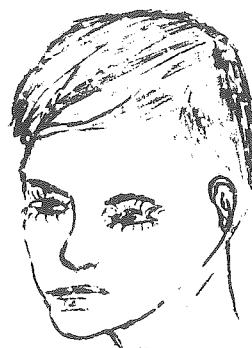


نهال سیب

گوسفند



بره یا بزغاله

بزرگسال<sup>۱</sup>

کودک

۱ - مربی می تواند برای بیان هدایت در تمام موجودات. و هدایت در انسان طرح بالا را کشیده (تصورت کپی) در اختیار بچه ها بگذارد تا آن را رنگ کنند یا خودش آن را روی تخته سیاه کشیده و از بچه ها بخواهد آن را رنگ کنند بعد از آن با توضیحاتی مسئله هدایت در تمام موجودات، و هدایت در انسان، و فرق هدایت در انسان با هدایت حیوانات و نیاز انسان به هدایتگر (انیاء) را بیان کند.

خدای بزرگ از زمانی که انسانها را آفریده، در هر زمان پیامبری از بین آنها برایشان انتخاب فرموده است تا راه و روش زندگی درست و استفاده از نعمت‌های خداوند را به آنها یاموزند.

خداوند با تقواترین، داناترین، خوش اخلاق‌ترین و زیباترین انسان را در هر زمان انتخاب کرده و کار هدایت و رهبری مردم را بر دوش او می‌گذشت و به همه مردم می‌گفت که باید از پیامبران اطاعت نمایند.

اولین پیامبر حضرت آدم(ع) و آخرین پیامبر حضرت محمد(ص) است و خداوند متعال در حدود ۱۲۴ هزار پیامبر برای راهنمایی و ارشاد مردم فرستاده است.<sup>۱</sup>

این پیامبران هرچه را به مردم می‌گفتند، ابتدا خودشان انجام می‌دادند و از همه مردم درستکارتر بودند سرگذشت و زندگی آنها برای مادرس بزرگی است.

۱- مربی می‌تواند معماهایی درباره اسماء پیامبران طرح کرده و پرسید مثلاً: چند پیامبر را نام بیرید که اول اسم آنها «الف» باشد.؟ ایوب-آدم-ادریس-ابراهیم-اسماعیل و... .  
چند پیامبر را نام بیرید که اول اسمشان «ی» باشد: یوسف-یعقوب-یونس-یوشع... .  
چند پیامبر را نام بیرید که اسمشان در قرآن آمده است.  
چند سوره را نام بیرید که به اسم یکی از پیامبران است.

## درس پنجم

### صفات انبیا

۱- اطاعت از دستورات خدا؛<sup>۱</sup>

۲- مبارزة با ظلم و ستم؛<sup>۲</sup>

۳- بزرگ شدن در سختیها و مشکلات زندگی؛<sup>۳</sup>

۴- مهربان بودن با مردم؛<sup>۴</sup>

۵- تحمل سختیها در راه خدا؛<sup>۵</sup>

۶- کار و تلاش مانند بقیه مردم؛<sup>۶</sup>

---

۱- مریم در اینجا داستان حضرت ابراهیم و آمادگی کامل او برای قربانی کردن حضرت اسماعیل را گفته و نتیجه گیری می کند که حضرت ابراهیم از خدای خود اطاعت کامل کرده است.

۲- مریم داستان حضرت ابراهیم و نمرود یا موسی و فرعون را بطور مفصل و شیرین برای بچه ها بیان کرده و نتیجه گیری کند.

۳- مریم داستان زندگی موسی و چوپانی کردن اجیر بودن او را برای حضرت شعیب بیان کند و نتیجه گیری کند.

۴- مریم داستان زندگی حضرت یوسف و مهربانی او بازندانیان و با مردم در زمان قحطی و با برادرانش را بیان کرده و نتیجه گیری کند.

۵- مریم داستان زندگی حضرت نوح و تحمل تمسخرها و آزار و اذیت ها را بیان کند یا داستان حرث ابراهیم و تحمل شکنجه و انداختن در آتش- یا داستان حضرت موسی تحمل آزار و اذیت فرعون و ... را بیان کند.

۶- مریم می تواند اول بصورت معما مطرح کند که کدام پیامبر بود که نجار بود؟ کدام پیامبر بود که زره می بافت؟ کدام پیامبر بود که چوپانی می کرد؟ پرسیده و بعد داستانهای از زندگی آنها در مورد کار کردن آنان بیان کند.

۷- کمک به فقرا و محروم‌ان و یتیمان<sup>۱</sup>.

از میان همهٔ پیامبران بعضی از آنها هستند که خداوند کتاب آسمانی به آنها داده است و بقیهٔ پیامبران وظیفه دارند که با کتاب آسمانی که پیامبر قبل از او داشته است مردم را راهنمایی کنند.

### پیامبران اولوالعزم

پیامبرانی را که دارای کتاب آسمانی هستند پیامبران «اولوالعزم» می‌گوئیم.

آیا می‌توانید پیامبران اولوالعزم را نام ببرید؟<sup>۲</sup>

اسامی کتابهای آسمانی آنها را بگوئید.

---

۱- مریبی می‌تواند داستان حضرت خضر و کمک او بچه یتیم و ... را بیان کند و تعلیم بگیرد.  
۲- مریبی محترم این دو سؤال را به صورت معملاً مطرح کرده تا بچه‌ها جواب دهند.

پرسش:

- ۱- اولین و آخرین پیامبر را نام ببرید.
- ۲- پنج صفت از صفات پیامران را نام ببرید.
- ۳- داستانی از خوش رفتاری حضرت یوسف با مردم و مستضعفان بیان کنید.

## درس ششم

### صفات پیامبر اسلام(ص)

#### خلاصه‌ای از زندگی آن حضرت<sup>۱</sup>

حضرت محمد(ص) در شهر مکه، از خانواده‌ای پاک و مشهور به بخشش و سخاوت متولد شد. پدرش حضرت «عبدالله» از جوانان پاکدامن و خوشنام «بنی هاشم»، و مادرش حضرت «آمنه» از زنان باعفت و تقوی بود. او در دامان جدّ بزرگوارش حضرت عبدالملک و عمومی عزیزش حضرت ابوطالب تربیت گردید.

آن حضرت از همان کودکی، شجاع، راستگو، بخشندۀ، پاک، بزرگوار و باوقار بود؛ و در سخت‌ترین شرایط زندگی قرار داشت. زیرا هنوز به دنیا نیامده بودند که پدر گرامی خود را از دست دادند و در سن ۶ سالگی مادر گرامی خود را از دست دادند با مشکلات زیادی روپروردند:

این کودک یتیم کم بزرگ می‌شود و علاقه مردم را به خود جلب می‌کند تا جایی که مردم به او لقب «امین» می‌دهند و او را امانت دار خود قرار می‌دهند و اختلافات خود را پیش او حل می‌کنند. در اثر لیاقت و شایستگی که در آن حضرت وجود داشت خداوند او را در سن ۴۰ سالگی به پیغمبری

---

۱- لازم است مربی زندگینامه آن حضرت را از کتابهای مفید مطالعه کرده و قسمتهای شیرین آن را برای بچه‌ها بیان کند.

مبعوث کرد.<sup>۱</sup>

### معجزه آن حضرت:

می دانیم که هر پیامبری باید معجزه داشته باشد. پیامبر گرام اسلام(ص) معجزات زیادی داشتند که بزرگترین آنها کتاب آسمانی «قرآن» است.

هرگاه کافران از آن حضرت معجزه می خواستند ایشان می فرمودند: معجزه من همین قرآن است که از طرف خدا بر من نازل شده است اگر می توانید یک سوره مانند آن بیاورید و هیچ کس نتوانست سوره‌ای مانند یکی از سوره‌ها قرآن بیاورد.

علاوه بر قرآن مجید، پیامبر اکرم(ص) معجزات دیگری هم داشتند؛ مثلاً یک بار قریش در مکه از آن حضرت درخواست معجزه کردند، پیامبر(ص) به ماه اشاره کردند و ماه از وسط دو نیم شد.

از این معجزات در زندگی آن حضرت فراوان دیده می شود.<sup>۲</sup>  
سرانجام پیامبر اکرم(ص) پس از ۲۳ سال نبوت، در سن ۶۳ سالگی، رحلت فرمودند. قبر مبارک آن حضرت اکنون در شهر مدینه قرار دارد.

### رفتار با کودکان

حضرت محمد صلی الله علیه وآلہ وسالم کو کودکان سلام می کرد و با آنها مهریان بود. آنها را روی زانوی خویش نشانده و دست محبت بر سر و رویشان می کشید. مادران، کودکان خود را به وی می دادند که برایشان دعا کند.

یک بار کودکی بر روی جامه پیامبر بول کرد. مادرش ناراحت شد و خواست

۱- مریم داستان غار حرا و عبادت‌های حضرت را و مبعوث شدن حضرت را به صورت شیرین بیان کند.

۲- مریم داستانهایی درباره معجزات آن حضرت بیان کرده و توضیح دهد که این قدرت را خدا به آن حضرت داده است.

از ادرار او جلوگیری کند. حضرت او را به شدت از این کار منع کرده و فرمود: مانع ادرار کودک نشوید، این که جامهٔ من نجس بشود اهمیتی ندارد آن را پاک کرده و آب می‌کشم.

### رفتار با مردم

از مردم باروی خوش استقبال می‌کرد. اگر سه روز یکی از یارانش را نمی‌دید سراغش را می‌گرفت. اگر مريض بود به عيادتش می‌رفت و اگر گرفتاري داشت به او کمک می‌کرد. در کارها با مردم شركت می‌کرد و دوست نداشت بنشيند و دیگران برای او کار کنند.

### وفاداری

عمّار یاسر گوید: قبل از بعثت من و حضرت با هم چوپانی می‌کردیم. یک روز پیشنهاد کردم که فلان چراگاه برای گوسفند چرانی خوب است، فردا به آنجا برویم. حضرت هم پذیرفت. فردا به آنجا رفتم، دیدم پیامبر(ص) قبل از من به آنجا آمده است، ولی گوسفندان خود را از چریدن باز می‌دارد. از علت این کار سؤال کردم، فرمود: چون وعدهٔ من و تو این بود که با هم شروع کنیم، نخواستم گوسفندان من قبل از گوسفندان تو از چراگاه استفاده کنند.<sup>۱</sup>

### گذشت و بخشش حضرت محمد(ص)

روزی پیامبر اکرم(ص) در بیابانی تنها زیر درختی استراحت کرده بود. یکی از دشمنان او را شناخت و با شمشیر کشیده بر آن حضرت حمله ور شد. همانگونه که پیغمبر صلی الله علیه وآلہ راحت آرمیده بود، خطاب کرد و گفت کیست که تو

۱- مربی می‌تواند صفات دیگر از پیامبر اکرم(ص) را به هر آه داستان بیان کند. مانند نظم و استقامت - نظافت و... صفات دیگر.

را از این شمشیر برآن من نجات بدهد؟  
پیغمبر صلی الله علیه وآلہ بدون آن که به خود اضطرابی راه دهد، جواب داد:  
«خدا».

دشمن با شتاب شمشیر را فرود آورد اما شمشیر از دستش افتاد.  
پیغمبر صلی الله علیه وآلہ بیدرنگ برخاست و شمشیر را برگرفت و با او فرمود:  
«کیست که تو را از این شمشیر نجات بخشد؟  
او که جز ترس و وحشت جوابی نداشت گفت: هیچ کس  
پیغمبر او را بخشید و از او درگذشت و فرمود: از من یاد بگیر که چگونه  
می‌توان رحم داشت. او از دوستان آن حضرت شد.

### خاتم پیامبران

آیا می‌دانید آخرین پیامبر کیست؟ چرا؟  
آخرین پیامبر حضرت محمد(ص) است و بعد از او پیامبری نخواهد آمد.  
برای اینکه دین او (اسلام) کاملترین دینهاست و همه احتياجات انسانها با عمل به  
دستورات این دین برآورده می‌شود.  
تفاوت میان حضرت محمد(ص) و دیگر پیامبران این است که رسالت آنها از  
جهت یا جهاتی محدود بود و جاودانی نبود. آنها برای هدایت یک یا چند قوم  
مبعوث شده بودند و ادعانمی کردند که رسالت و پیامبری شان ابدی باشد.  
بعد از حضرت محمد صلی الله علیه وآلہ دیگر از جانب خداوند پیامبری  
فرستاده نشده و نخواهد شد. البته بعضی از افراد حقه باز و حیله گر در زمان آن  
حضرت یا بعد از وفات آن حضرت ادعای پیغمبری کردند، اما خیلی زود رسوا  
شدند.<sup>۱</sup>

۱- مریبی می‌تواند داستانهای دیگر از پیامبران دروغین و رسوانی آنها را بیان کند.

پرسش:

- ۱- معجزه بزرگ حضرت محمد(ص) چیست؟
- ۲- رفتار حضرت محمد(ص) با کودکان چگونه بود؟
- ۳- چرا حضرت محمد(ص) خاتم پیامبران است؟

## درس هفتم

### معاد ۱

معاد یعنی؛ بازگشت به سوی خدا، بعد از مردن.

#### به یاد مدرسه<sup>۱</sup>

یادتان می‌آید، اول سال، زنگ مدرسه به صدا درمی‌آید، شاگردان به صاف می‌ایستند، یکی کیف و دفتر آورده، یکی دست خالی است، بعضی مرتب و ساكت اند و عده‌ای دیگر نامرتب و پُر سرو صدا، در این وضعیت به آنها زیاد سخت نمی‌گیرند چون هنوز معلمی ندارند تا به آنها بگوید وظيفة تان چیست چه کتابهای را تهیه کنید و چگونه درس بخوانید.

بعد از مدتی ناظم مدرسه کلاس درس را به بچه‌ها نشان می‌دهد، همه روی نیمکتها می‌نشینند و در این فکرند که معلم کی می‌آید. چشمها بشان به درب کلاس دوخته شده است، درب باز می‌شود، مدیر مدرسه، آقای معلم را معرفی می‌کند. معلم، سال جدید تحصیلی را تبریک می‌گوید و سپس کتابها و برنامه درسی را اعلام می‌کند و به بچه‌ها می‌گوید اگر می‌خواهید در این سال تحصیلی موفق شوید باید زیاد تلاش کنید . . . .

۱- اثبات ضرورت معا از راه عدل خداوند.

در این سال بچه ها دو دسته خواهند بود، بعضی از آنها به موقع در کلاس حاضر می شوند، به درسهای معلم توجه دارند، مشقها را خانه را انجام می دهند، تمرینهای ریاضیشان را درست حل می کنند، انشایشان را خودشان می نویسند و در آخر سال با آمادگی کامل در جلسه امتحان حاضر می شوند و سؤالهای امتحانی را موبه مو پاسخ می دهند. اما عده ای دیگر، هر وقت دلشان خواست به کلاس می آیند، به درسهای معلم توجه ندارند، برنامه و شرائط مدرسه را نادیده می گیرند، مشقها را نمی نویسند، تمرینهایشان را یا انجام نمی دهند یا ناقص می گذارند و یا از روی دفتر دیگران حل می کنند و در آخر سال با تنبی و بی حوصلگی بر سر جلسه امتحان حاضر می شوند و در پاسخ به سؤالها می مانند و در آخر برگه سفید به معلم تحويل می دهند.

به نظر شما آیا این دو گروه یکسانند؟

حال که فرق دارند آیا نباید نتیجه امتحانات اعلام پشود تا شاگردان خوب و زرنگ نمره خوبشان را ببینند و احیاناً جایزه بگیرند؟ و شاگردان بد، از نمره بدشان خجالت بکشند و تنبی بشوند؟

اگر چنین شود، دانش آموزان خوب و درسخوان می گویند به به! چه مدیر و معلمان خوبی! آنها به قولشان عمل کر دند، آنها عادل بودند و به ما ظلم نکردند و زحمتهای ما را هدر ندادند.

ما انسانها نیز مثل دانش آموزان هستیم و دنیا مدرسه ما است، خداوند که عادل است (یعنی ظلم نمی کند) پیامبران و امامان را فرستاده است تا معلمهای ما باشند و کتاب قرآن را به ما بیاموزند.

انسانها نیز مانند دانش آموزان دو دسته اند: دسته ای به سخنان پیامبران و امامان گوش می دهند، قرآن را یاد می گیرند و به دستوراتش عمل می کنند، خوش اخلاق می شوند، به دیگران احترام می گذارند، آنان را یاری می دهند و کسی را آزار نمی دهند و ...

ولی دسته‌ای دیگر به سخنان پیامبران و امامان گوش نمی‌دهند، قرآن را یاد نمی‌گیرند، به دستوراتش عمل نمی‌کنند، بد اخلاق هستند، به دیگران احترام نمی‌گذارند، آنان را در مشکلات یاری نمی‌دهند، بلکه مردم را آزار می‌دهند و اذیت می‌کنند.

آیا این دو گروه با هم یکسان هستند؟

آیا باید یک روزی باشد تا به حساب این دو گروه رسیدگی شود؟ خدا چون عادل است و به وعده‌هایی که توسط پیامبران و امامانش داده است عمل می‌کند، یک چنین روزی را قرار داده است و فرموده: وقتی انسانها مردند ما دوباره آنها را زنده می‌کنیم تا نتیجه رفتارشان را ببینند، خوبان به «بهشت» و بدان به «جهنم» بروند.

آن روز «روز آخرت» نام دارد آیا شما می‌توانید نامهای دیگر آن را بگویید؟

### باز هم به یاد مدرسه

بعد از امتحان، همه برگه‌های امتحان را تحويل می‌دهند و از جلسه خارج می‌شوند، چندین روز طول می‌کشد تا نتیجه نهایی را به دانش‌آموزان اعلام کنند، در این مدت هرکس تا حدودی می‌داند که چه کرده است، اگر سؤالها را خوب جواب داده است هر روز با خوشحالی به نتیجه خوبی که در پیش دارد می‌اندیشد و آفرینهای پدر، مادر، برادر، خواهر و دوستان، در فکرش رژه می‌روند. اما اگر سؤالها را خوب جواب نداده باشد، همینطور در حالت اندوه و افسردگی به سر می‌برد تا روزی که نتیجه نهایی اعلام شود.

### عالی بزرخ

انسانها نیز همینطور هستند، بعد از اینکه می‌مرند مدتی طول می‌کشد تا روز آخرت فرا رسد و نتیجه نهایی را به آنها اعلام کنند، این مدت را «برزخ» می‌نامند،

پس بروزخ فاصله بین دنیا و آخرت است.

عالیم بروزخ، برای انسان نیکوکار، قسمتی از بهشت است. برای همین، در این مدت او در راحتی و آسایش به سر می‌برد؛ اماً برای انسان بدکار، گودالی از گودالهای جهنم است و برخی از عذابهایی را که باید در جهنم بچشد، در آنجا می‌چشد، برای همین در این مدت به او خیلی سخت می‌گذرد.  
برای روشنتر شدن این درس به نمودار زیر توجه کنید.



پرسش

- ۱ - دنیایی که درین زندگی می‌کنیم چه شباهتی به مدرسه دارد؟
- ۲ - روز قیامت چه روزی است؟
- ۳ - اگر قیامت نباشد چه می‌شود؟

## درس هشتم

### معاد ۲

#### راه رسیدن به بهشت

در درس گذشته بهشت و جهنم را شناختید، به نظر شما کدامیک از آنها خوب است؟

حال که بهشت را انتخاب کردید، آیا می دانید که خدا بهشت را مجانی به کسی نمی دهد؟ فکر می کنید، برای رسیدن به این جایزه باید برای اجتماع و پدر و مادر چگونه فرزندی باشیم؟

#### جدول

با همدیگر یک جدول را حل می کنیم تا بهترین پاسخ را برای این سؤال به دست آوریم<sup>۱</sup>، برای به دست آوردن رمز جدول:

الف: خانه های خالی را با پاسخ به سؤالهای داده شده، پُر نمایید:

۱- ابزار سخن گویی؟ ..... (۳-۲۰-۷-۴)

<sup>۱</sup>- جدول مذکور که به جهت رمز مورد نظر به شکل یک گل می باشد، در آخر این درس آمده است، مریم محترم می تواند به شکلهای دیگر و یا به صورت ساده یک جدول رسم نماید، این جدول باید ۲۶ خانه داشته باشد.

- ۲- هدایت کننده؟ (لقب امام دهم) ..... (۱۷-۱۸-۵-۱۹)
- ۳- در فوتیال می‌زنند، در باغ می‌بینند؟ ..... (۱۵-۱۶)
- ۴- با آسایش همراه است؟ ..... (۲-۱-۱۳-۲۱)
- ۵- زیبائیست؟ ..... (۱۴-۲۲-۲۳)
- ۶- آشتی کردن؟ ..... (۶-۸-۹)
- ۷- حیوان وفادار؟ ..... (۲۵-۱۰)
- ب - بعد از تکمیل جدول، حروف به دست آمده را به ترتیب شماره، کنار هم بچینید، جمله‌ای به دست می‌آید که رمز جدول است، این جمله، ترجمه حدیثی<sup>۱</sup> از پیامبر اکرم (ص) می‌باشد.

### فرزند بهشتی

حال که جدول را به خوبی حل کردید، آیا می‌توانید بگویید فرزند بهشتی کیست؟

بله! درست است «فرزند صالح»؛ فرزند صالح یعنی فرزند خوب و نیکوکار. فرزند صالح، به پدر و مادرش، به دوستان و خویشاوندانش احترام می‌گذارد، خوش اخلاق است، دیگران را مسخره نمی‌کند، آزارش به کسی نمی‌رسد، از دوستان بد کناره گیری می‌کند، قرآن را یاد می‌گیرد، به دستوراتش عمل می‌کند، نمازش را می‌خواند، سعی می‌کند به مسجد برود، اگر کسی به کمک او نیاز داشت کوتاهی نمی‌کند، در درسهایش می‌کوشد تا فرد مفیدی برای جامعه باشد، از زحمتهای معلمش قدردانی می‌کند.

البته در کنار اینها خوب است که به سرگرمی‌ها، ورزش و تفریهای سالم نیز

۱- قال رسول الله(ص): «أَلَوْكُدُ الصَّالِحُ رِيْحَانَةً مِنْ رِيَاحِينِ الْجَنَّةِ»  
فرزند صالح، گلی از گلهای بهشت است.

(میزان الحكمه، ج ۱۰، ص ۷۰۲)

اهمیت بدهد زیرا که عقل سالم در بدن سالم است.

### یادی از بهشت

انسان صالح و نیکوکار وقتی از این دنیا می‌رود مثل این است که گلی خوشبو را می‌بوید، ملائکه دور او را می‌گیرند و بهشت را به او بشارت می‌دهند و به او می‌گویند دیگر سختیها و رنجها به سر آمده است، اینک خدا می‌خواهد به وعده‌هایی که به تو داده است عمل کند. او وارد بهشت می‌شود در آنجا سایه‌های دائمی هست و سرما و گرمای شدید آزارش نمی‌دهند. چهره اش سفید و درخشان می‌شود او خندان است و می‌گوید: پرونده افتخارآمیز مرا بخوانید. ملائکه به او لباسهای زیبایی از ابریشم سبز رنگ و طلا می‌پوشانند، او را به زیورهایی از لئلو و نقره می‌آراند.

او با پیامبران، امامان، شهداء و نیکوکاران نشست و برخاست می‌کند. بین آنها کینه و حسادت نیست، حرفهای بیهوده نمی‌شنوند. در باغهای سرسبزی که شاخ و برگهایش در هم پیچیده است قدم می‌زنند و از میوه‌ها و گوشت لذیذ پرنده‌های بهشتی می‌خورند. از آبهای زلال، شیرها و عسلهای خوشمزه می‌نوشند و هر آرزوی دیگری که داشته باشند فوراً برآورده می‌شود.

آنان می‌گویند دلیل بهشت رفتن ما، تربیت اولاً دو خانواده مان بود.<sup>۱</sup>

۱- در این بحث از کتاب معاد از آقای قراتی نیز استفاده شده است.

### پرسش

- ۱- فرزند صالح چه کسی است؟ چه کارهایی انجام می دهد.
- ۲- انسانهای خوب و نیکو کار چگونه به بهشت وارد می شوند.
- ۳- انسان صالح در بهشت با چه کسانی همتشیخ است.

## جدول فرزند بهشتی مربوط به درس :



## درس نهم

### امامت ۱

امامت؛ یعنی جانشینی پیامبر(ص) و رهبری مردم.

امام کیست؟ کسی است که پیامبر(ص) با اجازه خدا، او را به جانشینی خود برگزید تا بعد از او مردم را رهبری کند.

- «کشتی نجات» . -

همانگونه که ماشین راننده دارد، کشتی رانیز یک نفر به حرکت در می آورد که او را «ناخدای کشتی» می گویند.

اگر یک روز ناخدای کشتی که از محل خوش آب و هوا، خبر دارد با تلاش و تشویق از مردم بخواهد که با او به سفر بیایند و گفته های او در دل مردم بنشینند،

---

۱- بحث مزبور، اصل امامت و همچنین امامت علی(ع) به طور غیر مستقیم اثبات می کند طرح و قالب آن با الهام از فرمایش پیامبر(ص) می باشد که فرموده است: «مَنْ أَهْلِ بَيْتٍ مُّثْلُ سَيِّدِنَا وَرَبِّنَا نُوحٌ، مَنْ تَحَلَّفَ عَنْهَا غُرْقٌ»

اهل بیت من هاند کشتی نوح اند، کسی که بر آن کشتی سوار شود نجات می یابد و کسی که از آن دوری کند غرق می شود.

(میزان الحکمة، ج ۹، ص ۸۶.)

مربی محترم می تواند علاوه بر این مثال از مثالهای دیگر همانند ماشین و راننده، هوایپما و خلبان و ... نیز استفاده نماید. و لازم است که در ابتداء مقداری روی نقش خلبان یا ناخداد یا راننده توضیح دهد تا اهمیت وجود آنها روشن شود آنگاه امامت و رهبری را به آنها تشییه کند.

مردم بار سفر می‌بندند و با او همراه می‌شوند. کشتی حرکت می‌کند و در تاریکی شب مقداری از دریا را پشت سر می‌گذارد، ناگاه، ناخدای کشتی در جایی که چند راه از آنجا می‌گذرد، توقف می‌کند و به مردم می‌گوید من از اینجا با شما نمی‌آیم!

اینک این مسافرین که نه راه را می‌دانند و نه خود می‌توانند کشتی را ببرند از ناخدای کشتی چه انتظاری دارند؟ آیا از او نمی‌خواهند که کسی را به جای خود بگذارد؟

اگر چنین نکند، به او نمی‌گویند تو که می‌دانستی نمی‌توانی ما را به مقصد برسانی چرا مارا تا اینجا آوردی؟!

در این هنگام بین مسافرین سرگردان نزاع پیش می‌آید، هریک سخنی می‌گوید. چه بسعده‌ای کشتی را از کار بیندازند و کسی نباشد که آن را به راه اندازد و . . .

اما اگر او یک ناخدای ماهر به جای خود بگذارد، این نگرانی و سرگردانی پیش نمی‌آید و مردم آسوده خاطر به سفرشان ادامه خواهند داد.

اسلام، مثل یک کشتی تمیز و مرتب است. مسافر این کشتی را مسلمان می‌نامند. این کشتی، ناخدایی ماهر و توانا داشت که نامش محمد(ص) بود. خدا او را به پیامبری برگزیده بود. او از تمام ریزه کاریهای کشتی سردر می‌آورد، او خیلی دوست داشت با کشتی اسلام مردم را به ساحل سعادت و رستگاری برساند. پیامبر(ص) می‌دانست در این سفر به مسافرین کشتی خیلی خوش می‌گذرد؛ با صلح و صفا زندگی می‌کنند، به همدیگر احترام می‌گذارند، دزدی و غارت نمی‌کنند و خون همدیگر را نمی‌ریزنند.

پیامبر اکرم(ص)، از روزی که به پیغمبری مبعوث شدند و رهبری و هدایت این کشتی را بر عهده گرفتند، می‌دانستند که بالاخره روزی از میان مردم خواهند برفت و این کشتی بزرگ که روزبروز بر تعداد سرنشینان آن افزوده می‌شود باید

کشتبان لایقی داشته باشد؛ اما این کشتبان لایق چه کسی است؟ آیا پیامبر باید او را انتخاب کند؟ آیا مردم باید او را انتخاب کنند؟ نه، خدا باید او را انتخاب نماید و خداوند کسی را انتخاب می‌کند که از همه بانقواتر، شایسته‌تر، عالم‌تر، دلسوز‌تر و ... باشد.

خداوند متعال، حضرت علی علیه السلام را برای این امر مهم انتخاب فرمود و بعد از حضرت علی علیه السلام یازده نفر از فرزندان او را انتخاب کرد و به پیامبر(ص) خبر داد؛ اما هنوز به پیامبر(ص) دستور نداده تا آن را در بین مردم اعلام کند.

### عید غدیر خم

در آخرین سفری که پیامبر اکرم(ص) به خانه خدا داشتند در آنجا به پیامبر(ص) وحی می‌شود که در همین سفر جانشینی را که برایت انتخاب کرده ایم باید به مردم معرفی کنی و گرنه پیامبری تو کامل نشده است.

یک سؤال: آن روزی که پیامبر(ص) علی(ع) را به جانشینی انتخاب کرد، چه روزی معروف گشت؟

بله، به روز غدیر خم. مسلمانان این روز را یکی از اعیاد بزرگ اسلامی می‌دانند و جشن می‌گیرند.

آن روز پیامبر(ص) دست علی را بالا برده بود و به مردم فرموده بود: «هر کس من مولی و سرور اویم علی مولی و سرور اوست.» ای مردم علی خوب آموخته است که چگونه کشتب اسلام را در برابر امواج خطرناک عبور دهد و به مواعنی که دشمن ایجاد می‌کند بپرخورد نکند من از شما می‌خواهم که هر چه او می‌گوید گوش کنید و شیرو او باشید تا به شما آسیبی نرسد.

مردم خوشحال شدند و به علی(ع) تبریک گفتند؛  
جالب اینجاست که پیامبر(ص) می‌دانست که این سفر طولانی است و کشتب

اسلام باید سالهای زیادی در حرکت باشد و مسافرین بیشتری را سوار کند. برای همین به یکی از مسافرین اسلام به نام «جابرین عبدالله انصاری» فرمود که بعد از علی(ع) یازده نفر دیگر را هم به شما معرفی می کنم تا یکی پس از دیگری، کشتی اسلام را به پیش ببرند. توجه داشته باشید که حضرت علی(ع) و این یازده نفر کارشان خیلی مهمتر از یک ناخدای کشتی معمولی است. اینان در واقع «امام»؛ یعنی رهبر و پیشوای شما هستند. اسمی این امامان را خوب به خاطر بسپارید.

آیا شما می دانید پیامبر(ص) چه کسانی را معرفی فرمود؟

برای اینکه نام ایندوازده امام برای همیشه در یادتان بماند، شعر زیر را حفظ کنید:

### - «دوازده امام» -

بگو تو از امامت	ای یار با شهامت
وارددوازده پیشوا	امامت، در دین ما
آمده بعد از نبی	اول آنها علی(ع)
فرزند آن صفت شکن	امام دوم حسن(ع)
که چون ستاره تابید	سوم حسین شهید
فخر زمان و زمین	چهارم زین العابدین
امام دین خدا	امام پنجم ما

۱- در مناطقی که از برادران اهل سنت باشند، مربی محترم می تواند این شعر را به دانش آموزان یاد دهد:

فاصله‌ای نباشد	بیا که در بین ما
درد و غمی نباشد	بیا که در زندگی
میان مانباشد	بیا که اختلافی
جدا از مانباشد	بیا که این حقیقت
(سرود ایمان، از گلچین گرگانی.)	
انتخاب این شعر از کتاب روش و محتوای آموزش قبل از دبستان، ج ۱، ص ۱۷۲. می باشد.	

بادانش و ظاهر است	محمد باقر است
کاظم امام هفتم	جعفر صادق ششم
رضا به حکم قضا	امام هشتم رضا
دهم علی نقی	نهم، محمد تقی
در ره دین خدا	یازدهم پیشوای
نمونه رهبری	امام حسن عسکری
بهرنبی نایب است	دوازدهم، غایب است
اوست خدارانشان	مهدی صاحب زمان
روشن کند جهانی	ظاهر شوده زمانی

**پرسش:**

- ۱ - امام را چه کسی انتخاب می کند؟
- ۲ - در چه روزی پیامبر(ص) جانشین خود را معرفی کردند؟
- ۳ - کسانی را که پیامبر(ص) برای جانشینی خود به «جابر بن عبد الله» گفت؛ نام ببرید.

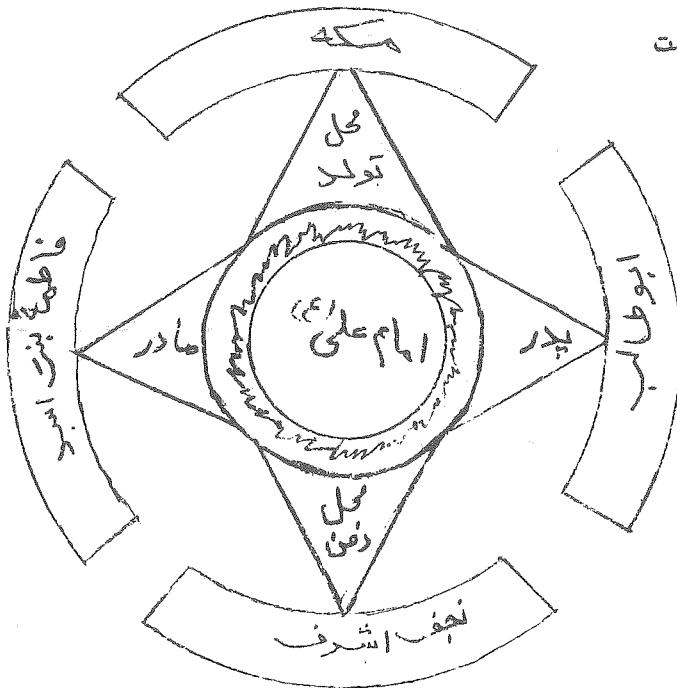
## درس دهم

### امامت ۲

قبل از شروع دروس مربوط به زندگی امامان معصوم(ع)، طرحی را به مریان  
محترم پیشنهاد می نمایم:

مربی محترم برای جای گذاری مشخصات امامان، می تواند طرح زیر را  
تخته رسم نماید و در مدتی که در مورد امام موزد نظر صحبت می کند، آن را  
تکمیل نماید.

طرح ستارگان امامت



بهتر است برای هر درس، قبل از دانش آموزان خواسته شود که طرح مزبور را برای هر جلسه به تعداد مورد نیاز در صفحه‌ای جداگانه رسم نمایند و نیمی از صفحه را خالی بگذارند تا در خانه، خلاصه داستانهایی که مربی می‌گوید، به دلخواه بنویسند و امتیاز بگیرند.

مربی محترم باید زندگی امامان معصوم(ع) را از منابع صحیح و مفصل مطالعه نماید و گوشه‌هایی از زندگی آنها را بیان نماید.  
در اینجا تنها به یک خلاصه کوتاه اکتفا شده است.

### امام اول

نخستین امام شیعیان، علی(ع) است. او در مکه به دنیا آمد. نام پدرش ابوطالب و نام مادرش فاطمه است. فاطمه دختر اسد بود برای همین به او فاطمه بنت اسد می‌گویند.

حضرت علی(ع) پسر عمومی پیامبر(ص) بود. او پسر باهوش و زرنگی بود. وقتی که حضرت محمد(ص) از طرف خدا پیغمبر شد و به مردم فرمود که مسلمان شوید، علی(ع) اولین کسی بود که به خدا ایمان آورد.  
علی(ع) مانند امامان دیگر شجاع بود و از دشمنان نمی‌ترسید:

### - «داستان» -

سیزده سال بود که پیامبر(ص) در مکه مردم را به دین اسلام دعوت می‌کرد با این حال دشمنان به ازار و اذیت مسلمانان ادامه می‌دادند، تا اینکه مردم یثرب، که بعدها مدینه نام گرفت، از پیامبر اکرم(ص) دعوت کردند که به یثرب بیاید. دشمنان تا این خبر را شنیدند به نیرومندترین جوانان خود شمشیر دادند تا در تازیکی شب به خانه پیامبر برسند و او را از بین ببرند.  
پیامبر(ص) از نقشه دشمن باخبر شد و به علی(ع) فرمود: خدا به من دستور

داده است که از مکه خارج شوم و توبه جای من در خانه بمانی، آیا حاضری؟ علی(ع) بدون این که بترسد و عذری بیاورد فرمود: جانم فدای تو باد، هر امری بفرمایی به جان قبول می کنم.

آن شب، شب دشوار و خطرناکی بود. علی(ع) درست پیامبر(ص) خوابید. وقتی دشمنان به خانه پیامبر هجوم آوردند و این صحنه را دیدند و حشت زده شدند. نه فقط اینجا، بلکه در تمام جنگهایی که علی(ع) حضور داشت، گاه بعضی از مسلمانان می ترسیدند در این حال زور و بازوی علی(ع) دلهای کافران را به لرزه می انداخت.

### صفات امامان

#### ۱ امامان: شجاع بودند.

همه امامان ما شجاعترین مردم زمان خود بودند، حتی دشمنان هم به شجاعت ائمه اعتراض نداشتند.

دشمنان که جرأت نداشتند با علی(ع) رو برو شوند، ناچار شدند او را در وقتی که مشغول نماز بود از پشت سر، ناجوانمردانه شهید کنند. بدن مبارک علی(ع) در نجف اشرف، یکی از شهرهای عراق، به خاک سپرده شد.

### امام دوم

دومین امام شیعیان، امام حسن(ع) است. او در مدینه به دنیا آمد. پدرش علی(ع) و مادرش فاطمه(س) است. فاطمه دختر پیامبر اسلام(ص) می باشد. پیامبر(ص) امام حسن را خیلی دوست داشت و آن حضرت را در کودکی می بوسید و می فرمود:

«خدایا من حسن را دوست دارم، هر کس حسن را دوست بدارد، دوستش دارم.»

امام حسن(ع) مانند امامان دیگر خوش اخلاق و باگذشت بود.

### - «داستان» -

حضرت علی(ع) به دستور پیامبر(ص) به مردم فرمود که: بعد از من فرزندم حسن جانشین من است.

اما در آن زمان مردی در شام حکومت می کرد که نام او معاویه بود. او به دروغ می گفت که من پیشوای مردم هستم. برای همین با امام حسن(ع) مخالفت می کرد. او توانسته بود بعضی از مردم شام را فریب دهد.

مردی از شام به مدینه آمد، حضرت امام حسن(ع) را در کوچه دید و شناخت. به حضرت امام حسن سلام نکرد، بلکه به او دشنام هم داد و تا می توانست از امام حسن و حضرت علی بدگویی کرد.

امام حسن هیچ نگفت، صبر کرد تا مرد شامی ساکت شد، آنگاه به آن مرد سلام کرد و با خوشروی و مهربانی احوالپرسی نمود و فرمود: گمان می کنم غریب باشی، از احوال ما خبر نداری گفته های معاویه تو را فریب داده است. آنچه درباره پدرم گفتی درست نیست، چون قصد بدی نداری و فریب خورده ای تو را بخشیدم. اگر چیزی لازم داشته باشی به تو می دهم. اگر لباس لازم داشته باشی، لباست می دهم. اگر محتاج باشی بی نیازت می کنم. خواهش می کنم که به منزل من بیایی و مهمان من باشی.

این مرد وقتی خوش اخلاقی و گذشت امام حسن را دید، از گفتار خود شرمنده شد و گریست و گفت: ای پسر پیغمبر! برای من ثابت شد که تو امام و جانشین پیغمبر هستی! خدا بهتر می داند که چه کسی را امام و پیشوای قرار دهد. ای پسر رسول خدا! به خدا سوگند تا حال خیال می کردم که تو و پدرت، بدترین مردم هستید؛ ولی اکنون فهمیدم که شما بهترین مردم روی زمین هستید. سپس آن مرد، بار خود را در منزل امام حسن(ع) فرود آورد و مهمان آن

حضرت شد.

دیری نگذشت که، این مرد از پیروان و شیعیان و فادر امام حسن(ع) شد،  
می‌دانید چرا؟<sup>۱</sup>

### صفات امامان

۲ امامان: خوش اخلاق و باگذشت بودند.

اگر به تاریخ زندگی ائمه رجوع کنیم با نمونه‌های زیادی از عفو و گذشت و سخاوتمندی آنها آشنا می‌شویم.

امام حسن(ع) را به دستور معاویه مسموم کردند. آن حضرت در مدینه، در قبرستان بقیع دفن شده است.

### امام سوم

سومین امام شیعیان امام حسین(ع) است. امام حسین برادر کوچک امام حسن(ع) است. او نیز در مدینه به دنیا آمد. پدرش حضرت علی(ع) و مادرش فاطمه زهرا(س) می‌باشد.

پیامبر(ص) در همان روز تولد امام حسین(ع) گریست و فرمود.  
«گروهی کافر و ستمکار او را شهید می‌کنند.»

امام حسین(ع) مانند امامان دیگر پیوسته آماده فداکاری و جان بازی در راه دین بود.

### - - «داستان» - -

در زمان امام حسین(ع)، یزید در شام حکومت می‌کرد. یزید پسر معاویه بود و از پدرش ستمکارتر بود. پولهای مسلمانان را می‌گرفت و صرف خوشگذرانی

۱ - قسمتی از داستان به نقل از: آیة‌الله ابراهیم امینی، آموزش دین «کتاب سوم»، ص ۷۵.

می‌کرد. شراب می‌خورد، میمون بازی می‌کرد، به بینوایان و درماندگان رسیدگی نمی‌کرد، او آشکارا به اسلام توهین می‌کرد.

یزید از امام حسین(ع) خواست که رهبری او را پذیرد، اماً امام حسین(ع) قبول نکرد و به نمایندهٔ یزید گفت:

«چه کسی را می‌خواهد بترازیند! من باید بگویم حتی یک نفر از خاندان رسول خدا، هرگز به مردی شرابخوار و تبهکار، دست بیعت نخواهد داد»<sup>۱</sup>

بعد از مدتی، امام حسین(ع) تصمیم گرفت از مدینه به مکه برود. قبل از حرکت به برادرش محمد حنفیه نامه‌ای داد او در نامه نوشته بود: «... من در هر کجا باشم، مردم را به خوبی، تشویق می‌کنم و از بدی باز خواهم داشت و از هیچ چیز وحشت نخواهم کرد.»

بعد از پنج روز به مکه رسید. مردم مکه و چهره‌های سرشناس به دیدار امام حسین(ع) می‌آمدند و امام آنها را ارشاد و راهنمایی می‌کرد. یزید از سفر امام حسین(ع) به مکه باخبر شد و به فرماندار مکه نامه نوشت که امام حسین(ع) را دستگیر کند و یا او را مخفیانه ترور کند.

از سوی دیگر مردم کوفه نامه‌های زیادی برای امام حسین(ع) نوشتند و از او خواستند که به کوفه بیاید. کوفه یکی از شهرهای عراق است.

امام حسین(ع) به نامه‌های مردم کوفه اعتماد زیادی نداشت با اینحال می‌دانست که اگر در خانه خدا بماند جاسوسان یزید، مخفیانه خونش را می‌ریزند و او نمی‌تواند یزید زورگو و ستمگر را رسوا سازد. بنابر این به طرف کوفه حرکت کرد. خانواده‌اش را هم با خودش بردا مردم بیشتر به مظلومیتش پی‌ببرند.

او در محلی که نزدیک کوفه بود، و به آن «کربلا» می‌گفتند، بالشکر یزید رو برو شد.

۱- رضا شیرازی، از مدینه تا کربلا، ص ۱۲.

مردم کوفه به کمک امام حسین(ع) نیامدند. زیرا بعضی از آنها از یزید می ترسیلند و بعضی دیگر به پول و زر و زیورهایی که یزید به آنها و عده داده بود چشم دوخته بودند.

سپاهیان یزید روز بروز بیشتر می شدند ولی یاران امام حسین(ع) کم بودند. آنها حاضر بودند یکی شهید بشوند ولی زیر بار زور نرونده. امام حسین(ع) می گفت: «مرگ در راه خدا را جزو نیکبختی نمی بینم و زندگی و سازش با ستمکاران را جزو خواری و آزدادگی نمی بینم».

امام حسین(ع) هفتاد و دو تن رزم‌مند شجاع داشت. آنها با تمام قدرت در مقابل دشمن ایستادند و مبارزه کردند. تعداد زیادی از دشمنان را کشتند و سرانجام در روز عاشورا (دهم محرم) همگی شهید شدند. آنها با شهادت خود اسلام و قرآن را از خطر نجات دادند و به مسلمانان درس آزادگی و دینداری دادند.

شیعیان هر سال در ماههای محرم و صفر برای آنها عزاداری می کنند؛ سینه می زنند؛ زنجیر می زنند و روپه می خوانند؛ و با این کارشان یاد آنها را زنده نگه می دارند.

امام حسین(ع) در کربلا، یکی از شهرهای عراق دفن شده است.

### صفات امامان

۳ امامان: در راه حفظ دین و فداکاری می کردند.

به همین جهت تمامی امامان ما در راه خدا شهید شدند و ما هیچ امام معصومی را سراغ نداریم که به مرگ طبیعی از دنیا رفته باشد بلکه آنها بدست ظالمان یا مسموم می شدند یا کشته می شدند.

**پرسش:**

- ۱- چرا خداوند به پیامبر اکرم(ص) دستور داد تا شبانه از مکه بیرون برود؟
- ۲- در شبی که دشمنان قصد کشتن پیامبر را داشتند چه کسی به جای او در رختخواب خواهد بود؟
- ۳- امام حسن مجتبی علیه السلام در جواب مردی که به او بذگویی کرده بود چه کرد؟
- ۴- چرا امام حسین علیه السلام با یزید مبارزه کرد؟

## درس یازدهم

### امامت ۳

#### امام چهارم

نام امام چهارم شیعیان، علی بود و به او سجاد هم می گویند. او در مدینه به دنیا آمد. پدرش امام حسین(ع) و مادرش شهربانو نام داشت.

امام سجاد(ع) در کربلا بیمار بود، برای همین نتوانست با سپاهیان یزید بجنگد. یزیدیان او را همراه با خانواده امام حسین(ع) به اسیری برند. آنها را از کربلا به شهر کوفه و از آنجا به شهر شام برند. او در کوفه و شام برای مردم سخنرانی کرد و یزید ستمگر را رسوانمود.

امام سجاد(ع) مانند امامان دیگر در عبادت خدا کوشش زیادی داشت؛ از این رو مردم او را «زین العابدین» می نامیدند. زین العابدین؛ یعنی زینت عبادت کنندگان و سجاد؛ یعنی بسیار سجده کننده.

#### صفات امامان

۴ امامان: در عبادت خدا می کوشیدند.

دشمنان، امام سجاد را مسموم کردند، و یارانش او را در قبرستان بقیع به خاک سپردند.

## امام پنجم

نام امام پنجم شیعیان، محمد بود. او را امام باقر(ع) هم می‌گویند. او در مدینه به دنیا آمد. پدرش امام سجاد(ع) و مادرش، فاطمه دختر امام حسن(ع) بود.

علم و دانش امام باقر(ع) به قدری زیاد بود که به او «باقرالعلوم» می‌گفتند. باقرالعلوم؛ یعنی شکافندهٔ اسرار علم و دانش. امام باقر(ع) مثل امامان دیگر برای به دست آوردن مخارج زندگی، کار و تلاش می‌کرد.

### - «داستان» . .

مردی گوید: در یک روز بسیار گرم از مدینه بیرون رفتم. در بین راه امام باقر(ع) را دیدم که از کار کشاورزی بر می‌گشت. بدنش عرق کرده بود و نفس می‌زد. نزدش رفتم و سلام کردم. او جواب سلام مرا داد.

من گفتم: ای فرزند پیامبر خدا: شما مرد آبرومند و محترمی هستید، پس نباید کار کنید. اگر همین ساعت مرگ شما فرا رسید چه خواهی کرد؟ امام فرمود: به خدا سوگند اگر در همین ساعت مرگ من فرا رسید در حالت عبادت خواهم مرد. زیرا کار می‌کنم تا به تو و سایر مردم محتاج نشوم، اگر در حال معصیت خدا باشم باید از مرگ بترسم.

گفتم: ای فرزند رسول خدا! من می‌خواستم شما را نصیحت کنم اما اکنون از سخنان شما پند گرفتم.<sup>۱</sup>

۱- نقل از ابراهیم امینی، همه باید بدانند، ص ۹۸، بالخیص و اندکی تغییر.

### صفات امامان

۵ امامان: کار و تلاش می کردند.

دشمنان اسلام، امام باقر(ع) را مسموم کردند. بدن مبارکش در قبرستان بقیع دفن شده است.

### امام ششم

نام امام ششم شیعیان، جعفر بود. او را امام صادق هم می گویند. او در مدینه به دنیا آمد. پدرش امام باقر(ع) و مادرش «أم فروه» نام داشت. امام صادق(ع) مانند پدر بزرگوارش و سایر امامان دیگر از همه مردم عالمتر بود. در آن زمان حاکمان ستمگر خودشان با همیگر جنگ و نزاع داشتند، امام صادق(ع) از این فرصت استفاده کرد و بیش از ۴۰۰ شاگرد داشتمند تربیت کرد. این شاگردان در سراسر جهان رفت و آمد داشتند و اسلام راستین را به گوش مردم می رساندند.

### صفات امامان

۶ امامان: از همه دانان و عالمتر هستند.

دشمنان اسلام، امام صادق(ع) را مسموم کردند. بدن مبارکش در قبرستان بقیع دفن شده است.

### امام هفتم

نام امام هفتم، موسی بود و به او کاظم هم می گویند او در محلی به نام «ابواء» که بین مکه و مدینه قرار دارد (به دنیا آمد. پدرش امام صادق(ع) و مادرش «حمیده» نام داشت.

امام کاظم(ع) مانند سایر امامان از غیب خبر داشت و همچنین مردم را تربیت می کرد.

### - «داستان» -

مردی به خانه امام کاظم(ع) آمد، نزد امام زانوزد و از او خواست که مطلبی آموزنده یادش دهد. امام به آن مرد فرمود: تو و یکی از برادران دینی ات دیروز با یکدیگر نزاع کردید و به همدیگر دشنام دادید، این را بدان که در دین اسلام هیچ کس اجازه ندارد که چنین رفتاری داشته باشد. خدا عمر تو و دوست تو را کوتاه نموده است. زیرا شما دو تا، پیوند دوستی و برادری را قطع کردید. در همین سفر دوست تو می برد و از همدیگر جدا می شوید و تو از این کاری که کرده ای پشیمان می شوی!<sup>۱</sup>

### صفات امامان

۷ امامان: از غیب خبر داشتند.

### صفات امامان

۸ امامان: مردم را تربیت می کردند.

در زمان امام کاظم(ع) مرد ستمنگری به نام «هارون الرشید» بر مردم حکومت می کرد او مدت زیادی امام موسی کاظم را زندانی کرد و سرانجام او را در زندان مسموم نمود. بدن مبارکش در «کاظمین» یکی از شهرهای عراق دفن شده است.

۱- نقل از: عقیقی بخشایشی، دورنمایی از زندگانی موسی بن جعفر(ع)، با اندکی تغییر.

پرسش:

- ۱ - چرا به امام سجاد علیه السلام، «زین العابدین» می گویند؟
- ۲ - امام باقر علیه السلام در جواب مردی که می گفت شما نباید کار کنید چه فرمودند؟
- ۳ - چگونه امام صادق علیه السلام موفق شد ۴۰۰۰ شاگرد تربیت کند؟
- ۴ - امام کاظم علیه السلام بدستور چه کسی شهید شد؟

## درس دوازدهم

### امامت ۴

#### امام هشتم

نام امام هشتم شیعیان، علی بود و به او امام رضا هم می‌گویند. او در مدینه به دنیا آمد. پدرش امام کاظم(ع) و مادرش «نجمه» نام داشت. امام رضا(ع) مانند امامان دیگر، ساده زندگی می‌کرد.

- «دانستان» . . -

یکی از یاران امام رضا(ع) می‌گوید. وقتی از مدینه به خراسان می‌آمدیم، آن حضرت دستور داد سفره انداختند، همه خدمتکاران حتی سیاهان نیز بر سر سفره نشستند و امام رضا(ع) با آنها غذا می‌خورد.  
من گفتم: آقا جان! اگر شما سفره آنها را از خودتان جدا می‌کردید بهتر بود.

امام فرمود: ساکت باش! بین ما و آنها چه فرقی است؟ خدای ما یکی است، و پدر و مادر ما یکی است (یعنی آدم و حوا پدر و مادر همه انسانها هستند) و هر کس هر مقدار عمل نیک داشته باشد، پاداش می‌گیرد.<sup>۱</sup>

---

۱- نقل از منتهی الآمال، ص ۲۹۷. با تغییر.

## صفات امامان

۹ امامان: ساده زندگی می کردند.

و ما برای مثال نمونه‌ای از زندگی امام رضا علیه السلام را نقل نمودیم از این نمونه‌ها در زندگی پربرکت همه امامان ما زیاد به چشم می خورد.

در زمان امام رضا(ع) مرد ستمنگری به نام «مأمون» بر مردم حکومت می کرد. مأمون در خراسان بود او با اصرار و پافشاری، امام رضا(ع) را به خراسان دعوت کرد، امام رضا(ع) در بین راه مردم را راهنمایی می کرد و در خراسان هم به مشکلات مردم رسیدگی می کرد.

سرانجام مأمون، امام رضا(ع) را مسموم کرد. بدن مبارکش در شهر مشهد به خاک سپرده شد.

## امام نهم

نام امام نهم شیعیان، محمد بود، به او «امام جواد»، و «محمد تقی» هم می گویند. امام جواد(ع) در مدینه به دنیا آمد، پدرش امام رضا(ع) و مادرش «سیکه» نام داشت.

در زمان امام جواد(ع)، هنوز مأمون ستمنگر حکومت می کرد. او دانشمندان را دعوت می کرد و به آنها می گفت: از امام جواد(ع) سوالهای مشکل بپرسید تا نتواند جواب بدهد، ولی امام جواد(ع) به تمام آن پرسشها پاسخ می داد و مأمون را رسوا می کرد.

دشمنان اسلام، امام جواد(ع) را مسموم کردند، آن امام در کاظمین به خاک سپرده شده است.

## صفات امامان

### ۱۰ توطئه های دشمنان را خنثی می کردند.

امامان معصوم ما در هر زمان با توطئه های بیشماری از دشمنان روبرو بودند که با آگاهی و بصیرت این توطئه ها را خنثی و دشمنان را رسوا می کردند و ما نمونه ای از آن را در زندگی امام جواد(ع) بیان کردیم.

### امام دهم

نام امام دهم شیعیان، علی بود، به او «امام هادی» و «علی النقی» هم می گویند. او در «صریبا» که در نزدیکی مدینه واقع شده بود به دنیا آمد. پدرش امام جواد(ع) و مادرش «سمّانه<sup>۱</sup>» نام داشت.

امام هادی(ع) مانند امامان دیگر در نزد خدا عزیز بود و از خدا هرچه می خواست به او می داد:

### - «داستان» -

امام هادی(ع) در خانه نشسته بود، ناگاه درب خانه تندرنده صدا درآمد. درب را باز کردند، مردی با ترس و لرز وارد شد و گفت: من پسری دارم که به شما علاقهٔ زیادی دارد، امشب، دشمنان می خواهند او را به خاطر دوستی و علاقهٔ به شما بکشند.

آقا جان! می دانید که پدر و مادر فرزندشان را خیلی دوست دارند، کاری کنید که فرزندم آزاد شود.

امام هادی(ع) فرمود: برو به خانه ات، فردا پسرت می آید.

۱- سیده نیز نوشته اند.

آنگاه دست به دعا برداشت و از خدا خواست که پسر آن مرد را به او برگرداند.  
فردای آن روز آن پسر به خانه برگشت و قصه خود را بازگو کرد، او گفت:  
دشمنان حتی قبر مرا نیز کنده بودند اما از کشتن من منصرف شدند.<sup>۱</sup>

### صفات امامان

۱۱ امامان: دور نزد خدا عزیزند، هر چه از خدا بخواهند به آنها می‌دهد.  
ولی آنان هیچگاه برای خود چیزی نخواستند و همواره به فکر بندگان خدا  
بودند چنانچه نمونه‌ای از آن را در زندگی امام هادی(ع) دیدیم.  
دشمنان اسلام، امام هادی(ع) را مسموم کردند، بدن مبارک آن بزرگوار در  
سامراً، یکی از شهرهای عراق، دفن شده است. امام یازدهم

### امام یازدهم

نام امام یازدهم حسن بود. او را «امام حسن عسگری» هم می‌گویند او ذر  
مدینه به دنیا آمد. پدرش امام هادی(ع) و مادرش «سلیل»<sup>۲</sup> نام داشت.  
امام حسن عسگری مانند امامان دیگر پیوسته به نیازمندان کمک می‌کرد.

### - . «داستان» . -

یکی از مسلمانان می‌گوید: زندگی بر ما فشار آورده بود و چیزی نداشتیم.  
پدرم گفت: من مرد بزرگواری را می‌شناسم؛ نام او «ابو محمد عسگری» است؛  
البته من هنوز او را ندیده‌ام، ولی شنیده‌ام که در جود و بخشش معروف است و در  
سامراً زندگی می‌کند.

به طرف سامرآ حرکت کردیم. در بین راه پدرم می‌گفت کاش امام حسن

۱- نقل از استادی، اصول دین برای همه، ص ۱۹۹. با اندکی تغییر.

۲- سوسن و حدیث، هم نوشته‌اند.

عسگری به من پانصد درهم بدهد تا با دویست درهم آن لباس تهیه کنم و دویست درهم را خرج آذوقه سالانه کنم و با صد درهم دیگر، زندگی روزانه ام را تأمین کنم، من هم در دل خود می گفتم کاش به من هم سیصد درهم بدهد تا زندگی ام را تأمین کنم.

هنگامی که به در خانه رسیدیم و سلام کردیم، حضرت به پدرم گفت: چرا دیر به سراغ ما آمدی؟ پدرم گفت: خجالت می کشیدیم با این حال شما را زیارت کنیم.

وقتی می خواستیم برگردیم، غلام آن حضرت کیسه‌ای به پدرم داد که پانصد درهم در آن بود...<sup>۱</sup>

### صفات امامان

۱۲ امامان: به نیازمندان کمک می کردند.

و نیازمندان هم اطمینان داشتند که از نزد هیچیک از امامان علیهم السلام با دست خالی بر نخواهند گشت و ما نمونه‌ای از آنرا در زندگی امام عسکری بیان کردیم.

دشمنان اسلام، امام حسن عسکری را مسموم کردند. بدن مبارکش در سامرآ دفن شده است.

---

۱- نقل از عقیقی بخشایشی، زندگانی امام حسن عسگری، ص ۱۰۴، با اندکی تغییر.

پرسش:

- ۱ - چرا امام رضا علیه السلام با خدمتگزاران و سیاهان بر سر یک سفره غذا می خوردند؟
- ۲ - امام هادی(ع) در دعا از خدا چه خواست؟
- ۳ - چرا مأمون از دانشمندان خواسته بود تا از امام جواد علیه السلام سؤالهای مشکل پرسند؟
- ۴ - امام حسن عسگری به مردی که با پسرش به دیدن او رفته بود چه هدیه‌ای داد؟

## درس: سیزدهم

### امامت ۵

#### امام دوازدهم

نام امام دوازدهم شیعیان «مهدی» است. او در سامرا به دنیا آمد. پدرش امام حسن عسگری(ع) و مادرش «نرجس» نام داشت. حضرت مهدی، نامهای دیگری هم دارد، چند نام معروف آن حضرت عبارتند از: «امام زمان»، «حجۃ بن الحسن»، «بقیة‌الله»، «امام عصر»، «ولی عصر»، «صاحب‌الزمان». او هنوز زنده است ولی به خواست خدا، از دیده‌ها پنهان است.

#### - «داستان» -

در زمان پدر امام زمان(ع)، یعنی امام حسن عسکری، دشمنان شنیده بودند که پیغمبر اسلام(ص) فرموده است حضرت مهدی امام دوازدهم است، هنگامی که بیاید دشمنان را نابود می‌کند و زمین را پر از عد و داد می‌کند؛ برای همین، جاسوسان و مراقبینی را به خانه امام حسن عسکری(ع) فرستاده بودند تا اگر فرزندی از او به دنیا آمد، او را در همان کودکی از بین ببرند. اما خدا می‌خواست که این فرزند به دنیا بیاید، همانطور که حضرت موسی و عیسی را نگه داشت، از این رو او به دنیا آمد و نامش را مهدی گذاشتند.

پدر و مادرش او را از دید دشمنان دور نگه می‌داشتند، یک روز عده‌ای از شیعیان به خانه امام حسن عسگری آمدند و از او خواستند که مهدی را به آنها بنمایاند تا او را بشناسند. امام پذیرفتند. آنها پسر بچه‌ای را دیدند که شبیه به پدرش بود. امام به شیعیان فرمود: این پسر، جانشین من و امام شماست ...

حضرت مهدی پنج ساله یا شش ساله بود که پدرش از دنیا رفت، مردم جمع شده بودند تا بر بدن مبارکش نماز می‌بخوانند. مردی به نام «جعفر» جلو آمد و گفت: من جانشین امام یازدهم هستم، جلوتر رفت تا بر جنازه امام نماز بخواند. ناگهان کودکی نورانی جمعیت را کنار زد و جلو آمد و آن مرد دروغگو را از کنار جنازه امام دور کرد و خود را به مردم معرفی مود. مردم دانستند که او حضرت مهدی است و جعفر دور غمی گفته است. برای همین او را جعفر کذاب نامیدند. کذاب؟ یعنی بسیار دروغگو.

بعد از نماز، دشمنان از این جریان باخبر شدند و به خانه امام حسن عسگری هجوم آوردند. همه اتفاقه را جستجو کردند ولی حضرت مهدی (ع) را نیافتدند. خدا می‌خواست که حضرت مهدی زنده بماند از این رو به امر خدا از دیده‌ها غایب شد. از آن زمان، مردم تا ۷۰ سال، با چهار نفر<sup>۱</sup> از یاران مخصوص امام زمان (ع) تماس می‌گرفتند و آنها مخفیانه به حضور امام زمان (ع) می‌رسیدند، و آن حضرت مشکلات مردم را حل می‌کرد. این مدت را «غیبت صغیری» می‌گویند. صغیری؟ یعنی کوتاه و کوچک.

بعد از این هفتاد سال، امام زمان (ع) به مردم پیغام فرستاد که شما دیگر نمی‌توانید با من مستقیماً ارتباط دائمی برقرار نمایید. این زمان که هنوز هم ادامه دارد، «غیبت کبرا» نامیده می‌شود. کبرا؟ یعنی طولانی و بزرگ.

۱- اینها به ترتیب عبارت بودند از: عثمان بن سعید، محمد بن عثمان، ابوالقاسم حسین بن روح نویختی، ابوالحسن علی بن محمد سیمری.

مریم محترم در صورت سؤال بچه‌ها، این مطلب را بیان می‌کند.

همچنین امام زمان به مردم پیغام فرستاده است که ای مردم! بدانید که یک روزی به دستور خدا ظهور می‌کنم و با یاری شما دشمنان را نابود می‌کنیم و پرچم اسلام و عدالت را در سرتاسر جهان به اهتزاز در می‌آوریم، شما در این مدت منتظر ظهور من باشید و از خدا بخواهید که در ظهور من تعجیل فرماید.

### صفات امامان

#### ۱۳ بیان احکام و اجرای قوانین الهی

وظیفه اصلی همه امامان در تمام زمانها بیان احکام و اجرای قوانین الهی است.

### شعر

مهدی بیا مهدی بیا	
ای منجی گیتی بیا	مهدی بیا مهدی بیا
ای زوح، ای جان من	مهدی بیا مهدی بیا
ای دلبر و دلدار من	ای بلبل گلزار من
مهدی بیا مهدی بیا	

سؤال: چطور ممکن است که عمر امام زمان(عج) این قدر طولانی باشد در حالیکه ما می‌بینیم انسانها بیش از ۸۰ یا ۹۰ یا ۱۰۰ یا حداقل ۱۲۰ سال عمر نمی‌کنند؟

جواب: هرچه انسان سالم تر باشد بیشتر عمر می‌کند و اگر کسی آنقدر علم داشته باشد که غذاهایی را که ضرر دارد نخورد و کارهایی را که خطرناک است انجام ندهد عمرش بسیار طولانی خواهد شد. ما اشخاص زیادی را سراغ داریم که عمر بسیار طولانی داشته‌اند. یکی از آنها حضرت نوح(ع) است که تا قبل از

طوفان نوح در حدود ۹۵۰ سال پیامبری کرد و بعد از طوفان باز سالها عمر کرد؛ یا حضرت عیسی (ع) و حضرت خضر (ع) که هنوز زنده هستند. پس هیچ تعجبی ندارد که امام زمان علیه السلام عمر طولانی داشته باشد.

بهر حال خداوند خواسته است برای نجات انسانها از دست بدکاران امام زمان (عج) زنده بماند تا محرومین و ستم دیدگان به امامت و رهبری او بر زمین حکومت کنند.

### ولي فقيه

آن هنگام که امام زمان به مردم پیغام فرستاد که من دیگر نمی توانم با شما مستقیماً ارتباط داشته باشم، مردم پرسیدند که: اگر ما سؤال داشتیم، مشکل داشتیم، احکام دینی را بلد نبودیم، چه کار کنیم؟

امام زمان (عج) فرموده بود: به کسانی مراجعه کنید که دستورات دینی را از قرآن، احادیث و راههای معتبر دیگر به دست می آورند.

به کسانی که تلاش و کوشش بسیار می کنند تا دستورات دینی را از راههای معتبر به دست آورند «مجتهد» می گویند؛ و به مجتهدینی که مردم برای یادگرفتن احکام دینی به آنها مراجعه می کنند، «مرجع تقليد» می گویند.

سؤال: آیا تا به حال از رادیو، تلویزیون، یا سخنرانیها و یا از پدر و مادر و دیگران شینیده اید که کلمه «خبرگان» یا «مجلس خبرگان» را به کار ببرند؟ اگر شنیده اید، آیا پرسیده اید که خبرگان چه کسانی هستند؟

خبرگان، عده ای از مجتهدین هستند که مردم آنها را انتخاب کرده اند تا اینها در هر زمان که لازم باشد جلسه تشکیل بدهند و یک مجتهد را که برای رهبری جامعه اسلامی از دیگران برتر است، انتخاب نمایند. او را «ولي فقيه» می گویند.

مردم بهولي فقيه علاقه زیادی دارند، او هر چه بگوید، آنها به خوبی گوش می سپارند و از او فرمان می برند. اگر چنین کنند هیچ گاه به دین و کشورشان

آسیب و زیان نمی‌رسد.

چندین سال پیش، امام خمینی به دستور قرآن بر ضد شاهی ست‌مگر به نام محمد رضا پهلوی قیام کرد و با پشتیبانی مردم در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ بر آن ست‌مگر پیروز شد. امام خمینی در شب ۱۴ خرداد سال ۱۳۶۸ از دنیا رفت و مردم عزادار شدند.

فردای آن روز، خبرگان رهبری، جلسه تشکیل دادند و یکی از شاگردان او را برای رهبری مردم انتخاب کردند. او مجتهدی آگاه، مبارز، جانباز و دلسوز برای اسلام و مسلمین است. نام او «آیة الله سید علی خامنه‌ای» است.  
اینک شعری را به یاد امام خمینی و به پاس انتخاب رهبر جدید آیة الله خامنه‌ای می‌نویسیم:

### «ای رهبر»

شد پناه تو خدا	رفته‌ای زندما
از تو مانده است به جا	سربلندی و شرف
گشته مقتدای ما	رهبری ز بعد تو
هم دلیر و هم شجاع	عالم است و خوش سخن
می‌شویم به هر کجا	مام طیع امر او

شعار:

وقتی که صاحب الزمان غایب است  
خامنه‌ای برای او نایب است.

# احکام

گردآورنده

مرکز تربیت مریٰ کوڈکان و نوجوانان  
دفتر تبلیغات اسلامی حوزہ علمیہ قم



## فهرست

۲۲۹	مقدمه
۲۳۳	اجتهاد و تقلید
۲۳۷	طهارت
۲۴۷	نجاسات
۲۴۳	اقسام آبها
۲۴۹	قبله
۲۵۳	مکان نمازگزار
۲۵۵	وضو
۲۶۱	پیغم
۲۶۴	مقالات نماز
۲۶۹	واجبات نماز
۲۷۲	نمازهای واجب
۲۷۴	نماز مسافر
۲۷۷	نماز جماعت
۲۸۰	روزه



## مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوندی که دگرگون کننده قلبهاست و با سلام به نجاتبخش جهانیان حضرت صاحب العصر (عج) و رهبر گرانقدر و با درود به امتنی که با ایمان و پایمردی خود، بهترین امت خدا شد.

و سلام بر شما مریبان عزیز که در خدمت نسل کودک و نوجوان هستید تابستان با تمام گرمایش فرارسید و فصل فراغت نسل کودک و نوجوان و زمان تلاش روحانیان و مریبان دلسوخته آغاز گردید. امروزه برای آموزش مسائلی که به گروه کودک و نوجوان مربوط است تحقیقات و نوشته های فراوانی تدوین گشته است اما آنچه کمتر بدان پرداخته شده چگونگی بیان احکام برای کودک و نوجوان است بی شک انجام این مهم وظیفه دانشمندان و روحانیان معظم است. زیرا آنها یند که سنگریان حریم مقدس بیان احکام فقه هستند و از دیگران نمی توان انتظار داشت که بیانند وظیفه ایشان را به انجام رسانند. آنچه مریبی روحانی باید علاوه بر دانستن احکام بداند انتخاب احکام و چگونگی بیان آنها برای نسل کودک و نوجوان است. چه آنکه برخی اوقات با بیان احکامی که برای آنان مفید نیست و یا با ارائه روش نامناسب بیان احکام، کودک و نوجوان را از یادگیری مسائلی که به آنها نیازمند است دلسُرد کرده، برای همیشه از احکام بدور می ماند و نمی تواند دستور اسلام و احکام مورد ابتلا را به نحو صحیح یاد بگیرد و انجام دهد. بر این اساس باید در بیان احکام دقت فراوانی مبذول داشت تا با

انتخاب صحیح و بجای آن احکام و با روش خوب و متنوع، در آنها شور و نشاط فراوانی برای هر چه بهتر یادگرفتن احکام ایجاد شود. نوشه‌ای که پیش روی دارید بر آن است که این امر مهم را به عهده بگیرد. ان شاء الله که ثمر بخش واقع شود. اماً قبل از هر چیز تذکر چند نکته لازم است:

**الف) اصول تدریس احکام:**

تدریس و آموزش احکام به دیگران شرایط و اصولی دارد که برای آشنایی، برخی از آنها را فهرست گونه یادآوری می‌کنیم: ۱. کسب تسلط علمی ۲. مطالعه قبل از تدریس ۳. تنظیم و دسته بندی احکام ۴. همراه داشتن کتاب احکام ۵. بیان احکام مهم و مورد نیاز مخاطبان ۶. پرهیز از پاسخهای احتمالی و ظنی ۷. بیان احکام گوناگون و متنوع ۸. ذکر مأخذ و مدرک ۹. پرهیز از اصطلاحات مشکل و دلایل فقهی احکام ۱۰. ذکر مثالها و مصاديق ۱۱. زمینه سازی و بیان احکام به صورت تدریجی ۱۲. طرح سوال ۱۳. آموزش احکام به صورت سمعی و بصری ۱۴. بیان آیات، روایات، حکایات و اشعار متناسب با احکام ۱۵. نوشن سوالات مستمعین و تلاش برای پاسخ یابی آنها ۱۶. بررسی نکات صحیح و ناصحیح نحوه تدریس ۱۷. استفاده از روش ترکیبی (آمیخته‌ای از تمام روش‌های قبل).

**ب) آیات، روایات و توضیحاتی که در این نوشه آمده صرفاً به منظور اطلاع و آکاهی مربی است.** به همین سبب برخی ترجمه نشده است تا مربی با اطلاعات بیشتر بتواند احکام را تدریس کند. اگر جایی لازم بود می‌توان از آیات و روایات برای آنان چیزی بازگو کرد؛ البته با نوشتمن بر تخته همراه با اعراب گذاری.

**ج) روش‌های تدریس طوری انتخاب شده که بشود در هر مکانی از آنها استفاده کرد؛ حتی در جنگل یا داخل ماشین.**

**د) چون احتمال داده می‌شود عده‌ای از مردمان با برخی روشها آشنا نباشند.** در حد لزوم توضیحاتی در هر قسمت داده شده است. اگر احياناً مربی ای نتواند از

روشهای تدریس شده و کلاسیک همراه با وسائل کمک آموزشی استفاده کند روش ساده و آسانی همراه مسائل آمده است.

ه) آموزش قرائت حمد و سوره و ذکرها دیگر در این نوشته نیامده است. این امر وظیفه هر مربی است که خود قرائت صحیح را با روش متنوع به دانش آموزان آموزش دهد.

به نظر می رسد که بهترین روش آموزش آهنگین باشد؛ که دانش آموزان با این شیوه باسانی و با اشتیاق حاضر به یادگیری اند.

و) احکامی که در این نوشته آمده کاهی خلاصه ای از چندین مساله می باشد؛ که در هر قسمت مشخص شده است. ولی با این حال لازم است مربی برای تدریس هر قسمت علاوه بر این به رساله امام (قدس سره) - که محور کار است - رجوع کند و تمامی مسائل آن درس را در رساله بینند.

این نوشтар برای تدریس احکام در برنامه ها و اردوهای تابستانی مراکز آموزشی کودک و نوجوان نگارش یافته و امید است علاقمندان بویژه روحانیان و مریان گرانمایه و معلمان و استادان بزرگوار در هنگام آموزش و تدریس بتوانند متناسب با موقعیت مخاطبان خویش از این مجموعه استفاده کنند. دل بر آن بسته ایم که با این سرآغاز و در سایه عمل به احکام الهی، زمینه ای برای حاکمیت رحمان و حکومت صاحب الزمان (عج) در جهان فراهم آید.

در خاتمه، از همه عزیزانی که این مجموعه را مطالعه می کنند انتظار داریم با ارسال نظریات و پیشنهادهای سودمند خود به مرکز تربیت مربی کودکان و نوجوانان دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم در تکمیل و تکامل این مجموعه ما را همراهی و ارشاد کنند. از پیش کمال تشکر و امتنان خویش را به محضرشان معروض می داریم.

و من الله التوفيق



## مسائل اجتهد و تقلید

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَعْجِلُو إِلَهُكُمْ وَلِرَسُولِكُمْ إِذَا دَعَاكُمْ لَا يَحِيِّكُمْ». (انفال، آیه ۲۴)

فقه تئوری واقعی و کامل اداره انسان از گهواره تا گور است. (امام خمینی قدس سره) انسان هرگاه بخواهد به جایی برود یا خود راهها را می‌شناسد؛ بنابراین از کسی نمی‌پرسد که چگونه باید رفت. یا اگر نمی‌داند از دیگری می‌پرسد. مثلاً اگر می‌خواهد برای زیارت، سیاحت یا تفریح به مسافرت برود در این صورت سعی می‌کند همراه کسی باشد و هر جا آن شخص می‌رود او هم به ذنبال او حرکت کند. به این عمل «تقلید» می‌گویند. حال اگر شخصی بیاید و بگوید من راه را می‌دانم، با من بیا، انسان یا خود با دیدن رفتار و گفتار او پی می‌برد که او درست می‌گوید و همراه او می‌رود یا چون می‌بیند چند نفر می‌گویند که او راه را می‌داند، در نتیجه به حرف آنها اعتماد می‌کند و همراه آن شخص می‌رود تا به مقصد برسد. در احکام دین نیز چنین است که انسان یا باید خودش مجتهد را بشناسد یا دو نفر عالم عادل بگویند که آن شخص مجتهد است. یا اینکه به گفته کسانی که انسان از گفته آنان اطمینان پیدا می‌کند، مجتهد بودن شخصی را بفهمد.

۱. انسان خودش مجتهد را بشناسد و یقین کند.  
۲. دو نفر عالم عادل بگویند.  
۳. عده‌ای از مؤمنان اهل علم بگویند.

راههای شناخت مجتهد:

۱- به مسأله ۳ توضیح المسائل مراجعه شود.

**لطیفه:**

از شخص بذل گویی پرسیدند: مقلد کیستی؟ گفت: «مقلد شکمم»! پرسیدند چگونه؟ گفت: «هر وقت گرسنه بشود به من فشار می‌آورد و غذای خورم و هر وقت پرشد به من می‌گوید دیگر دست بردار از غذا خوردن و من هم از غذا خوردن دست بر می‌دارم.»

**توضیح درباره لطیفه:** این لطیفه در مورد کسانی صادق است که هر وقت در مشکلات غرق شوند به سوی احکام و تقلید و رساله می‌روند و هر وقت که بظاهر احساس بی نیازی از آن کردند دست از تقلید بر می‌دارند. بعضی از افراد از هوای نفس خود پیروی می‌کنند و گاهی خود سرانه اعمال و عبادات خود را انجام می‌دهند؛ در حالی که انسان باید با توجه به عقل و شرع تقلید کند.

انما يخشى الله من عباده العلماء. (فاطر، آية ۲۸)

امام جواد(ع) می‌فرماید: **التفقه ثمن لکل غال و سلم الى كل عالي**: دانش دین بهای هر متاع گرانقدر و نرdban ترقی برای دستیابی به جایگاههای تعالی و رفعت است. امام علی(ع) فرموده است: اذا اراد الله بعد خيراً فقهه في الدين وألهمه اليقين: هرگاه خداوند خیر و خوبی بنده‌ای را خواهد او را در دین فهیم و دانشمند گرداند و یقین را به وی الهام می‌کند.

**راههای به دست آوردن فتوای مجتهد**

در این قسمت مربی بعد از یادآوری مسائل قبل به دانش آموزان تذکر می‌دهد حالا که مجتهد را شناختیم باید تلاش کنیم تا نظر و دستور او را به دست آوریم و بر طبق آن عمل کنیم. و بعد از گریزهای تبلیغی که در کلاس امجام می‌دهد می‌تواند برای بیان احکام این باب یکی از راههای زیر را انتخاب کند:

۱. قبل از شروع کلاس جملات و راههای به دست آوردن فتوای مجتهد را

روی تخته به شکل زیر بنویسد:

### راههای به دست آوردن فتوای مجتهد<sup>۱</sup>

۱. سیلن ار خود مجتهد.
۲. سیلن اردو نفر عادل.
۳. سیلن ار یک نفر مورد اطمینان و راستگو.
۴. دیدن در رساله مجتهد

سپس در هنگام برگزاری کلاس از دانش آموزان بخواهد که بگویند مربی رو یا زیر کدام حروف باید نقطه بگذارد. بعد از تکمیل هر جمله نیز توضیحات لازم را ارائه دهد.

- ۲- این جملات را به شکل ناقص به صورت زیر بنویسد:
۱. ... از خود مجتهد
  ۲. ... از دو نفر عادل
  ۳. ... از یک نفر مورد اطمینان و راستگو
  ۴. ... در رساله مجتهد

آنگاه از دانش آموزان بخواهد تا با کلماتی در جای خالی جملات را کامل کنند. مربی می تواند راهنمایی کند که در سه جمله فقط یک کلمه و در یک جمله، کلمه دیگر است. در پایان، وی می تواند گریزهای تبلیغی درباره دو نعمت گوش و چشم را و اینکه اگر نمی توانستیم بشنویم یا بینیم چه اتفاقی می افتاد، بگوید و از این قبیل.

۳- مربی راههای به دست آوردن فتوای مجتهد را در برگه ای مثل روش اول نوشته، تکثیر کند و در اختیار دانش آموزان بگذارد تا آنها در اوقات فراغت نقطه

گذاری کنند و در کلاس بعدی بیاورند و آنگاه وی در کلاس جمله صحیح را برای بچه ها بگوید و درباره هر کدام توضیحات لازم را ارائه دهد.

شایان تذکر است که مربی می تواند با هر کدام از این روشها یا به گونه ای تلفیقی احکام را بیان کند. در ضمن رساله ای را با خود به کلاس ببرد و توضیحات لازم را پیرامون نحوه استفاده از آن بیان کند و این نکته را گوشزد کند که این کتاب در سطح آنها نوشته نشده و دارای مطالب سنگینی است که لازم است در فهم آن به شخصی که اطلاع کافی دارد مراجعه شود. برای روشن شدن این نکته می تواند قسمتهایی از مسائل خرید و فروش یا مزارعه را بخواهد که دانش آموزی قرائت کند و او توضیح بدهد.

### پرسش

چه کسانی باید اعمال واجب را انجام دهند؟

## طهارت و نجاست

و الله يحب المطهّرين: بدرستیکه خداوند پاکیزگان را دوست دارد. (توبه، آیه ۱۰۸)

رسول خدا(ص) : لاصلوة الْبَطْهُورِ : هیچ نمازی قبول نیست مگر با طهارت.

از جمله چیزهایی که قبل از انجام نماز باید مورد توجه نمازگزاران قرار گیرد طهارت و پاکی است. در اسلام سفارش‌های زیادی به طهارت و پاکیزگی شده است. همگان حدیث معروف «النظافة من الايمان» را شنیده، خوانده و می‌دانیم و اینکه همیشه انسان قبل از نماز مسواك بزند و هفته‌ای چند دفعه حمام برود و معابر عمومی و خیابانها، رودخانه‌ها، ... را کشیف نکند و ... اینها همه از دستورهای دین اسلام است. در اینجا باید دانست که در دنیا همه چیز پاک و ظاهر است مگر یازده چیز و آنچه بر اثر برخورد با اینها نجس شود. ما در اینجا فقط ۶ (شش) مورد را نام می‌بریم:

- |                                  |  |                      |
|----------------------------------|--|----------------------|
| ۱. ادرار(بول):<br>۲. مدفوع(غائط) | ادrar و مدفوع انسان و حیوانهایی که حرام گوشت و خون جهنده دارند مانند گربه و موش نجس است. | نجاست<br>(ناپاکی‌ها) |
| ۳. مردار:<br>۴. خون:             | مردار و خون انسان و حیوانی که خون جهنده دارد.<br>مانند گوسفند، مرغ، گاو نجس است.         |                      |
| ۵. سگ:<br>۶. خوک:                | که در خشکی زندگی می‌کند ولی دریابی آن نجس<br>نمی‌باشد. <sup>۱</sup>                      |                      |

**توضیح:** طهارت غیر از نظافت و پاکیزگی است و نجاست غیر از کشافت و کثیفی است. ممکن است چیزی تمییز باشد ولی از نظر احکام اسلام پاک نباشد. خواسته اسلام هم طهارت و هم نظافت است یعنی انسان باید به فکر پاکی و تمییزی خود و محیط زندگی اش باشد.

### پرسش و پاسخ

در اینجا چند مسأله از احکام نجاست به صورت پرسش و پاسخ می‌آید که مربی از دانش آموزان می‌پرسد، اگر می‌دانستند با مختصراً توضیح بیان می‌کند و اگر هم نمی‌دانستند خود با توضیحات لازم بیان می‌کند. بهتر است که سوالات با تنوع بیان شود؛ مثلاً سریع پرسیده شود یا به بچه‌ها گفته شود که هر کس ساكت تر است از او می‌پرسم، یا هر کس نخندید یا نفس نکشد. در ضمن نکات تبلیغی نیز بیان شود؛ مثل اینکه اگر نفس نکشیم چه می‌شود و شکر نعمتهاي خدارا به جا آوردن به چیست.

آیا لازم است که لباس نمازگزار پاک باشد؟ آری لباس نمازگزار باید پاک باشد.

بدن نمازگزار چطور؟ آری بدنه نمازگزار باید پاک باشد.

مار، عقرب و قورباغه مرده نجس است؟ خیر، نجس نیست.

ماهی که در آب بمیرد پاک است یا نجس؟ چرا؟ پاک است. چون خون جهنه دارد ولی گوشت آن را نمی‌شود خورد.

مو و پشم و شاخ گوسفند و گاو مرده نجس است یا پاک؟ پاک است.

چرا پاک است؟ چونکه بی روح است و مو و پشم و شاخ حیوانهای که خون جهنه دارند پاک است.

آیا خون انسان نجس است یا پاک؟ نجس است.

خونی که از لای دندانها می‌آید پاک است یا نجس؟ نجس است.

خونی که از لای دندانها می‌آید اگر با آب دهان مخلوط شود و از بین برود،

پاک است یا نجس؟ پاک است

خوردن و فرو بردن آب دهانی که با خون مخلوط شده که دیگر اثری از خون نیست، اشکال دارد یا ندارد؟ اشکال ندارد (مزبی توضیح بدهد که اگر خون مشخص باشد، فرو بردن آب دهان مخلوط با خون حرام است.)

ادرار و مدفوع اسب و الاغ پاک است یا نجس؟ پاک است.

ادرار و مدفوع گربه و سک چطور؟ نجس است.

فضلله پرنده‌گان حرام گوشت مانند کلاغ، پاک است یا نجس؟ نجس است.

فضلله موش پاک است یا نجس؟ نجس است.

اگر فضلله موش داخل غذا شود آیا می‌شود آن غذاراً خورد، چرا؟ خیر نمی‌شود خورد. چونکه فضلله موش نجس است وقتی داخل غذا شود همه غذارا نجس می‌کند.<sup>۱</sup>

### چگونه چیز پاک نجس می‌شود؟

اگر چیز پاکی به نجس برخورد کند و آن چیز پاک یا نجس طوری خیس باشد که خیسی و رطوبت یکی به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود. اما اگر ندانیم که دو چیز پاک و نجس به هم برخورد کرده‌اند؟ و چیز پاک یا نجس آیا مرطوب بوده‌اند یا نه و همچنین اگر ندانیم رطوبت یکی به دیگری رسیده است یا نه، در این صورت می‌گوییم که آن چیز پاک نجس نشده و پاک است.<sup>۲</sup>

### احکام

۱. خوردن و نوشیدن چیز نجس حرام است.<sup>۳</sup>

۱- مسئله ۸۵، ۸۶، ۸۷، ۸۸ و ۹۰.

۲- مسئله ۱۲۵.

۳- مسئله ۱۴۱.

۲. اگر انسان ببیند کسی چیز نجس را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند لازم نیست به او بگوید.<sup>۱</sup>

**توضیح:** مربی برای اینکه احکام نجاسات را بهتر برای دانش آموزان تفهیم کند لازم است سؤالاتی از آنها بکند و جواب بگیرد. هرگاه جواب صحیح را نمی‌دانند خود بیان کند. مثلاً بعد از بیان اینکه خون از نجاست است، بپرسد: اگر در غذایی خون دیده شده آیا می‌شود آن غذا را خورد؟ اگر غذایی نجس شده یا فصله موش در آن دیده شده باشد آیا می‌شود آن غذا را خورد؟ اگر خونک یا سگی از ظرفی آب بخورد آیا می‌شود انسان باقیمانده آن آب را بخورد؟

### مطهرات (پاکی‌ها)

بازی با کلمات:

**توضیح:** مربی به دانش آموزان می‌گوید من مطالبی از شما می‌پرسم بعد از اینکه آنها را جواب دادید حرف اول هر کدام از جوابها را می‌نویسم و آنگاه شما آن حرفها را به هم وصل کنید تا این کلمه خاص را به دست بیاورید:

- 
۱. استاد شهید که سالروز شهادتش روز معلم است؟ (مطهری)
  ۲. به رژیم شاه و حکومت شاهان و ستمگران گفته می‌شود؟ (طاغوت)
  ۳. یکی از خوردنیهای گوارا در فصل گرما که اولش (هـ) است؟ (هندوانه)
  ۴. سوره‌ای که معروف به عروس قرآن است؟ (الرحمن)
  ۵. فرمانده لشکر اصحاب فیل که به خانه خدا حمله کردند؟ (ابرهه)
  ۶. یکی از میوه‌های فصل بهار که از هر طرف بخوانی خودش می‌شود؟ (توت)

### جدول مطهرات

توضیح: مری دانش آموزان را راهنمایی می کند که حروف الفبای فارسی را به ترتیب از یک تا ۳۲ شمارگذاری کنید و هر حرف را به جای شماره ای که در جدول است بر طبق شماره حروف قرار دهید تا رمز جدول به دست آید.

۳۱	۱۰	۲۹	۲۹	۲۵	۴۵	۱	۳	
۱۰	۳۰	۲	۶	۲۹	۳	۱	۳۱	
۲۳	۱	۲۹	۳۲	۲۸	۱۳	۲	۱	
۲۸	۱	۲۷	۱۵	۱	۲	۱	۴	
۲۹	۱۰	۱۶	۲۳	۱۲	۱۹	۱۲	۲	
۴	۱۵	۱	۶	۲۹	۲۹	۳۲	۲۱	

ه	د	ن	ن	ك	ك	ا	پ	
د	و	ب	ج	ن	پ	ا	ه	
ف	آ	ي	م	ز	ب	ب	آ	
م	ا	ل	س	ا	ب	ا	ت	
ن	د	ش	ف	ر	ط	ر	ب	
ت	س	ا	ج	ن	ن	ي	ع	

**توضیح:** در این جدول فقط پنج نوع از مطهرات که دانستن آنها برای کودکان مفید می‌باشد آورده شده است. آنها عبارت اند از: آب، آفتاب، زمین، اسلام، برطرف شدن عین نجاست.<sup>۱</sup>

**تذکر:** این جدول را هم در کلاس می‌شود استفاده کرد و هم اینکه مربی آن را تکثیر کند و در اختیار دانش آموزان قرار دهد تا در اوقات فراغت حل کنند و در سر کلاس جواب صحیح را مربی بیان کند.

**پرسش:** شخصی پای مرطوب بر فرش نجس گذاشته است آیا پایش نجس می‌شود؟

## اقسام آبها

«وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيًّا: (إنبياء، آية ۱۸)

و قرار دادیم از آب هر چیز زنده را (از آب هر چیز را زنده ساختیم.)

ان البی کان اذا شرب الماء قال الحمد لله الذي سقانا عذباً فراتا برحمته ولم يجعله ملحًا أجاجاً  
بلنوبنا: «هنگامی که حضرت پیامبر(ص) آب می نوشید، می فرمود: حمد برای خداوندی که به رحمتش ما را از آب شیرین و گوارا سپراب کرد و آن را به سبب گناهانمان شور و تلخ قرار نداد.»

مربی می تواند برای شروع در بحث آبها مختصراً درباره اهمیت آبها سخن به میان آورد. مثلاً بگویید: حیات تمام موجودات به آب بستگی دارد. اگر آب نباشد درخت به وجود نمی آید اگر آب نباشد گیاهان و میوه ها به وجود نمی آیند و اینکه حیات بشر به آب بستگی دارد؛ همان طور که قرآن فرموده است: زندگی هر چیز زنده به آب بستگی دارد. اگر انسان به مدت کمی آب نخورد از تشنجی می میرد و  $\frac{2}{3}$  بدن انسان از آب تشکیل شده است. مربی در ادامه، درباره هدر ندادن آب و اسراف نکردن آن مختصراً توضیح بدهد؛ مثلاً اگر آبها را هدر بدھیم و اسراف بکنیم بی آبی سبب می شود که کارخانه های برق که با آب سدها به راه می افتد با مشکل جدی مواجه شوند. در نتیجه تولید برق کم می شود و بنابراین در ساعاتی از روز گرفتار بی برقی در خانه و کارخانه ها می شویم و کشورمان آسیب می بیند. از همین روست که اسلام مخالف اسراف است.

یا اینکه مربی نخست چند سؤال از دانش آموزان کند و بعد مختصراً درباره

اهمیت آب و اسراف نکردن توضیح بدهد. مثال:

۱. اولین کلمه که دانش آموز اول ابتدایی یاد می‌گیرد و می‌خوانند چیست؟ (آب)
۲. مايه حیات و زندگی بشر و دیگر موجودات زنده چیست؟ (آب)
۳. آن چیست که زندگی همه موجودات به آن بستگی دارد؟ (آب)

۱. مضارف: (آبی که از چیزی گرفته باشند). مربی با کشیدن

تصویر یک لیوان آب میوه روی تخته و یا با آوردن یک نوع آب  
میوه مثل ساندیس یا آوردن گلاب، آب مضارف را توضیح دهد.

۲. مطلق: (آب معمولی) مربی با کشیدن تصویر یک رودخانه  
یا برکه روی تخته و یا با آوردن یک ظرف آب در کلاس این  
مطلوب را تفهیم کند.

اقسام آبهای:

**آب مضارف**  
چون احکام آب مضارف کم است و چندان اهمیتی ندارد بهتر است مربی در  
ابتدا مسائل آب مضارف را بیان کند و بعد از آن به آب مطلق بپردازد.

## احکام

۱. برای پاک کردن دست یا لباس نجس از آب مضارف نمی‌شود استفاده کرد و  
آب مضارف نجاست را پاک نمی‌کند.<sup>۱</sup>

۲. از آب مضارف برای وضو نمی‌شود استفاده کرد و اگر کسی با آب مضارف  
وضو گرفت وضویش صحیح نیست.<sup>۲</sup>

**توضیح:** مربی بعد از بیان این دو مسئله با پرسشها متوالی و سریع تنوعی به

.۱- مسئله ۱۴۹

.۲- مسئله ۲۶۵

کلاس داده، مطلب را با تفريح و سرگرمی به بچه ها تفهیم کند. مثلاً بپرسد: آیا با آب هندوانه (یا هرمیوه دیگر) می شود چیز نحس را پاک کرد یا وضو گرفت؟ با آب سبب چطور؟ با گلاب یا ... گل آب (آبی که زیاد گل آلود باشد که نگویند آب است)؟ در بین سوالات برای تنوع بگوید:

با آب پرتقال چطور؟ معمولاً بچه ها می گویند نه. آن وقت مربی بگوید: صبر کنید، آیا با آب کشور پرتقال نمی شود وضو گرفت؟ و یا آب کانادا؟

بله با آب کشور پرتقال و کانادا می شود وضو گرفت؟

با آب انار چطور؟ بله با آب شهر انار (از توابع استان یزد) می توان وضو گرفت.

### أنواع آبها

وَاللهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاوَاتِ مَاءً فَاحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَاءِ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ  
(نحل، آیه ۶۵)

در این قسمت مربی از دانش آموزان بپرسد: آبها چند نوع اند؟ که معمولاً دانش آموزان بعد از درس گذشته خواهند گفت؟ دونوع: آب مضاف و مطلق. در اینجا مربی می گوید: بله، آن در مقایسه آب معمولی و غیر معمولی بود. حال بگوید: آب مطلق بر چند نوع است؟

- ۱- کر (بهتر است تصویر رو دخانه یا سدی را بکشد یا بگوید  
به آب لوله آب کر می گویند.)
- ۲- قلیل (مثل آب ظرف، لیوان، کوزه و آفتابه)

برای اینکه کلاس جذابتر شود مربی می تواند با نوشتن کلمه «کر» بدون تلفظ و اعراب گذاری از دانش آموزان بخواهد که بخوانند.

اگر دانش آموزان، کر خوانندند معلم مربی مختصری درباره نعمت شناوی که

خدا به انسانها داده است توضیح دهد یا داستان آن مرد عرب را بیان کند که به مکه آمد و بت پرستان به او گفتند پنبه در گوشت بگذار که گفته های محمد(پیامبر(ص)) تو را گمراх خواهد کرد. آن شخص چنین کرد و بعد از مدتی با خود گفت بیینم پیامبر(ص) چه می گوید! وقتی کلام گوهر بار و سعادت آفرین پیامبر به گوش او رسید به پیامبر ایمان آورد و مسلمان شد یا اینکه توضیح دهد که قرآن چه کسانی را کر می داند(صم بکم، عمی فهم ، سوره بقره را توضیح دهد) آنگاه خود مربی کلمه را با گذاشتن اعراب بخواند-کُر- و درباره آب کر توضیح دهد و بگوید که آب چشمها، رودخانه ها و دریاهای همه بیشتر از مقدار کُر هستند و آب کُر تقریباً به اندازه یک حوض بزرگ را می گویند.

روش نوشتن کلمه کر:

کر ← کر ← کر

در ضمن مربی می تواند ادامه بدهد و کلمات دیگر را بدست بیاورد و درباره هر کدام با اختصار توضیحاتی بدهد.

فکر ← شکر ← لشکر ← کر ← کربلا

پرسش: آب قلیل چیست و چگونه نجس می شود؟

مظہرات: آب

و هو الذى ارسل الرياح بشرى يبن يدى رحمته و انزلنا من السماء ماءً طهورا

(فرقان، آیه ۴۸)

آب مایه زندگی و پاک کننده بیشترین نجاسات است و از جمله پاک کننده هایی است که همه روزه تمام افراد با آن سرو کار دارند. اینک چگونگی تطهیر و پاک کردن چیزهای نجس با آن را یاد می گیریم:

### پاک کردن چیزهای نجس با آب

۱- با آب کر: یک مرتبه شستن (احتیاطاً سه مرتبه)<sup>۱</sup>

۲- با آب قلیل: سه مرتبه شستن - سه مرتبه ظرف را پر و خالی کنند یا

قدرتی آب در آن بریزند و بگردانند تا همه ظرف را بگیرد.<sup>۲</sup>

۳- با آب کر: یک مرتبه شستن.

۴- با آب قلیل: دو مرتبه شستن؛ البته بعد از

بر طرف کردن عین و اصل نجاست، یک مرتبه آب روی آن بریزند که همه جای آن را بگیرد و فشار دهند تا آب از آن خارج شود.

دفعه دوم که آب روی آن بریزند پاک می شود. ولی در مورد فرش و لباس فشار دفعه دوم لازم است.

۵- با آب کر: یک مرتبه شستن.<sup>۴</sup>

۶- با آب قلیل؛ یک مرتبه شستن - در

مورد لباس و مانند آنها فشار دهند تا آب

باقیمانده بیرون بیايد.

پاک کردن  
چیزهای  
نجس  
با آب

۱- ظرف:

۲- غیر ظرف:

۱- مسئله ۱۵۰.

۲- مسئله ۱۵۵.

۳- مسئله ۱۵۹ او ۱۶۰.

۴- مسئله ۱۶۲.

مسئله: برای پاک کردن چیزهای نجس، ابتدا باید عین نجاست را برطرف کرد سپس به همان تعداد که در نمودار آمده است آن را آب کشید. مثلاً ظرف نجس را بعد از برطرف کردن آلودگی و نجاست، اگر یک مرتبه در آب کر (با با آب کر) بشویند کافی است.

توضیح: بعد از دسته بنده انجام شده مربی با سؤالات پی در پی و جواب گرفتن از دانش آموزان می تواند از خستگی کلاس بکاهد و هم متوجه شود که آیا دانش آموزان احکام را یاد گرفته اند یا خیر. مثلاً بپرسد:  
با آب قلیل چند مرتبه باید ظرف را شست تا پاک شود؟  
غیر ظرف چطور؟  
با آب کر به چه شکل؟ و از این قبیل.

### سوال و جواب

آیا نجاست را می شود با آب قلیل پاک کرد؟ بله  
آیا با آب قلیل می شود وضو گرفت؟ بله  
آیا با آب مضارف می شود چیز نجس را پاک کرد یا وضو گرفت؟ خیر  
از کجا می فهمیم که آب کر نجس شده است؟ از سه راه: اینکه رنگ، بو یا مزه آب تغییر کند.

- 
- راههای شناخت نجس شدن آب کر<sup>۱</sup>:
۱. بوی آب تغییر کند.
  ۲. رنگ آب تغییر کند.
  ۳. مزه آب تغییر کند.

## قبله

آیه: سی قول السفهاء من الناس ما وَلَّهُمْ عَنْ قِبْلَتِهِمُ الَّتِي كَانُوا عَلَيْهَا قُلْ لَلَّهِ الْمَشْرُقُ وَالْمَغْرِبُ

یهودی من يشاء الى صراطٍ مستقيم .  
(بقره، آيه ۱۴۲ و ۱۴۴)

توجه به قبله هرگز مفهومش محدود کردن ذات پاک خدا در سمت معینی نیست بلکه از آنجا که انسان وجودی مادی است و به هر تقدیر باید به سویی نماز بخواند دستور داده شده که همه به سوی کعبه نماز بخوانند تا وحدت و هماهنگی در صفواف مسلمین نمایان شود و از هرج و مرج و پراکندگی جلوگیری به عمل آید. راستی اگر هر کسی به سویی نماز می خواند و صفواف متفرق تشکیل می دادند چقدر زننده بود! ضمناً سمتی که به عنوان قبله تعیین شده (سمت کعبه) نقطه ای است مقدس که از قدیمی ترین پایگاههای توحید و یکتا پرستی است و توجه به آن بیدار کننده خاطرات توحیدی می باشد.

توضیح: برای ورود به بحث قبله دو روش پیشنهاد می کنیم که می تواند بعنوان مقدمه مورد استفاده قرار گیرد:

روش اول را مربی می تواند این گونه آغاز کند: بچه ها، ما امروز می خواهیم درباره ۹ صحبت کنیم. (گریزهای تبلیغی عدد ۹، که بسیار است؛ مثلًاً امام نهم یا معصوم نهم کیست، ۹ محرم را چه می نامند؟ ماه نهم چه نام دارد و از این قبیل) مرحله بعد نوشتمن عدد ۱ و بیان مناسبتهای عدد یک و گریزهای تبلیغی است.

مرحله بعد نوشتمن عدد ۹ بر تخته است؛ بدین گونه:

قبله ← ۹ - ۱ - ۹ ← ۹ - ۱ ← ۹

روش دیگر بازی با کلمات است که مربی چنین آغاز می‌کند: به من بگو یک کلمه که اولش ب و کلمه‌ای که اولش ل باشد. به من بگو یک کلمه که اولش ق و آخرش ه باشد.

در این حال، وی با کلماتی که قبلًاً انتخاب کرده است و کلماتی که بچه‌ها می‌گویند مطالب تبلیغی خود را بیان بدارد.

مربی می‌تواند با انواع روش‌ها، این گونه در مقدمه بحث احکام، برنامه اجرا کند. شیوه ورود به بحث‌های بعدی ممکن است بدین گونه باشد: خیلی خوب بچه‌ها! اولین قبله مسلمانان کجاست؟ بله، بیت المقدس عزیز که الان در دست اسرائیل غاصب است. خوب، مگر قبله اول چه اشکال داشت که پیامبر رو به قبله دوم کرد و به کعبه نماز خواند؟ این یک سؤال مهم است. در زمان پیامبر هم عده‌ای می‌گفتند: اگر باید ما به سوی کعبه نماز بخوانیم چرا پیامبر(ص) از روز اول نگفت؟ مگر بیت المقدس قبله انبیاء نبوده، چرا باید تغییر کند؟ دشمنان اسلام هم شروع به سپاهشی کردند که بله، ما گفتیم پیامبر حالا که کارش بالا گرفته قبله ما را تغییر می‌دهد؛ حالا برای قوم خودش قبله جداگانه درست کرده است! اما خداوند جواب این سؤالها را چنین فرموده است: سیقول السفهاء من الناس ما ولیهم عن قبلتهم التي كانوا عليها قل لله المشرق والمغارب. آری، همه شرق و غرب عالم از آن خدادست. بیت المقدس، کعبه و همه جا ملک خدادست. اصلًاً خداوند که جسم نیست که مکان و خانه داشته باشد. مهم این است که همه تسليم فرمان خداوند باشیم. هر مکانی که او فرموده است دارای شرافت است و تغییر قبله در حقیقت مراحل مختلف آزمایش و تکامل است.

یکی دیگر از علتهای تغییر قبله این است که یهودیان پس از ورود پیامبر به مدینه، مسلمانان را سرزنش می‌کردند و می‌گفتند اینها از خود استقلال ندارند! ما به اینها عبادات را یاد داده ایم و اصلًاً اینها از قبله سر در نمی‌آورند. قبول کردن قبله ما دلیل بر قبول حقانیت مذهب یهود است، و مانند اینها. خداوند بزرگ هم

وقتی پیامبر (ص) در حال نماز ظهر بود در یک لحظه حساس پیک وحی را فرستاد و پیامبر را از بیت المقدس رو به سوی کعبه نبرگردانید، و مسلمانان نیز فوری صفوف نماز را تغییر جهت دادند. جالب اینکه تغییر قبله یکی از نشانه‌های راستی نبوت پیامبر (ص) است. زیرا در کتابهای پیشینیان ذکر شده بود که «او به سوی دو قبله نماز می‌خواند» ( يصلی اللہ علیہ وآلہ وسلم).<sup>۱</sup>

نکته‌ای که باید اشاره شود این است که مباحثت قبله و تغییر آن بسیار زیاد است و این به عهده ذوق و ابتكار و مقدار مطالعه مربی است. برای ادامه بحث می‌توان به آیه ۹۶ سوره آل عمران، آیه ۱۲۵ سوره بقره، آیه ۹۷ سوره مائدہ و آیه ۱۴۴ سوره بقره مراجعه کرد.

### احکام

خانه کعبه که در مکه معظممه می‌باشد قبله است و باید رو به روی آن نماز خواند. ولی کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز خواند، کافی است و همچنین است کارهای دیگر که مانند سر بریدن حیوانات باید رو به قبله انجام گیرد. و آن که می‌خواهد نماز بخواند باید برای پیدا کردن قبله کوشش و سعی نماید تا یقین کند قبله کدام طرف است.<sup>۲</sup>

### قبله در چه مواردی واجب است رعایت شود؟

۱. در نمازهای واجب (چه یومیه و چه غیر یومیه)
۲. در توابع نمازهای واجب مانند: نماز احتیاط و قضای اجزای فراموش شده و در سجده سهو بنابر احتیاط.
۳. نماز بر میت و دفن آن

۱- مسئله ۷۷۶ رساله امام (ره).

۴. در حالت احتضار (کسی که در حال مرگ است واجب است او را رو به قبله قرار داد.)
۵. در ذبح یا نحر واجب است سمت جلو حیوان رو به قبله باشد.

قبله در چه مواردی مستحب است که رعایت شود؟

۱. هنگام دعا
۲. در هنگام قرائت قرآن
۳. در حالت ذکر گفتن
۴. در هنگام تعقیب نماز
۵. هنگام طرح نزاع و دعوا در نزد قاضی
۶. هنگام سجده شکر و همچنین سجده واجب.
۷. در کلاس و هنگام آموختن علم.

تذکر: در موارد وجوب یا استحباب رو به قبله بودن، ذکر تعداد و چگونگی طرح مسأله به عهده مریبی است.

- |   |   |
|---|---|
| <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. کوشش تابه سر حد یقین برسد.</li> <li>۲. دو شاهد عادل که به کمک نشانه‌های حسی قبله را پیدا کرده‌اند، آن را مشخص کنند؛ مثلاً با دیدن ماه و ستاره یا کوه.</li> <li>۳. به قول کسی که از روی قبله نما یا قاعده علمی قبله را می‌شناسد و شخص (انسان) او را می‌شناسد.</li> <li>۴. از محراب مسجد یا قبرستان مسلمانان (چون محراب مساجد رو به قبله است و همچنین چونکه واجب است مردہ را در قبر به پهلوی راست رو به قبله بخوابانند.)</li> </ol> | <div style="display: flex; align-items: center;"> <span style="font-size: 2em; margin-right: 10px;">راههای</span> <span style="border-left: 1px solid black; height: 1.2em; margin-right: 10px;"></span> <span style="font-size: 2em; margin-right: 10px;">پیدا کردن</span> <span style="border-left: 1px solid black; height: 1.2em; margin-right: 10px;"></span> <span style="font-size: 2em; margin-right: 10px;">قبله<sup>۱</sup></span> </div> |
|---|---|

**مسئله:** کسی که گمان به قبله دارد اگر بتواند گمان قویتری پیدا کند نمی تواند به گمان خود عمل کند. مثلاً اگر شخصی به جای رفته است و خودش گمان می کند که قبله مثلاً به سمت راست است ولی با پرسیدن از اهالی محل و افرادی که آنجا هستند گمان قویتری پیدا کند باید به آن عمل کند.<sup>۱</sup>

**تذکر:** مربی بقیه مباحث و احکام قبله را قبل از کلاس، با مراجعه به تحریر الوسیله و توضیح المسائل، خوب به خاطر بسپارد تا برنامه با محتوای غنی تر ارائه گردد.

### مکان

اسلام برای جلوگیری از اختلاف و درگیری بین مردم حقیقی را برای آنها قائل است که موجب آسایش و دوری از مشکلات است. یکی از آنها حق خانه و زمین است که هیچ کس نمی تواند به زمین و خانه دیگران دست درازی کند یا بزور از آنها بگیرد. از این رو دستور می دهد که نمنی شود در خانه و زمین دیگران بدون اجازه و رضایت آنها نماز خواند. پس باید نمازگزار مکانی را که می خواهد نماز بخواند صاحب زمین یا صاحب خانه راضی باشد و اگر صاحب زمین یا خانه راضی نباشد نماز صحیح نیست.<sup>۲</sup>

### سوالاتی درباره قبله و مکان

۱. خانه خدا در کجا واقع است؟ (در مکه)
۲. مسلمانان اول به کدام سمت نماز می خوانندند؟ (بیت المقدس)
۳. چاه زمزم در کجا واقع است؟ (مکه)
۴. در خانه همسایه اگر آنها راضی نباشند می شود نماز خواند؟ (خیر)

۱- مسئله ۷۸۳.

۲- از مسئله ۸۸۶ الی ۸۹۲.

۵. در پارکها و کوهها که از اموال عمومی است می شود نماز خواند؟(بله)
۶. آن چه زمینی است که نمی شود در آن نماز خواند و عبادت کرد؟(زمین غصیب)
۷. آیا در زمین و خانه دیگران بدون رضایت آنها می شود نماز خواند؟(خیر)
۸. کدام مکان حرام است که نماز خواندن در آن ثواب زیادی دارد؟(مسجد الحرام) (مریب برای این سؤال توضیحاتی بدهد که مکان حرام یعنی چه و چرا مسجد الحرام را مسجد الحرام می گویند.)

## وضو

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا قَمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ وَابْدِيكُمُ الْمَرْأَقَ وَامْسِحُوا بِرُؤُسِكُمْ وَارْجِلَكُمُ الْكَعْبَيْنِ»  
(مائده، آية ۶)

امام رضا(ع) : اگر امر بالوضوء و بدعه به لآن یکون العبد ظاهراً اذا قام بین يدي الحبار عد مناجاته ایاه، مطیعاً له فيما امره : برای این دستور وضو داده شده و آغاز عبادت با آن است که بندگان هنگامی که در پیشگاه خدا می ایستند و با او مناجات می کنند پاک باشند و دستورهای او را به کار بندند .

نمازگزار باید قبل از انجام نماز وضو گرفته، خود را برای انجام این عبادت بزرگ آماده کند. در وضو باید ابتدا صورت را بشوید و سپس دست راست و بعد از آن دست چپ را. بعد از شستن این اعضا باید با رطوبتی که از شستن دست بر کف آن است سر را مسح کند؛ یعنی دست را بر آن بکشد و سپس به پای راست و در آخر پای چپ را مسح کند.

### کیفیت انجام وضو<sup>۱</sup>

۱. نیت می کنیم که برای خشنودی و انجام فرمان خدا وضو می گیریم.
۲. صورت از جایی که موی سر می روید تا آخر چانه از بالا به پایین و عرض

- صورت به پهناى بین انگشت و سط و شست بايد شسته شود .
- ۳ . دست راست را از آرنج تا سر انگشتان ، از بالا به پایین می شویم (برای آنکه یقین کند این مقدار را شسته باید مقدار بالاتر از آرنج را هم بشوید )
- ۴ . دست چپ را از آرنج تا سر انگشتان از بالا به پایین می شویم (برای آنکه یقین کند باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید )
- ۵ . بعد از شستن هر دو دست باید جلو سر را با تری آب و ضو که در دست مانده مسح کند و لازم نیست با دست راست باشد یا از بالا به پایین مسح نماید .
- ۶ . دست راست را با رطوبت و تری آن به روی پای راست از سر انگشتان تا برآمدگی پا می کشیم .
- ۷ . دست چپ را با تری و رطوبت آن به روی پای چپ از سر انگشت تا برآمدگی پا می کشیم .

### توضیح :

- برای یاد دادن طریقه صحیح وضو مربی می تواند این کارها را انجام دهد :
- ۱ . بچه ها را دورهم جمع کند و ابتدا خودش و سپس دانش آموزان یک به یک وضو بگیرند .
- ۲ . به حالت پانتومیم (بی صدا) طریقه وضو گرفتن را آموزش دهد و سپس از دانش آموزان بخواهد که بعضی به جلو بیایند و به همین کیفیت وضو بگیرند و بقیه هم مواظب باشند که چه کسی صحیح نمی تواند وضو بگیرد .
- ۳ . با اجرای تئاتر وضو ؛ که قبلًا چند نفر از دانش آموزان را آماده کرده باشد و آنها طریقه صحیح وضو گرفتن را بلد باشند
- ۴ . با شماره گذاری مراحل انجام وضو همراه با پرسش و پاسخ ، البته بعد از بیان طریقه وضو مثلاً بپرسد : ۱ . بچه ها ، در وضو اوّل کجا را می شویم ؟ ۲ . با چه دستی ؟ ۳ . بعد کجا را می شویم ؟ ۴ . با چه دستی ؟ ۵ . حالا کدام دست را

می شویم؟ ۶. با کدام دست؟ ۷. حالا باید چه کار کرد؟ ۸. با دست؟ ۹. بعد چه کار باید کرد؟ ۱۰. با دست؟ ۱۱. بعد مسح پایی؟ ۱۲. با کدام دست؟ مریبی به دانش آموزان تذکر بدهد که با اشاره نشان دهنده؛ مثلاً وقتی سوال یک پرسیده شد، دانش آموزان دستهای را به صورت بکشند و جواب بدهند.

### احکام وضو<sup>۱</sup>

۱. وضو باید برای انجام فرمان خداوند عالم و قربة الى الله انجام شود.
۲. اعضای وضو در موقع شستن و مسح باید پاک باشد.
۳. اگر چیزی بر اعضای وضو باشد که از رسیدن آب به آن جلوگیری می کند یا بر اعضای مسح باشد، هر چند از رسیدن آب جلوگیری نکند باید برای وضو برطرف شود.
۴. خطهای خودکار، لکه های رنگ، چربی و کرم، در صورتی که رنگ بدون جرم باشد مانع وضو نیست ولی اگر جرم داشته باشد (روی پوست را گرفته) باید برطرف شود.
۵. اگر ترتیب وضو به هم بخورد وضو باطل است؛ یعنی اگر به جای شستن دست راست، اول دست چپ را بشوید و بعد دست راست را، حتی اگر پای چپ و راست را همزمان مسح کند.
۶. باید کارهای وضو را پشت سرهم انجام بدهد. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند رطوبت جاهابی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد وضو باطل است.
۷. اگر انسان بخواهد وضو بگیرد و تمام نماز یا قسمتی از آن قضا و در خارج وقت خوانده می شود باید تیمم کند.

۱-رجوع شود به مسائله های ۲۶۵ الی ۲۹۷.

۸. اگر انسان اعضای وضویش زخم یا شکسته باشد و اگر آب به آن برسد موجب ضرر است باید بالای زخم پارچه‌ای پاک گذاشته و روی پارچه با دست که رطوبت دارد روی آن بکشد.
۹. خوابیدن و دستشویی رفتن (ادرار و مدفوع کردن) و خارج شدن باد شکم وضو را باطل می‌کند.<sup>۱</sup>
۱۰. کسی دیگر نمی‌تواند برای انسان وضو بگیرد؛ یعنی دیگری نمی‌تواند اعضای وضوی انسان را بشوید مگر اینکه انسان نتواند خودش اعضای وضویش را بشوید.
۱۱. در وضو، شستن صورت و دستها، مرتبه اول واجب، مرتبه دوم جائز و مرتبه سوم و بیشتر، حرام است.
۱۲. در مسح سر و پا، باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد وضو باطل است.
۱۳. جای مسح باید خشک باشد و اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند مسح باطل است.

### چیزهایی که باید برای آنها وضو گرفت<sup>۲</sup>

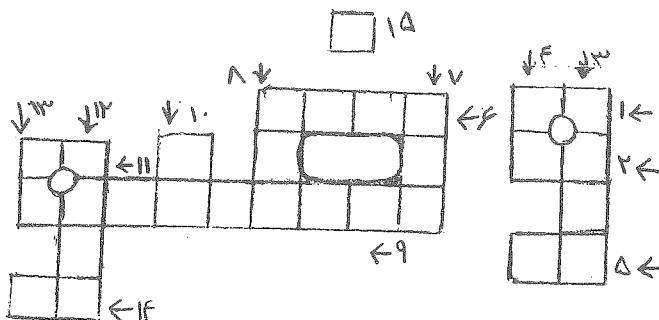
#### ۱. برای نماز خواندن

۲. برای رساندن جایی از بدن به نوشته قرآن و اسم خداوند مساله: رساندن جایی از بدن به اسم پیامبر اکرم (ص) و امامان و حضرت زهرا -سلام الله عليهم اجمعین- بدون وضو بنابر احتیاط واجب حرام است. برای اینکه مسائل وضو بیشتر در یاد دانش آموزان باشد مربی می‌تواند جدول زیر را

۱- مسأله ۳۲۳.  
۲- مسأله ۳۱۶.  
۳- مسأله ۳۱۹.

تکثیر کرده، در اختیار آنها قرار دهد تا در منزل یا در دیگر اوقات فراغت پر کنند. در ضمن طرز پر کردن این جدول بر طبق علامت پیکان می باشد و همچنین بعضی از حروفها مشترک بین دو سؤال است؛ مثلاً حرف آخر جواب یک سؤال، حرف اول جواب سؤال بعدی می باشد. (جوابها فقط برای مرتب آورده شده است.).

## جدول



- ۱- شهر زیارتی (قم)
- ۲- آب جامد (یخ)
- ۳- از ارکان نماز (قیام)
- ۴- مغز (مخ)
- ۵- من و تو (ما)

- (اگر حرف «ر» از صبر را به آخر ببریم و به جایش واو بگذاریم چه می شود؟) (صبور)
- از آن وارد می شوند؟ (در)
- پایتحت ایتالیا؟ (رم)
- پنجمین سوره در جزء ۲۶ قرآن که نامش با اسم یکی از حروف الفباء شبیه است. (اول کلمه قنوت است)؟ (ق)
- از باطل کننده های وضو (خواب)
- کسی که حتی پیامبران و امامان هم او را ندیدند (خدایا)
- بهار دم بریده (بهای)
- کلامی که بیشتر از همه در نماز تکرار می شود (الله اکبر)
- اول لا اله الا الله است (لا)
- کوچکترین عدد سه رقمی (صد)
- کسی که صبرش زیاد است

### معما

۱. آن چیست که گرفتنی است ولی برایش پولی پرداخت نمی شود؟(وضو)
۲. آن چیست که از برای نماز خوان گرفتنش لازم است؟(وضو)
۳. آن چیست که گرفتنش برای نماز خواندن واجب است و از هر طرف خوانده می شود؟(وضو)
۴. مرا از هر طرف بخوانی خودم می باشم من چیستم؟(وضو)
۵. کدام وضو نماز ندارد؟(وضو برای قرآن خواندن)
۶. در وضو اگر اعضای مسح قبلًا خیس باشد چه باید کرد؟(اول خشک می کنیم سپس وضو می گیریم)

### لطیفه

گویند روزی شخصی مشغول وضو شد و هنگام مسح پای چپ متوجه شد که دست او رطوبت لازم برای مسح را ندارد. در فکر فرو رفت که حال چگونه نماز بگذارد. راهی به نظرش رسید، مشغول نماز شد، دوستانش دیدند که او در تمام نماز با زحمتی بسیار پای چپ خود را بالا نگه داشته و به همین حال نماز را به پایان برد. از او پرسیدند: چرا این گونه نماز خواندی و پای چپ را زمین نگذاشتی؟ پاسخ داد: رطوبت دست من خشک شده بود برای همین چون پای چپ وضو نداشت آن را بالا نگه داشتم تا وارد نماز نشود.

## تیم

فَلَمْ تجده ماء فَسِيمُوا صَعِيداً طَبِياً فَامْسَحُوا بِوْجُوهِكُمْ وَايْدِيكُمْ انَّ اللَّهَ كَانَ عَفُوا  
غَفُوراً.  
(نساء، آیه ۴۳)

اهمیت نماز خواندن به آن حد است که انسان در هر صورت باید آن را به جا آورد - چه در سلامت و چه در مریضی ، چه در بودن آب و چه در نبودن آب ، خواه در منزل خواه در سفر . برای نماز خواندن انسان باید وضو بگیرد اماً گاهی به دلایلی نمی تواند وضو بگیرد . خداوند متعال برای اینکه انسان از نماز دور نشود دستور تیم داده است . تیم در صورتی صحیح است که انسان آب برای وضو نداشته باشد یا اگر دارد به قدری کم است که هر گاه با آن وضو بگیرد خودش بعداً تشنه می شود و از بین می رود . یا آب هست ولی برای انسان ضرر دارد که اگر از آب استفاده کند مریض می شود یا مریضی او بیشتر می شود ؟ که در این صورت انسان به جای وضو<sup>۱</sup> تیم می کند .

### كيفيت انجام تیم<sup>۲</sup>

- ۱ . نیت می کنیم که برای رضای خدا و اطاعت از فرمان او تیم کنیم .
- ۲ . دو کف دست را با هم بر چیزی که تیم بر آن صحیح است (مثل خاک) می زنیم .

۱- از مسائله ۶۴۸ الی ۶۸۳  
۲- مسائله ۷۰۰

۳. دو کف دست را به تمام پیشانی از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی می‌کشیم.
۴. کف دست چپ را برابر پشت دست راست می‌گذاریم و از مچ دست تا سر انگشتان می‌کشیم.
۵. کف دست راست را برابر پشت دست چپ می‌گذاریم و از مچ دست تا سر انگشتان می‌کشیم.

#### توضیح:

مربی می‌تواند برای بیان و تفهیم بهتر احکام و کیفیت صحیح تیمم مثل روشهایی که برای انجام وضو ذکر کردیم عمل کند تا کلاس هم حالت یکنواختی نداشته باشد و هم اینکه دانش آموزان بهتر بتوانند مسائل تیمم را یاد بگیرند.

- |   |   |
|---|---|
| ۱. خاک<br>۲. ریگ<br>۳. بعضی از سنگها (مثل سنگ، گچ، آهک، مرمر سیاه)<br>۴. گل پخته مثل آجر و کوزه         | } چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است <sup>۱</sup> |
| ۱. جواهر مانند سنگ عقیق و فیروزه<br>۲. گچ و آهک پخته<br>۳. خاک نجس<br>۴. زمین و خاک غصبی<br>۵. برف و یخ |   |

**توضیح:** مربی می‌تواند یکایک موارد صحیح بودن و همچنین صحیح نبودن تیم را روی کارتها بنویسد و با گفتن اینکه مثلاً بر چه چیزهایی می‌توانیم تیم کنیم کارتها را به ترتیب یک به یک به دانش آموزان نشان بدهد و آنها بخوانند و با صدای بلند بگویند و مربی درباره هر کدام مقداری توضیح دهد و در پایان با سوال و جواب تند و سریع از آنها متوجه شود که دانش آموزان مطلب را یاد گرفته‌اند یا خیر. بهتر است اندازه کارتها  $10 \times 20$  سانتی متر باشد و با ماژیک بزرگ، با خط خوش و درشت نوشته شود. خوب است کارتها را نوشт اماً باید طوری باشد که مربی در زمانی که آنها را پشت و رو می‌کند خط نوشته شده وارونه نشود. در اینجا نمونه‌هایی را که باید روی کارتها نوشته شود، می‌آوریم

موارد صحیح	۴	۳	۲	۱
بودن تیم	گل پخته	بعضی سنگها	ریگ	خاک

موارد صحیح	۵	۴	۳	۲	۱
نبودن تیم	برف ویخ	زمین و خاک غصبی	خاک نجس	گچ و آهک پخته	جواهر

## مقدمات نماز

قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون.

(مومنون، آیه ۱ و ۲)

امیر مؤمنان علی (ع) فرموده است: أوصيکم بالصلاۃ وحفظها فانها خیر العمل وهی عمود دینکم: شمارا به نماز و مراقبت از آن سفارش می کنم. چونکه نماز برترین عمل و ستون دین شمامست.

هر کار مهمی که انسان می خواهد انجام بدهد اول باید مقدمات آن را فراهم کند؛ مثلاً وقتی می خواهد در امتحانات قبول شود باید خوب درس بخواند، سر کلاس حاضر شود و تمرین کند تا در امتحانات موفق شود. همچنین برای مسافرت لازم است انسان پول فراهم کند، اسباب و وسائل مسافرت را منهیا کرده، بلیط برای سفر فراهم کند. وبالاخره برای هر چیز انسان اول باید آمادگی داشته باشد تا به آن کار پردازد؛ به طوری که در حدیثی از مولی الموحدین حضرت علی (ع) آمده است: «الدنيا مزرعة الآخرة»؛ دنیا کشتگاه آخرت است. یعنی در دنیا برای آسایش آخرت توشه ای باید فراهم کرد. دنیا مقدمه آخرت است.

نماز نیز چنین است و کسی که می خواهد نماز بخواند و در مقابل خدا قرار بگیرد باید چیزهایی را که برای نماز لازم است فراهم کند؛ که اگر چنین نکند نماز صحیحی را نمی توانند به جا آورد مقدمات نماز پنج قسم است.

**توضیح:** برای بیان مقدمات نماز مربی می تواند هر کدام از آنها را روی کارتها

نوشته، همانند موارد تیمم عمل کند و برای هر مورد مختصه‌ی توضیح دهد یا هر یک از حرفها را جداگانه روی کارت نوشته، روی تخته نصب کند تا دانش‌آموزان کلمات را به دست آورند. یا اینکه به روش زیر عمل کند. از این روش می‌شود با تکثیر جدول از اوقات فراغت بچه‌ها استفاده کرد.

### مقدمات نماز

كلمات زير را مرتب كنيد تا مقدمات نماز را به دست آوريد.

۱. ه	ط	ت	ا	ر	(طهارت)
(لباس)		ا	ل	س	. ۲
(مکان)	م	ك	ا	ن	. ۳
(قبله)		ق	ب	ه	. ۴
(وقت)	ق		و	ت	. ۵

مسئله: برای خواندن نماز لازم است که بدن انسان و لباس او پاک باشد و مکانی که انسان نماز می‌خواند غصبی نباشد و رو به قبله(خانه خدا) باشد و در وقت نماز بخواند.

### جدول

روش دیگری که می‌شود برای بیان مقدمات نماز استفاده کرد جدول است. جدولی که در اینجا به عنوان نمونه آورده می‌شود به این صورت است که قبل از شروع کلاس مربی آن را روی تخته رسم می‌کند و حرفهای جدول را داخلش می‌نویسد و به بچه‌ها می‌گوید که حروف جدول را به هم بچسبانید تا رمز جدول به دست آید این روش شاید وقت زیادی بگیرد ولی می‌شود از روش دیگر استفاده کرد؛ به اینکه مربی رمز جدول را بگوید و آنگاه به دانش‌آموزان تذکر بددهد که هر کس زودتر جواب جدول را به دست آورد برنده می‌شود و امتیازی یا

جائیزه‌ای به او تعلق می‌گیرد.

۱	ط	ا	ب	ه
۲	س	ل	ا	م
۳	ه	ر	ك	و
۴	ت	ا	ق	ل
۵	ن	ت	ب	ق

رمز جدول ۳ است یعنی اولین حرف سمت راست نوشته می‌شود و سپس سه خانه شمرده می‌شود. حرف خانه سوم حرف بعدی کلمه است. مثلاً حرف اول (ط) و حرف دوم (ه) و حرف سوم (ا) می‌شود همین طور تا آخرین حروف ادامه پیدا می‌کند تا مقدمات نماز به دست آید بعد از رسیدن به حرف آخر جدول یعنی حرف (ق) باید شمارش را از اول جدول (حرف «ط») ادامه داد حرفی که به دست می‌آید در اول کلمه‌ها بنویسد. (دقت شود) این کار احتیاج به تمرین دارد و مرتب قبل از خودش آن را خوب حل کرده باشد.

پرسش: شرایط لباس نمازگزار چیست؟

## مبحث نماز

«أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي»

(طه، آیه ۱۴)

«إِنَّ الصَّلَاةَ تَهْبِي عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُكْرَرِ»

(عنکبوت، آیه ۴۵)

رسول اکرم (ص) فرموده است:

ثُرُّ عَيْنِي فِي الصَّلَاةِ: نور چشمم در نماز است.

الصلوة مفتاح كل خير: نماز کلید هر خیر و خوبی است.

نماز یک کارخانه انسان سازی است.

(امام خمینی (ره))

اهمیت دادن جوانان به نماز «دعا» توکل و توجه به خدا، آنان را پولا دین خواهد کرد.

(مقام معظم رهبری)

## بازی با کلمات

در ابتدا مربی به دانش آموزان بگوید: من سوالهایی از شما می کنم و شما جواب بدھید و بعد از اینکه جواب را گفتید یک کلمه زیبا به دست می آید. آنگاه بازی با کلمات را شروع کند.

نام سوره‌ای که اولش «ز» باشد. (زمر) م

نام گلی زیبا که اولش «ر» است. (رُز) ز  
راز چیست؟ فرق بین راز و سرّ چیست؟ افشاری راز خوب است یا خیر؟ چرا  
ما باید راز دار باشیم. (راز) ا  
چه کسانی ناز می‌کنند، آیا ناز کردن برای دانش آموز با ادب خوب  
است؟ (ناز) ن

آیا مردم فرد ناز نازی را دوست دارند؟ به فردی که ناز نازی است چه  
می‌گویند؟ آیا بچه‌ای که از خوردن بعضی غذاها که مادر با زحمت درست کرده،  
دوری می‌کند کار خوبی انجام داده است (مربی باید از این قسمت استفاده تبلیغی  
کند).

### جواب بازی با کلمات: نماز

#### نماز چیست؟

نماز با گفتن الله اکبر شروع می‌شود و با سلام به پایان می‌رسد و آنچه در نماز  
انجام می‌شود یا واجب است یا مستحب و واجبات نماز یازده چیز است که برخی  
از آنها رکن و برخی دیگر غیر رکن اند. فرق رکن و غیر رکن را با یک مثال بیان  
می‌کنیم (در این قسمت مربی همراه با توضیح، تصویر یک ساختمان را می‌کشد یا  
اگر از قبل آماده کرده است به دانش آموزان نشان می‌دهد). هر ساختمان دارای  
چهار دیوار اطراف، ستون و در و پنجره است. اگر در و پنجره باشد اماً قسمتهای  
اصلی ساختمان مثل چهار دیواری، ستونها و سقف نباشد نمی‌گویند این  
ساختمان است اماً اگر ساختمان با چهار دیوار اطراف، ستونها و سقف باشد اماً در  
و پنجره نداشته باشد می‌گویند این ساختمان است ولی در و پنجره کم دارد. فرق  
بین رکن و غیر رکن نماز این است که اگر کسی یکی از ارکان نماز را که جزء اصلی  
آن به حساب می‌آیند به جایاورد یا اضافه کند یا اشتباه انجام دهد - گرچه بر اثر  
فراموشی هم باشد - نماز او باطل است اماً واجبات دیگر گرچه انجام آنها در نماز

لازم و واجب است ولی اگر از روی فراموشی کم یا زیاد شوند نماز باطل نمی شود.

**توضیح:** بهتر است در مبحث احکام نماز مربی بعد از اینکه مقداری درباره اهمیت نماز سخن به میان آورد اول خواندن حمد و سوره و دیگر اذکار نماز را به دانش آموزان آموزش دهد و آنگاه احکام نماز را بیان کند.

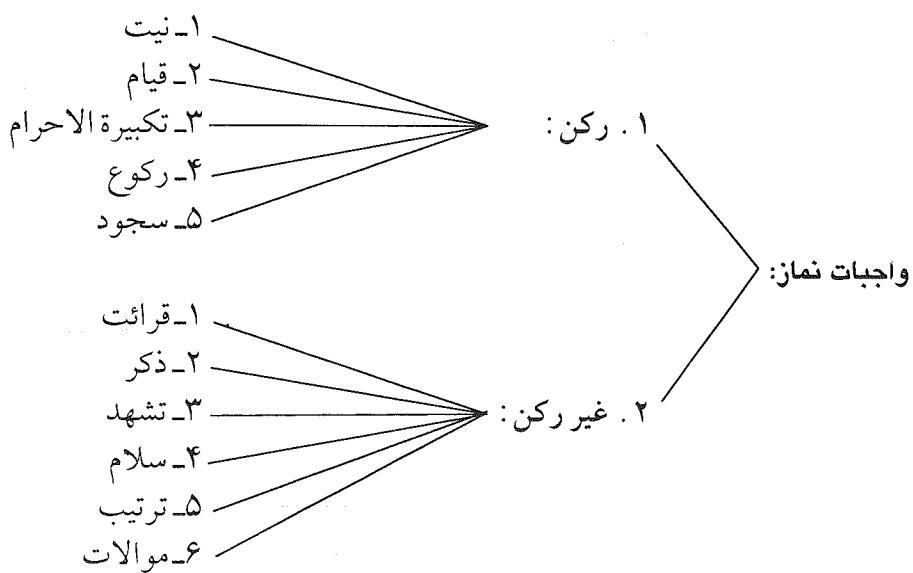
### واجبات نماز<sup>۱</sup>

با اضافه کردن یک حرف به اول و یک حرف به آخر کلمات زیر واجبات نماز را می توانید به دست آورید. (کلمه اول را مربی خودش بنویسد.)

- |          |        |                 |
|----------|--------|-----------------|
| ۱. نیت   | ۲. بیا | ۳. كبيرة الاحرا |
| ۴. کو    | ۵. جو  | ۶. رائے         |
| ۷. ک     | ۸. شهر | ۹. لا           |
| ۱۰. رتبه |        | ۱۱. والا        |

**توضیح:** مربی قسمت بالا را می تواند به دو شکل در تدریس مورد استفاده قرار دهد. اینکه در برگه ایی با خط خوش بنویسد و تکثیر کند و آنگاه در اختیار دانش آموزان قرار دهد تا در اوقات فراغت پر کنند و بعد به کلاس بیاورند و مربی شکل صحیح را در کلاس بیان کند. روش دیگر اینکه مربی بعد از توضیح واجبات، یکایک، این کلمات را روی تخته بنویسد و از دانش آموزان نظر خواهی کند که چه حرفی در اول بگذارد و چه حرفی در آخر این کلمات بگذارد تا کلمات درست شود.

۱- مسئله ۹۴۲ و مقدمه واجبات نماز.



### مسائل نماز

- ۱- انسان، موقعی می تواند مشغول نماز شود که یقین کند وقت داخل شده است یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهن.<sup>۱</sup>
- ۲- انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمدتاً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند باطل است.<sup>۲</sup>
- ۳- اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به سبب به جا آوردن بعضی از کارهای مستحبی نماز مقداری از آن بعد از وقت خواندنده می شود، باید آن مستحبات را به جایاورد؛ مثلاً اگر با خواندن قنوت مقداری از نماز بعد از وقت

۱- مسأله ۷۴۲ رساله امام(ره) .  
۲- مسأله ۷۵۵ رساله امام(ره) .

خوانده می شود، قنوت را نباید خواند.<sup>۱</sup>

<sup>۴</sup>- مستحب است انسان نماز را در اوّل وقت بخواند و در این باره خیلی سفارش شده است و هر چه به اوّل وقت نزدیکتر باشد بهتر است مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد: مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.<sup>۲</sup>

<sup>۵</sup>- بر مرد واجب است که حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشارا بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است که حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند.<sup>۳</sup>

<sup>۶</sup>- اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمدآ آهسته بخواند و در جایی که باید آهسته بخواند عمدآ بلند بخواند، نمازش باطل است. ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد صحیح است.<sup>۴</sup>

<sup>۷</sup>- سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد ولی گفتن آخ و آه و مانند اینها که دو حرف است اگر عمدی باشد نماز را باطل می کند.<sup>۵</sup>

پرسشن: ارکان نماز چند تاست و فرق زکن و غیر رکن چیست؟

۱- مسأله ۷۴۵ رساله امام(ره).

۲- مسأله ۷۵۱ رساله امام(ره).

۳- مسأله ۹۹۲ رساله امام(ره).

۴- مسأله ۹۹۵ رساله امام(ره).

۵- مسأله ۱۱۳۳ رساله امام(ره).

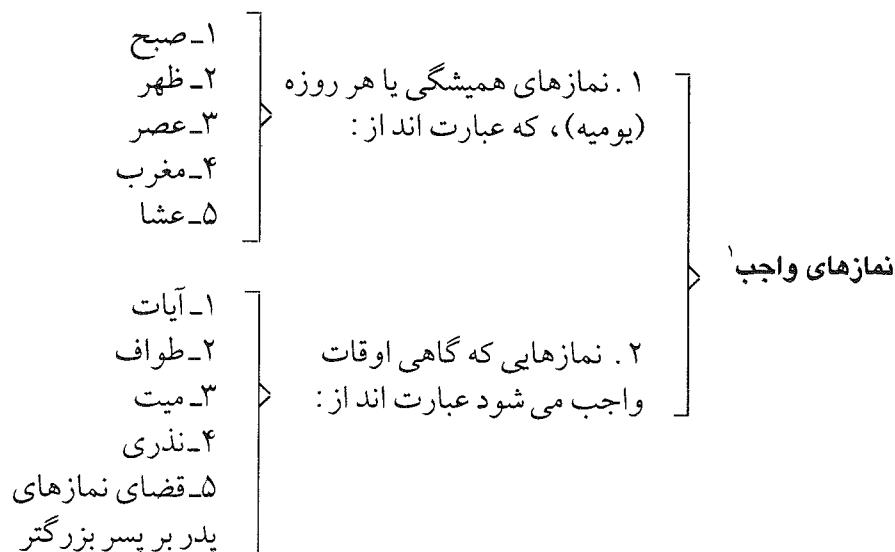
## نمازهای واجب

سورة کوثر

«فصل لریک و انحر»

رسول اکرم(ص) : أَوْلُ مَا يحاسِبُ بِهِ الْعَبْدُ الصِّلْوَةُ

توضیح: برای بیان نمازهای واجب می شود همانند روش تیمم که با کارت صورت پذیرفت در اینجا نیز اقسام نمازها را روی کارت‌هایی به اندازه  $20 \times 10$  سانتی متر نوشته، همانند گذشته عمل کند مربی هر مقدار از احکام را که لازم بود بیان نماید و لازم نیست که همگی بیان شود.



۱-رجوع شود به قسمت نمازهای واجب.

### وقت نمازهای روزانه (یومیه)

وقت نماز صبح: از اذان صبح تا طلوع آفتاب<sup>۱</sup>

وقت نماز ظهر و عصر: نماز ظهر از اذان ظهر تا هنگامی است که یک نماز عصر به مغرب مانده و نماز عصر تا مغرب است.<sup>۲</sup>

وقت نماز مغرب و عشا: از اذان مغرب تا نصف شب.<sup>۳</sup>

تذکر: اگر فاصله بین غروب آفتاب و اذان صبح دو نیم شود، نیمه شب پایان

وقت نماز عشاست.

### احکام

۱. اگر تمام نماز قبل از وقت یعنی قبل از اذان خوانده شود، باطل است.<sup>۴</sup>

۲. نماز اگر در وقت خود خوانده نشود قضایی شود و نماز اداء به نمازی می گویند که در وقت خود خوانده شود. نماز قضایی نمازی است که بعد از وقت نماز خوانده می شود.

۳. نماز آیات: هر وقت زلزله، ماه یا آفتاب گرفتگی ایجاد شود نماز آیات واجب می شود. همچنین اگر رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند اینها - در صورتی که بیشتر مردم بترسند - پیش آید در آن صورت بر همه مکلفین بنابر احتیاط واجب دو رکعت نماز به نام نماز آیات واجب می شود.<sup>۵</sup>

۴. نماز میت: هر گاه شخصی از دنیا برود بر همه مسلمانان واجب است بر

۱- مسئله ۷۴۱.

۲- مسئله ۷۳۱.

۳- مسئله ۷۳۶.

۴- مسئله ۷۴۵.

۵- مسئله ۱۴۹۱.

جنازه میت نماز بگذارند.<sup>۱</sup>

۵. نماز طواف: زمانی که شخص به مکه برای زیارت خانه خدا می‌رود بعد از طواف خانه خدا نمازی بر او واجب می‌شود که به آن نماز طواف می‌گویند.<sup>۲</sup>

۶. نماز نذری: اگر انسان نذر کند مثلاً در روز جمعه دو رکعت نماز بخواند در روز جمعه این دو رکعت نماز بر او واجب می‌شود و باید بخواند.<sup>۳</sup>

۷. نماز قضای پدر بر پسر بزرگتر: هر گاه پدر شخصی از دنیا برود و او نمازی را نخوانده باشد بر پسر بزرگتر واجب است که آن نمازها را بخواند.<sup>۴</sup>

پرسش: وقت نماز صبح، ظهر، عصر، مغرب و عشا را بگوید؟  
انسان در یک شبانه روز چند رکعت نماز می‌خواند؟ (یعنی بر او واجب است?) ۱۷ رکعت

شخصی می‌گوید: من در شبانه روز ۱۱ رکعت نماز می‌خوانم و نماز صحیح است و هیچ اشکالی ندارد و گناهی هم مرتکب نمی‌شوم! آیا چنین چیزی امکان دارد؟ بله، او چون مسافر است نمازهای چهار رکعتی اش دو رکعت می‌شود. در نتیجه جمع نمازهای او ۱۱ رکعت می‌شود.

توضیح: مربی برای بیان احکام نماز مسافر می‌تواند با چنین سؤالی کلاس را شروع کند: هر گاه شخصی از منزل خود که وطن اوست سفر کند اگر در حدود ۴۵ کیلومتر (چهار فرسخ شرعی رفت و برگشت) بیشتر باشد به آن شخص مسافر می‌گویند و کسی که مسافر است نمازهای چهار رکعتی را باید قصر (شکسته یا نصف) بخواند یعنی مثلاً به جای چهار رکعت نماز ظهر دو رکعت مثل نماز صبح بخواند.

۱-۳- قسمت نمازهای واجب.

۴- مسئله ۱۳۹۰.

**سؤال**

مسافر نماز صبح را باید چند رکعت بخواند؟ دو رکعت  
 مسافر نماز مغرب را باید چند رکعت بخواند؟ سه رکعت

**كلمات مربوط به هم**

كلمات داخل مستطيلها دو به دو به هم مربوط اند بجز يك کلمه در ابتدا  
 كلمات مربوط به هم را با يك خط به يكديگر وصل کنيد يا بارنگي شبيه هم رنگ  
 آميزی کنيد و سپس در مورد آن يك کلمه توضیح دهيد.

وضو	نماز مستحب	مأمور	نماز اداء	نماز قصر
نماز تمام	امام	تيمم	نماز قضا	نماز جماعت
قيام متصل به رکوع			نماز واجب	نماز فرادى

**توضیح:** مربی می تواند قسمت بالا را تکثیر کرده، بعد از گفتن تمام احکام نماز در اختیار دانش آموزان قرار دهد و از آنها بخواهد که در اوقات فراغت به حل آن بپردازند. و سپس بياورند و آنگاه مربی جواب صحیح را در کلاس به آنها بگوید. یا اينکه مربی بعد از پایان یافتن احکام نماز اين کلمات را بر کارت‌های جداگانه نوشته، در کلاس به بچه‌ها نشان دهد (رجوع شود به بحث کارت در قسمت تيمم) و از خود دانش آموزان بخواهد درباره هر کدام توضیحی بدنهند و سپس مربی خود توضیح تكميلي را ارائه کند.

### معمّا

۱. امامی که در موقع نماز، در محراب عبادت به شهادت رسید(اولین شهید محراب)؟ حضرت علی(ع)
۲. امامی که وقتی صدای اذان را شنید تکبیرگویان و پابرهنه برای اقامه نماز عید فطر شتافت؟ امام رضا(ع)
۳. نویسنده کتاب صلوة الخاسعین و از شهدای محراب؟ شهید دستغیب
۴. سومین شهید محراب در جمهوری اسلامی ایران؟ شهید صدوqi
۵. اولین امام جمعه تهران؟ آیة الله طالقانی

## نماز جماعت

«واطیعوا الله و رسوله و لا تنازعوا فتفشوا ...»

(انفال، آیه ۴۶)

قال رسول الله (ص) فرموده است: سلم على اليهود والنصارى ولا تسلموا على يهود امتى قيل: من يهود امتك؟ وقال : يسمعون الاذان والاقامة ولا يحضرون في الجماعة: بر يهود ونصارا سلام کنید و بر يهود امت من سلام نکنید: گفتند: يهود امت شما چه کسی است: فرمودند: «کسانی که اذان و اقامه را می شنوند و لی در جماعت حاضر نمی شوند.

حدیث : قال رسول الله (ص): اذا سمعتَ الاذانَ قاتِلْ وَكُوْحَوَاً، هنگامی که اذان نماز را شنیدی هر چه سریعتر به مسجد بیا گرچه سینه خیز باشد.

وحدث امت اسلامی، از جمله مسائلی است که اسلام به آن اهمیت بسیار داده است و برای حفظ و ادامه آن، برنامه های ویژه ای دارد؛ یکی از آنها نماز جماعت است. نماز جماعت نمایش عظمت اسلام و انقدر اهمیت دارد که وقتی در صدر اسلام عده ای در نماز جماعت شرکت نمی کردند پیامبر (ص) به دیگر مسلمانان دستور دادند تا با آنها همنشینی و رفت و آمد نداشته باشند. مسلمانان نیز چنین کردند و آنها تنبیه شدند و کم کم به سوی نماز جماعت آمده، همراه با دیگر مسلمانان نماز را با جماعت خواندند.

در روایات و احادیث آمده است که ثواب یک نماز جماعت را که جمعیت آن از ده نفر بگذرد اگر تمام فرشتگان جمع شوند و تمام آبهای روی زمین دوات شوند

و تمام درختان قلم شوند، مرکبها تمام می‌شود و قلمها و فرشتگان توان نوشتن ثواب نماز جماعت را ندارند و فقط خداوند متعال است که می‌تواند ثواب یک نماز جماعت را برای فردی که نمازش را با جماعت خوانده بنویسد. در نماز جماعت، یکی از نمازگزاران که دارای ویژگی اخلاقی است پیشایش جمعیت می‌ایستد و دیگران در صفوی منظم، پشت سر او هماهنگ با او نماز را به جا می‌آورند. کسی که در این نماز دسته جمعی، پیشایش جمعیت می‌ایستد «امام جماعت» است و کسی که پشت سر او در نماز از او پیروی می‌کند «ماموم» است.  
هنگام برپایی نماز جماعت شرایط زیر باید مراعات شود:

- |   |                 |
|---|-----------------|
| <ol style="list-style-type: none"> <li>۱. ماموم از امام جلوتر نایستد.<sup>۱</sup></li> <li>۲. جایگاه امام جماعت از جایگاه مامومین، بالاتر نباشد.<sup>۲</sup></li> <li>۳. فاصله امام و ماموم و فاصله صفها زیاد نباشد.<sup>۳</sup></li> <li>۴. بین امام و ماموم و همچنین بین صفها چیزی مانند دیوار یا پرده مانع نباشد.<sup>۴</sup></li> </ol> | شرط نماز جماعت: |
|---|-----------------|

### احکام نماز جماعت

۱. در هر رکعت، تنها در بین قرائت و در رکوع می‌توان به امام جماعت اقتدا کرد. بنابراین اگر به رکوع امام جماعت نرسد، باید در رکعت بعد اقتدا کند.
۲. اگر شخص در رکعت دوم رسید بعد از دو سجده نیم خیز می‌نشیند و

۱- مسئله ۱۴۳.

۲- مسئله ۱۴۱۵.

۳- مسئله ۱۴۲۳ و ۱۴۱۹.

۴- مسئله ۱۴۱۱.

بقيه، تشهد را می خوانند و بعد همراه بقيه بلند می شود، حمد و سوره را می خواند و همراه دیگران به رکوع و سجود می رود. چون رکعت دوم اوست بنابراین همه که بلند می شوند او می نشینند و تشهد می خواند و بعد بلند می شود و تسبیحات اربعه می خواند و به همراه بقيه رکوع و سجده را انجام می دهد. چون بقيه رکعت چهارمشان است او به حالت نیم خیز می نشیند و بقيه، تشهد و سلام را می خوانند و سپس او از جایش بلند می شود و بقيه نماز را می خواند.<sup>۱</sup>

---

۱-رجوع شود به قسمت احکام نماز جماعت.

## روزه

يا ايها الذين اموا كتب عليكم الصيام كما كتب على الذين من قبلكم لكم تقوون : (براي يادگيري اين آيه بهتر است دانش آموزان آن را به صورت نسخه جمعى بخوانند .)

قال رسول الله(ص) : الصوم جنة من النار : روزه سپری است در برابر آتش جهنم .

### بازی با کلمات:

در این روش مربی ابتدا از حرف آخر کلمه روزه(ه) نوشتند را آغاز می کند و از عناوینی می پرسد که در آخر با اول آنها حرف(ه) باشد . سپس حرف «ز» و «و» و «ر» را می گذارد تا کلمه روزه به دست می آید . می توان از بالا به پایین یا از پایین به بالا حرفاها نوشه شود و از بچه ها بخواهد که کلمه مورد نظر را پیدا کنند ؛ این گونه :

ر		ه
و		ز
ز		و
ه		ر

در اینجا برای راهنمایی هر چه بهتر مربی چند سوال پیشنهادی آورده می شود تا وی از دانش آموزان بپرسد . حال به روش اجرا دقت فرماید .  
ه : به قسمتی از قرآن گفته می شود که آخرش «ه» دارد؟ (سوره)  
ز : اسم یکی از سوره های قرآن را که اولش «ز» است نام ببرید?  
(زمر ، زخرف)

و: نام شهری در نزدیکی تهران که در اولش واو است؟(ورامین)  
ر: دو نام از نامهای خدا که همیشه قبل از غذا و پیش از هر کار می گوییم؛ که  
اولش «ر» باشد؟(رحمن، رحیم)

روش دیگری که مربی می تواند کلمه روزه را بنویسد به صورت اعداد مبهم با  
مراحل زیر است؛ مربی یک عدد را که در زیر آورده می شود در جای مناسبش  
می نویسد و از بچه ها درباره آن عدد یا اعداد دیگری که بعد می نویسد سوالاتی  
می کند؛ که این اعداد چه خاطرات یا رخدادهایی را در ذهن تداعی می کند.

۵ ۲ ۵ ۲

۵ ۸ ۵ ۸

در اینجا به منظور راهنمایی، سوالاتی برای نمونه آورده می شود:  
(عدد ۵۸) در کدام سال مردم ایران به پای صندوق رای رفتند و به جمهوری  
اسلامی آری گفتند؟ ۱۲ فروردین ۵۸

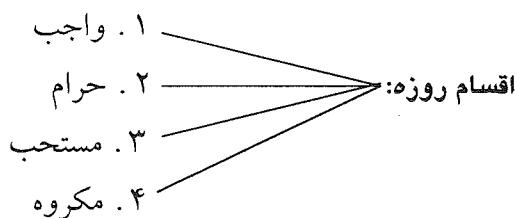
(۵) تعداد آیات سوره توحید چند تاست؟(۵ تاست)  
(۸) در ۸ شهریور چه کسانی به دست منافقین به شهادت رسیدند؟(شهید  
رجایی و باهنر)

**توضیح:** یکی از واجبات و برنامه های سالانه اسلام برای خودسازی انسانها  
روزه است. روزه سبب تندرستی انسان و خاموش کننده آتش جهنم است و  
فایده های دیگر نیز دارد که اگر جستجو کنیم بی شمار است. روزه آنست که  
انسان از اذان صبح تا مغرب برای اطاعت فرمان خداوند از برخی کارها بپرهیزد.

### اقسام روزه

کلمات درهم: کلمات زیر را مربی به طور نامرتب روی تخته می‌نویسند و از بچه‌ها می‌خواهد شکل صحیح آنها را بگویند:

- ۱-ا، و، ب، ج      ۲-م، ر، ا، ح  
۳-ح، ب، س، ت، م      ۴-م، ر، ک، ه، و



**توضیح:** مربی برای تنوع در بیان احکام روی تخته، گل کشیده، احکام را روی گل اجرا می‌کند. جوابها را در گلهای می‌دهد.

**روزه‌های واجب:** روزه رمضان، روزه قضا، روزه قضای پدر برابر پسر بزرگتر، نذری، کفاره

**روزه‌های مستحبی:** هر پنجشنبه، میلاد پیامبر اکرم(ص)، روز مبعث، عید غدیر، ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ هر ماه

**روزه‌های حرام:** روزه عید قربان، روزه فرزند که سبب اذیت پدر و مادر شود، روزه عید فطر

**احکام:**

۱. روزه از عبادات است و باید برای انجام فرمان خدا به جا آورده شود.
۲. انسان باید برای روزه نیت کند و می تواند هر شب ماه رمضان قبل از اذان صبح برای فردای آن روز نیت کند و بهتر است که شب اوّل ماه هم روزه همه ماه را نیت کند.
۳. انسان لازم نیست نیت روزه را به زیان بگوید بلکه همین قدر که برای انجام دستور خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد کافی است.

**میطلات روزه**

روزه دار باید از اذان صبح تا مغرب از برخی کارها بپرهیزد و اگر یکی از آنها را انجام دهد روزه اش باطل می شود. به مجموعه این کارها «میطلات روزه» گفته می شود.

 **نقطه کزاری کنید:**

۱. حوردن و اسامدن
۲. رسیدن عمار علیط به گلو
۳. فروبردن تمام سر در آت
۴. اسفراع<sup>۱</sup>

**احکام**

۱. اگر روزه دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل می شود.

۱- مسئله ۱۵۵۰ و ۱۵۵۱

۲- مسئله ۱۵۷۲.

۳- مسئله ۱۵۷۳.

۲. اگر کسی عمدتاً چیزی را که لای دندانش مانده است فرو برد، روزه اش باطل می شود.<sup>۱</sup>
۳. فرو بردن آب دهان روزه را باطل نمی کند.<sup>۲</sup>
۴. انسان نمی تواند برای گرسنگی و ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که نمی شود آن را تحمل کرد خوردن روزه اشکال ندارد.<sup>۳</sup>
۵. اگر کسی از روی فراموشی چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نیست.<sup>۴</sup>
۶. اگر روزه دار غبار غلیظی به حلق برساند روزه اش باطل می شود، چه غبار خوراکیها باشد مانند آرد، یا غیر خوراکی مانند خاک و دود.<sup>۵</sup>
۷. اگر غبار غلیظ نباشد یا به حلق نرسد و یا روزه دار شک کند به حلقوش رسیده یا نه و یا بی اختیار باشد روزه اش باطل نیست.<sup>۶</sup>
۸. اگر کسی بی اختیار و از روی فراموشی سر در آب فرو برد یا بزور او را در آب بیندازند روزه اش باطل نیست.<sup>۷</sup>
۹. اگر روزه دار عمدتاً استفراغ کند هر چند به خاطر بیماری باشد، روزه اش باطل می شود.<sup>۸</sup>
۱۰. اگر روزه دار نداند روزه است یا بی اختیار قی (استفراغ) کند روزه اش باطل نمی شود.<sup>۹</sup>

- 
- ۱- مسئله ۱۵۷۷ .  
۲- مسئله ۱۵۷۹ .  
۳- مسئله ۱۵۸۳ .  
۴- مسئله ۱۶۰۳ .  
۵- مسئله ۱۶۰۳ الی ۱۶۰۷ .  
۶- مسئله ۱۶۱۳ الی ۱۶۱۵ .  
۷- مسئله ۱۶۴۶ .  
۸- مسئله ۱۶۴۶ .

۱۱. روزه پس از وقت (بعد از رمضان) را روزه «قضا» و جریمه روزه خواری را «کفاره» می‌گویند.

۱۲. اگر کسی عمدتاً روزه را بخورد یا در ماه رمضان روزه نگیرد یک روز قضا و بعلاوه کفاره که دو ماه روزه گرفتن یا شخصت فقیر سیر کردن است، بر او واجب می‌شود.<sup>۱</sup>

### معما

- یک قسمت از زمان است که اگر یک حرف به آخرش اضافه شود یک واجب دینی، به دست می‌آید؟ (روز - روزه)

- آن چیست که سپر آتش است؟ (روزه)

### حکایت

گویند زنی به خدمت پیامبر (ص) رسید و گفت: من روزه‌ام. پیامبر فرمود: «فی کن! آن زن عرض کرد یا رسول الله، من روزه‌ام. پیامبر دوباره دستور قى کردن داد و آن زن قى کرد و یک تکه گوشت تازه از دهانش به بیرون افتاد. آن زن با دیدن تکه گوشت تعجب کرد و گفت یا رسول الله من واقعاً از سحر تابه حال چیزی نخورده‌ام. پیامبر (ص) به این مضمون فرمود: «غیبت مسلمان مثل خوردن گوشت برادر مرده است.»



## ضمیمه

### حفظ و احادیث قرآنی

#### ضرورت و اهمیت حفظ قرآن:

اهمیت حفظ قرآن به ترتیب زیر خلاصه و بیان می شود:

- ۱ - چون کلام خداست: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّنْ رَبِّكُمْ؛ إِنَّ مَرْدَمًا بِهِ تَحْقِيقَ شَمَارًا حَجَّتْ وَ دَلِيلًا از ناحیه خداوند آمد»<sup>۱</sup>.
- ۲ - چون پیامبر (ص) فرمود: «أَشْرَافُ أُمَّتِي حَمَلَةُ الْقُرْآنِ وَ أَصْحَابُ اللَّيلِ، بَزَرْگَانُ امْتِ من حاملان (معارف) قرآن و شب زنده دارانند»<sup>۲</sup>.
- ۳ - تمرین و انس بیشتر با قرآن.
- ۴ - آشنایی با مفاهیم قرآنی و به کار بستن دستورهای آن.

#### هدف از حفظ قرآن کریم

حفظ قرآن صرف نظر از غرضهای ناصحیح دنیوی، هدف معنوی در پی دارد که در اینجا مواردی چند از آن متذکر می شویم.

۱ - نزدیکی به خدا

۲ - فهمیدن مفاهیم آن.

<sup>۱</sup>- سوره نساء (۴) آیه ۴۷.

<sup>۲</sup>- من لا يحضره النقيه، ج ۲، ص ۳۵۱.

۳- ممارست و انس با آن .

۴- دستیابی به ایمان خالص .

\* امیر مؤمنان علی (ع) در نهج البلاغه فرموده است : مبادا دیگران در عمل به قرآن بر شما سبقت گیرند .

### بهترین دوران حفظ قرآن :

برای حفظ قرآن نمی توان محدودیت سنی قایل شد، ولی در دوران کودکی و نوجوانی بهترین فرصت برای این کاراست در این رابطه به فرمایش امام صادق (ع) توجه کنید که می فرماید : **مَنْ قَرَأَ الْقُرْآنَ وَهُوَ شَابٌ مُؤْمِنٌ إِخْتَاطَ الْقُرْآنَ بِلَحْمِهِ وَدَمِهِ؛ كَسِيٌّ كَهْ قَرَآنَ بَخْوَانَدْ در حالی که جوان و مؤمن باشد قرآن با گوشت و خون او آمیخته می شود .**

اگر به زندگینامه قاریان معروفی چون استاد پرهیزگار، استاد گرامی استاد عبدالباسط، استاد خلیل الحصری، استاد شحات محمد انور، استاد محمد محمود طبلاوي، و استاد متولی عبدالعال توجه کنیم، در می یابیم که آنان در سنین بین نه تا دوازده سالگی قرآن را حفظ کرده اند .<sup>۱</sup>

### برخی می پرسند :

آیا کسی که دارای هوش و استعداد معمولی است می تواند حافظه قرآن باشد؟ باید به این واقعیت توجه داشت که در میان حافظان قرآن، بودند کسانی که حافظه قوی نداشته و چه بسا بعضی از آنان قرآن را به سختی حفظ کرده اند. در حقیقت باید رمز موفقیت آنان را در عوامل دیگری - که به زودی ذکر خواهیم کرد - دانست نه فقط حافظه قوی داشتن .

امام صادق (ع) در مورد کسانی که با سختی به حفظ قرآن کریم می پردازند،

۱- وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۸۳۳.

۲- زندگینامه قاریان بزرگ جهان .

می فرماید: «إِنَّ اللَّهِ يُعَالِجُ الْقُرْآنَ وَيَحْفَظُهُ بِمَشَقَّةٍ مِنْهُ وَلَئِنْ حِفْظَ لَهُ أَجْرًا؛ كُسْيٌ كَهْ بِرَاهِي حِفْظُ قُرْآنٍ خُودَ رَاهْ دَرْ زَحْمَتْ مَیْ اِنْدَازَدَ وَبِهِ دَلِيلٌ ضَعْفٌ حَافِظُهُ، قُرْآنَ رَاهْ بَا مشَقَتْ حِفْظَ مَیْ كَنَدَ، پَادَاشَشْ دَوْچَنْدَانَ اِسْتَ»<sup>۱</sup>.

### روش حفظ قرآن کریم

حفظ قرآن کریم دارای سه مرحله است:

- ۱- روخوانی و صحیح خواندن کلمات که بهتر است این کار، در سنین زیر ده سالگی انجام گیرد.
- ۲- فراگیری ترتیل (رعایت وقف و وصل آیات)، لحن (آیات را با آهنگ عربی خواندن) و تجوید، که بهتر است در سنین ده سالگی و بالاتر انجام شود.
- ۳- بهترین دوران برای حفظ قرآن، سنین ده تا پانزده سالگی است.

### مدت زمان حفظ کامل قرآن مجید

اگر هر فرد در شبانه روز سه ساعت از وقت خود را صرف حفظ قرآن کند، می تواند ظرف سه سال، همه قرآن را حفظ نماید. البته نباید این زمان پیاپی باشد بلکه باید در سه مرحله انجام گیرد و هر مرحله آن حداقل یک ساعت باشد تا بر ذهن فشار وارد نیاید.

در ابتدای کار، باید زمانی معادل نیم ساعت صرف حفظ قرآن کرد. از آن جا که افراد مختلف، دارای ویژگیهای متفاوتی هستند، هر کس خود بهتر می تواند شیوه در خورحال خویش را شناخته و به کار بیندد. البته برای رشد و پیشرفت کار، نباید از تجربیات دیگران غفلت ورزید، روش‌های مناسب حفظ قرآن:

- ۱- از طریق تکرار و تمرین.
- ۲- استفاده از نوار ترتیل.

<sup>۱</sup>- اصول کافی، ج ۴، ص ۴۰۹.

- ۳- نوشتن آیات.
  - ۴- تقسیم آیات یک سوره.
  - ۵- توجه به معنای آیات در هنگام حفظ (به عقیده بعضی، پس از حفظ سوره به معانی نیز توجه شود).
  - ۶- حفظ شماره آیات.
- از میان این روش‌ها، روش اول موفقیت‌آمیزتر بوده است.

### شرایط حفظ

#### شرایط فردی

- الف- با صوت قوی، متوسط، ضعیف و از نظر آهنگ تند، کند، متوسط، خود را آزمایش کند. هر کدام با طبع او سازگاری داشت، همان را انتخاب کند. تجربه نشان داده که اگر صوت و آهنگ خواندن هردو متوسط باشد بهتر است.
- ب- مغز آرامش کامل داشته باشد. در حال خستگی ذهنی مشغول حفظ نشود.
- مواردی که در آرامش فکر فرد مؤثرند به قرار زیر است:
- ۱- جایی که در آن به حفظ قرآن می‌پردازنند، نباید آمیخته به نقش و نگار باشد و حتی المقدور ثابت و یکنواخت باشد.
  - ۲- از نظر زمان، بهترین زمان برای حفظ قرآن قبل از طلوع آفتاب است.
  - ۳- پرهیز از اشتغالات فکری غیر ضروری.
  - ۴- داشتن نظم در کارها، که به سه بخش تقسیم می‌شود:
- الف- وقت حفظ را مشخص کنیم و اوقات آن را تغییر ندهیم همانند نماز.
- ب- هنگام راه رفتن از حفظ به پرهیزیم، زیرا عوارض نامطلوبی در پی دارد.
- ج- همیشه محفوظات خود را تکرار کنیم.
- د- کم ولی خوب حفظ کنیم.

هـ- غذای مناسب بخوریم.

وـ- از پرخوری پرهیز شود.

### شرایط عمومی

- ۱- از یک قرآن مشخص و خوش خط استفاده کنیم. قرآن‌های با خط استاد عثمان طه و طاهر خوشنویس توصیه شده است.
- ۲- کار حفظ را از اسمای سوره‌ها و به صورت ده تا ده تا، پس از آن، حفظ سوره‌ها از جزء سی ام قرآن و سوره نبا شروع کنیم.
- ۳- برای حفظ سوره باید آن را تقسیم کنیم؛ مثلاً براساس داستانهای آن (پایان هر داستانی، با حرف (ع) مشخص شده است).
- ۴- آنچه از قرآن حفظ می‌کنیم برای دیگران بخوانیم تا اشتباهاتمان را تذکر دهند.
- ۵- نباید یکباره به مغز فشار آورد و ساعتهای زیادی به حفظ قرآن پرداخت.
- ۶- در حفظ آیات مشابه باید دقیق شود. حفظ این گونه آیات، نیازمند تکرار و تمرین زیادتری است؛ مثل آیه پنجاهم سوره هود و آیه شصت و پنجم سوره اعراف.
- ۷- شنیدن نوارهای ترتیل، در بالا بردن سطح تجوید و صوت و لحن مؤثر است ..
- ۸- فraigیری صرف و نحو عربی در حفظ قرآن - بخصوص در حفظ آیات مشابه - بسیار مؤثر است. زیرا از نظر اعراب کلمات اشتباهات کمتری پیش می‌آید. (این پیشنهاد برای کل قرآن موضوعیت دارد.)

### مقدمات حفظ قرآن

۱- هدف فقط رضای خدا و نزدیکی به او باشد.

۲- توكل به خدا و داشتن عزم و اراده.

۳- با وضو بودن.

۴- دعا و طلب یاری از خداوند برای حفظ قرآن.<sup>۱</sup>

### راههای تقویت حافظه

۱- خواندن قرآن بویژه آیة الكرسي.

۲- صلوات زیاد فرستادن بر رسول خدا(ص).

۳- مسوال کردن.

۴- خوردن عسل، همچنین خوردن کندرُ با شکر و خوردن ۲۱ دانه مویز

هر صبح.

۵- نظم در کار.

### عوامل مؤثر پایداری محفوظات ذهنی:

۱- دسته بندی آیات.

۲- دوری جستن از اضطراب و هیجان.

۳- تمرین و تکرار، که این امر با دو صورت تحقق می‌یابد: الف- توزیعی: آیات دسته بندی شده را در فواصل جداگانه تکرار و حفظ کردن. ب- تراکمی: یعنی حجم زیادی از مطالب یا آیات را در مدت کمی تمرین کردن.

۴- برای نتیجه گیری بهتر، باید تمرین در اولین ساعت حفظ صورت گیرد، زیرا با گذشت زمان، فراموشی به انسان دست می‌دهد.

۵- کار تمرین باید با نظم همراه باشد، مثلاً موقع تکرار نباید نصف یک سوره و نصف سوره دیگر را تکرار کرد، بلکه باید یک سوره را تمام کرد و بعد سراغ سوره دیگر رفت.

<sup>۱</sup>- اصول کافی، ج ۴، ص ۳۶۶. باب دعا در حفظ قرآن

## مهمهای قرآنی

۱

ما یه هر ثوابی زنده بود پیامش بر همه کس نیاز است؟ (قرآن)	به من بگو کتابی نور بود کلامش پیام او نماز است
---	--

۲ - سوره‌ای از قرآن که اگر یک حرف به اولش بیفزایی نام یکی از پیامبران اول‌العزم می‌شود؟

اگر حرف (م) را به سوره حمد اضافه کنی، - محمد(ص) می‌شود.

۳

خواهی شنوی نام بشرکین حضورم بود پیام بود از ما دو الف و یک عین را تاری به نام ما	سوره‌ای ز ق ر آن در مکه نزولم بود توحید و نبوت را یک میم و یک نون را تنظیم نمایکجا،
--	---

(سوره انعام)

۴ - کدام سوره قرآن است که اگر حرف (ی) به اولش افزوده شود نام پیروان حضرت موسی(ع) خواهد شد؟

سوره هود + ی = یهود

۵ - آن چیست که در اسلام بیشتر از قرآن وجود دارد؟  
حروف.

۶ - نام سوره‌ای در قرآن که با ظهرش وقت یک نماز تمام می‌شود و با رفتنش، وقت نماز دیگری فرامی‌رسد؟  
شمس.

- ۷

شش آیه تمام دارم پایان به ناس دارم؟	سوره‌ای زق رآنم جز یک زشش آیه
--	----------------------------------

(سوره ناس)

۸- کدام سوره ایست که اولش ستایش، و سطش اخلاص و آخرش خواهش است؟

سوره حمد

- ۹

خواهی شنیوی نام پیدا بکنی نام دادند شهیدانی بهردیدنش جان را همسایه ایران است شوق دیدنیش داری؟	سوره‌ای زق رآنم دقت بنما جانم بی (ه) از آخر تو بخوان من را نام کشوری باشم سوق رفتندیش داری
---	--

سوره قارعه - عراق.

۱۰- در کدام سوره چهار آیه ای دو نام پروردگار ذکر شده است -

سوره اخلاص - احمد - صمد.

۱۱- سوره سه حرفی که نام سرزمین قوم ثمود نیز باشد؟

(حجر)

۱۲- سوره‌ای هستم به معنای زمان، سه آیه دارم اماً چهار پیام خوشبختی را  
بیان می‌کنم؟

(سوره عصر)

۱۳- سوره‌ای از قرآن که اگر حرف اولش را برداری، به بیابان خشک و بی‌آب  
علف گفته می‌شود و اگر سه حرف آخرش را برداری نمره‌ای می‌شود که  
دانش آموز خوب از آن بدش می‌آید؟

(سوره تکویر - کویر - تک که دانش آموز خوب از نمره تک بدش می‌آید).

۱۴ - سوره‌ای از قرآن که نام دیگر قرآن نیز هست.

فرقان.

۱۵ - مجموع کدامیک از اعداد زیر تعداد سوره‌های جزء سی ام قرآن است؟

۹۹۹۹۱

۸۸۸۸۱

۷۷۷۷۱

۶۶۶۶۱

ج - ۹۹۹۹۱ می شود ۳۷ سوره.

۱۶ - سوره‌ای از قرآن است که اگر حرف اولش را برداریم و از آخر بخوانیم نام یکی از خوردنیها می شود (در زمان کودکی معمولاً بچه‌ها می خورند).

قپیش

۱۷ - سوره‌ای از قرآن که پنج آیه دارد و اسم یکی از کفار قریش در آن آمده است. اسم سوره و نام آن شخص را بگوید.

سوره مسَدُ و شخص کافر ابو لھب است.

۱۸ - عمل بدون ریا و نام سوره‌ای از قرآن است؟

سوره اخلاص

۱۹ - کدام سوره است که به نام یکی از حوادث زمینی است و اگر اتفاق بیفتد باید نماز آیات خواند؟

سوره زلزال

۲۰ - کدام سوره ایست که شب قدر را بهتر از هزار شب معرفی می کند؟

سوره قدر.

۲۱ - کدام سوره ایست که به نام سوره امام حسین(ع) معروف است.

الفجر

۲۲ - چرا دو سوره از قرآن را معاوذتین گویند؟ آنها را نام ببرید.

(ناس و فلق چون اول هردو، کلمه اعوذ آمده است و تعویذ، امان خواستن از بلاهاست).

۲۳ - کدام سوره به نام موجود زنده‌ای است که با چشم، دیده نمی شود؟

سوره جن

۲۵ - اولین سوره جزء سی ام قرآن چیست؟

سوره نبأ.

۲۶ - کتابی که انسان را به انجام خوبیها تشویق و از انجام بدیها باز می‌دارد.

و هیچ کتاب دیگری به او نمی‌رسد کدام است؟

قرآن

۲۷ - پنج سوره قرآن را بگویید که در نام آنها نقطه وجود ندارد؟

(محمد «ص» عصر - حمد - هود - اسراء).

۲۸ - نام پنج سوره‌ای که در اسمشان یک نقطه وجود دارد.

۱- نمل - ۲- سباء - ۳- حجج - ۴- نور - ۵- رحمن

۲۹ - به من بگو سوره‌ای که اولش ت و آخرش م باشد؟

تحریر

۳۰ - به من بگو سوره‌ای که اولش ج و آخرش ه باشد؟

جمعه

۳۱ - این عدد چه چیزهایی از قرآن را بیان می‌کند؟ ، ۱۲۰ ، ۳۰ ، ۱۱۴

حزب، جزء، سوره

۳۲ - چهار سوره قرآن که با حرف «ب» شروع می‌شوند کدامند؟

۱- بقره - ۲- یعنی - ۳- بروج - ۴- بلد

۳۳ - به من بگو دو سوره با حرف «ج» شروع می‌شوند؟

جمعه - جن

۳۴ - تنها سوره‌ای که با «د» شروع می‌شود و یک اسم دارد؟

سوره دخان چون سوره‌جهر، انسان هم گفته می‌شود.

۳۵ - به من بگو سه سوره را که با «ر» شروع می‌شوند؟

رعد، رحمن و روم.

۳۶- به من بگو دو سوره را که اسمشان دو حرف از حروف الفباءست؟  
ن و ق.

۳۷- تنها سه سوره‌ای که نامشان دارای هفت حرف است؟  
ابراهیم، منافقون و آل عمران.

۳۸- چهار سوره‌ای که معروف به «چهار قل» هستند؟  
اخلاص، ناس، فلق و کافرون.

### قرآن، بهترین نکهبان

قال رسول الله(ص) «مَنْ عَدَدَ يَهُ أُمُورَهُ عَصَمَهُ اللَّهُ؛

کسی که کارهای خود را با قرآن منطبق سازد، خدا او را از لغزشها حفظ خواهد  
کرد». <sup>۱</sup>

### قرآن، برتر از همه چیز

قال رسول الله(ص): «مَنْ آتَرَهُ عَلَى مَا سِواهُ هَدَاهُ اللَّهُ؛

کسی که دستور قرآن را بر تمایلات خود و بر هر چیز دیگر مقدم بدارد، خدا او  
را هدایت می‌کند.» <sup>۲</sup>

### زیبایی قرآن

قال رسول الله(ص): «جَمَالُ الْقُرْآنِ الْبَقِرَةُ وَآلُ عِمَرَانَ؛ زیبایی قرآن سوره بقره و آل  
عمران است.» <sup>۳</sup>

۱-بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۳۱.

۲-همان مصدر.

۳-غرر الحكم، ج ۳، ص ۳۶۳.

### نیکو هدیه الهی

قال علی(ع) «... ناطق لا یعیا لسانه و بیت لا تهدم ارکانه و عزّ لا تهزم اعوانه ؛ (قرآن) سخنگویی است که زبانش خسته نمی شود، خانه ای است که بنیانش خراب نمی شود و مایه عزّتی است که پیروانش هیچ گاه شکست نمی خورند.»<sup>۱</sup>

### هدايتگر بی همتا

قال علی(ع): «کَفِیْ بِالْقُرْآنِ دَاعِیَاً؛ قرآن بهترین دعوت کننده مردم به راه راست است.»<sup>۲</sup>

### بی نیازی قرآن

قال علی(ع): «لَيْسَ لَأَحَدٍ بَعْدَ الْقُرْآنِ مِنْ فَاقِهٍ؛ هر کس که پیرو قرآن باشد بی نیاز خواهد بود.»<sup>۳</sup>

### قرآن و استواری ایمان

قال علی(ع): «لِقَاحُ الْإِيمَانِ تِلَوَةُ الْقُرْآنِ؛ باروری ایمان در تلاوت قرآن است.»<sup>۴</sup>

قال الباقر(ع): «إِنَّمَا شِيعَةُ عَلِيٍّ ..... كَثِيرَةٌ صَلَاتُهُمْ وَكَثِيرَةٌ تِلَوَتُهُمْ لِلْقُرْآنِ؛ هر آینه شیعه علی ..... بسیار نماز می گذارند و فراوان قرآن می خوانند.»<sup>۵</sup>

قال الصادق(ع): «عَلَيْكُمْ بِتِلَوَةِ الْقُرْآنِ، فَإِنَّ دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ عَلَى عَدَدِ آيَاتِ الْقُرْآنِ؛ بر شما باد به تلاوت قرآن، که هر آینه درجات و مراتب بهشت به قدر آیات

۱-نهج البلاغه، خطبه ۱۳۳.

۲-غیر الحكم، ج ۴، ص ۵۷۳.

۳-غیر الحكم، ج ۵، ص ۸۳.

۴-همان مصدر، ص ۱۳۱.

۵-صفات الشیعه، ص ۱۶۷.

قرآن است». <sup>۱</sup>

قال النبي (ص): «الْقُرْآنُ هُوَ الدُّوَاءُ؛ قرآن همانا داروی دردهاست.» <sup>۲</sup>

قال الكاظم (ع): «فِي الْقُرْآنِ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ؛ در قرآن، شفای هر دردی وجود دارد.» <sup>۳</sup>

قال النبي (ص): جابر بن عبد الله «يا جابر! ألا أعلمك أفضلي سورة آنزلها الله في كتابه.

فقال: بلى يا سيّد وآمّي يا رسول الله علّمنها. فعلمه رسول الله (ص) سورة الحمد؛ رسول خدا (ص) به جابر بن عبد الله فرمود: اى جابر! آیا نمی خواهی برترین سوره‌ای که خداوند در کتابش نازل فرموده به تو معرفی کنم؟ جابر گفت: چرا ای رسول خدا (ص)! پدر و مادرم به فدایت، رسول خدا (ص) سورة حمد را به وی آموخت.

قال رسول الله (ص): «هِيَ شِفَاءٌ مِنْ كُلِّ دَاءٍ إِلَّا السَّمَّ يَعْنِي الْمَوْتَ؛ قرآن درمان همه دردهاست مگر مرگ.» <sup>۴</sup>

سئل رسول الله (ص): «أَيْةٌ آيَةٌ أَعْظَمُ؟ فقال (ص): آيةُ الْكُرْسِيٍّ؛ از رسول خدا (ص) پرسیده شد: چه آیه‌ای در قرآن از همه آیات برتر است؟ فرمود: آیة الکرسی.» <sup>۵</sup>

پیامبر اکرم (ص) به علی بن ابی طالب (ع) می فرماید:

سیدُ الْكَلَامِ  
الْقُرْآنُ

سیدُ الْقُرْآنِ  
الْبَقْرَةُ

سیدُ الْبَقْرَةِ  
آیَةُ الْكُرْسِیٍّ

یاعلی! ان فیها لَخْمَسِینَ کلمة، وفی کُلُّ کلمة خَمْسُونَ برکة؛ سرور سخنان، قرآن است و سرور قرآن، سوره بقره و سرور سوره بقره آیة الکرسی است. ای علی! هر آینه

۱-وسائل الشيعة، ج ۲، ص ۸۴۲.

۲-بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۷۶.

۳-مکارم الاخلاق، ص ۴۲۰.

۴-تفسیر عیاشی، ج ۱، ص ۲۰.

۵-بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۲۶۲.

در آن (آیة الكرسي) پنجاه کلمه است که در هر کلمه‌ای پنجاه برکت نهفته است. «<sup>۱</sup>

### روایاتی در فضیلت قرآن

حضرت رسول اکرم(ص) فرموده است: «**أَفْضَلُ الْقُرْآنِ عَلَى سَائِرِ الْكَلَامِ كَفَضْلُ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ؛ بِرَبِّرِي قَرآنٌ بِرَسَايْرِ سُخْنَانِ، مَانِدٌ بِرَبِّرِي خَدَاوَنِدٌ أَسْتَ بِرَبِّنَگَانِشِ.**»<sup>۲</sup>  
از حضرتش آمده است: «**الْقُرْآنُ أَفْضَلُ كُلِّ شَيْءٍ دُونَ اللَّهِ؛ قَرآنٌ از همه چیز جز خدا بِرَبِّرِ است.**»<sup>۳</sup>

نیز از اوست که می فرماید: «**الظَّرْفُ فِي الْمُصْحَفِ مِنْ غَيْرِ قِرَاءَةِ عِبَادَةٍ؛ نِگَاهٌ كَرْدَنْ بِه (خطوط) قَرآنٌ بِدُونِ خَوَانِدَنْ نِیزِ عِبَادَتِ است.**»<sup>۴</sup>

امیرالمؤمنین علی(ع) می فرماید: «**حَقُّ الْوَلَدِ عَلَى الْوَالِدِ أَنْ يُحَسِّنَ إِسْمَهُ وَيَحْسِنَ أَدْبَهُ وَيَعْلَمَهُ الْقُرْآنَ؛ حَقٌّ فَرِزَنْدٌ بِرَبِّرِ آنَّ اسْتَ كَه نَامِ نِیکٌ بِرَأْ نَهَدِ وَبِهِ خَوَبِی ادْبَشَ كَند وَ قَرآنٌ يَادِشَ دَهَدِ.**»<sup>۵</sup>

علی امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: «**الْقُرْآنُ غَنِيٌّ لِغَنِيٍّ دُونَهِ؛ قَرآنٌ گَنْجٌ بِی پَایَانِ اسْتَ کَه جَزٌ بِآنِ، بِی نِیازِ حَاصِلٌ نَشَوَدِ.**»<sup>۶</sup>

رسول خدا(ص) می فرماید: «**أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ قِرَاءَةُ الْقُرْآنِ؛ قِرَائِتُ قَرآنٌ بِهَتَرِين عِبَادَتِهَا اسْتَ.**»<sup>۷</sup>

امیرالمؤمنین(ع) می فرماید: «**تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ؛ قَرآنٌ رَفَابِگَیرِیدَ کَه**

۱- مجتمع البیان، ج ۱، ص ۳۶۱.

۲- مستدرک وسائل الشیعه، ج ۱، ص ۲۸۸.

۳- همان مصدر.

۴- مأخذ ندارد.

۵- نهج البلاغه.

۶- مجتمع البیان، ج ۱، ص ۱۵.

۷- مجتمع البیان، ج ۱، ص؟

آن بهار دلهاست .<sup>۱</sup>

پیامبر(ص) می فرماید: «نَوْرُوا بِيُوتَكُمْ بِتَلَوِّهِ الْقُرْآنِ ؛ خانه های خود را با تلاوت قرآن روشنی بخشید .<sup>۲</sup>

از امیر المؤمنین(ع) آمده است: «الْبَيْتُ الَّذِي يُقْرَأُ فِيهِ الْقُرْآنُ وَيُذْكَرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ تَكْثُرٌ بِرَكَةٍ وَتَحْضُرُهُ الْمَلَائِكَةُ وَتَهْجُرُهُ الشَّيَاطِينُ ؛ خانه ای که با خواندن قرآن و یاد خدا آباد شود، برکتش افزون گردد و ملائکه در آن حضور یابند و شیاطین از آن دوری کنند .<sup>۳</sup>

امام صادق(ع) می فرماید: «الحافظ لِلْقُرْآنِ الْعَالِمُ بِهِ مَعَ السَّفَرَةِ الْكِرَامِ الْبَرَّةِ ؛ حافظ و عامل به قرآن ، همنشین فرشتگانی (که اعمال نیک و بد مردم را می نویسند) بزرگوار و نیکوکار خواهد بود .<sup>۴</sup>

پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «يَا سَلَمَانُ! عَلَيْكَ بِقِرَائَةِ الْقُرْآنِ فَإِنَّ قِرَائَةَ كَفَارَةَ لِلذُّنُوبِ ؛ ای سلمان! بر تو باد به خواندن قرآن که هر آینه خواندن آن، کفاره گناهان است .<sup>۵</sup>

پیامبر اسلام(ص) فرمود: «القراءةُ فِي الْمُصْنَفِ أَفْضَلُ مِنَ القراءةِ ظاهراً؛ روخوانی قرآن، بهتر از حفظ خواندن آن است .<sup>۶</sup>

هم ایشان می فرماید: «عَلَيْكَ بِتَلَوِّهِ الْقُرْآنِ فِي كُلِّ حَالٍ؛ بر تو باد به خواندن قرآن، در هر حال .<sup>۷</sup>

امام زین العابدین(ع) می فرماید: «لَوْ ماتَ مَنْ بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَمَا اسْتَوْحَشْتُ بَعْدَ آن يَكُونَ الْقُرْآنُ مَعِي؛ اگر تمام مردم هلاک شوند، و قرآن همراه من باشد، هرگز

۱-نهج البلاغه، فيض الاسلام، خطبه ۱۰۹.

۲-کافی، ج ۲، ص؟

۳-اصول کافی به نقل از الحیا.

۴-کافی، ج ۲، ص ۴۴۱.

۵-جامع الاخبار، مستدرک، ج ۱، ص ۱۹۲

۶-مستدرک، ج ۱، ص ۲۹۴.

۷-وسائل الشیعه، ج ۲، ص ۸۳۹.

هراس به دلم راه نمی یابد. <sup>۱</sup>

پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «الْقُرْآنُ مَادِبَةُ اللَّهِ فَتَعَلَّمُوا مِنْ مَادِبَةِ اللَّهِ ... مَا أَسْطَعْتُمْ؛ قرآن، کانون ادب آموزی پروردگار است. پس از این کانون الهی، ادب آموزید... آنچه می توانید. <sup>۲</sup>

امام صادق(ع) می فرماید: «قِرَائَةُ الْقُرْآنِ فِي الْمُصْحَفِ تُخَفَّفُ الْعَذَابُ عَنِ الْوَالِدَيْنِ وَإِنْ كَانَا كَافِرِيْنِ؛ خواندن قرآن، موجب تخفیف عذاب از پدر و مادر می شود هر چند آنان کافر باشند. <sup>۳</sup>

پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «لَا يَعْذَبُ اللَّهُ قُلْبًا وَعَيْنَ الْقُرْآنِ؛ خداوند قلبی را که جایگاه قرآن باشد، عذاب نمی کند. <sup>۴</sup>

امام صادق(ع) می فرماید: «لَقَدْ تَجَلَّى اللَّهُ ... لِخَلْقِهِ فِي كَلَامِهِ وَكَيْنَهُمْ لَا يُصْرِرُونَ؛ خداوند به وسیله کلامش (قرآن) بر خلق ظاهر شد، ولی مردم بینا نیستند. <sup>۵</sup>

پیامبر(ص) فرمود: «مَنْ لَمْ يَسْتَشْفِ بِالْقُرْآنِ فَلَا شَفَاهُ اللَّهُ؛ آن کس که با قرآن درمان نشود، خداوند شفایش ندهد. <sup>۶</sup>

امیر المؤمنین(ع) می فرماید: «عَلَيْكُمْ بِكِتابِ اللَّهِ ... مَنْ عَمِلَ بِهِ سَبَقَ؛ بر شما باد به (عمل و خواندن) کتاب پروردگار... که هر کس بدان عمل کند، پیشی می گیرد. <sup>۷</sup>

از امام صادق(ع) است که می فرماید: «إِنَّ فِي الْقُرْآنِ مَا مَاضَ وَمَا يَحْدُثُ وَمَا هُوَ

۱- کافی، ج ۲، ص ۴۴۰.

۲- مستدرک، ج ۱ ص ۲۸۷.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۴۰.

۴- طوسی، امالی، ص ۴.

۵- بحار الانوار، ج ۹۲، ص ۱۰۷.

۶- مکارم الاخلاق، ص ۴۱۸.

۷- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶.

کائن؛ حوادث گذشته، حال و آینده، در قرآن است. »<sup>۱</sup>

امام صادق(ع) می فرماید: «إِنَّ الْقُرْآنَ نَزَلَ بِالْحُزْنِ فَاقْرأْهُ بِالْحُزْنِ»؛ بدروستی که قرآن با حزن و وقار نازل شده است. پس آن را حزین بخوانید.<sup>۲</sup>

امام سجاد(ع) می. فرماید: «وَآيَاتُ الْقُرْآنِ خَزَائِنُ الْعِلْمِ فَكُلُّمَا فُتِحَتْ خَزَانَةٌ يَنْبَغِي لَكَ أَنْ تَتَطَهَّرَ مَافِيهَا؛

آیات قرآن چون گنجینه‌ها(ی علم) است. پس هرگاه گنجینه‌ای (از آن) گشوده شد برای تو شایسته است که در آن نظر افکنی (و تأمل کنی).<sup>۳</sup>

پیامبر اکرم(ص) می فرماید: «قَارِئُ الْقُرْآنِ وَالْمُسْتَمِعُ فِي الْأَجْرِ سَوَاءٌ؛ خَوَانِدَةُ قَرْآنِ وَشَنْوَانِدَةُ آنِ در پاداش یکسانند.»<sup>۴</sup>

امام صادق(ع) می فرماید: «يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ لا يَمُوتَ حَتَّى يَعْلَمَ الْقُرْآنَ أَوْ يَكُونُ فِي تَعْلِمِهِ؛ شایسته است که انسان مؤمن نمیرد تا قرآن را بیاموزد یا در حال آموختش آن باشد.»<sup>۵</sup>

پیامبر گرامی اسلام(ص) می فرماید: «مَعْلُومُ الْقُرْآنِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ حَتَّى الْحَوْتُ فِي الْبَحْرِ؛ همه موجودات حتی ماهی دریا برای معلم قرآن استغفار می کنند.»<sup>۶</sup>

نیز از پیامبر(ص) است که می فرماید: «إِنِّي لِأَعْجَبُ كَيْفَ لَا شَيْبٌ إِذَا قَرَأَتُ الْقُرْآنَ؛ در شکفتم با این که قرآن می خوانم، چرا پیر نمی شوم.»<sup>۷</sup>

۱- بصائر الدرجات، ص ۱۹۵.

۲- کافی، ج ۲، ص ۴۴۹.

۳- کافی، ج ۲، ص ۴۴۶.

۴- مستدرک، ج ۱، ص ۲۹۳.

۵- کافی، ج ۱، ص ۴۴۴.

۶- مستدرک، ج ۱، ص ۲۸۸.

۷- کافی، ج ۲، ص ۴۶۲.

